



شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان

ماهنامه فنی مهندسی شمس سال سیزدهم، شماره ۷۵ |  
نیر ماه ۱۳۹۵ | قیمت ۵۰۰۰ تومان

دکترزکان:  
دستاورد های ارزشمند بیست ساله نظام مهندسی

میراث ماندگار برای جامعه مهندسان



مهندس مهدی حق بین:

عملکرد امروز ما، ضامن موفقیت آینده

جامعه مهندسی خواهد بود



مهندس عامر بنیادی ذوق:

انتخابات سالم، آرام و در شان

جامعه مهندسی، برگزار خواهیم کرد



دکتر مظاهریان:

شورای مرکزی دوره هفتم

وظیفه سنگین بردوش خواهد داشت



تداوم اقتدار

نظام مهندسی

با برگزاری انتخابات هفتم



نوزدهمین اجلاس  
هیات عمومی  
سازمان نظام مهندسی ساختمان

زمان: ۲۶ - ۲۷ تیر ماه ۱۳۹۵

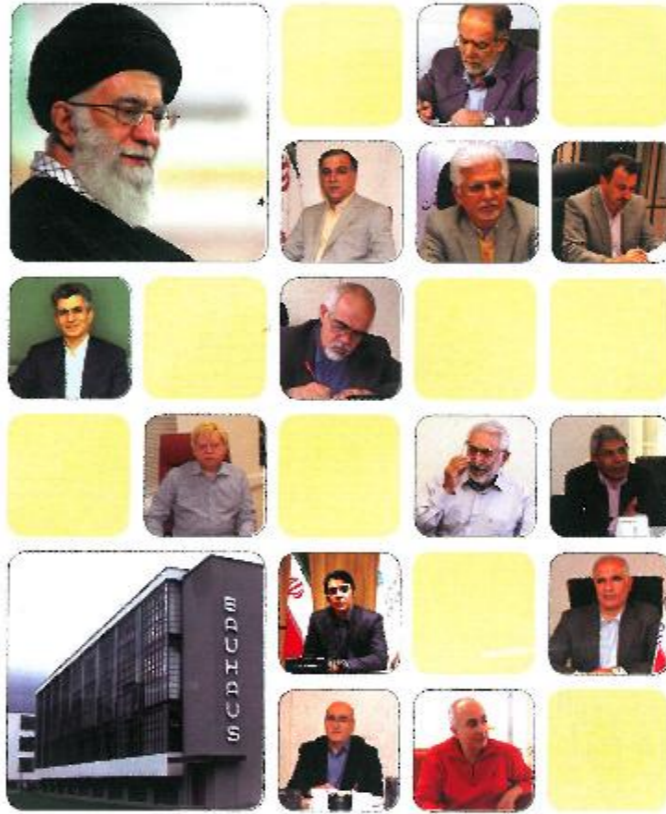
مکان: مرکز همایش‌های بین‌المللی جزیره کیش (سالن خلیج فارس)



سازمان نظام مهندسی ساختمان  
شورای مرکزی



نوزدهمین اجلاس هیات عمومی  
سازمان نظام مهندسی ساختمان



- گزیده‌ای از تومسپه‌های مقام معظم رهبری
- به‌جامانده مهندسیین / ۲۰
- در پیام دکتر ترکان به مجلس نوزدهم / ۳۰
- اصلاحات آیین‌نامه کنترل ساختمان
- مغایر با قانون است / ۴۰
- مهدی‌حق‌بین: عملکرد امروز ما، ضامن موفقیت
- آینده جامعه مهندسی خواهد بود / ۵۰
- بنیادی‌تر از انتخاباتی سالم، آرام و در شأن
- جامعه مهندسی، برگزیر خواهیم کرد / ۶۰
- مظاهر بیان: شورای مرکزی دوره هفتم
- وظیفه سنگینی بر دوش خواهد داشت / ۸۰
- مجید ولدان: نظارت عالی نظام مهندسی
- بر ۱۴ میلیون واحد مسکونی / ۹۰
- حمید بدیعی: بررسی عملکرد بیست ساله سازمان
- نظام مهندسی ساختمان / ۱۰۰
- مرتضی سیف‌زاده: مجلس نوزدهم، چالش‌ها و
- فرصت‌های پیش‌رو / ۱۲۰
- سازمانی بزرگ برای آرمان‌های بزرگ / ۱۴۰
- محمدفرشی: نظام مهندسی ساختمان دارای
- بستر اجتماعی و مردمی بسیار خوبی است / ۱۵۰
- جمال مشتاق: هویت شهری ما آشفته است / ۱۷۰
- اجلاس نوزدهم و لزوم رویکرد به آسیب‌شناسی
- قوانین / ۱۹۰
- نگاهی دیگر به فرایند رشد و بلوغ
- سازمان نظام مهندسی در بیست سال گذشته / ۲۲۰
- توسعه سازمانی در گروه‌های تخصصی / ۲۴۰
- بررسی تاریخ آموزش آکادمیک معماری
- در ایران و باهاوس / ۲۵۰
- میراث ماندگار / ۲۸۰
- چالش‌های حرفه نظارت و ناظران / ۳۲۰
- پرونده بافت‌های فرسوده / ۳۴۰
- لزوم خیزش عمومی جهت نوسازی شهری / ۳۵۰
- سعید ایزدی: بازار آفرینی شهری اقدامی جامع
- برای توسعه شهری است / ۳۶۰
- محمدی‌پشتی: لزوم توجه مهندسان به اندازه و
- مختصات محیطی / ۳۸۰
- حجت‌اله‌عاصری: لزوم ایجاد نظام پاسخگویی در
- کشور / ۴۱۰
- افتخاری: وسعت عظیم بافت‌های ناکارآمد،
- مهمترین چالش امروز شهری ما است / ۴۲۰
- علیرضا ابلقی: بازار آفرینی شهری فرستی
- برای احقاق حقوق شهروندی است / ۴۵۰
- مهدی میرفندرسکی: مسئله حلقه‌نشینی بی
- هویتی است / ۴۸۰
- شیرزادیزدانی: مردم، قانون و نهاد های
- عمومی دولتی / ۵۰۰
- محمدجواد عرفانیان: عده‌مهار بافت فرسوده
- ارگانیزه شهر را نابود می‌کند / ۵۲۰
- محسن غیائی‌نیا: ضرورت برقراردن متفقی با پناها و
- محلات قدیمی / ۵۴۰
- مقدمه‌ای بر نظریات فیت‌های تاب‌آوری شهری برای
- جهان در حال دگرگونی / ۵۵۰
- نسان متعالی (خلاق) و معیارهای تاب‌آوری
- ساختار فضایی و کالبدی شهرها / ۵۸۰
- معرفی برنامه‌های اصلاح‌مجدد زمین (L3) به‌عنوان ابزار
- مدیریت توسعه در بافت‌های فرسوده شهری / ۶۴۰
- نگاهی به روند نوسازی بافت‌های شهری شیراز
- در دوره‌های مختلف / ۶۶۰



شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان  
ماهنامه فنی مهندسی شمس سال سیزدهم، شماره ۱۰۷  
تیر ماه ۱۳۹۵ - قیمت ۵۰۰ تومان

صاحب امتیاز:

شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور

زیر نظر هیئت تحریریه

سردبیر:

سعید الله بداشتی

مدیر اجرایی:

حسین میارستمی

گرافیک و صفحه‌آرایی:

حسام‌الدین محبوب

همکاران این شماره:

مهندسید معراجی، حسین عبادالله، نغمه تعالی منش

دبیر علمی بخش بافت‌های فرسوده:

دنیا عباسی کسبلی

عکس پشت جلد: بافت شهر بیرجند از جاسم غضناتیپور

یادآور می‌شود: علاقمندان می‌توانند مقالات خود را از طریق  
پست الکترونیک به [shamsmagazine@irceo.net](mailto:shamsmagazine@irceo.net)  
تحریریه ماهنامه ارسال نمایند.

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان شهید خدایی، خیابان نک  
شمالی، پلاک ۱، سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور  
صندوق پستی: ۵۸۸-۱۹۹۲۵

تلفن و نمابر: ۸۸۸۷۰۷۰۲

تلفن اشتراک: ۸۸۸۷۷۷۱۲

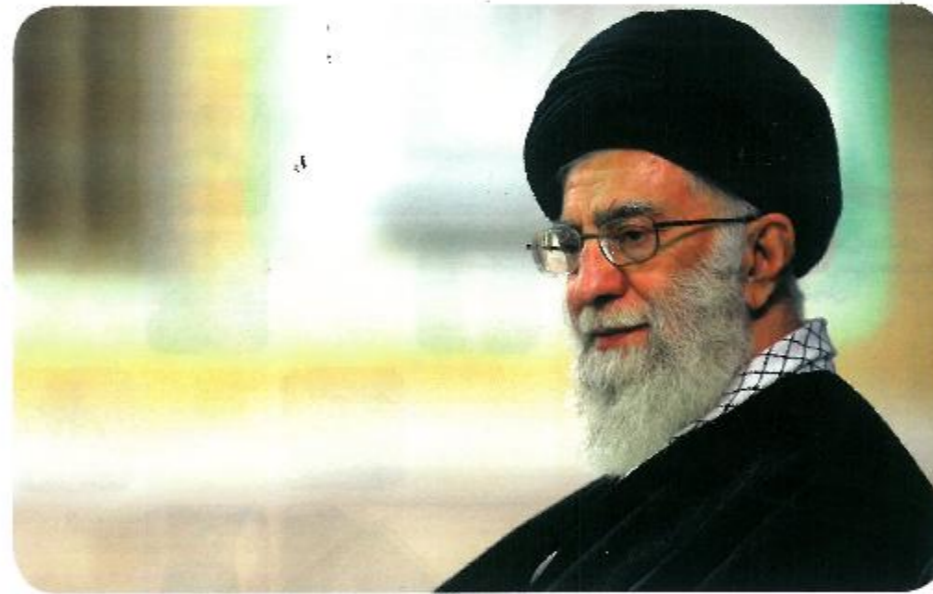
وب سایت: [www.irceo.net](http://www.irceo.net)

پست الکترونیک: [shamsmagazine@irceo.net](mailto:shamsmagazine@irceo.net)

سامانه پیامک: ۲۰۰۰۹۷۱۰۵

چاپ مقالات در «شمس» به معنای تأیید مطالب نبوده و  
مسئولیت مندرجات هر مقاله یا نویسنده آن است.

علاقمندان می‌توانند جهت اشتراک در نشریه شمس به آدرس  
[www.irceo.net](http://www.irceo.net) مراجعه نمایند.



## گزیده‌ای از توصیه‌های مقام معظم رهبری به جامعه مهندسين

مداتن بگیریید تا بناهای عظیم دوران اسلامی و دوره‌های مختلف دیگر، که با معماری‌های مختلف ساخته شده‌اند، اما همه با شاخص استحکام، زیبایی، مصالح خوب، تناسب با محیط و مطمئناً صرفه جویی، همین اصولی که شماها در مهندسی ساختمان در نظر می‌گیرید... این آجرها در دوره‌ی زندگی ما تبدیل شد به آجرهای پوک منجوسی که دیده‌اید. دوره‌ی انحطاط همین است، همه چیز روی همه چیز اثر می‌گذارد.

این که انسان وارد خیابانی شود و همه بناها با انحنایها و شکل‌های مناسب و ترکیب‌های زیبا و چشم‌نواز و دنواز در مقابل او جلوه کنند، این کجا و این که انسان وارد خیابانی شود و ساختمان‌های ناهاهنگ، ناجور و تحمیل بر زمین و بر محیط طبیعی، جلوی چشم او جلوه کنند، کجا؟ این‌ها با هم تفاوت می‌کنند. داخل خانه‌ها و درون محیط‌های عمومی هم همین طور. زیبایی، اصل خیلی مهمی در بناست. رعایت شاخص‌های بومی و به خصوص شاخص‌های اسلامی در شهرسازی و خانه‌سازی بسیار مهم است.

خدمات متنوع در شهرها و روستاها از جمله ساختمان سازی، احداث خیابان‌ها، نامگذاری‌ها و زیبا سازی‌ها باید ضمن همخوانی با پیشرفت‌های روز، با معماری ایرانی، اعتقادات دینی، بافت اجتماعی و شرایط آب و هوایی هر منطقه نیز متناسب باشند.

نظام مهندسی کشور باید ضوابط و مقررات را به صحنه عمل بیاورد و مهندسين ناظر بطور جدی بر ساخت ساختمان‌ها نظارت داشته باشند و ترمیم بافت‌های فرسوده شهرها و روستاها در اولویت کاری دستگاه‌های مسئول قرار گیرد.

ساختمان‌های شهری و روستایی کشور باید به گونه‌ای طراحی و ساخته شوند که استحکام، زیبایی، تناسب با محیط، صرفه جویی و رعایت شاخص‌های بومی و اسلامی در آنها لحاظ شود.

مصالح نو و مدرن به میدان آمد، اما دقت در ساخت مصالح و استفاده‌ی از مصالح کم شد. تناسب با محیط که در ساختمان سازی قدیمی ما رعایت می‌شد، کم شد... نگذارید این‌ها مورد غفلت قرار بگیرد، یعنی واقعا یک مهندس محاسب یا یک مهندس ناظر، خودش را مسئول بداند... همه باید خودشان را مسئول بدانند. زیبایی یک چیز تجملاتی نیست. نه! زیبایی یکی از لوازم زندگی انسان است، زندگی را آسان و شیرین می‌کند.

مسائل مهندسی ساختمان و شهرسازی و خانه‌سازی و امثال اینها... بسیار مهم است. ما نباید وقتی زلزله می‌آید به فکر بیفتیم، ما باید از گذشته‌ها عبرت بگیریم. این حوادث به ما چه می‌گوید؟ می‌گوید ما باید به مسأله‌ی بنا و ساخت محیط‌های مسکونی اهمیت بدیم. در دوره‌های قدیم، از بنای تخت جمشید و ایوان



در پیام دکتر ترکان به اجلاس نوزدهم عنوان شد:

## دستاورد های ارزشمند بیست ساله نظام مهندسی میراثی ماندگار برای جامعه مهندسان

است و در کنار آن کسب جایگاه ارزشمند اجتماعی که به واسطه رشد اخلاق حرفه‌ای در بین مهندسان، در جامعه به دست آمده است. امروز جمعیت ۴۰۰ هزار نفری مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان ظرفیت بزرگی از علم و فناوری را در این سازمان پدید آورده اند که از ظرفیت طراحی و نظارت بر ساخت و ساز مسکن در جغرافیای ایران فراتر است و آمادگی دارد در سایر حوزه‌های صنعت ساختمان و دیگر طرح‌های عمرانی کشور و صادرات خدمات فنی و مهندسی، ایفای نقش نماید که باید در این مسیر، بازبینی و توسعه مبحث دوم مقررات ملی ساختمان مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی سبک کردن بار مسئولیت دولت از امور تصدی‌گری و اجرایی کشور بوده و افزایش مسئولیت سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها و نتیجه برون سپاری ارائه خدمات، کوچک و چابک کردن دولت در محدوده سیاست‌گذاری و واگذاری امور اجرایی به مردم و سازمان‌های مردم نهاد خواهد بود. نوزدهمین اجلاس هیات عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور در حالی برگزار می‌شود که دستاوردهای ارزشمندی را در طول حیات بیست ساله، چون میراثی ماندگار برای جامعه مهندسان به یادگار می‌گذارد. مطمئناً با تمامی کوشش‌های انجام شده و با حمایت هیات مدیره‌های دوره هفتم سازمان نظام مهندسی ساختمان این دوره از اجلاس هیات عمومی نیز در شرایط مطلوبی برگزار خواهد شد و با انتخاب اعضای محترم شورای مرکزی دوره هفتم سازمان نظام مهندسی ساختمان در مسیر رسیدن به اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران و ذکر شده در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان در حوزه امور زیر بنایی و اقتصادی کشور موثرتر و مستحکم‌تر گام بر خواهد داشت.

والسلام  
اکبر ترکان  
رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان

درد بیکران خود را سه روح پرفسوح بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و مهندسان شهید و پیشکوهستان مهندسی ایران اسلامی تقدیم می‌کنم و خداوند بزرگ را شاکرم که نوزدهمین اجلاس هیات عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان در صداست ناچکیده ای از دانش و علم و هنر مهندسان این سرزمین را ارائه نماید.

مسکن اصلی ترین و در اکثر موارد تنها پس انداز خانواده‌های ایرانی است و بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی، جمعیت صاحب مسکن در شهرهای بزرگ به ۶۴٫۴ درصد رسیده است و همانگونه که در مقدمه قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان نیز ذکر شده، سازمان نظام مهندسی ساختمان را مکلف به صیانت از تنها دارایی ارزشمند خانوارهای ایرانی می‌کند.

در طی تاریخچه تاسیس سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان این سازمان‌ها موفق شده‌اند با رعایت و اجرای مقررات ملی ساختمان، حداقل چهارده میلیون واحد مسکونی را با کیفیتی قابل قبول و متفاوت از گذشته به مصرف کنندگان تقدیم کنند لذا لازم است منتخبان مهندسان کشور یا برنامه ریزی صحیح، رعایت اصول و هویت بخشی به معماری و شهرسازی، صرفه جویی مصرف انرژی در ساختمان، بالا بردن عمر مفید ساختمان‌ها، استحکام بنا، استفاده از مصالح استاندارد را که از دست آوردهای بیست ساله سازمان نظام مهندسی ساختمان است را مورد توجه و تأکید خود قرار دهند تا این صنعت مهم کشور در شرایط مناسب به فعالیت ادامه داده و ایمنی، سلامت، بهداشت، رفاه، آسایش و صرفه اقتصادی را برای شهروندان به ارمغان بیاورد.

بقیة شرایط امروز حاکی از قرارگیری در مسیر حقیقی رشد و تکامل سازمانی و تعالی صحت بوده که در برنامه‌های سازمان مورد توجه قرار گرفته

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان در دیدار با صاحب رسانه:

## اصلاحات آیین نامه کنترل ساختمان مغایر با قانون است

به گزارش روابط عمومی شورای مرکزی، اکبر ترکان رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان در نشستی با خبرنگاران که با محوریت فعالیت‌های سازمان نظام مهندسی ساختمان در بیست ساله گذشته و برگزاری نوزدهمین اجلاس هیات عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان برگزار شد، به سوالات آنان پاسخ داد.

وی در پاسخ به سوالی که چرا دانشجویان کارشناسی ناپوسته معماری و عمران و نمی‌توانند پروانه اشتغال بگیرند؟ افزود: شرط گرفتن پروانه در قانون آمده که باید تحصیلات مرتبط باشد و در هفت رشته اصلی در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان به صراحت به آن اشاره شده است. بدین منظور و برای بررسی رشته‌های مرتبط با این هفت رشته، کمیته ارزیابی ایجاد شده است که وزارت آموزش عالی باید در این کمیته مشارکت داشته باشد و موضوع تطبیق رشته‌های خارج از این رشته‌های ۷ گانه مورد بررسی قرار بگیرد.

وی در پاسخ به سوال دیگری در خصوص نقش شهرداری در اصلاح آیین نامه قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان گفت: از شهرداری تهران علامتی ندیدم که در مسیر حذف یا انحلال سازمان نظام مهندسی قدم بردارد لذا آنها به دنبال این هستند که کمک سازمان‌های

نظام مهندسی را در کنار خود ببینند. ترکان در خصوص تشریح جایگاه مهندسان ناظر گفت: مهندسان ناظر دو نوع نظارت دارند: یکی نظارت بر مقررات بالادستی است و دیگری هم نظارت بر منافع صاحب ملک است اما در این بین سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها نیز نظارت مضاعفی را نیز به صورت رندوم برای اجرای حسن انجام کار در شهرهای مختلف انجام می‌دهد. البته مهندسانی نیز بوده‌اند که بدون حضور در ساختمان گزارشات دوره‌ای خود را ارائه کرده‌اند که این مسئله بسیار نادر است و شورای انتظامی سازمان وفق ماده ۹۰ و ۹۱ قانون نظام مهندسی با این تخلفات برخورد می‌کند.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان با تأکید بر این که با آیین نامه کنترل ساختمان مخالف هستیم، گفت: این آیین نامه را وزارت راه و شهرسازی تهیه و به دولت ارائه کرده و البته نظرات کارشناسی و تخصصی کمیته‌های مختلف در استان‌ها اخذ شده و به کمیته فنی بررسی اصلاح آیین نامه ارسال شده است اما در نهایت هیات وزیران خواهد بود که در خصوص آن تصمیم می‌گیرد.

دکتر ترکان بر این که مدافع و پیشنهاد دهنده این آیین نامه نیستیم تأکید و اعلام کرد: آیین نامه کنترل ساختمان را وزارت راه و

شهرسازی تهیه و پیش نویس آن را به هیئت وزیران داده است. هیئت وزیران نیز آن را به کمیسیون زیربنایی کمیته فنی ارجاع داده که در حال بحث است و سازمان نظام مهندسی ساختمان با پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی به دلایلی از جمله حذف نقش سازمان‌های نظام مهندسی در کنترل نقشه و حذف سازمان‌های نظام مهندسی از چرخه تعیین ناظر برای پروژه‌های ساختمانی، مخالف است چرا که قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مثل قانون یک اتحادیه صنفی نیست بلکه کنترل ساختمان بخشی از قانون نظام مهندسی است.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان با اذعان به اینکه در اخلاق حرفه‌ای با وزیر راه اختلافی نداریم در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که به جز خط مشی ۱۷ گانه شورای مرکزی نظام مهندسی چه دستاورد دیگری داشته است، گفت: عملکرد سه ساله راه سه ساله در هیات عمومی گزارش دادیم و پس از گزارش عملکرد به هیات عمومی در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت.

وی در توسعه فضای فعالیت مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان تشریح کرد: سیاست‌های مسکن در اختیار سازمان نظام مهندسی نیست و لازم است در ادامه کار نقش این سازمان را در پروژه‌های ساخت و ساز صنعتی و غیر مسکونی پررنگ تر دید چرا که میزان ساخت و ساز کشور بسیار کمتر از ظرفیت مهندسان کشور است و برای توسعه فعالیت‌های مهندسی باید جایگاه‌های دیگری را نیز مدنظر داشت.

دکتر ترکان در بیان نظرات خود در خصوص مسکن مهر نیز اشاره نمود: امروز بگوییم مسکن مهر مزخرف است پاسخ مطالبات مردم نیست و درست است که مبانی مسکن مهر اشتباه بوده ولی جواب مردم این نیست و مردم خانه‌هایشان را می‌خواهند لذا مسکن مهر به هر نحو می‌بایست به پایان برسد. اما کاش برای مسکن مهر زمین گران می‌خریدند تا امروز در زمین ارزان به فکر زیرساخت‌های اصلی نبودیم.



مهندس مهدی حق بین:

## عملگر دایر روز ما، ضامن موفقیت آینده جامعه مهندسی خواهد بود

[مهشید معراجی]



اجلاس نوزدهم شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان در تیرماه سال جاری، آغازی بر یک مقطع زمانی حساس در سازمان نظام مهندسی ساختمان تعبیر می‌شود. دبیر اجرایی شورای مرکزی در گفت و گو با شمس بایبان این مطلب افزود: «از مهمترین دلایل حساسیت این مقطع میتوان به پایان برنامه پنجم توسعه و ارزیابی میزان موفقیت بخش مسکن و مدیریت ساخت و ساز کشور در سازمان نظام مهندسی ساختمان در دوره گذشته و بررسی مهمترین نقاط ضعف و قوت آن، انتخابات دوره جدید شورای مرکزی و شروع فعالیت مدیریت جدید، نام برد.»

مهندس حق بین با تاکید بر اینکه تغییر نگرش و مطالبات بخش سیاستگذاری و نظارتی از بخش ساختمان با عنایت به پتانسیل‌های موجود در آن اعم از مجلس شورای اسلامی و پانهادهای دیگر بر نامه ریزی و نظارتی چون سازمان نظام مهندسی ساختمان می‌تواند در تأمین زیر ساخت‌های اساسی عمومی کشور موثر باشد انتخابات شورای مرکزی در دوره هفتم را بسیار مهم عنوان کرد و افزود: با اتفاقاتی که در صحنه سیاسی کشور رخ داد و در دوران پسا تحریم، فرصت‌های بی شماری برای اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان فراهم آمده لذا برای استفاده از این فرصت‌ها و با توجه به اینکه مدت زیادی از صحنه‌های جدی رقابت، در میادین بین‌المللی به دور بوده ایم سازمان نظام مهندسی ساختمان در این برهه حساس و وظیفه همگام شدن با این تغییرات و دفاع از مهندسان عضو خود و جامعه بزرگ علمی کشور در حوزه مهندسی را بعنوان یک تشکل بخش خصوصی به عهده دارد.

وی اظهار کرد: حال که قوانین و ضوابط و دستور العمل‌های اجرایی متعدد در دست تدوین و با اصلاح و بازنگری است حضور یک سازمان غیر انتفاعی و با پشتوانه قوی کارشناسی و با تکیه بر بیش از چهار صد هزار نفر از اعضای صاحب دانش و تجربه خود در بخش‌های مختلفی می‌تواند حضور موثر و مفیدی در کمیسیون‌ها و کارگروه‌ها و کمیته‌های مختلف داشته و توسعه متوازن بخش ساختمان را تضمین نماید. حق بین گفت: جلوگیری از تجربه تلخ آزمون

حق بین در ادامه سخنان خود رکود حاکم بر بازار مسکن را یادآور شده و تأکید کرد: در شرایط کنونی همه بر این امر واقف‌اند که رکود بر بازار مسکن سایه انداخته است و تداوم روند موجود و انحصار فعالیت سازمان در قالب توزیع سهمیه و نظارتی جوابگوی این هجمه از اعضا نیست.

وی متذکر شد: به لطف وجود این همه اعضا از تخصص‌های مختلف فنی و مهندسی در سازمان نظام مهندسی ساختمان، هیچ تشکل صنفی در کشور قابل مقایسه با این سازمان نیست و ما پتانسیل عظیمی به نام قشر تحصیل کرده و فرهیخته مهندس داریم؛ لذا چه خوب است که به

جای محدود کردن فعالیت‌ها بمان به صورت تک محوری، این نیروی کارآمد را طبق بند ۱۰ ماده ۲ قانون نظام مهندسی به سوی مشارکت حرفه‌ای در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه و آبادانی کشور سوق دهیم. دبیر اجرایی شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان اذعان کرد: همانطور که رهبر معظم انقلاب در دیدار با جامعه مهندسی بیان فرمودند «صدور خدمات مهندسی یکی از شرایط برون رفت از مشکلات بیکاری جوانان تحصیل کرده و عضو نظام است»، این امر محقق نخواهد شد مگر با تعامل با سازمان‌های سایر استان‌ها و شرکت‌های ساختمانی درون و برون مرزی و تعامل با ارگان‌ها و ادارات ذینفع در طرح‌های عمرانی.

و خطا در طرح‌ها و پروژه‌ها و یا تصویب قوانین واحکام دست و پاگیر که ورود و سرمایه گذاری برای بخش خصوصی را در بخش ساخت و ساز کشور بیش از این سخت و بی انگیزه نماید از وظایف جدی این سازمان است.

وی در پایان اعلام کرد: آنچه که تحت سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و احکام برنامه ششم باهدف برون سپاری فعالیت‌های دولتی و کاستن از حجم امور اجرایی دولت و مهندسی کردن فرآیند تولید که اقتصادی نمودن تولید در بخش مسکن را در پی دارد باید بطور مداوم در دستور پیگیری این سازمان باشد.

حق بین ضمن تشریح اهداف کلی تشکیل سازمان نظام مهندسی ساختمان، گفت: سازمان نظام مهندسی استان‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل و غیر انتفاعی بوده که تابع قوانین و مقررات عمومی حاکم بر مؤسسات غیر انتفاعی است.

عضو شورای مرکزی با برشمردن پتانسیل‌های موجود از سازمان نظام مهندسی ساختمان به عنوان یک تشکل صنفی تخصصی یاد کرد و افزود: طبق قانون نظام مهندسی و برابر ماده ۴۱ آیین نامه اجرایی قانون هدف از تشکیل این سازمان تأمین مشارکت و تنظیم امور حرفه‌ای مهندسان و تحقق اهداف قانون در سطح کشور می‌باشد. جلب مشارکت حرفه‌ای مهندسان و صنوف ساختمانی برای برون رفت از اهداف تک محوری

مهندس علی بنیادی نژاد:

## انتخاباتی سالم، آرام و در شأن جامعه مهندسی، برگزار خواهیم کرد

[حسین مبارز ستمی]

اهمیت این دوره از اجلاس هیأت عمومی، در کنار رویه معمول سال‌های اخیر، برگزاری انتخابات شورای مرکزی دوره هفتم است که صحنه رقابت اعضای هیأت مدیره استان‌ها و ائتلاف‌های مختلف عرصه مهندسی خواهد بود که بیش از پیش نگاه جامعه مهندسی را به این رویداد معطوف کرده است. به منظور بررسی اقدامات اجرایی و عملیات صورت گرفته برای برگزاری سالم و رقابتی هفتمین دوره انتخابات شورای مرکزی، گفت و گویی را با مهندس علی بنیادی نژاد انجام داده ایم. بنیادی نژاد رئیس هیأت اجرایی انتخابات دوره هفتم که تجربه برگزاری ۳ دوره انتخابات شورای مرکزی، ۳ سال عضویت در هیأت رئیسه شورای مرکزی و ۷ سال عضویت و ۲ سال ریاست شورای انتظامی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد. مشروح این گفت و گو پیش روی شماست.



❖ جناب آقای مهندس بنیادی نژاد، به نظر شما هفتمین دوره انتخابات شورای مرکزی چه وجه تمایز و تفاوتی با انتخابات‌های گذشته شورای مرکزی دارد؟

وجه تمایز روشن این دوره از انتخابات، درصد بالای اعضای جدید هیأت عمومی است که برای اولین بار عضو هیأت عمومی هستند و به همین دلیل بیش از ۷۰ درصد از دوطلبین عضویت در شورای مرکزی اولین دوره عضویت

خویش در هیأت مدیره را تجربه می‌کنند.

❖ چه تعداد کاندیدای این دوره از انتخابات شده‌اند و چه تعداد تأیید صلاحیت شده‌اند؟

در مجموع ۱۱۸ نفر طبق روال قانونی ثبت نام کرده که ۱۱۷ نفر تأیید صلاحیت شدند و اسامی آنها در موعد مقرر قانونی اعلام گردید. لیکن ظرف چند روز گذشته تعداد ۱۴ نفر انصراف داده‌اند و هم‌اکنون تعداد ۱۰۳ نفر به

عنوان داوطلب عضویت در شورای مرکزی در رقابت انتخابات باقی مانده‌اند.

❖ پروسه و نحوه رأی‌گیری و همچنین شمارش آراء به چه صورت است؟

رأی‌گیری کامپیوتری است، نرم افزار انتخابات بر اساس مفاد قانون و آئین‌نامه و نظام‌نامه انتخابات مصوب هیأت عمومی هیجدهم (۱۳۹۴) به روز شده است، این برنامه در دوره



## اخلاق حرفه‌ای فرا تر از مسئولیت

مهشید معراجی

جانی و مالی مردم می‌دانند. از مهم‌ترین اصول اساسی که در اغلب اسناد و مباحث مربوط به اخلاق حرفه‌ای علمی مورد تأیید قرار می‌گیرد، رعایت عینیت‌گرایی و بی‌طرفی است. مهندسی که اخلاق حرفه‌ای را در زندگی شغلی‌اش به کار می‌گیرد، نباید جانب‌داری غیرعقلانی نسبت به منبعی که دارای صفات غیر اخلاقی است نشان دهد.

نکته دیگر آن است که معنای اخلاق حرفه‌ای با عبور از مفهوم معیشتی آن به عرصه ظهور می‌رسد. زمانی که مهندسان در فعالیت و کسب و کار حرفه‌ای خود از سطح گذران زندگی مادی فراتر می‌آیند، احساس کار آبی،



اثر بخشی و احساس خدمت به مردم و مفید واقع شدن خواهند داشت و این مسئله در اعتلای مهندسی در کشور بسیار اثر گذار خواهد بود. سازمان نظام مهندسی ساختمان در دو دهه فعالیت خود همواره به این نکته توجه داشته و نمود آن را می‌توان در تاکیداتی مشاهده کرد که در قطعنامه‌های پایانی اجلاس هیات عمومی در هجده دوره گذشته به عنوان بند مجزا ذکر شده و لزوم توجه و برنامه‌ریزی در جهت نهادینه کردن آن به حوزه‌های مدیریت این سازمان در ادوار مختلف گوشزد شده است.

اخلاق حرفه‌ای نامی آشنا و همواره اصطلاحی عمیق، پر محتوا اما مسئولیت بر انگیز تعبیر می‌شود. آنچه مسلم است تا زمانی که در جامعه‌ای و در تمام سطوح فعالیت‌های آن، کارها بر مبنای اخلاق پیش نرود، سرنوشت خوبی برای آن پیش بینی نمی‌شود و با قاطعیت می‌توان گفت: اخلاق، بنیان و ریشه ماندگاری و مقبولیت است.

### عوامل پایه‌ای اخلاق حرفه‌ای در سازمان نظام مهندسی ساختمان

جامعه مهندسی کشور در حوزه صنعت ساختمان به دلیل آنکه با سرمایه‌های ملی و امنیت جانی شهروندان روبروست در پایبندی به اخلاق حرفه‌ای مبرامی باشد و اگر اخلاق از حیطه وظایف مهندسی خارج شود، آسیب‌های جبران ناپذیری به افکار عمومی و همچنین زیر ساخت‌های اصولی، زیر بنایی و اقتصادی جامعه وارد خواهد شد.

مهندسان در حین استقلال حرفه‌ای و اخلاق علمی باید توجه داشته باشند که این عامل در هر نظام حرفه‌ای دیگری نیز همانند حرفه مهندسی، باید منعکس کننده هنجارهای درونی حرفه و احساس تعهد اخلاقی از سوی خود حرفه‌ای‌ها و سازمان نظام مهندسی ساختمان باشد، نه آنکه در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی به آنها تحمیل و یا گوشزد شود.

باید توجه داشت که پایه و اساس اخلاق، خودفهمی حرفه‌ای است. مهندسان تنها با فهم از کار و فعالیت حرفه‌ای خود، فلسفه آن و نسبتش با زندگی مردم است که به درک اخلاقی از آن نائل می‌آیند و در نتیجه، در مناسبات خود با طبیعت و جهان پیرامون خود، نوعی احساس درونی از تعهد به آن ارزش‌ها پیدا می‌کنند و خود را موظف به صیانت از سرمایه‌های

های پنجم و ششم نیز اجرا شده و در این دوره به روز شده است. اعلام نتایج نیز کامپیوتری است لیکن یک صندوق پشتیبان نیز وجود دارد که در صورت اعتراض داوطلبین به نتایج، باز شماری از این طریق نیز انجام می‌شود.

### چه اقدامات و تمهیداتی در هیات اجرایی انتخابات در جهت برگزاری انتخابات سالم و رقابتی صورت گرفته است؟

اعضای هیات اجرایی با تجربه دو دوره اخیر انتخابات شورای مرکزی (دوره‌های پنجم و ششم) و با پشتوانه سایر تجارب مدیریتی و حرفه‌ای خویش تمام مراحل طراحی نرم افزار، ثبت نام، تهیه کتابچه انتخابات، برگزاری انتخابات و سایر فرآیندهای انتخابات را در کمال صحت و سلامت دنبال کرده و انشاء... نهایتاً انتخاباتی سالم، آرام و در شأن جامعه مهندسی را در روز ۱۳۹۵/۰۴/۲۶ برگزار خواهد نمود.

### نحوه تبلیغات کاندیدا در اجلاس هیات عمومی به چه صورت است و آیا خط قرمزی تعریف شده است؟

با عنایت به اینکه نظامنامه‌ای در این خصوص تهیه نشده است، هیات اجرایی معتقد است که در چارچوب اصول حرفه‌ای و اخلاقی، تبلیغات داوطلبین متناسب با شأن و منزلت جامعه مهندسی آزاد است، لیکن داوطلبین محترم بایستی خطوط قرمز اخلاقی حرفه‌ای را رعایت و از تخریب سایر داوطلبین خودداری نمایند.

### انتظار جنابعالی از کاندیدا و در نهایت منتخبین دوره هفتم شورای مرکزی چیست؟

برای همه عزیزان داوطلب آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم که در نهایت هیات عمومی، افراد شایسته تری را از بین همه شایستگان داوطلب، انتخاب نمایند و انشاء... منتخبین هم دغدغه جامعه مهندسی و عمران و آبادانی کشور عزیزمان را داشته باشند و منافع ملی و منافع جامعه را بر منافع شخصی خویش ترجیح دهند و برای اعتلای حرفه مهندسی وقت گذاشته و تلاش نمایند.

دکتر مظاهریان:

## شورای مرکزی دوره‌ی هفتم وظیفه سنگینی بر دوش خواهد داشت

[دنیایبازی کسی]

دکتر حامد مظاهریان معاون وزیر راه و شهرسازی در آستانه برگزاری نوزدهمین اجلاس هیات عمومی و هفتمین دوره انتخابات شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان به تفاوت شورای دوره هفتم نسبت به شوراهای تشکیل شده در دوره‌های قبل اشاره کرد و اظهار داشت: شورای مرکزی دوره هفتم که پس از انتخابات سال گذشته و تشکیل هیات مدیره‌های استانی جدید شکل خواهد گرفت، در واقع باید بازتابی از تحولات و اندیشه‌ی اعضای سازمان‌های نظام مهندسی استان‌های سراسر کشور باشد.

حال با توجه به شرایط کنونی سازمان نظام مهندسی ساختمان و مسائل حاشیه‌ای موجود در پیرامون صنعت ساختمان به نظر می‌رسد شورای مرکزی دوره‌ی هفتم وظیفه سنگینی را بر دوش دارد زیرا تغییرات گسترده‌ای را که سال‌ها اعضای سازمان نظام مهندسی و بهره‌برداران و نیز دست‌اندرکاران صنعت ساختمان انتظار آن را

می‌کشند امکان تحقق خواهد یافت. این تغییرات با هدف افزایش کیفیت خدمات مهندسی و در پی آن رضایت مردم و گسترش شأن سازمان نظام مهندسی ساختمان و جامعه مهندسیین اکنون به یک خواسته‌ی عمومی تبدیل شده است.

وی در ادامه به مهمترین انتظاری که می‌توان از اعضای شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی دوره هفتم برای تحقق اهداف قانون نظام مهندسی ساختمان داشت اشاره کرد و گفت: متأسفانه بخش‌های متعددی از قانون نظام مهندسی ساختمان عملیاتی نشده و بر زمین مانده است لذا به نظر می‌رسد دوره هفتم اکنون باید مطالبه‌گر برای رسیدگی به این اهداف عالی‌ه‌ای که

قانون گذار برای مهندسیین مشخص و تعیین کرده باشد. شخصاً فکر می‌کنم که شورای مرکزی دوره هفتم باید پاسخگوی بخش مهمی از این خواسته‌ها باشد.

در پایان معاون وزیر راه و شهرسازی به چگونگی انتخاب اعضای شورای دوره هفتم از سوی وزارت راه و شهرسازی پرداخت و اظهار داشت: براساس قانون نظام مهندسی ساختمان نهایتاً اعضای شورای مرکزی از سوی وزیر راه و شهرسازی انتخاب می‌شوند که اصولاً ابهامی وجود دارد که نحوه این انتخاب چگونه است؟ باید گفت که نحوه انتخاب اعضاء از سوی وزیر راه و شهرسازی رفع ابهام خواهد شد به نحوی که هیات عمومی ۶۴ نفر را به ترتیب اکثریت آرا در رشته‌های هفتگانه، با قید اصلی و علی‌البدل معرفی خواهد نمود.

۲۵ نفر اعضای اصلی شورای مرکزی از بین ۵۰ نفر دارای اولویت اول انتخاب شده و اعضای علی‌البدل از بین باقی ۶۴ نفر معرفی شده تعیین خواهد شد.



مهندس مجید ولدان تشریح کرد:

## نظارت عالی‌ه نظام مهندسی بر ۱۴ میلیون واحد مسکونی

[حسین میار سفلی]



سازمان نظام مهندسی ساختمان، یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های خود یعنی نوزدهمین اجلاس شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان را برگزار می‌کند. در این اجلاس بزرگ سالانه، مهم‌ترین مسائل مرتبط با گزارش عملکرد شورای مرکزی و تصویب نظام‌نامه‌های داخلی مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت. به همین منظور شمس گفت و گویی با مهندس مجید ولدان عضو هیات رئیسه شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان انجام داد که در ادامه می‌خوانیم:

♦ آقای مهندس، دستاوردهای سازمان نظام مهندسی در بیست سال گذشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

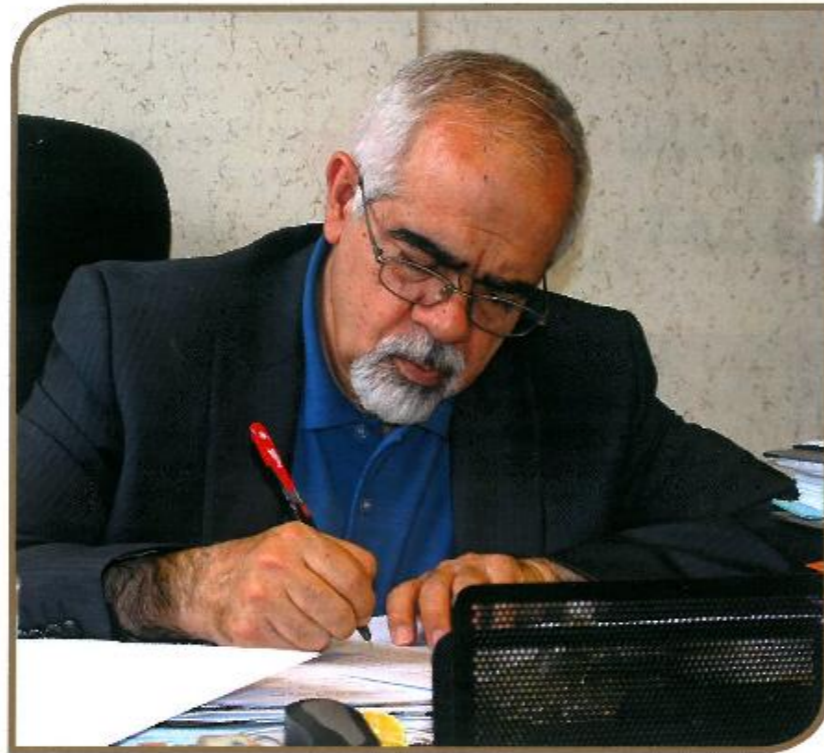
سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان استان‌ها ظرف ۲۰ سال گذشته نظارت عالی‌ه بر ساخت بیش از ۱۴ میلیون واحد مسکونی را به عهده داشته‌اند که در آغاز دهه سوم حیات نظام مهندسی ساختمان دستاورد مهمی بشمار می‌رود. این سازمان‌ها بخش عمده‌ای از وظایف قانونی دولت در قانون نظام مهندسی ساختمان را بدون تحمیل هیچ هزینه‌ای به سرانجام رسانده و حداقل بعد از ۲۰ سال می‌توان ادعا کرد که سازهایی که در این مدت اجرا شده دارای استحکام کافی می‌باشد. زلزله‌های رخ داده ظرف یک دهه گذشته و مقایسه میزان تلفات در این حوادث این ادعا را ثابت می‌کند هر چند تارسیدن به ایده‌آل نهایی راه زیادی در پیش داریم. اما باید بپذیریم که با توجه به عمر کم این نهاد حرفه‌ای و صنفی نسبت به بقیه نهادهای حرفه‌ای کشور در این مدت تأثیرگذاری مناسبی داشته است و مهمترین موضوع اینکه سازمان‌های نظام مهندسی مثل هر نهاد مدنی دیگر ضربه گیر حاکمیت و کمک همکار دولت هستند. عضویت بیش از ۴۰۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه در رشته‌های مهندسی مرتبط با صنعت ساختمان در سازمان‌های نظام مهندسی که متأسفانه بخش عمده‌ای از آنها بیکار می‌باشند، این فرصت مناسب را در اختیار سیاستگذاران کلان کشور می‌گذارد که با همکاری سازمان‌های نظام مهندسی امکان آموزش حرفه‌ای این فارغ‌التحصیلان و در نهایت ایجاد اشتغال در جهت توسعه کشور را برنامهریزی نمود.

♦ آیا تجدیدنظر در وظایف سازمان‌ها و اصلاح آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های ذیربط با این وظایف را ضروری می‌دانید؟

بدیهی است بعد از گذشت بیش از یک دهه از ابلاغ ترتیبات اداری که براساس آن وظایف سازمان‌های نظام مهندسی تعیین شده و براساس نقاط ضعف و قوتی که از اجرای آنها دیده شده باید اصلاح لازم صورت گیرد و طبیعی است که در مسیر اصلاح، قبل از هر اقدام مشابه دیگری باید در فضای تقابل و گفت‌وگویی مابین سازمان‌های نظام مهندسی و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با اجرای وظایف این سازمان‌ها تجدیدنظر

لازم در تهیه شیوه‌نامه‌ها و ترتیبات اجرایی جدید صورت گیرد. پافشاری بر مواضع هر کدام از این بخش‌ها قطعاً مفید قایده نبوده و جامعه را از فواید خدمات سازمان نظام مهندسی محروم کرده و نقطه ضعف‌های سازمان‌های نظام مهندسی نیز بر طرف نخواهد شد. بخشی از وظیفه سازمان‌های نظام مهندسی براساس قانون، صنفی و بخشی ارتقائی است. باید در هر اصلاحیه‌ای به بخش ارتقائی اهمیت بیشتری داده شود و در بخش صنفی نیز منافع جامعه مهندسی و مردم با هم دیده شود. تنسيق امور حرفه‌ای مهندسان طبق قانون به عهده سازمان نظام مهندسی است و وزارت محترم راه و شهرسازی ناظر عالی‌ه بر این امر می‌باشد.

این همکاری وقتی به نفع مردم و توسعه کشور است که همزمان باعث صرفه‌جویی در مصرف انرژی، استفاده از فن‌آوری‌های نوین در صنعت ساختمان، حفظ حقوق بهره‌بردارن نهایی، حفظ توسعه پایدار و حفظ محیط زیست و ایجاد اشتغال پایدار و حرفه‌ای برای مهندسان باشد.



در گفتگو با دکتر حمید بدیعی  
مطرح شد؛

## بررسی عملکرد بیست ساله سازمان نظام مهندسی ساختمان

[بهشید معراجی]

در بررسی نقاط ضعف و قوت سازمان نظام مهندسی ساختمان قبل از هر چیز باید دید که قانون نظام مهندسی و آیین نامه اجرایی آن چه تکالیفی بر عهده سازمان های نظام مهندسی گذاشته و اگر در چارچوب آن وظایف، هیات مدیره ها توانسته باشند اقداماتی انجام دهند، این نقطه قوت سازمان و این همان انجام تکالیف قانونی است. اما هر عملکردی خارج از این چارچوب و یا خارج از وظایف تعریف شده در قانون، به عنوان یک نمره منفی برای سازمان نظام مهندسی استان ها تلقی می شود. با این توصیف به راحتی می توان عملکرد سازمان ها را مورد واکاوی و بررسی قرار داد.

ماده ۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان در این باره می گوید: برای تأمین مشارکت هر چه وسیعتر مهندسان در انتظام امور حرفه ای خود و تحقق اهداف این قانون در سطح کشور، سازمان نظام مهندسی ساختمان که از این پس در این قانون به اختصار سازمان خوانده می شود و در هر استان یک سازمان به نام سازمان نظام مهندسی ساختمان استان که از این پس به اختصار سازمان استان نامیده می شود، طبق شرایط یاد شده در این قانون و آیین نامه اجرایی آن تأسیس می شود. سازمانهای یاد شده غیر انتفاعی بوده و تابع قوانین و مقررات عمومی حاکم بر موسسات غیر انتفاعی می باشند.

دکتر حمید بدیعی با اشاره به ماده ۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان می گوید: هر گونه

فعالیت و یا سیاست گذاری در سازمان نظام مهندسی ساختمان باید بر مبنای اهداف ذکر شده در قانون باشد و صراحت در این ماده قانونی بر این امر تأکید دارد و از طرفی نیز در ماده ۲ این قانون نیز اهداف و خط مشی های سازمان نظام مهندسی ساختمان ذکر شده که اهداف و خط مشی این قانون عبارتند از:

۱- تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی.  
۲- تنسيق امور مربوط به مشاغل و حرفه های فنی و مهندسی در بخشهای ساختمان و شهرسازی.  
۳- تأمین موجبات رشد و اعتلای مهندسی در کشور.

۴- ترویج اصول معماری و شهرسازی و رشد آگاهی عمومی نسبت به آن و مقررات ملی ساختمان و افزایش بهره وری.

۵- بالا بردن کیفیت خدمات مهندسی و نظارت بر حسن اجرای خدمات.

۶- ارتقای دانش فنی صاحبان حرفه ها در این بخش.

۷- وضع مقررات ملی ساختمان به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت، بهره دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی و اجراء و کنترل آن در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره برداران از ساختمانها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحقات عمومی و حفظ و افزایش بهره وری منابع مواد انرژی و سرمایه های ملی.

۸- تهیه و تنظیم میانی قیمت گذاری خدمات مهندسی

۹- الزام به رعایت مقررات ملی ساختمان، ضوابط و مقررات شهرسازی و مفاد طرحهای جامع و تفصیلی و هادی از سوی تمام دستگاههای دولتی، شهرداریها، سازندگان، مهندسين، بهره برداران و تمام اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بخش ساختمان به عنوان اصل حاکم بر کلیه روابط و فعالیتها و آنها و فراهم ساختن زمینه همکاری کامل میان وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداریها و تشکلهای مهندسی و حرفه ای و صنوف ساختمان.

۱۰- جلب مشارکت حرفه های مهندسان و صاحبان حرفه ها و صنوف ساختمانی در تهیه و اجرای طرحهای توسعه و آبادانی کشور.

عضو شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان با تأکید بر اینکه بررسی عملکرد سازمان نظام مهندسی ساختمان باید بر مبنای اهداف ذکر شده در بالا صورت گیرد و تمامی جوانب آن مورد بررسی قرار گیرد اعلام می دارد: نباید منکر شد که در مسیر تحقق اهداف مذکور مواعی نیز به چشم می خورد که باید در خصوص آن آسیب شناسی کرد. چرا که از زمان شکل گیری سازمان نظام مهندسی ساختمان همواره چالش انجام وظایف و اختیارات ذکر شده در قانون برای این سازمان وجود داشته و برخی از اختیارات نیز از این سازمان گرفته شده است.

بدبختی در ادامه به تشریح اهداف ذکر شده در قانون می‌پردازد که در ذیل می‌خوانیم:

#### • بند ۱

در این بند از قانون، لزوم آموزش مهندسان برای آشنایی با مولفه‌های معماری و شهرسازی اسلامی مورد تاکید است و تألیف کتاب و جزوات، نرم‌افزارها و دوره‌های آموزشی راهکار مناسب است که انجام آن به عنوان ادای تکالیف قانونی سازمان مهندسی ساختمان است. ارزیابی این موضوع را باید در شهرهایی که ساخته می‌شوند و ساختمان‌هایی که بنا شده‌اند مشاهده کرد.

#### • بند ۲

این هدف در قانون به این معناست که تعیین صلاحیت عمومی اشتغال با وزارت راه و شهرسازی، اما صدور پروانه فعالیت حرفه‌ای رشته‌های شغلی مختلف با سازمان نظام مهندسی ساختمان است که متناسفانه تا کنون به سازمان نظام مهندسی ساختمان واگذار نشده و همچنان وزارت راه و شهرسازی عهده دار اعطای صلاحیت است و می‌بیتیم که افسرانی که تا کنون حتی صد متر هم ساختمان نساخته‌اند، پروانه مجری و سازنده دریافت نموده‌اند و حاصل آن صوری‌گری و یا ساخت و ساز غیر اصولی است. البته نباید فراموش کرد که اگر روزی چنین اختیاراتی واگذار شود آنوقت اگر افسرانی بدون داشتن صلاحیت لازم، چنین پروانه‌هایی دریافت کنند و یا نقش صوری در ارائه خدمات مهندسی داشته باشند حتماً هیأت مدیره مربوطه در وظایف خود قصور ورزیده و باید تحت پیگرد واقع شود.

#### • بند ۳

اخلاقی حرفه‌ای مهندسان، دانش حرفه‌ای، فرهنگ سازی و فعالیت‌های رسانه‌ای مجموعه اقداماتی است که باعث خواهد شد مهندسان به ارزش واقعی جایگاه خود پی ببرند. اگر بتوان کاری کرد که مهندسان قدر و منزلت خود را بهتر بدانند و مردم نیز به درک این مسئله برسند می‌توان گفت که توانسته ایم به این هدف قانون دست پیدا کنیم. در دو دهه اخیر، حرکت موثری به چشم نمی‌خورد.

#### • بند ۴

این سازمان در طی دو دهه و به کمک شهرداری‌ها در سراسر کشور توانسته است به طور نسبی مقررات ملی ساختمان را ترویج و پیاده سازی کند. البته این مسئله نباید نادیده گرفته شود که بخش‌های قابل توجهی از مقررات ملی ساختمان هنوز به اجرا در نیامده، اما بخش‌هایی که عملیاتی شده منحصراً با پیگیری‌های سازمان نظام مهندسی ساختمان بوده که همکاری و تعامل

نزدیک شهرداری‌ها و نهادهای عمومی نیز به این جریان کمک شایانی نموده است لذا اجرای این بند به خوبی در حال پیاده سازی است اما نیاز به تلاش بیشتر دارد.

#### • بند ۵

بالا بردن کیفیت خدمات مهندسی و نظارت بر حسن اجرای آن دو مولفه مهمی هستند که قانون، آن را در ماده ۱۵ قانون نظام مهندسی ساختمان به هیأت مدیره‌های سازمان مهندسی ساختمان تکلیف کرده است لذا نظارت بر حسن انجام کار نیز باید بخش اول که ارتقای کیفیت ارائه خدمات است را حاصل کند. اما اگر بخواهیم متناسفانه در این مورد قضاوت کنیم، قبل از تأسیس سازمان نظام مهندسی ساخت و سازهایی که در کشور انجام می‌شد متفاوت از امروز اتفاق می‌افتاد و برخی حتی بدون نقشه اجرایی ساخته می‌شد. اما امروز با تغییر در شیوه مدیریت ساخت و ساز خدمات بسیاری ارائه شده و کارهای بزرگی انجام گرفته است و اما آنچه امروز در کشور جاری است کافی نیست. آیا نظارت کافی بر اجرای خدمات بوده است؟ برای پاسخ باید گفت خیر و دقیقاً مشکل همین جاست. اگر هیأت مدیره‌ها بخشی از وظایف خود را وفق ماده ۱۵ قانون که به حوزه نظارت می‌پردازد انجام می‌دادند، قطعاً ارتقاء کیفیت از سرعت بیشتری برخوردار بود و می‌توانست نمره بالاتری کسب نماید.

#### • بند ۶

سازمان‌های نظام مهندسی در دوره‌های سوم و چهارم شورای مرکزی، در بخش آموزش مهندسين تلاش موثری را آغاز نمودند و جریان سازنده‌ای با ابلاغ برخی سرفصل‌های آموزشی از سوی وزارت مسکن و شهرسازی وقت به استان‌ها در این خصوص ایجاد شد که متناسفانه آموزش را از سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان گرفتند در حالی که بر اساس قانون جز وظایف خاص سازمان بود و بدینگونه مسیر هموار شده برای سازمان نظام مهندسی جهت قرار گرفتن در ریل قانونی خود دچار چالش شد و تا به امروز علیرغم اینکه دولت نیز تغییر کرد و نیروهای خودی مسئولیت‌های ذکر شده را در وزارتخانه بر عهده گرفتند اما هنوز این وظیفه قانونی به سازمان برنگشته است و آموزش مهندسان در ارتقاء پایه‌ها خارج از حوزه سازمان، انجام می‌شود. نمی‌توان پذیرفت که سازمان در حوزه آموزش فعالیت کند اما آموزش‌های الزامی را انجام ندهد در حالی که همین آموزش‌های الزامی است که می‌تواند سازمان را به سمت تأسیس پایگاه آموزشی و ایجاد امکانات آموزشی سوق دهد. در عین حال سازمان‌ها در این حوزه تلاش‌های

بسیاری را در سال‌های اخیر انجام داده‌اند و با برگزاری همایش‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی مختلف، تا حدی به وظایف قانونی خود عمل می‌کنند. چنانچه وزارت راه و شهرسازی این مهم را از سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان‌ها مطالبه کند، قطعاً مسیر بهتری در انتظار مهندسی کشور خواهد بود.

#### • بند ۷

برای این منظور شورای تدوین مقررات ملی ساختمان زیر نظر وزیر محترم راه و شهرسازی تشکیل شده و در این زمینه فعالیت‌های خوب و سازنده‌ای صورت گرفته و تدوین کلیه مباحث مقررات ملی ساختمان به عنوان کار فاکر این دو دهه بشمار می‌رود و سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان نیز با ابراز نظرات کارشناسی چه از طریق شورای مرکزی و چه از سوی سازمان‌های استانی در تدوین و اصلاح مباحث مقررات ملی ساختمان نقش داشته‌اند و خوشبختانه نظرات و پیشنهادات آنها نیز مورد پذیرش واقع شده است.

#### • بند ۸

کارگر و ده‌هایی بدین منظور در شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان فعال بوده‌ و از قبل در این بخش کارهای بسیاری صورت داده است.

#### • بند ۹

در این بخش نیز فعالیت‌های خوب و سازنده‌ای انجام گرفته که در بخش شهرسازی، شهرداری‌ها مسئولیت را به عهده دارند اما در حوزه مقررات ملی ساختمان مسئولیت مستقیم بر عهده مهندسان صاحب صلاحیت است و در جاهایی که وظیفه‌ای به آنها واگذار شده توانسته‌اند به خوبی از عهده مسئولیت خود برآیند اما خیلی وقت‌ها نیز کار به اهلس و گذار نشده و ساختمان به دست افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای ساخته می‌شود و عدم توانایی سازنده به دلیل عدم آشنایی با این دسته از قوانین، محصور نهایی را با کیفیت پایین به مصرف کننده ارائه کرده که نتیجه‌ای جز از بین رفتن سرمایه‌های ملی در پی نداشته است.

#### • بند ۱۰

در این زمینه اقدام جدی صورت نگرفته و یکی از کارهایی که می‌شد انجام داد ولی نه از سوی دولت و نه از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان جدیتی نسبت به آن نشان داده نشد، موضوعاتی از قبیل مسکن مهر بود که می‌شد از طریق تعامل دولت با سازمان نظام مهندسی ساختمان، توسط این سازمان و با طرح کارشناسی شده در اختیار دولت قرار گیرد.

در گفت و گو با مهندس سید مرتضی سیف زاده بررسی شد؛

## اجلاس نوزدهم، چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو

[حسین میاورستمی]

نوزدهمین اجلاس هیأت عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان که ۲۶ و ۲۷ تیرماه ۱۳۹۵ در جزیره زیبای کیش برگزار می‌شود میزبان منتخبان جامعه ۴۰۰ هزار نفری مهندسان ساختمان است. منتخبانی که در هفتمین دوره انتخابات هیأت مدیره دچار تغییرات زیادی در ترکیب سنی، علمی، تخصصی و اجتماعی شده‌اند. اینگونه به نظر می‌رسد که ترکیب جدید هیأت مدیره‌های نظام مهندسی ساختمان کشور با حجم وسیعی از مطالبات شهروندی، رسانه‌ای و فرهیختگان و پیشکسوتان نظام مهندسی روبرو هستند. در این خصوص و برای بررسی آنچه قرار است در اجلاس نوزدهم هیأت عمومی بگذرد، با مهندس سید مرتضی سیف زاده، عضو محترم کمیته برگزاری اجلاس نوزدهم و رئیس کارگروه توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی به گفتگو نشستیم که در ذیل می‌خوانیم:



♦ جناب آقای مهندس سیف زاده، به نظر شما اجلاس نوزدهم هیأت عمومی چه وجه تمایز و تفاوتی با اجلاس‌های گذشته دارد؟

بیش از بیست سال از قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان می‌گذرد و سازمان‌های استانی که به موجب این قانون تأسیس شده‌اند در سراسر کشور توسعه یافته و موفق شده‌اند در زمینه ارتقاء کیفیت ساختمان‌ها با رعایت مقررات ملی گام‌های بزرگی بردارند. با توجه به اینکه عضویت در این تشکیلات نیاز به داشتن حداقل لیسانس در هفت رشته اصلی دارد، می‌بینیم که با تعداد ۴۰۰ هزار عضو در سراسر کشور این سازمان‌ها وزن قابل توجهی در هر استان و بصورت ملی دارند و در ترویج فرهنگ مهندسی به اقصی نقاط کشور سهم اساسی داشته و با شهادت کارشناسان صدیق، وضعیت ساختمان‌ها از نقطه نظر تأمین ایمنی و استفاده از فناوری‌ها و مصالح نوین در وضع مطلوب قرار دارد که البته بایستی این تلاش‌ها ادامه یابد. اما در یک سال گذشته این سازمان به ناگهان با بحث‌هایی در زمینه تجدیدنظر در مبحث دوم مقررات ملی روبرو شد که تغییرات بنیادین در این مبحث دیده می‌شد و متأسفانه در تدوین آن از شورای مرکزی و سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان استان‌ها کمکی گرفته نشد و نتیجه انتشار آن شوک بزرگی بود که به جامعه مهندسی وارد شد. با این واقعه بحث و مذاکره و همایش و تبیین مطلب در این خصوص ادامه پیدا کرد و عنوان آن به عنوان «ایین نامه کنترل ساختمان» تغییر پیدا کرد و لایحه از نقطه نظر سازمان تغییرات اعمال شده جزئی بود و در خواست سازمان‌ها را برآورده نمی‌ساخت. لازم به یادآوری است سازمان‌ها از همان ابتدای ابلاغ مبحث دوم مقررات ملی پیشنهاتی برای اصلاح آن داشتند. بدین معنی که مبحث دوم را کامل

به ۱۱۷ داوطلب شورای مرکزی است که ببینند چه برنامه‌ای برای حفظ استقلال، آبرو و حیثیت سازمان‌ها دارند تا سازمان‌ها بر اساس قانون نظام مهندسی بتوانند به وظائف نظارتی و کنترلی خود با کیفیت و جدیت بپردازند.

♦ اهمیت اجلاس نوزدهم در چیست؟  
اهمیت اجلاس نوزدهم را می‌توان در موارد زیر مهم دانست:  
• آیین‌نامه کنترل ساختمان بحث جدی در جامعه مهندسی است و با توجه به مسیر طی شده ۲۰ سال گذشته، سازمان دچار تغییرات اساسی خواهد شد بنابراین اعضای نگران اجرایی شدن این

و بدون اشکال نمی‌دیدند، ولی آنچه تحت عنوان آیین‌نامه کنترل ساختمان به جامعه مهندسی ارائه شد، ارتباطی به مبحث دوم قبلی نداشت و عملاً سازمان‌ها را در انزوای قرار می‌داد. حتی بحث آموزش که در آن قید شده چندین سال است با تفسیرهای خاص از سازمان گرفته شده و به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی سپرده شده است و بطور خلاصه می‌توان گفت که سازمان با تجربه بیش از ۲۰ سال به یک مؤسسه آموزشی ضعیف تبدیل شود. از این رو می‌بینیم سازمان‌ها خود را در خطر دیده و اجلاس ۱۹ آزمون برای اتحاد یک جامعه توانمند و متخصص خواهد بود و چشم‌های نگران بیش از ۴۰۰ هزار عضو در سراسر کشور

آیین نامه خواهند بود.

• ساخت و ساز در حال حاضر در شرایط بحرانی به سر می‌برد و سرمایه‌گذاری در این بخش مطلوب نیست و حضور وزیر محترم راه و شهرسازی، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، معاونان و مدیران کل وزارت راه و شهرسازی و سایر مقامات وزارت خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی فرصت مغتنمی است تا بتوان راهکارهای پیش‌بینی شده را برای رونق صنعت ساختمان به بحث و مشورت گذاشت.

• رای دیوان عدالت اداری در زمینه روند اجرایی استفاده از مجریان ذی صلاح چالش‌برانگیزی را برای سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان استان‌ها ایجاد کرده است که هنوز این زخم التیام نیافته و لازم است در این زمینه راهکارهای مناسب اندیشیده شود.

• توسعه ارائه خدمات مهندسی با توجه به قانون، مورد مهم دیگری است که در رابطه با آن لازم است مذاکره و مشورت شود، بحث ۲۲ مقررات ملی بایستی اجرایی گردد تا بسیاری از خدمات تعمیرات، نگهداری و بهره‌برداری که اغلب توسط افراد بدون صلاحیت انجام می‌شود، توسط مهندسان انجام گردد. همچنین حضور مهندسان ذیصلاح در کارخانه‌های تولیدی مرتبط با صنعت ساختمان به منظور تولید کالاهای استاندارد ضروری است.

• با رفع تحریم‌های ناعادلانه، فرصت مناسبی برای صادرات خدمات فنی و مهندسی فراهم شده است که سازمان نظام مهندسی ساختمان می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود و مینیاردها دلار پروژه در این زمینه را در کشورهای هدف اجرایی نماید.

• امور مربوط به فضای سبز و حفظ محیط زیست و در نهایت رسیدن به توسعه پایدار و رعایت استانداردهای جهانی نیز از جمله مواردی است که به آن بایستی پرداخته شود.

• صرفه‌جویی در مصرف انرژی (آب-برق-گاز و سوخت‌های فسیلی) نیز موضوع بسیار مهمی است که مباحث مختلف مقررات ملی به خصوص بحث ۱۹ به آن پرداخته است که بایستی با استفاده از فناوری‌های نوین هوشمندسازی ساختمان به آن رسید.

• افزایش ایمنی و عمر ساختمان، سبک‌سازی و اقتصادی‌سازی آن، نیز موارد مهمی است که اجلاس را با آن روبرو می‌سازد.

• رعایت مسائل ایمنی و حفاظتی در ساختمان‌ها (رعایت بحث ۱۲ مقررات ملی ساختمان) و به حداقل رساندن حوادث ناشی از کار در صنعت ساختمان نیز مواردی است که بایستی به آن بطور جدی پرداخته شود.

همچنین موارد مهم دیگری در رابطه با مباحث شهرسازی و ترافیک وجود دارد که اجلاس ۱۹ را بسیار با اهمیت می‌سازد.

چه اقداماتی در هیأت‌اجرائی اجلاس ۱۹ صورت گرفته است؟

اقداماتی که در هیأت‌برگزاری اجلاس صورت گرفته، بسیار متنوع و گسترده است که تنها به موارد مهم آن اشاره می‌کنم:

الف- تشکیل جلسات کمیسیون‌ها و گروه‌های تخصصی قبل از اجلاس و اخذ نظریات ایشان جهت طرح در قطعنامه پایانی اجلاس.

ب- تشکیل جلسات مربوط به تهیه قطعنامه ج- برنامه‌ریزی جهت پیشبرد امور مربوطه شامل:

- ارتباط با استان‌ها و اخذ نظریات ایشان و دریافت گزارش عملکرد استان‌ها

- ارتباط با استان‌ها و گرفتن اطلاعات شرکت کنندگان

- بررسی وضعیت هتل‌ها و مراکز اقامتی در جزیره کیش و انتخاب هتل مناسب و عقد قرارداد

- بررسی سالن‌های همایش در کیش و عقد قرارداد با سالن مربوط

- بررسی پیمانکاران مختلف در زمینه‌های ایاب و ذهاب، تشریف‌فات، پذیرایی میان وعده، پذیرایی ناهار و شام و... و انتخاب پیمانکاران مربوطه و عقد قرارداد.

- تدوین برنامه اجلاس و ارائه پیشنهادات به هیأت‌رئیس

- بررسی سالن‌های رستوران و موسیقی در کیش و انتخاب رستوران مربوطه و عقد قرارداد

- تهیه چسب مدیریتی جهت ارائه خدمات مطلوب در اجلاس

- تهیه کیف، هدیه و لوح فشرده مربوطه

- همکاری با کمیته اجرایی برگزاری انتخابات در تأمین نیازهای مربوطه و سایر امور مرتبط

- انجام نامه‌نگاری‌های لازم با نهادهای دولتی و غیردولتی

• تعداد شرکت کنندگان در اجلاس چند نفر است و چه تمهیداتی برای پذیرایی از میهمانان و شرکت کنندگان صورت گرفته است؟

تعداد شرکت کنندگان در اجلاس حدود ۷۵۰ نفر می‌باشد که در رابطه با پذیرایی از ایشان برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته و همچنین برای محل اقامت ایشان، محل سالن اجلاس، امور ایاب و ذهاب، پذیرایی، استقبال و اسکان و سایر موارد با تعداد حدود ۴۰ نفر از همکاران در شورای مرکزی و سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان

استان‌ها، تمهیدات لازم دیده شده است.

• به نظر شما آیا دلیل خاصی (از آنجایی که کیش نظام مهندسی ندارد) برای برگزاری اجلاس در کیش وجود دارد؟

با توجه به این که هر سه سال انتخابات مربوط به اعضای هیئت‌رئیس مرکزی صورت می‌گیرد، به منظور آنکه بی‌طرفی کامل در انتخاب اعضای شایسته شورای‌عالی نباشد، تصمیم گرفته شد در یکی از مناطق آزاد این اجلاس برگزار گردد و با توجه به اینکه در سه سال پیش اجلاس در جزیره کیش برگزار گردید و با توجه به استقبالی که از آن شد و همچنین با توجه به امکانات خوب جزیره این اقدام صورت گرفته است.

• در قطعنامه‌های اجلاس‌های گذشته بر اهمیت صدور خدمات فنی و مهندسی تأکید شده است، آیا اقدامات موثری در کمیسیون خدمات فنی و مهندسی برای جامه عمل پوشاندن به این موارد از بندهای قطعنامه صورت گرفته است؟

صادرات خدمات فنی و مهندسی، یکی از مباحث بسیار مهم است که خوشبختانه شورای مرکزی به آن توجه خاص دارد و موفق شدیم تفاهم‌نامه‌های مختلف با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، صندوق ضمانت صادرات منعقد کنیم و همچنین شرکت در نمایشگاه قطر و ترکمنستان از فعالیت‌های دیگر بوده است. اما بایستی به نکته مهم تفاوت صادرات کالا و صادرات خدمات مهندسی اشاره کرد. کالا در مدت چند ماه بازاریابی، ارسال و قیمت آن دریافت می‌شود. اما خدمات در مدت چند سال در کشور خارجی ارائه خواهد شد. بنابراین مسائل سیاسی و صدور ویزای چند ساله یکی از موارد مهم است که بایستی حل شود تا تحول جدی در این زمینه رخ دهد.

• از آنجایی که کیش منطقه آزاد بوده، برگزاری اجلاس ۱۹ در کیش چه مزیت‌هایی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

مناطق آزاد می‌توانند نقش بسیار مهمی در صادرات کالا و خدمات ایفا نمایند. با توجه به اینکه ورود به این مناطق نیاز به ویزا ندارد، در صورتی که بتوان برنامه‌ریزی مناسب در زمینه معرفی توانمندی‌های مهندسی کشور در این مناطق صورت گیرد، امکان بازاریابی بسیار خوبی برای صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی وجود دارد.

# سازمانی بزرگ برای آرمان‌های بزرگ

نظام مهندسی سراسر کشور، مشارکت گسترده مهندسين نشان داد که علم بر نقش کلیدی سازمان در جامعه، در میان اعضا نهادینه شده و شرایط به سمتی سوق پیدا کرده که این جایگاه در حال ارتقاء است و سازمان رویکردی یادگیرنده، انعطاف پذیر، پویا و مبتنی بر دانش، به خود گرفته و به زودی شاهد آن خواهیم بود که فعالیت‌ها و برنامه ریزی‌های سازمان اثر ماندگاری بر ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم بگذارد.

در گذشته تنها نگاه تخصصی به نظام مهندسی اعمال و ساختمان سازی و مقررات ملی ساختمان به عنوان رکن اصلی کلیه اقدامات بیان می‌شد اما حضور چشمگیر مهندسين در انتخابات سازمان نظام مهندسی بیان گر الزاماتی است که می‌بایست در خصوص گستره انگاره‌ها به حوزه فرهنگ، جامعه شناسی مهندسی، همچنین ارتقاء سطح معیشتی اعضا و بالا بردن میزان تعاملات داخلی و خارجی در ارائه و صدور خدمات مهندسی تجدید نظر صورت گیرد.

ارتقاء توانایی و تعالی سازمانی هزینه شده و با درک چالش‌های پیش رو، خلاءهای موجود را شناسایی و راهکارهای جدیدی برای بکارگیری سرمایه‌های اجتماعی که در اختیار دارند، شناسایی نمایند.

این مسئله در صنایع زیربنایی کشور چون صنعت ساخت و ساز، که بیش از ۴۰ شاخه صنعتی را پوشش می‌دهد و تاثیر مستقیمی بر رکود و با رشد اقتصادی جامعه می‌گذارد، حائز اهمیت است. نظام مهندسی به عنوان قطب علمی و عملی صنعت ساختمان با عملکرد مثبت و پامنتی و حضور پررنگ تر، به همان میزان که یک فرصت تلقی می‌شود، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. نظام مهندسی ساختمان با برخورداری از نیروهای متخصص و با بهره گیری از تجربه حرفه‌ای بسیار، خواهد توانست در همسو سازی ارگان‌های مرتبط با ساختمان سازی، در فرایند توسعه زیر ساخت‌ها گام‌های موثری بردارد.

در انتخابات هیئت مدیره‌های سازمان‌های

نگاه به روند رو به رشد کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد، کلیه برنامه ریزی‌های کلان همواره در جهت دستیابی به شرایط آرمانی چشم اندازهای توسعه‌ای صورت گرفته است و در این مسیر ناهموار، هر اندازه نیروهای خلاق و توانمند خود را سهم دانسته و احساس مسئولیت کرده اند، این روند رو به رشد تسریع شده است.

از این رو سیستم کشورهایایی که بر مبنای دموکراسی پایه ریزی می‌شوند، انتخابات را فرصتی می‌دانند تا اصلاح ترین‌ها برای به حرکت درآوردن چرخ‌های توسعه پایدار گزینش نمایند و نقشه راه را برای آینده ترسیم کنند.

این امر از آن جهت برجسته می‌شود که با توجه به پایدار شدن افق‌های تازه کسب و کار، الزامات مدیریت آینده تغییر کرده و نمی‌توان با اصرار بر روش‌های گذشته، این فضای پر رقابت را مدیریت نمود. کسانی که پرچم داران مدیریت آینده اند نباید فراموش کنند که تمامی ظرفیت‌ها می‌بایست در اختیار عوامل



این حضور یک اعلام موجودیت است و نمی توان انکار کرد که هر اعلام موجودیت برای تغییر شرایط به سوی بهبود است. پس بر طرف شدن هر گونه کاستی در این حوزه، توانایی های بالقوه را بالفعل خواهد کرد و نتیجه به اندازه ای خوشایند خواهد بود که می تواند کیفیت را در دیگر بخش های مرتبط بالا ببرد. البته عوامل بیشمار دیگری نیز می توان در خصوص این حضور گسترده بر شمرد که به اختصار به آنها خواهیم پرداخت.

### رشد پیش اجتماعی

نگاهی به گذشته انتخابات نشان می دهد که همواره با توسعه اقتصادی، پیش اجتماعی نیز در بین افراد جامعه به تکامل رسیده و این مسئله با اضافه شدن افراد فارغ التحصیل از دانشگاه ها به مردم، به دلیل تغییر مثبت فضای علمی، اجتماعی و فرهنگی مراکز آموزش عالی روند رو به رشدی دارد. از این رو احساس وظیفه در میان مهندسی که به سازمان می پیوندند بیشتر خود نمایی می کند و این اطمینان به چشم می خورد که با حضور گسترده می توان در شکوفایی اقتصادی و اعتلای کشور گام برداشت.

### اصلاح دیدگاه جامعه و تغییر فضای حاکم بر فرهنگ مهندسی

یکی از مواردی که همواره به صورت دغدغه ای اساسی در بین مهندسی مطرح بوده و مردم نیز در این خصوص دچار نوعی ناآگاهی و سوء تفاهم شده اند، فرهنگ مهندسی است. این مسئله ناشی از رویکرد ناقصی است که جامعه مهندسی در گذشته و در اجرای وظایف خود داشته و منجر به الفا شدن تفکر نگاه کاسب کارانه به مردم در حوزه ارائه خدمات مهندسی شده است. جامعه مهندسی این مسئله را ناشی از عدم ساز و کار صحیحی می داند که در خصوص نحوه تعریف مسئولیت مهندسی قانون گذاری می کند. لذا جامعه مهندسی امیدوار است که با حضور گسترده بتواند با افرادی که برای عضویت در شورای مرکزی بر می گزینند و زمام امور را به آنها می سپارد، این نقیصه ها را رفع و نگاه جامعه را به جایگاه مهندس عوض نموده و اندیشه کاسب کارانه را به تعهدی اخلاقی بدل سازد.

### عده ها و شعارها

جوامع که بر مبنای دموکراسی پایه ریزی می شوند در زمان انتخابات، هیجان انگیزترین و پرشورترین زمان خود را تجربه می کنند و این محقق نمی شود مگر اینکه با شعارهایی در آمیزد که برای کاندیداها ایجاد مطلوبیت نماید. تجربه این دوره سازمان در انتخابات نشان داد

که این هیجان، لذت خوشایندی را در آینده به واسطه عملیاتی شدن شعارها به جامعه مهندسی هدیه خواهد کرد. همین مسئله بهانه ای شد تا مهندسی کشور ما با اندیشه بر قول هایی که کاندیداها بر آن سرمایه گذاری کرده بودند انتخاب اصلاح را انجام داده و با حضور خود به تغییرات و اصلاحات رای مثبت بدهند.

### بشارکت کمتر، زمینه ساز ورود امر ادغیر اصلاح

همواره مورد تأیید همگان بوده است که عدم مشارکت و احساسی وظیفه در خصوص انتخابات علاوه بر شکست پروژه های نیمه تمام، می تواند زمینه ساز ورود افرادی باشد که بایر هر در دن از ارتباطات خاص و نفوذ در میان مهندسی جایگاه مدیریت حساس سازمان ها را تصاحب کنند و نتیجه آن چیزی نخواهد بود جز اینکه قدرت تصمیم گیری کاهش یافته و در بخش قانون گذاری نگاه کارشناسانه اعمال نشود و کاستی ها به قوت خویشی باقی بماند.

### تاکید بر اصل استقلال سازمان نظام مهندسی

در سال ۱۳۷۴، زمانی که قانون سازمان نظام مهندسی ساختمان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، اصل بر غیر انتفاعی بودن سازمان مورد تأکید بود، اما آنچه امروزه شاهد آن هستیم وابستگی سازمان به وزارت راه و شهر سازی است که همین مسئله باعث شده تا شکل زیر مجموعه بودن سازمان در روند دستیابی به اهداف تعیین شده در قانون خلل ایجاد نماید. لذا اعضا معتقدند تا زمانی که این امر محقق نشود، زمینه فعالیت جدی تر و موثرتر با تکیه بر ایده های نو و دیدگاه های خلاقانه جامعه فرهیخته مهندسی فراهم نخواهد شد و همواره قانون وزارت خانه خواهد بود که خط مشی سازمان را مشخص می کند.

### لزوم بازنگری در ارائه خدمات رفاهی

در ۲ سال گذشته مدیران سازمان، فراهم نمودن گزینه های رفاهی مختلفی را در دستور کار قرار دادند و تا به امروزه توفیقات بسیار خوبی نصیب جامعه مهندسی کشور شده است. مهندسی نیز چون دیگر اقشار مختلف جامعه نیازمند برخورداری از امتیازاتی هستند و هر خدمت جدیدی می تواند عامل انگیزشی بسیار قدرتمندی در نحوه عملکرد مهندسی باشد و این مسئله در شعار کاندیداها به چشم می خورد که توانست بخشی از انگیزه ها را به خود جلب نموده و امید را در میان اعضا زنده کند.

### گسترش حوزه آموزش و پژوهش

رشد و تولید تکنولوژی در جهان به اندازه ای سریع رخ می دهد که همسو شدن با آن نیازمند آمادگی همه جانبه است. نگاه به حوزه آموزش عالی نشان می دهد که مهندسی نیازمند بهره گیری از علومی هستند که پس از فارغ شدن از فضای آموزشی می بایست در اختیار آنها قرار گیرد تا بتوانند بر اساس آن فعالیت خود را با علم دنیا همراه سازند. این موضوع از مطالباتی است که مهندسی از سازمان مطبوع خود داشته و امیدوارند تا این مسئله در مدیریت جدید برجسته تر مورد بررسی و اعمال نظر قرار گرفته و خدمات در این زمینه به اعضا ارائه شود.

### حمایت از برنامه های جاری سازمان

فعالیت های سازمان در مدت زمانی که از عمر شورای مرکزی دوره ششم می گذرد، این احساس را در مهندسی عضو سازمان به وجود آورده که می بایست رویه مثبت پیش رو ادامه پیدا کرده و نیز امیدوارند خواسته های آنها در بستر سازمان بر آورده شود. از این رو این امیدواری یا شرکت همه جانبه در انتخابات شورای مرکزی این دوره، عینیت بیشتری یافته و امید می رود که در مدت زمان پیش رو دستاوردهای مهم و موثری تری حاصل شود.

### افزایش تعاملات در جهت کاهش وظایف دولت

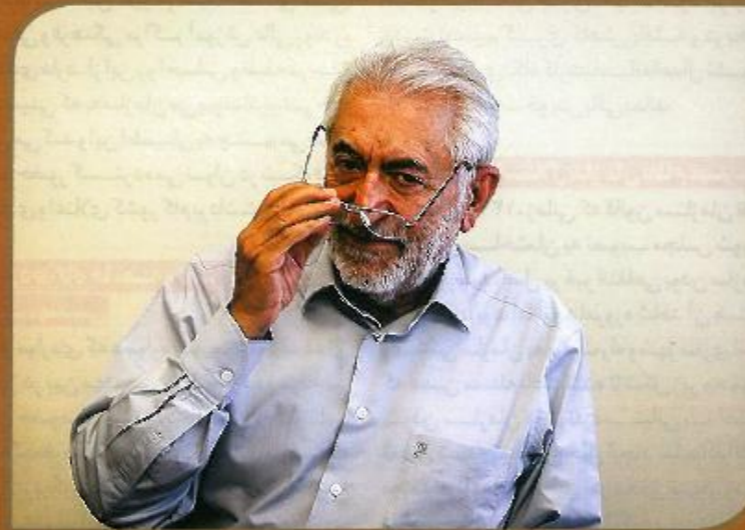
به اعتقاد کارشناسان، سازمان نظام مهندسی ساختمان بستر مناسبی برای پذیرش برخی از وظایفی است که دولت در بخش های ساخت و ساز کشور به عهده دارد و این سازمان می تواند در این خصوص کلیه نیازهای متقاضیان را بر طرف نماید. لذا در این خصوص شناسایی فرصت ها و ارائه برنامه در حوزه پذیرش مسئولیت، مطالبه ای است که اعضا از هیئت مدیره داشته و معتقدند که با چنین تفکری می توان حضور مهندس را در جامعه پررنگ تر و موثرتر جلوه داد. با تمامی موارد ذکر شده و فراهم شدن فضا برای خلق فرصت ها می توان با فاطمیت گفت که سازمان نظام مهندسی را می توان از یک بازوی اجرایی پروژه های ساختمانی به بزرگترین منبع خلق توانمندی هایی که می تواند آینده را متفاوت از امروز رقم بزند، بدل ساخت. درک جایگاه سازمان و اعتماد به قابلیت های آن نه تنها باعث بهبود کیفیت صنعت ساختمان خواهد شد بلکه به عنوان یکی از بزرگترین مراکز تجمع سرمایه های انسانی، می تواند به گونه ای جهت گیری نماید که اصلی ترین وظیفه را ارزش آفرینی و خلق مزیت قرار داده و در دنیایی که بر محور دانیایی شکل می گیرد، اندیشه های خلاق را برای رسیدن به توسعه پایدار به خدمت بگیرد.

مهندس سید محمد غرضی:

## نظام مهندسی ساختمان دارای بستر اجتماعی و مردمی بسیار خوبی است

دنیایابی کسبی

از زمان ایجاد و تصویب قانون نظام مهندسی ساختمان و در پی آن ایجاد سازمان نظام مهندسی حدود بیست سال سپری می‌شود. حال پس از گذشت نزدیک به بیست سال از تاسیس این سازمان گفت و گوی کوتاهی داشتیم با مهندس سید محمد غرضی، رئیس اسبق سازمان نظام مهندسی ساختمان و نظر ایشان را در خصوص نقش و تاثیر سازمان نظام مهندسی ساختمان در بهبود ساخت و ساز جو یا شدیم که در ادامه تقدیم می‌شود:



از زمان تاسیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور تا زمان حال که حدود بیست سال می‌گذرد، شما نقش و تاثیر این سازمان را در بهبود کیفیت و روند ساخت و سازهای کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من سازمان نظام مهندسی ساختمان دارای بستر اجتماعی و مردمی بسیار خوبی است. اکنون ساخت و سازهای کشور به نسبت سی سال پیش بسیار تخصصی‌تر شده و شما شاهد آن هستید که جوان‌ها در تمامی استان‌ها و حتی تا عمق روستاها نیز روش ساخت و ساز اصولی را آموخته‌اند و توانایی آن را دارند تا رضایت صاحبان کار را فراهم کنند. به طور کلی از بستر اجتماعی سازمان نظام مهندسی ساختمان بسیار رضایت دارم و مطمئن هستم نسل آینده از نسل کنونی ما بسیار قوی‌تر عمل خواهد کرد و با تکنولوژی‌های روز جهان آشنا تر خواهد بود و امیدوار هستم روزی تعداد اعضای این سازمان به یک میلیون نفر و بیشتر افزایش پیدا کرده و همچنین تعداد بیست و دو مبحث مقررات ملی ساختمان به صد مبحث افزایش پیدا کند تا خانه‌هایی که از سوی مردم خریداری می‌شوند نه تنها ضد زلزله، بلکه در برابر هر نوع آسیب و بلایی نیز مقاوم باشد. لذا بسیار خادوند را شاکرم که توانستم در چنین مأموریت با ارزشی حضور داشته و در آن سهیم باشم.

به نظر شما مردم در گذشته به معماران و صنعتگران ساختمان اعتماد بیشتری داشتند یا اکنون به سازمان نظام مهندسی ساختمان و جامعه مهندسی کشور؟

به نظر من وضعیت و شرایط نظام مهندسی استان‌ها در حال حاضر خوب است اما باید این را همیشه در نظر داشت که معماران، بناها و استادکاران قدیم که ما اکنون شاهد یادگاری‌ها و آثار ارزشمند به جا مانده آن عزیزان هستیم، بسیار به کارشان وفادار بودند و همیشه با عشق مشغول کار می‌شدند، در نتیجه با همان عشق، بنایی ماندگار و ارزشمند خلق می‌شد. اما متأسفانه امروزه نسل جدید ماراه و مسیر بساز و بفروشی را در پیش گرفته و در واقع بساز نگهدار نیستند.

با توجه به برگزاری انتخابات دوره هفتم شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان، چه انتظاری از منتخبین جدید دارید؟

این اعتمادی را که کسب کرده‌اند را در طول خدمت خویش نگهدارند و به گونه‌ای خدمت کنند که این اعتماد را هر روز بیشتر کرده تا اعتماد اجتماعی را گسترش دهند. همچنین انتظار را دارم که نسبت به نسل‌های جوان‌تر از خودشان وفادارتر باشند و بستری برای تربیت نیروهای جوان فراهم آورند. همچنین با صداقت و عمل خویش اعتبار سازمان نظام مهندسی ساختمان را افزایش دهند به گونه‌ای که همه‌ی مردم به جامعه مهندسی کشور اعتماد داشته باشند.

دکتر جمال مشتاق:

## هویت شهری ما آشفته است



گرایش به شهرنشینی و در پی آن افزایش تقاضای مسکن در چند دهه‌ی گذشته، توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی شهری را با مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای روبرو ساخته است که یکی از آنها بحران هویت شهری و برهم‌زدن نظم و برنامه‌ریزی و طرح تفصیلی شهر ماست. شهرشناسان بر این عقیده‌اند که سیمای هر شهر نشان از فرهنگ، مذهب، هنر و اقتصاد آن شهر است؛ مجموعه‌ای از ساختمانها، بازگها و ادارات و از طرف دیگر تعاملات انسانی و کلیتی که دارای ویژگی و هویت منحصر به فرد خود است اما آنچه امروز ما از شهرهای خود یعنی خروجی کالبد و کارکرد آن شاهد هستیم هویت آشفته‌ای است که جزو هویت شهری ما شده است. هویتی بدفوارهای که ما را بر آن داشت عوامل شکل‌گیری و راهکارهای حل مسئله را با یکی از مسئولان و متخصصین امور به بحث بنشینیم. «جمال مشتاق» متولد ۱۳۴۴ شهر مهاباد است، وی که دکتری خود را در دانشگاه Bath انگلستان (جزء پنج دانشگاه برتر بریتانیا) در رشته برق گرایش قدرت اخذ نموده است، رئیس سابق سازمان نظام مهندسی ساختمان کردستان و اکنون به عنوان هیات علمی دانشگاه کردستان مشغول به فعالیت است.

هورامان بهرامی \*

تویو گرافیک و زمین‌شناسی منطقه و جاذبه‌ها و پوشش‌های طبیعی می‌تواند در تعیین این هویت نقش داشته باشد.

یعنی به زبان ساده‌تر می‌توان گفت که قاعدتاً سیمای هر شهر و ساختمانهای آن باید نشان از عناصر طبیعی، توپوگرافی و اکولوژی یک آن منطقه و همچنین بحث فرهنگ و تاریخ آن شهر باشد. اما اینکه آیا در استانهای کشور این امر یعنی سیمای شهرها نشان از هویت آنهاست، باید گفت که متأسفانه این موضوع یعنی عدم همخوانی سیمای شهر با فرهنگ و طبیعت هر منطقه در کشور نمایان است.

نظام مهندسی ساختمان به عنوان یکی از سازوان بزرگ ساخت و ساز کشور چه تمهیداتی در این رابطه اندیشیده است؟

اگر نگاهی به مقررات ملی ساختمان ببینیم از اولین اصول و وظایف مهندسان در امر ساخت و ساز توجه به هویت ایرانی و اسلامی است. یعنی احترام به گذشته و اقلیم هر منطقه. اما اینکه چرا این اصول رعایت نشده است، عوامل مختلفی باعث چنین امری شده است.

لرزم توجه به سیمای شهری و ساخت و سازها، همکاری ارگانهای مختلفی را می‌طلبد و از طرف دیگر نیز مالکان و فرهنگ جامعه در این رابطه بسیار مؤثر است.

نماد سیمای یک شهر و کالبد آن، مجموعه‌ای از نماهای ساختمانهای مالکان و شهروندان مشرف به فضای عمومی جامعه به دست می‌آید.

همانگونه که می‌دانیم تعاریف متعددی در رابطه هویت و فضای شهری مطرح است و می‌توان از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخت، اما از آنجایی که هویت به عنوان بازماندگی اجتماعی بر تشخیص بای فرد به وسیله جامعه و فضا استوار است، بنابراین چه ارزیابی از این رابطه، به اهتمام بحث هویت در ساخت و سازها و سیمای شهری شهرهای کشور دارید؟

پیش از ورود به بحث، ذکر این موضوع ضروری است که هویت در بحث ما دارای دو بعد کارکردی و کالبدی می‌باشد.

بدیهی است که مادر اولین برخورد با هر مکان و پدیده یا موجودی، ابتدا با سیما و کالبد ظاهر آن برخورد می‌کنیم، در این میان ساختار و عناصر طبیعی یک منطقه به عنوان پایه‌ی فعالیتهای اولیه در حوزه‌ی شهرسازی، معماری و ساخت و ساز به شمار می‌آید.

فاکتورهای طبیعی جغرافیایی و اکولوژی یک جزو اولین عناصر در تشکیل و ساختار هویت هر منطقه‌ای محسوب می‌گردد.

ویژگی‌های اقلیم همچون بارشها، دما، باد و منابع آبی (سطحی و زیرزمینی) ساختار

حال نمای بیرون ساختمانها که واژه فضای عمومی می‌شود باید دید تا چه اندازه بر اساس اصول و برنامه‌ریزی بنا شده است؟

اگر ما وارد شهرهای انگلستان به خصوص لندن شدیم آنچنان که خود نیز شاهد بوده، ما می‌توانیم از روی نما تشخیص دهیم که در چه محله‌ای پا گذاشته‌ایم.

در این کشور به عنوان مثال، نمای درونی ساختمان را خود مالک تشخیص می‌دهد و فضای بیرونی را دست اندرکاران ساخت و ساز آن کشور تصمیم می‌گیرند؛ یعنی در آنجا فرد نمی‌تواند نمای بیرونی ساختمان خود را آنچنان که خود می‌پسندد بنا کند که در جامعه‌ی ما این امر وجود ندارد و تصمیمات شخصی و مالک تشخیص می‌دهد که نمای بیرونی ساختمان وی چگونه باشد.

با نگاه به این موضوع می‌توان فهمید که با وجود سلاطین مخالف در جامعه، رخت و سیمای شهر به چه گونه‌ای تشکیل گردد!!

متأسفانه در جامعه‌ی ما نماها در شهر نشانه‌ی چگونگی وضعیت معیشتی و پایگاه اجتماعی مالک و نحوه‌ی نگرش او به مسائل دور و خود است نه اقلیم و فرهنگ جامعه و هویت شهری! اشاره نمودیم که نما و سیمای شهر در حقیقت از اجزای متفاوتی تشکیل گردیده است که علاوه بر نمای ساختمانها طرح تفصیلی شهری و خیابانها و... نیز دخیل هستند و این امر مستلزم

همکاری همه جانبه‌ی شهرداری‌ها، معاونت عمرانی، مسکن و شهرسازی و میراث فرهنگی و کلیه‌ی ارگانهای ذیل در این حوزه است. اینکه آیا نظام مهندسی می‌تواند چنین جریان یا دستورالعملی که منتج به احترام به فرهنگ و هویت و اقلیم شهر می‌شود را به همگان القا کند خود بحث دیگری است.

• همانگونه که می‌دانیم طرح تفصیلی شهرها طرحی است که براساس ضوابط کلی طرح جامع و معیارها، همچنین نحوه استفاده از زمینها و فضاهای شهری در نقاط مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین و وضعیت دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور، تراکم جمعیت، اولویت سازی و توسعه و عمران شهر در زمان کنونی و آینده یا به ریزی شده است!

اما با توجه به این تعریف و نگاه به جامعه، این امر برداشت می‌شود که آیا اصولاً برای شهرهای ما طرح تفصیلی شهری وجود دارد و یا اگر وجود دارد تنها در حد یک طرح و تئوری نیست؟ چون واقعیت نشان می‌دهد که شهر براساس سلايق شخص پیش می‌رود نه برنامه ریزی و طرح تفصیلی شهری!؟

تغییر طرح تفصیلی شهری واقعیتی است که می‌بینیم و شاهد آن هستیم. وقتی که مهندسين و متخصصين امور شهرسازی طرح تفصیلی یک شهر را پایه ریزی می‌کنند براساس واقعیت‌ها، ظرفیت‌ها، نیازها و در نظر گرفتن جواب مختلف از جمله، فاضلاب شهرها، تاسیسات شهری، فضای سبز، استانداردهای معیشتی و ترافیک و... این امر را انجام داده‌اند. متأسفانه باید گفت که سیاست گذاری منسجمی جهت عملی نمودن کامل طرح تفصیلی شهری وجود ندارد. هر چند که همه‌ی مسئولین کشور به شدت مشغول به فعالیت و تلاش در جهت سامان دادن به وضعیت هستند اما انسجامی وجود ندارد.

رعایت اصول طرح تفصیلی شهری نیازمند همکاری بخشهای خصوصی و دولتی است و باید در این زمینه نیز فرهنگ سازی شود و مردم نیز واقعیت‌های موجود و احترام به این طرح و معیشت آینده و سیما و هویت شهر خود را در نظر بگیرند.

• آیا در زمینه فرهنگ سازی در جامعه چه در بین مسئولین و چه شهروندان اقداماتی صورت گرفته است؟ این فرهنگ سازی در اصل باید چگونه باشد؟

- فرهنگ سازی پیش از هر چیز نیاز به آموزش دارد و آموزش نیز ابزارهای خاص خود را دارد. متأسفانه در جامعه ما آنچنان که شایسته است برای آموزش در این رابطه اهتمام داده نمی‌شود.

توجه‌اندازه در رسانه‌ها، کتب آموزشی، تلویزیون و ادارات و... به بحث در این رابطه پرداخته ایم و برخی مفاهیم مهندسی و اصول و قوانین ساختمان سازی را آموزش داده ایم و یا به نسل نو منتقل کرده ایم؟

عدم آموزش و متعاقب آن عدم آگاهی شهروندان از اصول شهرسازی و ساختمان سازی موجب بروز برخی انتظارات می‌شود که به نما و هویت شهری لطمه وارد می‌کند.

عدم اعتماد کافی به مهندسين و توان تخصص آنها از جانب شهروندان و اعمال سلیقه‌ی در بخشهایی که دانش کافی ندارند و همچنین قانون گریزی و عدم رعایت مقررات ملی ساختمان را می‌توان با آموزش‌های لازم در رسانه‌ها و کتب و به طرق مختلف می‌توان برطرف نمود.

شهروندان باید به این امر واقف گردند که رعایت مقررات ملی ساختمان و اصول ساختمان سازی به نفع خود آنهاست.

مشکل دیگری که وجود دارد و باید فرهنگ سازی شود اینکه دید صرفاً اقتصادی به ساختمان سازی و امور عمرانی برداشته شود. باید به این قناعت رسید که ساختمان تنها متعلق به خود نیست و برای آیندگان و فرهنگ و جامعه است.

• هویت شهری شهرهای کشور را چگونه می‌بینید و تحلیل کنید؟ - متأسفانه بارشده شهرنشینی، شاهد رشد ناموزونی در جامعه به خصوص در بعد کالبد هویتی شهر بوده ایم.

باید گفت که وضعیت شهرهای کشور از لحاظ هویتی آشفته است. ساختمانها و نمای شهرها دیگر بیانگر هویت طبیعی و اقلیمی و فرهنگی جامعه و پیشینه‌ی تاریخی این مملکت نیست. در برخی شهرهای جهان، قوانین و مقررات ویژه‌ای را در رابطه با کالبد و نما و هویت شهر در نظر گرفته‌اند و کنترل‌هایی ویژه در این رابطه طراحی شده است.

در جوامع پیشرفته گروهی از متخصصین حوزه‌های مهندسان، جامعه‌شناسان، هنرمندان و زیست‌شناسان به کنترل طرحهای معماری و نمای بیرونی ساختمانها می‌پردازند و محیط شهر خود را از جنبه‌های مختلف همچون حجم، مصالح، رنگ و فضاهای شهری

و... کنترل و به ارائه‌ی راهکار می‌پردازند و در نتیجه مالک شهری همگون هستند و مانند شهرهای ما آشفتگی و ناهمگونی را احساس نخواهند کرد.

در شهرهای ما نه فرهنگ مشترکی برای ساختن ساختمانها وجود دارد و نه مصالح یکسان در نظر گرفته‌اند و نه سبک مشخصی را دنبال نموده‌اند.

این در حالیست که علیرغم وجود فرهنگی فنی و پیشینه‌ی معماری و ساختمانی گذشته‌ی کشور که همیشه الگویی برای دیگر جوامع بوده است که متأسفانه ما نتوانستیم از این پتانسیل به نحو مطلوبی استفاده کنیم.

• حال با وجود این وضعیت چه راهکار و پیشنهادهای ارائه می‌فرمایید؟

- ما زمانی نتوانیم طرحهای تفصیلی شهریمان را با استانداردهای جهانی و در نظر گرفتن همه جوانب یعنی فرهنگ، اقتصاد، طبیعت و... آماده کنیم نمی‌توانیم شهری استاندارد و دارای هویتی مشخص داشته باشیم!

طرح تفصیلی که قابل تغییر نباشد و سلايق ایده‌های مدیریتی مجزا و مختلف و همچنین خواست شهروندان نتواند آن را برهم بزند که این خود باید مکانیزمی تعریف شود که این امر عملی گردد.

چه در شهردارها و چه در دیگر ارگانها و شهروندان و سازمان نظام مهندسی نیز باید ملزم به رعایت آن گردند.

و در گام دوم باید نهادهای دولتی و خصوصی بانی امر ساخت و ساز باید با هم منسجم و هماهنگ عمل کنند تا شهروندان نوعی التزام به رعایت اصول تعریف شده بپردازند.

مورد دیگر نیز فرهنگ سازی است که بیشتر به آن اشاره گردید.

باید به جایی برسیم که مالک، معماری بیرونی خانه‌ی خود را به مهندس واگذار نماید و مهندس و متخصصین امر نیز با توجه به طرح تفصیلی و هویت شهری عمل نمایند.

متأسفانه در جامعه‌ی ما وقتی معمار به مالک می‌گوید که به عنوان مثال از نمای سنگی استفاده شود تا با فرهنگ و نمای شهری همخوان باشد، در صورت عدم پذیرش مالک، این تصمیم عملی نخواهد شد.

نیز گاهی شاهد تخلفات و ناهماهنگی‌ها در حوزه ساخت و ساز نیز بوده ایم.

\*مسئول روابط عمومی سازمان نظام مهندسی کردستان

# اجلاس نوزدهم ولزوم رویکردها به آسیب شناسی قوانین



[مهندس ساعد معارفی\*]

## نقش سازمان نظام مهندسی ساختمان در اجرا و بسط قوانین و مقررات ملی ساختمان

در بازبینی تاریخ گذشته کشورمان به خصوص از قرن گذشته و موكدا از زمان تأسیس دارالقنون به دست توانای امیر کبیر، نمی توان به سادگی از نقش بی بدیل دانش آموختگان رشته های فنی و مهندسی گذشت.

این نقش چنان در حوزه های کشورداری، مدیریتی و سیاست متبلور است که گویا پیش زمینه تمام امور، عبور از مسیر و محدوده رشته های مهندسی می باشد.

از سویی در سالهای اخیر و به خصوص پس از حادثه غم انگیز زلزله رودبار در سال ۶۹ و تالیف مقررات ملی ساختمان و مباحث مختلف آن، نقش مهندسی در بخش خصوصی و به ویژه عمرانی، نمود بیشتری پیدا کرده و غیر قابل چشم پوشی است.

بخش عمرانی با گستره بسیار وسیعی از امور مهندسی و هزینه هایی که در این بخش اعم از دولتی و خصوصی مصرف می گردد، باعث شده رابطه ای تنگاتنگ با اقتصاد و معیشت مردم داشته باشد و همین ارتباط نزدیک و قابل لمس توده مردم با بخش مهندسی، هم باعث افتخار و مباهات بوده و هم موجبات نگرانی را در ارائه صحیح خدمات به دنبال دارد.

نقش تشکلهای غیر دولتی و به خصوص سازمان های نظام مهندسی ساختمان در این میانه بسیار ابتکار و غیر قابل چشم پوشی است، در بند ۷ ماده ۱۵ قانون نظام مهندسی از مهم ترین وظایف و اختیارات هیئت مدیره نظام مهندسی، دفاع از حقوق اجتماعی و حیثیت حرفه ای اعضا و در بند ۸ آن تنظیم روابط بین صاحبان حرفه های مهندسی ساختمان آمده که در نوع خود بسیار ستودنی بوده و فصل مشترک اجرای همگانی قوانین و رعایت اصول حرفه ای در مواجهه با مردم است.

سازمان ها و تشکلهای حرفه ای غیر دولتی و در اینجا به صورت اخص، سازمان نظام مهندسی ساختمان، نقش اساسی و کاربردی در حمایت حرفه ای، اجتماعی و صنفی از اعضا ایفا می کنند، یکی از نقش ها و شاید ارکان حمایتی، ایجاد بسترهای فرهنگی و پرورش باورهای عمومی و مردمی به جایگاه مهندسی در جامعه است که شرط اول در بسط و استحکام قوانین و مقررات ملی ساختمان می باشد.

انتظاری که از اعضای یک سازمان از سکاتداران آن دارند، تنها در حوزه اقتصادی و ایجاد کسب و کار نیست، زیرا تا اعتماد عمومی و مردمی و باور اساسی در بخش مقابل یعنی مصرف کنندگان خدمات مهندسی ایجاد نشود، مطمئناً این روش یعنی سعی در بسط و گسترش بازار به مثابه درمانی زودگذر بوده و راه به جایی نمی برد، ولی جهت یابی برای بسط و گسترش قوانین و

مقررات ملی ساختمان، حکم بستری مقاوم را خواهد داشت که حافظ تولید و سرمایه ملی خواهد بود.

هم اکنون حجم وسیعی از خروجی های دانشگاهی ما از بین فارغ التحصیلان رشته های فنی و مهندسی بوده که باید در آینده، مدیریت بخش عمده ای از ارکان جامعه را به عهده گیرند، تربیت و تلاش در جهت نخبه گرایی در قشر مهندسی جوان در گرو فعالیت مدیران فعلی تشکلهای و سازمانهای نظام مهندسی است. این سازمانها باید با تلاشهای چند جانبه، هم به پرورش مدیران زنده پرداخته و هم جامعه را نسبت به اصلاح باور عمومی به جریان مهندسی و اجرای قوانین ترغیب کنند.

اخلاق حرفه ای، آشنایی با فنون مستتری مداری، تشویق به ارائه کامل و ابده ال خدمات مهندسی و از همه والاتر ارجاع مهندسیین به مرانامه و سوگند حرفه ای خود و عمل به آن می تواند آغاز گراهی نو برای تربیت مدیران حرفه ای اخلاق مدار باشد که شرط اول بسط و گسترش قوانین نظام مهندسی است.

از سوی دیگر استفاده از وسایل ارتباط جمعی، استفاده از توان سازمانها در جهت ارتباط مستقیم با مردم، تعامل با دیگر تشکلهای ایجاد پل های ارتباطی با مدیران در سطوح مختلف، رسوخ به بخشهای آموزشی که پایه گذار جریانهای علمی و تخصصی می باشند و در یک کلام ایجاد تحول اداری - اجتماعی تنها راه ماندن در قله عزت حرفه ای و شأن مهندسی می باشد.

در صورت اصلاح باور عمومی و اعتقاد مردمی به بخش مهندسی، بازار کار همراه با رضایتمندی طرفین فراهم شده و اخلاق حرفه ای نیز نهادینه خواهد شد، و این زمانی است که ما می توانیم با اطمینان خاطر به آینده بخش مهندسی و کارآمدی مدیران قانونمند برای هدایت امور کاربردی امیدوار باشیم. اکنون یکی از مباحثی که در شرایط فعلی در میان کارشناسان امر ساختمان مطرح است و می توان از آن به عنوان تهدید یاد کرد، روندی است که اکنون در عرصه ساخت و ساز در کشور وجود دارد و آن کم رنگ شدن معماری ایرانی در کنار بی توجهی به استحکام ساختمانها در مواقع بروز حوادث طبیعی و ناخواسته است. بحث ساختاری مقررات ملی ساختمان که در مقاطع گوناگون نشست ها و سمینارهایی را برای دستیابی به کارآمدترین ساز و کار به خود اختصاص داده، در صدر رسیدن به جایگاهی است که کشور را در مقابل آسیب هایی که آن را در این عرصه تهدید و هر از چند گاهی با بروز حوادثی بدیهی همچون زلزله منجیل و بم زبانه های جانی و مالی را متوجه کشور می سازد بیمه کند؛ اگر چه توفیق چندانی در این امر حاصل نشده است. در ادامه نگاهی هر چند کوتاه به برخی دلایل و تنگناها در عدم دستنمایی به مقررات جامع ملی ساختمان به عنوان مهم ترین رکن ساخت و ساز کشور انداخته ایم.

### دلیل اول: عدم حمایت نهادهای قانونی و اجرای ناقص قوانین

هر قانونی پس از تصویب نیاز به حمایت دارد مجریان قانون بدون اطمینان از پشتوانه های حکومتی قادر به اجرای قانون نیستند قوانینی که با صلاحدید و مصلحت اندیشی مدیران وقت اجرا نشده و یا ناقص اجرا شوند محکوم به



فناهندستانند اجرای قانون و بسط آن اراده و حمایت قوی می‌خواهد خصوصاً قوانینی که به صورت روزمره با زندگی و هزینه مردم در ارتباط است.

#### دلیل دوم: بگ کشور، بگ دولت، دو قانون

بزرگترین و بلکه مهمترین دلیل، کندی اجرای قوانین نظام مهندسی ریشه در چندگانگی اجرای قانون دارد هم اکنون در کشور در سیستم دولتی نظام فنی و اجرایی با قوانین خاص خود و در بخش خصوصی آن هم به طور ناقص قوانین و مقررات ملی ساختمان اجرامی شهید؛ به نظر می‌آید تا زمانی که این دوگانگی در اجرای قوانین ساخت دخیل باشد بسط و گسترش قوانین و مقررات ملی ساختمان با کندی همراه است.

#### دلیل سوم: تعدد مراجع قانونگذاری

در یک سیستم واحد نظارتی تعدد مراجع قانونگذاری به مانند آفتی است که مانع رشد و بالندگی سیستم شده و عاملان اجرا و نظارت را دچار سردرگمی خواهد کرد. هم اکنون قوانین و مقررات ملی ساختمان با آنکه نزدیک به دو دهه قدمت دارد، در چرخه مراجع قانونگذاری گرفتار شده و هر یک از مراجع باره‌ای از موارد قانون را بنا بر حفظ منافع اجرایی کنند.

#### دلیل چهارم: عدم کارایی قوانین مجازاتی

عدم رعایت قوانین و اجرای سلبیقه‌ای آن به عوامل مختلفی بستگی دارد، اما از تکاب تخلف به رغم جرایم موجود، تنها یک دلیل دارد و آن هم عدم کارایی قوانین مجازاتی موجود است. اساساً در نظر گرفتن جریمه برای وقوع تخلف در حوزه‌هایی مانند حوزه ساخت و ساز اشتباه است، زیرا در کشور یا قانون وجود دارد یا ندارد، اگر قرار بر اجرای صحیح مقررات باشد، هیچ تبصره و جریمه‌ای نباید از این امر جلوگیری کند. اما در نظر گرفتن جریمه به نوعی اصل اجرای مقررات را از بین می‌برد.

شهرداری‌ها پس از وقوع تخلف، تنها اقدام به اخذ جریمه کرده و اصل قوانین نادیده گرفته می‌شود، زیرا برای برخورد با سازندگان متخلف باید از دادگستری مجوز قانونی داشته باشند و تا شهرداری پرونده دریافت چنین مجوزی را طی کند، ساختمان یا تخلفات صورت گرفته احداث می‌شود و رسیدگی به تخلفات در نهایت وارد کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری می‌شود که آن هم محلی برای افزایش درآمدهای شهرداری‌ها شده است.

#### دلیل پنجم: اجرای سلیقه‌ای برخلاف قانون

اگر از بحث پروژه‌های دولتی خارج شویم، اجرای سلیقه‌ای مقررات ملی ساختمان در میان بیشتر سازندگان مسری شده، به گونه‌ای که ترجیح می‌دهند هر طور که مایل اند ساخت و ساز کنند و در پایان نیز جریمه نقص قوانین را پرداخت کنند و در نتیجه رواج چنین اقدامی، کیفیت ساخت و ساز کاهش یافته و امکان تخلف در این میان افزایش می‌یابد.

در این بین دو موضوع اساسی منجر به عدم اجرای مقررات ملی ساختمان می‌شود، اول اینکه فرهنگ سازی صحیح از سوی مسئولان صورت نمی‌گیرد، برای نمونه، اگر چه سازنده از سوی شهرداری به دلیل ارتکاب تخلف جریمه می‌شود اما هیچ گونه بحث و گفتگویی در این مورد با فرد متخلف صورت نمی‌گیرد و تنها به اخذ جریمه از وی بسنده می‌کنند، زیرا در حال حاضر در سازمان‌های مرتبط کمتر به امر فرهنگ سازی و تشریح و بسط قوانین مربوطه توجه می‌شود.

مورد دوم، مربوط به توضیح مقررات ملی ساختمان و ضوابط تشریحی است. لازم است جریات این قوانین برای سازندگان تشریح شود تا هیچ گونه ابهامی در اجرای آن پیش نیاید. لازم به بسط و گسترش قوانین، بازخوانی و بازگویی نکات مثبت و عام المنفعه بودن آن است؛ اجرای سباستهای تشویقی و آگاهی دهنده بسیار کاربردی تر از قوانین قهری به است.

#### دلیل ششم: بازار آشفته کار و تخصصی

فارغ التحصیلان رشته‌های مهندسی ساختمان سالیانه با آشفتگی بازار کار مواجه هستند، چرا که منوطی خاص برای جذب آنها وجود ندارد. جذب در سیستم دولتی که داستان خاص خود را دارد و ورود به بخش خصوصی هم تابع قوانین خاص خود است، ادامه حیات در بخش خصوصی برای یک فارغ التحصیل جوان که بدون سرمایه هم باشد، یعنی دنباله روی و تبعیت از سرمایه‌افراد عاری از تخصص که فقط به دنبال نیت مهندسی افراد هستند و فرمانده اصلی و تصمیم گیرنده نهایی در این میدان کسی است که سرمایه دارد و در واقع مسئول پیاده سازی قوانین و مقررات، تابع فرمانده قانون‌گریز می‌شود.

#### دلیل هفتم: هم‌گام نبودن سازمانهای خودی

در این نوشتار قصد نداریم از ضرورت ایجاد سازمان‌ها و سیستم‌های نظارتی سخنی به میان آوریم، چرا که ضرورت وجود این سازمان‌ها پس از سال‌ها از تأسیس آن‌ها بسیار واضح است و نیازی به یادآوری ندارد، ولی خالی از لطف نیست که نیم‌نگاهی به هدف و خواستگاه این سازمان‌ها در جهت کاربردی نمودن این اهداف بیاندازیم. چرا که در بیشتر مواقع همگام و همه‌رأی نبودن سازمان‌های خودی موجب عدم اجرای قوانین می‌شود.

در بند ۷ ماده ۲ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان آمده است: وضع

کشور مابه دلیل فراوانی مواد اولیه به صورت طبیعی و همچنین عدم رعایت معقولاته بهره برداری از آنها، نه تنها رعایت نشده، بلکه در اکثر مواقع مورد تاراج قرار گرفته است.

در پروژه ساخت یک ساختمان، سه گزینۀ نقش اساسی خواهد داشت؛ کیفیت، سرعت و هزینه. از دید کارفرمای آگاه، عاملین اجرای یک ساختمان و بلکه طراحان آن باید دو مورد کیفیت و سرعت را افزایش داده و از هزینه‌ها بکاهند. بخش سوم یعنی کاهش هزینه‌ها رابطه‌ای تنگاتنگ با پرسه طراحی و اجرای قوانین دارد، به طور مثال؛ ساختمانی که بر اساس طراحی معمول و ویرایشهای فنی موجود محاسبه و نوع مصالح مصرفی نیز در آن طراحی شده، ولی در چرخه اجرا به صورت سلیقه‌ای و بر اساس شرایط بازار ساخته شود، هیچ‌گاه نمی‌تواند توقعاتی که مالز یک ساختمان با شرایط ذکر شده را داریم، فراهم نماید.

#### دلیل نهم: وجود کارگران و عوامل غیر متخصصی

وجود کارگران غیر متخصص از مهم‌ترین مباحث عدم اجرای مقررات ملی ساختمان است که در بیشتر موارد نادیده گرفته می‌شود، زیرا در زمان جذب نیرو برای پروژه‌های ساختمانی، کمتر سازنده‌ای به دنبال جذب کارگری با کارت مهارت فنی می‌رود و اکثراً کارگرانی از همه جا رانده و با کارگران فصلی هستند که به طور عمده از بخش کشاورزی و پس از پایان فصل کشت و زرع جذب می‌شوند که این خود معضلی برای ساخت و ساز کشور به شمار می‌رود. این افراد به دلیل اینکه هدفی جز درآمدزایی ندارند می‌توانند موج نگرانی را به این بخش آورده و کیفیت در ساخت و ساز را دچار افت کنند، از طرفی نتیجه‌ای جز زیان به اقتصاد ملی، انرژی و اتلاف زمان ندارد.

#### دلیل دهم: عدم تخصص افراد متخصصی

یکی از دلایل قوت قوانین و اجرای کامل مشخصات فنی در کشور های توسعه یافته، وجود شرکت‌ها و تجمیع نیروهای فنی در گروه‌های اجرایی است؛ یک شرکت اجرایی با تکیه بر نیروهای متخصص و فنی خود و همچنین بهره‌گیری از بیمه‌های تضمین کیفیت، مشتری را وادار به اجرای قوانین برای استفاده پهنه از محصول تولیدی می‌کند. بهره‌بردار و با مشتری با اطمینان از تضمین‌های موجود، هم به اجرای قوانین احترام می‌گذارد و هم افزایش اندک قیمت را برای آسایش خود می‌پذیرد، ولی در کشور های توسعه نیافته اجرای یک تنه تمامی موارد اجرایی برای کاهش هزینه‌ها و به موازات آن فرار از قوانین اجرایی برای کاهش قیمت و جذب مشتری بیشتر هنوز یک اصل است.

#### دلیل یازدهم: مدعیان با جسارت

بخش عمران کشور همیشه به حدی مدعی غیر متخصص داشته که در دیگر بخش‌های حرفه‌ای کمتر کسی جرات و جسارت این چنین دخالت‌های فنی را دارد که کمتر دیده شده که در حوزه‌ای مثل حوزه پزشکی کسی اجازه دخالت و حتی اظهار نظر داشته باشد ولی در بخش ساختمان نظرات بسیار فنی و محیر العقول در رابطه با اصول فنی ساختمان و اجرای آن از سوی همه صنوف دیده می‌شود.

#### دلیل دوازدهم: سود آوری بی حساب

در کشوری که سالهاست سازندگان ساختمانی از روش‌های سنتی ارزان قیمت برای ساخت و ساز استفاده می‌کنند، اجرای قوانین ولو با هزینه کم بسیار سخت است؛ مجریان سنتی ما هنوز به آن باور اساسی اجرای قانون نرسیده و گمان بر ساخت و ساز بدون حضور متولی با صلاحیت و نظارت قانونمند اصرار دارند، چرا که تنها معیار آنها سود بیشتر است، در واقع سازندگان مابه سود آوری در سایه بی قانونی عادت کرده‌اند.

عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فزوی



مقررات ملی ساختمان به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت، بهره‌دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی و اجرا و کنترل آن در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران از ساختمانها و فضاهای شهری و آینده‌مستحقات عمومی و حفظ و افزایش بهره‌وری منابع، مواد و انرژی و سرمایه‌های ملی بوده و از اهداف و خط مشی این قانون است.

مجموعه مقررات ملی ساختمان مشتمل بر مباحثی می‌باشد که در برگیرنده کلیه قوانینی است که به جهت حمایت از مردم به عنوان بهره‌برداران اصلی نگاشته شده است. حمایت از این قوانین توسط متولیان قانون و اصرار در اجرای آن توسط مردم و ذینفعان نه تنها تضمین کننده سرمایه ملی است، بلکه ضامن و حافظ سرمایه‌های کوچک و بزرگ مردم و اطمینان در بقای آن در مقابل حوادث و بلایای طبیعی و ناخوآسنه می‌باشد. در پرسه طراحی واحدهای یک ساختمان، بی‌اعتنایی به قوانین و اعمال سلیقه به مانند آفتی است که در زمان بهره‌برداری، نه تنها از لحاظ ایستایی موجب شک و تردید را فراهم می‌آورد، بلکه با بالا بردن شدید هزینه‌های نگهداری و تعمیرات، به اقتصاد خانوار نیز زیان وارد می‌نماید.

#### دلیل هشتم: عدم رعایت قوانین و آیین‌نامه‌ها در استفاده از مصالح

از مباحثی که مورد توجه و رعایت سازندگان سازه‌ها به خصوص ممالکی که از مواهب طبیعی و معادن خدادادی بی بهره بوده‌اند، می‌باشد، رعایت و استفاده عاقلانه و مدبرانه از مصالح مورد نیاز است، امری که متأسفانه در

به بهانه اجلاس نوزدهم

## نگاهی دیگر به فرایند رشد و بلوغ سازمان نظام مهندسی در بیست سال گذشته

تعیین مسئولیت‌های حرفه‌ای و نقش‌های صنفی مهندسان، اعم از معماری، سازه، برق و مکانیک و سایر رشته‌های فنی مرتبط و کارگران ماهر بر خوردار نبود و خلاء حاکم بر این مجموعه مقررات، نظام یایش و کنترل را در این صنعت به چالش می‌کشید و گام‌هایش را دچار اصطکاک می‌کرد.

رفع نقاط ضعف و خلأهای حقوقی و اجرایی حاکم بر این مجموعه مقررات، گرچه با اصلاحاتی در سال ۱۳۵۲ و ۱۳۵۶ تعقیب شد، اما به واقع تا سال ۱۳۷۱ که مقرراتی با تعریف مسئولیت‌هایی شفاف‌تر برای مهندسان ناظر، طراح و مجری و نیز کارگران ماهر تدوین و تصویب شد، اقدام مؤثر دیگری در طول این سال‌ها رخ نداد و شهرهای کشور همچنان بی‌قاعده رشد می‌کردند و

شهرک‌های قارچ‌گونه، بی‌هیچ محدودیتی،

ساخت و ساز، هیچ انتخاب دیگری جز رویارویی با بحران گسترش بی‌رویه و بی‌قاعده‌ی شهرها نداشت و از آنجا که ملک، کالای قابل مبادله و خرید و فروش بود، عدم کنترل بر کیفیت ساخت و ساز می‌توانست ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی عدیده‌ای را به همراه داشته باشد. لذا وزارت مسکن و شهرسازی با استناد ماده‌ی ۱۳ قانون قدیم نظام معماری و ساختمانی، دست به تدوین یک سلسله از مقررات و ضوابط فنی و الزامات کیفی زد که به «مقررات ملی ساختمانی ایران» مشهور شد و در سال ۱۳۴۶ به تصویب وزیران وقت رسید. مصوبه‌ای که آن‌را می‌توان نطفه‌ی اولیه‌ی سازمان نظام مهندسی ساختمان دانست که در زهدان پروکرسی اداری ایران متعقد و شروع به رشد و تکوین و بالندگی نمود و با گذر از فراز و فرودهای نظام اداری، در نهایت هویت مستقل در فضای ساخت و ساز شهری یافت.

تصویب این مقررات گرچه اقدام مهمی در شکل‌گیری نهایی ساختار پایشی صنعت ساختمان محسوب می‌شد، اما هنوز از ظرفیت لازم برای

ساختمان‌ها، عناصر سازنده شهری هستند که هویت اجتماعی انسان‌ها در آن شکل می‌گیرند. ترکیبی جامد از آهن و آجر و ملات که در آمیختگی با روح ساکنان شان، کالبدی زنده را می‌سازند و خون حیات و زندگی در آن‌ها جریان دارد.

خانه، که جزو اولین نیازهای بشر محسوب می‌شد در گذر از دالان پُربویج و ناب تاریخ، به چیزی فراتر از سرپناه و آسایش انسان تبدیل شده و مورد توجه مفاہیم و دیدگاه‌ها نظیر مکاتب معماری کلاسیک و مدرن، هویت و سیمای شهری، توسعه پایدار و... پارادایم ساخت و ساز را دستخوش تغییر و تحول بنیادینی نموده است، نا آنجا که دولت‌ها برای کنترل و پایش ساخت و سازها، دست به تدوین قوانین و مقررات سخت‌گیرانه زده اند تا رشد روزافزون ساخت و سازها را که به دلیل افزایش نرخ رشد جمعیت تبدیل به یکی از صنایع پررونق دنیا شده بود را هدقمند و ضابطه‌مند نمایند. در ایران نیز که همواره نرخ رشد منحنی انطباق با تحولات جهانی، آهنگی کندتر از سایر کشورها، توسعه یافته راداشته و دارد، نظم بختیدن و قاعده‌مند کردن ساختار صنعت ساختمان نامدتهای مدید به طول انجامید و فرصت‌های بسیاری در راهروهای پروکرسی اداری به هدر رفت.

مدیریت شهری بدون قانونمند

کردن و ضابطه‌مند

کردن نظام



کلانشهرها را گسترش می‌دادند و جغرافیای شان را وسیع‌تر می‌ساختند. با این وصف، پس از دوره‌ی آزمایشی سه ساله‌ای که توفیق این طرح را نمایان ساخت، عاقبت «قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان» در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و نظارت بر عملکرد ساخت و سازها در مناطق مسکونی، قانونمند گردید و مفاهیم پایش و کنترل به ادبیات صنعت ساختمان وارد شد.

از این تاریخ به بعد، مقررات ساخت و ساز، لباس قانونی بر تن کردند و گرچه هنوز کمیته‌های فاحشی در ساختار حقوقی و نظام‌داری این قانون نوبابه چشم می‌خورد، اما به هر حال، این مصوبه، سنگ بنایی بود که جامعه مهندسی مرتبط با صنعت ساختمان را ساختارمند کرد، به فرآیند ساخت و ساز نسبی نظم و انضباط بخشید و بستر مناسبی برای کنترل و پایش عملکرد کیفی تمام عوامل تولیدی و خدماتی در ساختمان محسوب شد.

امروز پس از گذشت بیش از نیم قرن از نخستین تلاش‌های رای‌قاعده‌مند کردن نظام ساخت و ساز، هنوز هم بخش‌هایی از قانون و مقررات ملی ساختمان مغفول مانده‌اند. هنوز هم خلأهایی در

مکانیسم نظارت و اجر احساس می‌شود که مورد سوء استفاده‌ی بساز و بفروش‌ها و دلالت صنعت ساختمان قرار می‌گیرد و هنوز هم ضعف‌های آشکاری وجود دارند و به نظر می‌رسد که بار دیگر زمان اصلاح و به‌روزرسانی مقررات و قوانین جدیدی که بیش از دو دهه از عمر آزمایشی گذرد، در مجلس جدید فرا رسیده است.

بیشترین مشغولیت ذهنی مدیران فعلی سازمان، ایجاد فرصت‌های شغلی برای جامعه جوانی است که مدام بر بیکریه سازمان افزوده شده و مدیریت را دچار سراسیمگی می‌کند و این انحراف از رسالت و آرمان اصیل سازمان است که برای بهبود کیفیت و ارتقای دانش مهندسی سازی در کشور پدید آمده و نه برای کاریابی و ایجاد اشتغال مهندسان جوان! و مادام که ما فلسفه و «چرایی» وجود سازمان را درک نکرده و ملکه ذهن قرار ندهیم، هر «چگونه» ای می‌تواند فریبنده بوده و مارا به مقصدی متفاوت از امروز رهنمون سازد.

در مسیر تاریخی که سازمان تا به امروز طی کرده، مدام با اصطکاک‌ها و مقاومت‌هایی مواجه شده که حتی مغایر با قانون بوده‌اند. با این وصف، سازمان کوشیده تا این مقاومت‌ها را به شجوه‌ای غیر حقوقی و با گفتگو و رفع و خنثی‌کنند و انرژی شهرداری‌ها، مالکان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و انبوه‌سازان را در مسیر رسالت سازمان هدایت و هزینه‌کنند. این در حالی است

که صراحت قانون، حق را به سازمان می‌دهد و نباید در مطالبه قانون و حقوق قانونی سازمان، تردید و یا احتیاط کنیم. اما اگر ترجیح بر این است که اختلافات در پناه گفتگو و مشاوره حل و فصل شود، پس قانون جامع نیست و باید این قانون و مقررات که مربوط به دوره‌ی زمانی دیگری بوده، بازنگری و اصلاح مجدد شود.

باید در کنار ضرورت‌هایی که قانون به آنها تأکید کرده، فرآیند ساخت و ساز را نیز از منظر سایر ذینفعان این صنعت، مورد تحلیل قرار دهد. باید دیدگاه انبوه‌سازان، معماران سستی، سازندگان و سرمایه‌گذاران بخش ساختمان و حتی تولیدکنندگان مصالح ساختمانی و ارائه‌دهندگان خدمات فنی نیز اخذ و در تحلیل نهایی لحاظ شود؛ حتی نگاه اقتصاد دانان، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی ذیربط با نظام مهندسی ساختمان نیز باید مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرند و قانونی جامع و کامل که دربرگیرنده‌ی تمام نگرش‌ها، خواسته‌ها و سلیقه‌ها و تئوریک و تصویب شود که اعتماد، وثوق و پذیرش تمام بخش‌های مختلف صنعت ساختمان را در پی داشته باشد.

ارتقای دانش مهندسی و ترویج فرهنگ ساخت و ساز اصولی و کنترل و پایش عملکرد مهندسان عضو سازمان، مأموریت واقعی سازمان نظام مهندسی ساختمان است و این آرمان و رسالت فقط در پناه یک تفکر سیستمی و یک نگاه جامع و فراگیر محقق خواهد شد. می‌توان از پله‌های تلاش و پیگیری بالا رفت و آن را ترقی و توسعه خواند، اما نکته مهم این است که این تردیدان به کدام دیوار تکیه دارد و این دیوار پشتیبان، تا چه پایه محکم و استوار است؟! استوار است!

## توسعه سازمانی در گرو محدودیت‌ها

[مجموعه نظری]

کارشناس پایه یک عمران

جایگاه و نقش سازمان نظام مهندسی ساختمان به سوی تحقق اهداف قانونی، گسترش فعالیت‌های حرفه‌ای و مواردی از این قبیل سوق پیدا کرده است در حالی که امروزه اولویت‌های مهندسی جهان بر پایه مسائلی چون مدیریت انرژی و توجه به مدیریت محیط زیست متمرکز است و واژگان تخصصی مهندسی در دنیا تغییر کرده است. اکنون ضرورت بازنگری رابطه نظام مهندسی با سایر بخش‌ها و دولت ضروری است. بعنوان مثال پاسخ هر اقدام در سازمان این است که شما تابع دولت هستید در حالی که طبق قانون، سازمان تشکلی صنفی و مردم نهاد است. در راستای ساخت و سازهای شهری، شهرداری و شورای شهر باید همکاری خوبی با سازمان نظام مهندسی ساختمان داشته باشند ولی هنوز بستر سازی مناسب در این عرصه شکل نگرفته است. در فرآیند ساخت و ساز و در کنار ضوابط شهری رعایت ضوابط مهندسی ضرورت است. بنابراین باید تلاش گردد در بازل مدیریت شهری جایگاه نظام مهندسی به درستی تعریف و تعیین شود.

زمانیکه قوانین نظام مهندسی ساختمان در کشور تدوین می‌شد تعداد مهندسان محدود بود و قوانین نیز بر اساس نیاز جامعه و تعداد مهندسان تدوین شد. در حال حاضر با توجه به اینکه سازمان نظام مهندسی ساختمان حدود ۴۰۰ هزار نفر عضو دارد و شهرها به سرعت گسترش پیدا کرده و ساختمان‌سازی نیز رونق پیدا کرده است نیاز متدبه روز کردن قوانین با توجه به نیاز فعلی جامعه هستیم. شیوه‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان نیازمند بازنگری و به‌روز شدن هستند تا از موازی کاری در بخش‌های نظارتی و اجرایی جلوگیری شود و سازمان‌های اجرایی خود را مکلف به تمکین از قوانین بدانند.

تابه امروز نگاه مدیران ارشد نهادهای عمومی غیر دولتی و همچنین دستگاه‌های دولتی به سازمان نظام مهندسی پس از ۲۰

سال هنوز هم نگاه بزرگتر به یک طفل نوپاست و این بزرگترین آسیبی است که جامعه مهندسی کشور را تهدید می‌کند. سازمان نظام مهندسی در حال حاضر با ظرفیت علمی و تعدد مهندسان روبه‌روست ولی هنوز به این سازمان با این گسترده‌گی اعتماد حاکمیتی وجود ندارد در حالیکه اعتماد مردمی به آن بالاست و انتقادهایی که می‌شود نشان از اهمیت این سازمان در بین مردم دارد. سازمانی که قانون و ضابطه و همچنین مأموریت برایش تعریف شده، در صورتی که از قوانین و مأموریت‌های خود فاصله گرفته و باید توسط نهادها و دستگاه‌های بالادستی کنترل شود.

مسئله دیگر حول نظام مهندسی ساختمان عدم تعریف رابطه مناسب سازمان با ساختارهای اقتصادی دیگر است. به عنوان مثال هنوز از تباطؤ قانونی روشنی بین تشکلهای فعال در ساخت و ساز در مقیاس صنفی و تخصصی با سازمان تعیین نشده است. از طرفی جایگاه این سازمان بزرگتر در بحث اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های استانی و ملی در موضوعات مختلف مشخص نیست. و این در حالی است که مهندسی و ظرفیت‌های فنی و منابع سخت افزاری و نرم افزاری سازمان می‌توانند در مباحث بسیار مهم اقتصادی کشور مانند مدیریت انرژی، توسعه صادرات در خدمات مهندسی، شهرسازی مدرن، توسعه شبکه حمل نقل، گردشگری، توسعه مناطق آزاد کمک‌شایانی کنند.

برای کسی که تازه به حرفه مهندسی پا گذاشته بحث اشتغال نخستین اولویت را دارد. برای کسی که چند سالی در این حوزه کار کرده، افزایش درآمد مهم‌تر است. برای کسانی که تجارب بیشتری دارند نشان جایگاه اولویت بیشتری دارد و مهندس کارگشته‌ای که جایگاه خود را تثبیت کرده است، بیش از هر چیز به کیفیت ساخت و ساز اهمیت می‌دهد.

هر اجتماعی دارای مصائب و مشکلاتی است که حل آنها به صورت فردی امکان پذیر نیست. در فعالیتهای صنفی افراد یک صنف همه ذی‌نفع هستند و هم‌سویی بیشتری برای کار گروهی وجود دارد. اکنون جامعه مهندسی با مشکلات بسیاری روبه‌رو است که این مشکلات منشاءهای مختلفی دارند.

برآیند این مشکلات در چهار خواسته عمده مهندسی خلاصه می‌شود. یکی از این خواسته‌ها موضع اشتغال مهندسان است. ذیل بحث اشتغال، مهندسان دغدغه درآمد نیز دارند، زیرا پرداخت و حق الزحمه خدمات مهندسی پایین است و این درآمد هم پایدار نیست. سومین مسئله شأن، منزلت و جایگاه مهندسی است. کیفیت ساخت و ساز در شهر هم دیگر دغدغه مهندسان است.

با توجه به سن و سال و تجربه کاری مهندسان اولویت بخشی آن‌ها به این دغدغه‌ها با یکدیگر متفاوت است. برای کسی که تازه به حرفه مهندسی پا گذاشته بحث اشتغال نخستین اولویت را دارد، برای کسی که چند سالی در این حوزه کار کرده، افزایش درآمد مهم‌تر است. برای کسانی که تجارب بیشتری دارند شأن و جایگاه اولویت بیشتری دارد و مهندس کارگشته‌ای که جایگاه خود را تثبیت کرده است، بیش از هر چیز به کیفیت ساخت و ساز اهمیت می‌دهد. رسیدن به خواسته‌های فوق تنها از طریق فعالیتهای جمعی و با برنامه ریزی امکان پذیر می‌باشد. البته باید پذیرفت برای رسیدن به بخشهایی از خواسته‌های فوق می‌بایست فراتر از سازمان نظام مهندسی فکر کرد.

سازمان نظام مهندسی، طبق ماده ۲ و ۳ قانون نظام مهندسی تنسيق امور مربوط به مشاغل و حرفه‌های فنی و مهندسی در بخش‌های ساختمان و شهرسازی را بر عهده دارد. هر چند ایجاد درآمد و اشتغال برای مهندسان به‌طور مستقیم جزو شرح وظایف سازمان نظام مهندسی نیست ولی این سازمان اختیارات و توانمندی‌هایی دارد که در صورت اجرای صحیح قوانینی مانند اجاع کار، نتیجه آن علاوه بر بهبود کیفیت ساخت و ساز ایجاد اشتغال و افزایش درآمد برای مهندسان می‌باشد.



## بررسی تاریخ آموزش آکادمیک معماری در ایران و باهاوس

[علیرضا خوئی 'آزاده خرم']

۱. مدرس دانشکده فنی سازی امام محمد باقر (ع)  
۲. کارشناسی ارشد معماری

از عوامل بسیار مهم و تعیین کننده در به وجود آمدن معماری در تمام دنیا، دانشگاه‌ها، مدارس عالی و تشکیلاتی هستند که در امر آموزش علمی، عملی و هنری معماری نقش دارند و هم‌چنین برنامه‌هایی که این مؤسسات طرح می‌ریزند و بر طبق آن دانشجویان تربیت و آماده کار می‌کنند. به عبارتی می‌توان گفت که عامل آموزش مهم‌ترین عامل به وجود آورنده معماری با کیفیت بالاست. مسئله آموزش آکادمیک معماری در مملکت ما قدمت چندانی ندارد و از سال ۱۳۱۹ که دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به وجود آمد، شکل واقعی به خود گرفته است. از آن زمان تا دهه پنجاه دو مؤسسه مبتکر دیگر به وجود آمد. یکی دانشکده معماری دانشگاه ملی که در سال ۱۳۳۹ تأسیس شد و دیگری دانشکده

علم و صنعت که بعد از آن تأسیس شده است. علاوه بر آن مهندسان راه و ساختمان نیز رسماً اجازه طرح نقشه یافتند و دانشکده فنی از تأسیس دانشگاه تهران به بعد دست‌اندر کار تربیت مهندس هستند.

بیش از شش دهه است که از آموزش معماری به شکل امروز در دانشگاه‌های ایران سپری می‌شود اما هنوز روش یا روش‌های کاملاً رضایت‌بخش شکل نگرفته است و این نکته کمابیش در همه دانشکده‌های معماری وجود دارد. آموزش معماری در ایران دارای سه لایه‌ی آموزش آکادمیک، آموزش در دفاتر کار و آموزش کارگاهی است که در گذشته این لایه‌ها به هم متصل بوده ولی در حال حاضر از هم جدا شده اند همین عامل باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی در معماری معاصر گردیده است در این مقاله مقایسه تطبیقی بین اولین مدارس آکادمیک جهان و ایران صورت می‌گیرد.

در قرن بیستم، یکی از کوشش‌هایی که جهت نزدیکی معماری به مهندسی ساختمان صورت می‌گیرد، تأسیس مدرسه باوهاوس است. ((گرو

پیوس))، مؤسس این مدرسه، معتقد است که معمار باید صنعت گر هم باشد، کار با مصالح گوناگون را فرا گیرد، خواص و قابلیت‌های آن را بشناسد و همراه با آن، نظر به‌های فرم و طراحی را هم بیاموزد.

از سوی دیگر، ((گوتلمان)) در مقاله‌ی طراحی درباره‌ی مدارس معماری، کمبودهای آموزش معماری را مطرح می‌کند. از جمله‌ی این کمبودها، تأکید بیش از حد بر نامه‌های درسی بر طراحی و تاریخچه‌ی نظری ایده‌های طراحی است، در حالی که معلوماتی که در مورد تکنولوژی ساختمان و اجرا داده می‌شود، بسیار کم است و دست‌اندر کاران صنعت ساختمان اغلب از کمبود اطلاعات فنی معماران شکایت می‌کنند. بنابراین، معمار باید از دانش سازه‌ای کافی برخوردار باشد.

در ایران نیز چهل سال آموزش آکادمیک معماری، به دلیل نداشتن جایگاه علمی و فلسفی متناسب با فرهنگ ایرانی و تقابل در میانی فکری و نیز عدم ثبات فرهنگی کشور، نتوانست در تندباد جریانات اجتماعی دوام بیاورد و سالیان بعد نیز روش‌های



آغازین و میانی آموزش معماری هیچکدام جایگزین قابل قبولی پیدا نکردند. آموزش معماری در دانشگاه تهران تا اواخر دهه چهل والی یکسان داشت و تقریباً ساخته کمی شده ای با ترجمه ایرانی از مدرسه معماری بوزار فرانسه بود. از همین سال هاست که اعتراض دانشجویان به محتوای دروس و اقتدار گرایی حاکم بر دانشکده، روند جدی به خود می گبرد. معضلات جامعه که به دنبال رویکردهای سیاسی-اقتصادی در کشور فزونی یافته بود. حوزه دانشگاه را نیز (که هیچگونه آمادگی برای پذیرش و یافتن راه حل برای آن نداشتند) متأثر می ساخت. سیستم آموزشی حاکم با وجود داشتن مدافعانی چند، سال ها قبل در اروپا منسوخ شده و اینک استادان جوان و فارغ التحصیلان تازه وارد بودند که تغییرات را دنبال می کردند. پروفیسور رضا رئیس جدید دانشگاه - سیستم مبتنی بر کرسی استادی را به روش نوینی که در آن از مربی گری تا استادیاری و استادی مسیر تعریف شده ای داشت، تغییر داد. و به دنبال آن نهاد گروه های آموزشی و ترم تحصیلی را وارد دانشگاه کرد. اگر چه این اقدامات در مقابل سنت رایج و ماندگار اداری آن زمان نتوانست بطور کامل عمل کند، معینا موجب دگرگونی وسیع در نحوه آموزش عالی کشور گردید. این تغییرات تبعاتی نیز به همراه داشت. حکومت مر لیب بود که تحولات از چهار چوب آموزش عالی خارج نشود، اما حضور استادان جوان و سیر آموزه ها و اندیشه های نو، به وقوع جریانات اجتماعی - سیاسی در سال های بعد کمک کرد و دانشگاه به مرکزی برای هدایت خوسنه های جامعه تبدیل شد.

**باهاوس مدرسه ای که یک سبک معماری شد**

باهاوس نام یک مکتب معماری است که از نام مدرسه هنر و معماری باهاوس در آلمان گرفته شده است. این مدرسه معماری که توسط والتر گروپیوس در شهر سنلی و قدیمی وایمار تأسیس شد که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ فعالیت می کرده است، پیشگام مدرنیسم در معماری بود و دستاوردهای آن هنوز نیز در رشته های هنر و معماری به دانشجویان تدریس می شود. ساختمان و کارگاه های این مدرسه در دو شهر دسلانو و وایمار آلمان از سال ۱۹۹۶ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. مدرسه معماری باهاوس که در زبان آلمانی به معنی «خانه معماری» است، در دوران فعالیت چهارده ساله خود در آلمان، در سه شهر مختلف و تحت نظر سه آرشیکتک بزرگ که مدیریت باهاوس را نیز بر عهده داشته اند، فعالیت کرده است. این مکتب و مدرسه نقش مهمی در برقراری پیوند میان طرح و فن ایفا کرد. آموزه های آن پیش و پس از انحلال به عنوان نماد مدرنیته شناخته شد. ادعا می شود، روش آموزش در آنجا منحصر متناسب با طراحی صنعتی تحول یافته است و این موسسه

را مهیاد طراحی صنعتی مدرن میدانند. هدف اولیه از تأسیس مدرسه باهاوس، ایجاد مکانی بود که ترکیبی از مدارس معماری، صنایع دستی (چون نجاری، آهنگری و...) و آکادمی هنری بود. برنامه ریزان مدرسه باهاوس هنرهای بسیار از صنایع دستی کاربردی ممتاز و متفاوت نمی دانستند و بر این باور بودند که هنر و معماری مدرن باید پاسخگوی نیازها و اقتضات جامعه صنعتی مدرن باشد و طراحی خوب باید از عهده آزمون های زیباشناختی و مهندسی بر آید. برنامه آموزشی مدرسه باهاوس به صورت یک دوره کارآموزی و پس از آن ارائه و تدریس روش پایه به طور سخت و جدی معرفی شد. پایه و اصول تدریس در باهاوس، کارگاه ها بودند. آموزش های کارگاهی، پیش از آن در مدارس اصلاح شده هنر و صنعت دیگر شهرهای آلمان، به عنوان عنصری مهم در آموزش هنر محسوب می شد. ولی چیزی که باهاوس را از دیگر مؤسسات متمایز می کرد، سیستم آموزشی - کارگاهی آن بود. کارآموزان نه تنها توسط استادان متخصص در هر صنعت، بلکه به وسیله هنرمندان زیباآموزش می دیدند. در برنامه های این مدرسه بر تحقیق برای پیدا کردن راه حل های پاره ای از مسائل مانند مسکن و شهرسازی و تولید انبوه با کیفیت بالا و سودمند که از نیازهای حیاتی آلمان فقر زده آن زمان بود تأکید می شد. استادان متخصص، روش ها و تکنیک های تعلیم می دادند و هنرمندان چگونگی همکاری نزدیک با صنعتگران و راه شناسایی اسرار خلق یک اثر هنری را به آنان می آموختند و به ایشان کمک می کردند تا هر یک زبان خاص خود را بیان هنر بیابند. هنرمندان «استاد شکل شناسی» نامیده شده و صنعتگران به طور معمول از هر نظر هم طراز آنان بودند، «استاد کارگاهی» خوانده می شدند. این دوره کارآموزی پیش نیاز بود، یعنی اگر دانشجویی آن را در حد قابل قبول و رضایت بخشی طی نمی کرد، اجازه ارتقا به دوره آموزشی کارگاه را نداشت دوره

**تاریخچه آموزش آکادمیک معماری در ایران**

آموزش معماری در جوامع سنتی، هم چون هنرهای دیگر، در قالب نظام فرد به فرد با استاد و شاگرد بود. آموزش شی زود آغاز، کند و طولانی، رو در رو، عملی و در مقیاس واقعی، توأم با تأثیر عمیق رفتار، منش، حرکات و سکنات استاد بر شاگرد، که از او شاگردی خوش قریحه و مستعد می ساخت، و طی سالیان متمادی که از کودکی آغاز می شد، شاگرد در جوار اسناد اصول و رموز و ظرایف کار را به شکل عملی و در فضای واقعی فرا می گرفت، و تا درجه ی ظرفیت و استعداد خود پیش می رفت، و در حالی که پخته و کارآموز بوده مستقل می شد. در مدرسه مروی و سپهسالار، کتیبه فضاهای معماری وجود داشت. شبستان های مدرسه را تیغه بندی کرده بودند که نورگیری آن از سقف انجام می شد. این فضاها مختص کارگاه معماری بود. دو



مدرس مدرسه مروی نیز به دروس نظری اختصاص داشت و بک اتاق بزرگ آن نیز برای کارگاه مجسمه سازی در نظر گرفته شده بود که به دلیل عدم استقبال (با دو دانشجو) تعطیل گردید. در آن زمان، دانشکده همچون سیستم آموزشی بوزار یا هنرهای زیبای فرانسه دارای دو سیکل بود که جمعاً ۵ سال آموزش را در بر می گرفت؛ در سیکل نخست به مدت دو سال دروس علمی و تئوریک و متداری هم پروژه، اسکچس، دکوراسیون و... آموزش داده می شد. اسکچس یک طرح کلی بود. در دکوراسیون نیز جلد کتاب، قفسه، ظروف، کمد و... طراحی می شد و پروژه ها به صورت یک ماهه بود.

پس از اتمام سیکل اول و گذراندن دوره کنسترو و کسپون که به منزله تز نهایی ورودی از سیکل نخست به دوم محسوب می شد، سیکل دوم آغاز می گشت که مدت آن دو سال بود و شامل یک پروژه ساختمانی یا فن ساختمان می شد. در سیکل دوم دروس نظری وجود نداشت. پس از آن هم تز نهایی بود که امتحان آن هر دو سال برگزار می گردید و در صورت گذراندن آن، دانشجو فارغ التحصیل می شد. در ابتدای تاسیس دانشکده مروی قرار بود عنوان دکترایه فارغ التحصیلان داده شود، اما رئیس وقت دانشکده فنی با این موضوع مخالفت کرد و مدرک تحصیلی نهایی مثل دانشکده فنی، فوق لیسانس معین شد.

با نگاهی گذرا به مجموعه ای آثار گذشته ای ایران، می توان نتیجه گرفت که ((نظام آموزشی، در امر سکونت و خانه سازی در عصر اسلامی و حتی در دوره ای جدید تاریخ ایران، طبق اصل پنهان آموزی، تعلیمات ((راز و رمز))، تلقینات ((سینه به سینه))، و کارهای عملی یا کارایی ندوم یافته و حرفه ای مزبور رازنده نگاه داشته بود. وی تردید، تقلید و اقتباس از مناطق گوناگون، بر پایه ای هم جوشی های فرهنگی، یا حفظ هویت های منطقه ای در امر معماری و بناپی، و حیات اجتماعی و حرفه ای معماران و بناپیان، نقشی سازنده به دست آورده است.))

### هم چنین:

۱) صنعت ساختمان سازی در ایران بر پایه ای اصول طراحی و مهندسی استوار بوده است.  
 ۲) فرهنگ معماری و ساختمان سازی با فرهنگ مردم در آمیخته و معماران به خوبی از اهمیت آن در زندگی روزمره آگاهی داشته اند.  
 ۳) اصول و قواعد معماری و اجزای بنا از عظیم ترین ساختمان ها گرفته تا واحدهای مسکونی کوچک از نظم و هماهنگی کاملی برخوردار بوده است.  
 ۴) ساخت بنا از طراحی، اجرا و نظارت- توسط گروهی انجام می گرفته که به سرپرستی معمار با تجربه ای هدایت می شدند، که آموزش های لازم را به صورت تجربی و از نسلی به نسل دیگر می آموخته است.

((با تحول جوامع غربی، پس از انقلاب صنعتی، آموزش نیز متحول شد. در ایران نیز گرچه تحولات اجتماعی به شکل روبه ندادی نهادینه و خود جوش نبود، و بیشتر به صورت وار داتی و در نتیجه ای افزایش ارتباطات و با اهداف خاص اتفاق می افتاد، ولی به هر حال موجب تغییر در بسیاری از امور از جمله آموزش شد)) (طافی، ۱۳۷۴، ۲۱۲). نتیجه آن که ((امروزه طیف وسیعی از فعالیت های گوناگون در عرصه های مهارت، صنعت، خلاقیت، دانش، معرفت و حکمت، تحت عنوان کلی ((آموزش معماری)) در مدرسه های معماری جریان دارد.)) مشکل آموزش معماری امروز عدم انسجام بین روش ها و راه حل ها است. انعطاف پذیری و انسجام، در عین لزوم آموزش، بر ضد یکدیگرند. همان گونه که در تصویر مشاهده می شود، آموزش معماری دارای سه لایه ای دروس دانشگاهی و آموزش آکادمی، دقاتر طراحی، و آموزش عملی در کارگاه است، که در نظام استاد و شاگردی، این سه لایه ای متحد پیوسته بوده، اما در نظام جدید از یکدیگر جدا هستند. (محدودیت ها)

یکی از مسائل مهم در آموزش معماری که کمابیش در مورد بسیاری از رشته های دانشگاهی وجود دارد، روش غیر خلاقانه آموزشی است که طی آن غالباً دانشجویان به حفظ کردن مباحث و مطالب می پردازند و یا فضاهای معماری را بیشتر به صورت آزمون و خطا یا گسسته از یکدیگر و بدون اندیشه یا فلسفه ای منسجم و خلاقه طراحی می کنند.

### نتیجه گیری

با پیشرفت تکنولوژی در جوامع و به خصوص جوامع در حال رشد، شاید دیگر نتوان از فرآیندی رایج ترین تیپه ای آموزش معماری - یعنی سنت استاد و شاگردی - استفاده کرد. آموزش معماری امروزه به عهده ای آموزش های آکادمیک، فنی و حرفه ای است. بنابراین این وظیفه ای دانشگاه ها است که افراد را واجد مهارت های فنی تربیت نمایند. چرا که آن چه آموزش عالی راز سطوح دیگر آموزش جدا

می سازد، در سطح مواد آموزشی نیست، در کیفیت آن است. برنامه های آموزشی باید تنگاتنگ و مکمل برنامه های عمرانی در جامعه باشند، چون نخستین آموزگار معماران جوان، فضای پیرامون آن هاست. هر ساخت و سازی که در اطراف ما انجام می شود، برای چند دهه سال ماندگار خواهد بود. این معماری بازتاب انتقال مفاهیم و ارزش های است که از آموزش آن آغاز می شود. و حاصل همان آموزشی است که در دانشگاه ها ارائه می شود. شناخت و بررسی مشکلات ناشی از معماری و شهرسازی کشور به نحوه ای آموزش آن در سطح دانشگاه ها وابسته است. تاکنون آموزش علمی معماری با عمر حدوداً ۴۵ ساله ای خود نتوانسته است ارزش های پیشین این میراث گر نقدر را، که در سطح جهان شهرت داشته، زنده کند. بنابراین نیاز به رفع نواقص آموزشی آن هر چه سریع تر احساس می گردد. در این راستا و به منظور رفع نواقص آموزشی در زمینه معماری موجود، موارد زیر ارائه می گردد:

• آموزش های علمی به ویژه در سطح ابتدایی، متوسطه و عالی تقویت شود.  
 • ساختارهای گوناگون، متنوع و کاربردی آموزش به عنوان مصادیق اقدامات فوری برای ملت افزایش یابد.

• آموزش نوآورانه و خلاقیت آموزشی، چه در آموزش های حرفه ای، و چه در آموزش های آکادمیک صورت گیرد.

• همه ای نهاد های سیاست گذار و برنامه ریز در امر آموزش کشور به یک نهاد تبدیل گردند.

• اهمیت آموزش دروس مدیریت و اقتصاد مهندسی در دانشکده های مهندسی هویداست. در این برنامه ها دانش مدیریت و اقتصاد با دانش فنی برای بهترین طرز کاربرد تکنولوژی برای حل مشکلات جامعه می باید تلفیق گردد.

• به کارگیری روش های نوین آموزشی عاملی حیاتی محسوب شود.

• در میان مدرسان و دانشجویان فنی در رشته ای معماری، ایجاد انگیزه شود.

همان گونه که ارسطو در رساله ای اخلاق خود گفته است: ((اگر بخواهیم بدانیم انسان خوب چیست، نخست باید ببینیم انسان از چه چیزی تشکیل شده است.)) همین سخن را در باره ای معماری خوب هم می توان گفت.

سخن ارسطو این است که انواع گوناگون خوبی از همین عناصر سرچشمه می گیرد. مثلاً پایداری، سوده مندی و زیبایی را مبنای هم چون ارزش های ناشی از کیفیت عناصر ساخت، کارکرد و شکل فرض کرد. یا به عبارت دیگر، ساختمان باید خوب ساخته شود، خوب کار کند و شکل خوبی برای دیدن داشته باشد. این اصلی است که سال های سال معماران و طراحان را برای طراحی و اجرای یک اثر معماری خوب، با خود درگیر کرده است.



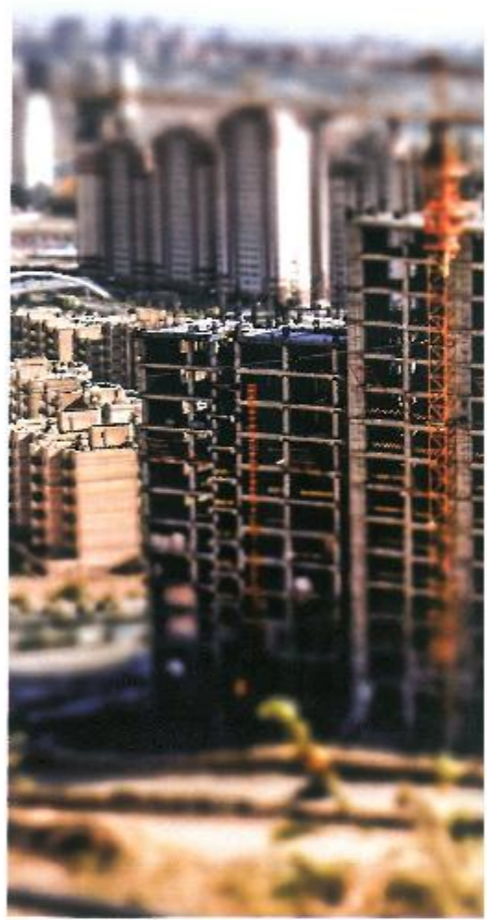
بازخوانی عملکرد بیست ساله  
سازمان نظام مهندسی ساختمان

# میراث ماندگار

در قانون نظام معماری و ساختمانی مصوب سال ۱۳۵۲ و اصلاح شده سال ۱۳۵۶ تأسیس دو سازمان نظام مهندسان معمار و شهرسازی و سازمان نظام مهندسان ساختمان و تاسیسات پیش بینی شده بود. در سال ۱۳۷۱ قانون آزمایشی نظام مهندسی ساختمان تصویب شد که به جای دو سازمان ذکر شده در قانون ۱۳۵۶ یک سازمان واحد با عنوان سازمان نظام مهندسی ساختمان تأسیس گردد و در سال ۱۳۷۴ قانون از مرحله آزمایشی خارج شد و قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان تصویب گردید که در آن هم تأکید بر ایجاد سازمان نظام مهندسی ساختمان شده بود و در ماده ۳ آن هدف از تأسیس سازمان را چنین بیان کرده است: «برای تأمین مشارکت هر چه وسیعتر مهندسان در انتظام امور حرفه‌ای خود و تحقق اهداف این قانون در سطح کشور سازمان نظام مهندسی ساختمان... تشکیل می‌شود.» در حال حاضر کلیه ارکان سازمان نظام مهندسی ساختمان در سطح استان‌ها و در سطح کشور شکل گرفته است و با گذشت بیست سال از تصویب قانون، با حدود چهار صد هزار نفر عضو، فعالیت خود را به انجام می‌رساند.

سازمان نظام مهندسی برای مرتفع کردن موارد خواسته شده در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان سال ۱۳۷۴ تأسیس شد. تغییرات قانون سال ۱۳۷۴ نسبت به قانون سال ۱۳۷۱ فراتر از افزایش تعداد مواد از ۲۰ ماده به ۴۲ ماده و افزایش تبصره‌ها از ۱۰ به ۲۱ بوده و قانون کنونی، اصلاحات زیاد محتوایی را به همراه داشته است. قانون مصوب ۱۳۷۴ در قالب شش فصل و ۴۲ ماده مصوب شد و آیین‌نامه اجرایی آن به صورت ۱۰ فصل در قالب ۱۲۴ ماده به تفصیل مسائل متعددی را مورد تأکید قرار می‌داد. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای اصلاح این قانون در مجلس گذشته صورت گرفت اما به نتیجه نرسید که مهم‌ترین تغییرات اعلام شده در پیش‌نویس آیین‌نامه عبارت بود از:

۱. تغییر مرجعیت تشخیص صلاحیت و صدور پروانه اشتغال مهندسان و کاردان‌ها از وزارت راه و شهرسازی و وزارت کار به سازمان‌های نظام مهندسی و کاردانی استان
۲. تغییر دوره شورای مرکزی سازمان، هیات مدیره استان‌ها و شورای انتظامی هیات مدیره از سه به چهار سال
۳. افزایش تعداد اعضای هیات مدیره استانی و اعضای شورای مرکزی



۴. عضویت سازمان در کمیسیون‌های هیأت حل اختلاف مالیاتی و داشتن نمایندگان در کمیسیون‌های ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری و کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری با حق رأی  
۵. اختیارات بیشتر برای شورای مرکزی در زمینه تصویب قیمت‌گذاری خدمات، نظارت شورای مرکزی بر عملکرد هیأت‌مدیره، برگزاری آزمون‌ها و...  
۶. تغییر در شیوه انتخاب بازرسان و مدت و نوع کار هیأت‌ریسه

**توجه به ضرورت‌های توسعه فرهنگ مهندسی در جامعه**

فرهنگ پیش‌زمینه و مقدمه اقتصاد و هر موضوع دیگری است، قطعاً فرهنگ از مولفه‌های اصلی در تمام ابعاد جامعه محسوب می‌شود، باید توجه داشته‌باشیم که اگر در هر زمینه فرهنگ صحیح وجود نداشته‌باشد، نباید انتظار پیشرفت و توسعه را داشت. فرهنگ سازی تفکر مهندسی در حوزه ساخت و ساز شاید خود به عنوان اولین رکن در دستیابی به این مهم تلقی شود. از این رو باید توجه داشت که تلاش برای مهندسی ساختن مسکن، خود تا حدود زیادی می‌تواند بر اقتصاد نیز تاثیر گذار باشد. چرا که در کشور ما مسکن کالای سرمایه‌ای به حساب می‌آید

از این رو با افزایش طول عمر ساختمان و کاهش زمان باعث کاهش هزینه‌های ساخت شده و می‌توان سرمایه‌های ملی و مردمی را نیز حفظ کرد. در این بین، فرهنگ سازی برای اجراء رعایت مقررات می‌ساختن بیش از هر چیز اهمیت اولویت داشته و می‌تواند در اصلاح تفکر و فرهنگ جامعه در حوزه مهندسی ساختمان نقش موثری ایفا کند و این موضوع را به عنوان یک فرهنگ به جامعه بشمولاند تا جایی که دیگر کاری در حوزه ساختمان بدون رعایت اصول فنی انجام نشود، رعایت و اجراء مقررات ملی ساختمان در جامعه مستلزم اطلاع رسانی و طوفان رسانه‌ای صحیح و مستمر است که باید با مطالعه ساختاری و تولید دانش و از طریق اقدامات و برنامه ریزی‌های کارشناسانه، خلاقانه و آگاهانه در حوزه روابط عمومی به سمت فرهنگسازی برای اقتدار مختلف جامعه گام برداشت.

**تجدیدها و فرصت‌های فراوی سازمان**

مسکن را می‌توان مهمترین کالای سرمایه‌ای در سبد خرید و عصاره کار و تلاش ایرانیان دانست و برای کنترل قیمت این کالا نسبت به قدرت خرید ایرانی باید شیوه تولید سنتی مسکن و به تبع آن پایین بودن کیفیت و صرف هزینه‌های زیاد در ساخت و حتی در مرحله تعمیر و نگهداری، آن را با شیوه صحیح و اصولی مدیریت کرد.

در یک تقسیم‌بندی کلی، حوزه مسکن و ساختمان کشور را می‌توان به دو بخش شهرسازی و کیفیت تقسیم کرد؛ مجوزها و بحث شهرسازی که بر عهده سازمان نظام مهندسی ساختمان و شهرداری‌هاست و بحث کیفیت ساخت و ساز که بر اساس قانون «نظام مهندسی کنترل ساختمان» مصوبه ۱۳۷۴ بر عهده سازمان نظام مهندسی ساختمان است.

سازمان نظام مهندسی ساختمان یک سازمان غیر دولتی است و متعلق به مهندسان هر استان و شکل گیری آن بر اساس یک فرآیند انتخابی است. بر این اساس دارای مجمع عمومی، هیأت مدیره و رئیس است؛ با وجود این، ردیای دوگانه بودن سیستم نظام مهندسی ساختمان در همان روزهای آغازین تولد نظام مهندسی و با ورود مسئولین سابق وزارت راه و شهرسازی احساس گردید تا این سازمان همچنان بیشتر از یک سازمان غیر دولتی و غیر انتفاعی، رنگ و بوی دولتی‌ها را داشته‌باشد.

با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت که بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ تغل بطور مستقیم و غیر مستقیم از طریق ساختمان و اقتصاد ساختمان شکل می‌گیرد و بررسی‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد مسکن در سال گذشته قریب به ۱۸۰ هزار میلیارد تومان سرمایه بخش خصوصی در این حوزه مسدود بوده است. این در حالی است که بودجه عمرانی کشور در سال ۱۳۹۴، ۴۷ هزار میلیارد تومان، یعنی تقریباً یک چهارم آن بوده است.

لذا نباید محل شگفتی باشد، در جایی که گردش مالی تا این اندازه وسیع است تمامی اقشار جامعه از پزشک و بازاری و معلم و وکیل در حال خانه‌سازی و آپارتمان‌سازی باشند و به طریقی از این فضای آشفته در این گونه موقعیت‌ها پیش از آنکه به حذف بازیگران بها دهیم باید برون رفت از مسئله را در اصلاح درون سازمانی مبتنی بر توسعه جستجو نماییم. برواضح است که در این رویکرد، بسو و توسعه یافتگی سازمانی در گرو توسعه یافتگی مدیریت، اعضا و ذینفعان سازمان می‌باشد. گردانندگان و سیاست‌گذاران این حوزه، خود را باید بین این دوراهی تصور نمایند؛ با اینکه با نگاه بلند مدت به مسائل سازمان نظام مهندسی و تدوین یک برنامه راهبردی، با در نظر گرفتن مطالبات ذینفعان داخلی و خارجی سازمان در راستای منویات مقام معظم رهبری در سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، این سازمان را به سازمانی چابک، کارآمد و هوشمند تبدیل نمایند تا بتواند با حداقل بوروکراسی و حداکثر مشارکت مهندسیین، بیشتر به رعایت‌مندی را کسب کند و به اهداف پیش‌بینی شده در قوانین که مهم‌ترین آن ارتقای کیفیت ساخت و ساز در کشور است در قالب یک برنامه بلندمدت از رهگذر تعامل با مهندسان متخصص و سازمان‌های ذیربط دست پیدا کند و از طرفی قادر باشد مسائل تاثیر گذار مرتبط با محیط خارجی و داخلی خود را بررسی و قیاس از مواجعه، تشخیص و برئی آنها راهکار پیدا کند و یا اینکه سازمان و منایش را به مواج متلائم نش‌های درون سازمانی و بیرون سازمانی بسپارد.

**ایجاد بسترهای لازم جهت بهره‌گیری از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر**

یکی از مهمترین عوامل الوده‌کننده محیط زیست در جهان و به خصوص کشور ما، مصرف انرژی فسیلی در فضاهای مسکونی برای تهیه آب گرم مصرفی و گرمای فضای زندگی است که با هجوم روز افزون انسان‌ها از روستاها به شهرها به تعداد مصرف‌کنندگان سوخت‌های فسیلی که در واقع پایه‌های صنعت نوین جهان و از جمله ایران را متصل می‌شود، افزوده می‌شود، پس با اجراء اصول پایداری محیطی می‌توان با این مشکل مبارزه کرد.

پایداری محیطی به معنی حفظ سرمایه طبیعی است که ایجاد می‌کند ما انسان‌ها در مصرف مواد تجدید شونده و در مصرف آب و منابع انرژی حد و اندازه را رعایت کرده و بیشتر از آنچه سیستم‌های طبیعی می‌توانند فراهم کنند، مصرف نکنیم.

اکنون نیز مجموعه‌های تخصصی در حوزه عمرانی کشور و در بحث توسعه پایدار و طبقه هستند انرژی‌ها و منابع طبیعی را برای نسل‌های آینده ذخیره کنند. چرا که امروزه نگرانی ناشی از اتمام سوخت‌های تجدیدپذیر و همچنین افزایش آلودگی‌های زیست

محیطی بسیاری از کشورهای دنیا را بر آن داشته تا به دنبال منابع انرژی جایگزین باشند. سازمان نظام مهندسی ساختمان در این خصوص تشکیلاتی فوق العاده و حائز اهمیت است و در مدت زمان شکل گیری توانسته با نظارت دقیق شیوه نامه ها و ارائه راهکارهای متناسب و تعاملی با بخش های مرتبط با تامین انرژی کشور، مهندسان را برای استفاده از انرژی های نو و تجدید پذیر آموزش داد و واران حمایت کند. حمایت از ایده پردازان و مخترعان داخلی، ایجاد فضاهای تحقیقاتی و پژوهشی، اعطای گواهینامه های نابید فنی برای تکنولوژی های وارداتی و تصویب شیوه نامه های بومی سازی فناوری ها از جمله اقدامات موثر و مفید سازمان نظام مهندسی در دو دهه اخیر بوده است.

#### روندگنتر ل استانداردها مصالح ساختمانی

سازمان نظام مهندسی ساختمان، در راستای اجرایی نمودن تبصره ۱ ماده ۳۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب اسفند ماه ۱۳۷۴ و ماده ۱۵۵ قانون پنجم توسعه و ماده ۸۸ بین نامه اجرایی نظارت بر استانداردهای اجباری در مراحل تولید، توزیع و مصرف مصالح ساختمانی مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳، مهندسان و شرکتهای مجری و سازندگان را ملزم به استفاده از مصالح ساختمانی استاندارد و مسوولیت کنترل استفاده از مصالح ساختمانی استاندارد را به مهندس ناظر تکلیف نموده و وی موظف است در گزارش های مرحله ای خود این موضوع را منعکس کند. این مسئله از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چرا که به عنوان یکی از ارکان صدور شناسنامه فنی ملک ساختمانی تعبیر شده و از سویی در بالا بردن کیفیت ساخت و ساز نقش بسزایی دارد.

تبصره ۱ ماده ۳۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب اسفند ماه ۱۳۷۴:

وزارتخانه های مسکن و شهرسازی، کشور و صنایع مکلند با توجه به امکانات و موقعیت هر محل آن دسته از مصالح و اجزا ساختمانی که باید به تایید موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران برسد را طی فهرست هایی احصا و آگهی نمایند. از تاریخ اعلام، کلیه تولید کنندگان و وارد کنندگان و توزیع کنندگان مصالح و اجزای ساختمانی موظف به تولید و توزیع و استفاده از مصالح استاندارد شده خواهند بود.

ماده ۸۸ بین نامه اجرایی نظارت بر استانداردهای اجباری در مراحل تولید، توزیع و مصرف مصالح ساختمانی مصوب هیئت محترم وزیران تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳:

سازمان نظام مهندسی کنترل های لازم را برای تضمین استفاده از فرآورده های ساختمانی استاندارد و مصرف درست آنها طبق مقررات ملی مربوطه به عمل آورده و برای حصول اطمینان از صحت

استاندارد فرآورده های ساختمانی و اعتبار پروانه های مر بوعه از موسسه استاندارد اعلام نماید. ماده ۵۵ قانون برنامه پنجم توسعه: کلیه ی دستگاه های اجرایی مکلف اند در اجرای پروژه های فنی و عمرانی خود ضوابط، مقررات و معیار های فنی و استانداردهای ملی را رعایت نمایند. خرید هرگونه کالا و خدمات مشمول استاندارد اجباری که فاقد علامت استاندارد ملی ایران باشد توسط دستگاه های اجرایی موضوع این ماده ممنوع است. استفاده از مصالح ساختمانی استاندارد و رعایت مباحث استاندارد سازی در تولید مصالح ساختمانی برای ارتقاء سطح ایمنی ساخت و سازها نقش مهمی دانسته و حیاتی به نظر می رسد که البته مهندسان ناظر هم در این زمینه رسالت خطیری بر عهده دارند.

#### نظارت مهندسان ناظر بر ساخت و سازها

سازمان نظام مهندسی ساختمان، نظارت را به منظور حصول اطمینان بیشتر از ایمنی، بهداشت، بهره دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی در ساختمانها و فضاهای شهری؛ با جهت گیری حمایت از مردم و حفظ و افزایش بهره وری نیروی انسانی، منابع، مواد، انرژی و سرمایه های ملی مورد تاکید و توجه دارد و با بهره گیری از نظام کارآمد کنترلی در سازمانهای استانی و واگذاری امور به اشخاص صاحب صلاحیت، شرایط لازم برای رسیدن به اهداف و الای افزایش کیفیت ساختمان و خدمات مهندسی در کشور را فراهم ساخته که به عنوان هدف قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان بیان می شود و از عمده فعالیت های سازمان نظام مهندسی ساختمان در دو دهه فعالیت بوده است.

#### عقد تفاهم نامه های پژوهشی، خدماتی، مدیریت

از آنجا که از مهندسان به عنوان ارزشمندترین سرمایه سازمان نام برده می شود و کسانی که مسئولیت رویکردها و کارکردهای سازمان را بر عهده دارند، در هدایت تحولات سازمان، نقش آفرینان اصلی هستند، بنابراین باید بایسته است با تامین نیازهای مختلف و توانمندسازی از راه مدیریت دموکراتیک، ضمن آماده کردن مهندسان برای رویارویی با تغییرات در سازمان، محیطی را بوجود آورد که در آن، هم انسایت انسانها و هم استعداد آنها شکوفا شود و توسعه هدفها و در نهایت ارتقای سازمان نظام مهندسی ساختمان تا سطح فراباندگی امکان پذیر شود.

این توسعه و بهبود امروزه در سازمان نظام مهندسی ساختمان، با عقد تفاهم نامه های مختلف در دوره های زمانی متفاوت موجب شده تا علاوه بر تثبیت جایگاه سازمان نظام مهندسی و اعضای آن در سیستم مدیریت تخصصی در گستره سازمانی کشور، خدمات و امکاناتی را فراهم کند تا اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان با فضاهای جدیدی از

فعالیت حرفه ای رویرو شوند و در حوزه تامین نیازهای عمومی و فنی خود و ارتقای دانش ضمنی در شرایط ایده آن تری قرار بگیرند. این گستره خدمات از عناوینی چون خدمات نرم افزاری، پشتیبانی، نرم افزاری و... بهره می برد که نشان دهنده یک تفکر نوین مبتنی بر آینده نگری است. شاید اگر امروز را بررسی کنیم و حوزه تعاملات گسترده یاد دیگر نهادها و ارگان های مهم و تاثیر گذار را در رشد و بلوغ سازمان یادیده بگیریم افق سازمانی بدون شک اتفاق خواهد افتاد. این انگاره در سیستم بیست ساله مدیریت سازمان نظام مهندسی ساختمان همواره دغدغه ای اساسی به شمار می رفته و امروز در آیین نامه دساتر های سازمان تملور یافته است.

#### توسعه اشتغال مهندسان، پیگیری روند صدور شناسنامه فنی ساختمان و اجرایی نمودن قانون بکارگیری معیارهای صلاح

فصل نهم آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان در خصوص شناسنامه فنی و ملکی ساختمان می گوید:

ماده ۳۱- شناسنامه فنی و ملکی ساختمان سندی است که حاوی اطلاعات فنی و ملکی ساختمان بوده و توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان استان صادر می گردد. چگونگی رعایت مقررات ملی ساختمان و ضوابط شهر سازی باید در شناسنامه فنی و ملکی ساختمان قید گردد.

تبصره ۱- معیار بیان مکلفند پس از اتمام کار، برای تهیه شناسنامه فنی و ملکی ساختمان به ترتیبی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می نماید، اطلاعات فنی و ملکی ساختمان، گواهی ناظر (موضوع ماده ۲۲ این آیین نامه) و تأییدیه های لازم را در اختیار سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قرار دهند. یک نسخه از شناسنامه فنی و ملکی ساختمان در اختیار شهرداری و یا سایر مراجع صدور پروانه برای صدور پایان کار قرار داده می شود.

طبق فصل چهارم آیین نامه اجرایی ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان از ماده ۱۹ الی ۲۰ کلیه عملیات اجرایی ساختمان باید توسط اشخاص حقوقی و دفاتر مهندسی اجرای ساختمان به عنوان مجری انجام شود و مالکان برای انجام امور ساختمانی خود مکلفند از اینگونه مجریان استفاده کنند.

این بخش از قانون به این جهت اهمیت فوق العاده ای دارد که طبق فصل سوم مجموعه شیوه نامه های آیین نامه اجرایی و آیین نامه اجرایی ماده ۳۳ (مبحث دوم مقررات ملی ساختمان) بسیاری از الزامات اجرایی و تضمین کیفیت ساختمان توسط مجریان ذی صلاح به انجام می رسد؛ از جمله: مطالعه و بررسی مشخصات مندرج در پروانه و نقشه های اجرایی و اعلا دانشکالات و معاشرت ها به طراح و صاحب کار (مشکلی که امروزه بسیاری از ساختمان ها را در حین عملیات اجرایی دچار مشکل می کند)، صحت انجام



تمام عملیات اجرایی ضیق مقررات ملی ساختمان و ضوابط شهرسازی (آنچه که امروزه به اشتباه از مهندسان ناظر انتظار می‌رود)، استفاده از عوامل فنی و اجرایی دارای پروانه اشتغال؛ مهندسان و کارکنان‌ها تا استادکاران ماهر، جبران خسارت ناشی از عملکرد ضعیف و ناقص اجرا به صاحب‌کار، استفاده از مصالح مرغوب و استاندارد، تکمیل دفترچه اطلاعات ساختمان برای صدور شناسنامه فنی و ملکی و بیمه کردن کیفیت اجرای ساختمان.

فانوگذار تعیین مجری ذیصلاح را ضروری می‌داند و طبق این قانون همه ساختمان‌ها باید توسط یک فرد ذیصلاح به نام مجری نظارت شده تا برای ساختمان شناسنامه فنی صادر شود و کیفیت و صحت اجرا قابل اطمینان باشد. بر پایه همین نیاز فنی عرصه ساختمان سازی شهری، شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان در سال‌های اخیر و در راستای اعلامی سطح کیفی اجرای ساختمانهای شهری، واگذاری انحصاری اجرای پروژه‌های ساخت و ساز شهری را به مجریان ذیصلاح در سیاست کاری خود قرار داده است و در جریان‌های مخالف این قانون، از حیثیت حرفه‌ای مهندسان دفاع نموده است.

#### عملیاتی کردن سیستم اجاع کار نظارت در استان‌ها

در ماده ۳۰ فصل چهارم مقررات فنی و کنترل ساختمان آمده است:

شهرداریها و مراجع صدور پروانه ساختمان، پروانه شهرک‌سازی و شهرسازی و سایر مجوزهای شروع عملیات ساختمان و کنترل و نظارت بر این گونه طرحها در مناطق و شهرهای مشمول ماده (۴) این قانون برای صدور پروانه و سایر مجوزها تنها نقشه‌هایی را خواهند پذیرفت که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی دارنده پروانه اشتغال به کار و در حدود صلاحیت مربوط امضاء شده باشد و برای انجام فعالیتهای کنترل و نظارت از خدمات این اشخاص در حدود صلاحیت مربوط استفاده نمایند. بی‌تردید، یکی از مهمترین دغدغه‌های اعضای سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها، اجاع کار نظارت بین اعضای ذیصلاح سازمان در رشته‌های عمران، معماری، برق و مکانیک بوده و هست؛ موضوعی که با تصویب قانونی در محبت دوم مقررات ملی ساختمان بعنوان یکی از وظایف اصلی سازمان، در سالهای اخیر به اجرا درآمده و در حال نغمیم به کلیه استان‌هاست لذا پیگیری اجرای سیستم اولویت بندی اجاع کار نظارت ساختمان در شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی از دیگر اقداماتی است که در سالهای اخیر همواره مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

#### تدوین و تبیین راهبردهای عملی سازمان نظام مهندسی ساختمان

ارتقاء و پیشرفت روزافزون هر سازمان تخصصی،

به چشم‌انداز مأموریت حرفه‌ای خود، بستگی دارد و تدوین این نگرش همه‌جانبه و آینده‌نگر نیز، جز در پرتو تحلیل جامع و صحیح شرایط کونی، و برنامهریزی مناسب، واقع‌بینانه و عالمانه، امکان‌پذیر نمی‌باشد. بدون تردید، حرکت به سمت آینده، با بستی به گونه‌ای باشد که بتواند علاوه بر تأمین حقوق بهره‌برداران، دست‌یابی به جایگاه واقعی مهندسان و بهبود خدمات متنوع مهندسی را تضمین نموده و نظام مهندسی را با آخرین تجارب و یافته‌های حرفه‌ای متأثر از فناوری‌ها پیوند دهد. قضانامه‌های پایانی هیأت عمومی در هجده دور، اسناد عملیاتی و راهبردهای عملی سازمان نظام مهندسی ساختمان با محوریت این موضوعات در دوره‌های مختلف شورای مرکزی تدوین و اجرایی شده و دستاوردهای آن را می‌توان در اقدامات اجرایی سازمان‌های استان در بیست‌سال اخیر مشاهده نمود.

#### مقاوم‌سازی ساختمان‌ها

کشور مادر منطقه‌ای زلزله‌خیز واقع شده است. وقوع هر چندرور یک زلزله آن هم با شدت حدود ۴ ریشتر نشان دهنده وجود یک خطر دائمی است. چرا که هر از چندگاه نیز زلزله‌ای مخرب با تلفات انسانی و مالی وسیع به وقوع پیوسته و پس از چندی دوباره کارهای همان روال جرحیده است. زلزله به نظر توجه به مسائل پایه‌ای و ریشه‌ای در مدیریت بحران و به تبع آن افزایش بایدهای بناها و تأسیسات در برابر خطر زلزله یک نقطه عطف محسوب می‌شود. از این رو توجه به امر مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، تأسیسات مهم و شریان‌های حیاتی در سازمان نظام مهندسی ساختمان، پس از زلزله‌بیم‌وارد مرحله تازه‌ای شد و این ضرورت که بتوان از طریق مقاوم‌سازی ساختمان‌ها ضمن حفظ جان انسان‌ها، افزایش بایدهای سازه‌های مهم در برابر زلزله، حفظ سرمایه‌های ملی و ارتقای توان کشور برای مدیریت مطلوب بحران ناشی از زلزله کمک کرد، نیز مورد توجه قرار گرفت.

#### فعال تر شدن رشته‌های هفت‌گانه

بر اساس مواد مندرج در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب سال ۱۳۷۴، رشته‌های هفت‌گانه عمران، معماری، برق، مکانیک، شهرسازی، نقشه‌برداری و ترافیک به عنوان رشته‌های اصلی نام برده شده‌اند و مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی در این هفت رشته، بر ساخت و ساز کشور نظارت دارند.

با گذشته بیست سال از فعالیت سازمان نظام مهندسی ساختمان، اتفاقات بیشماری در نحوه بکارگیری مهندسان رشته‌های مختلف مطرح بوده و چالش‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. امروز صنعت ساختمان و فرایند ساخت و ساز در کشور، بدون حضور ناظرین چهاررشته عمران، معماری، برق و مکانیک پذیرفتنی نیست و هر جایی که بنایی

احداث شده ردپای مهندسان داخلی در آنجا دیده می‌شود.

مهندسان نقشه‌بردار، شهرساز و ترافیک‌عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان نیز همواره بر توان فنی و نیروی تخصصی‌شان تاکید شده و در سال‌های اخیر شاهد فعالیت‌های حرفه‌ای و حضور تخصصی آنها در حوزه صنعت ساختمان بوده‌ایم.

بر اساس قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، شهرسازی، نقشه‌برداری و ترافیک نیز از رشته‌های ۷گانه ساختمان می‌باشند که با توجه به ماهیت میان رشته‌ای و کل‌نگر بودن این رشته و اهداف پیش‌بینی شده در قانون، اهمیت و جایگاه این رشته‌ها در سازمان‌های دخیل در امر ساخت و ساز مشخص و تبیین شده است و در سال‌های اخیر و با توجه به پتانسیل و توان علمی و فنی این رشته‌ها، بکارگیری این مهندسان در فرایند صدور پروانه ساختمانی و شهرسازی و فرایند نظارت و کنترل ساختمان‌ها مورد توجه جدی قرار گرفته است.

#### صدور خدمات فنی و مهندسی

امروزه عرضه توان فنی و مهندسی و اجرایی‌های مختلف در صنایع گوناگون، نقش قابل توجهی در مبادلات کشورها و تحکیم روابط اقتصادی آنها یافته است. خدمات فنی و مهندسی که یکی از ستونهای اصلی توسعه اقتصادی کشورها است، مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارهایی است که با استفاده بهینه از منابع و عوامل تولید شامل سرمایه، مواد اولیه و نیروی انسانی، امکان ارائه کالاها و خدمات را در جامعه فراهم می‌کند. در هزاره سوم، صادرات خدمات فنی و مهندسی در مبادلات جهانی سهم عمده‌ای یافته زیرا در دنیای امروز، بسیاری از خدمات از قابلیت صدور برخوردارند و علم، دانش و تجربه بیش از پیش تبدیل به یک محصول ارزنده قابل تبادل شده است.

سازمان نظام مهندسی ساختمان نیز توانسته است شرح خدمات و امکانات اجرایی شرکتهای فنی و مهندسی و توانمندی خود را در استان‌های گوناگون را در معرض دید جهانیان، خصوصاً کشورهای منطقه قرار دهد. اقدامی که در گذشته حتی به میزان بسیار محدود نیز برای صادرکنندگان ایرانی، پرهزینه، دشوار و گاهی غیرممکن بود.

ساخت و سازهای صورت گرفته در کشورهای واردکننده خدمات مهندسی ایرانی، مبین این مطلب است که حضور سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان در حوزه بین‌الملل در مسیر توسعه قرار دارد و هر روز بر این حضور مقتدرانه افزوده می‌شود. مهندسان ایرانی با رعایت شئون حرفه‌ای، امانتداری و صداقت در کار توانسته‌اند اعتماد جامعه بین‌الملل را برای استفاده از توان فنی‌شان جلب کنند و با قرار گرفتن در شرایط پسابرجام این امر و در مرحله تازه‌تری از پیشرفت شده است.



## چالش‌های حرفه نظارت و ناظران

[حامد خانجانی؛ سیامک الهی‌فر]

ضمیمه آن نظارت کرده و در پایان کار مطابقت اجرایی ساختمان را با مدارک فوق، گواهی نمایند.

همچنین طبق تبصره ۷ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مهندسان ناظر ساختمانی مکلفند نسبت به عملیات اجرایی ساختمانی که به مسوولیت آنها احداث می‌شود از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن مستمر نظارت کرده و در پایان کار مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه و محاسبات فنی را گواهی نمایند.

### ۳- چالش‌های نظارت و ناظران:

تعریف نشدن نظارت به عنوان شغل تمام وقت: در مبحث دوم مقررات ملی ساختمان بند ۱۳-۴ مقرر می‌گردد: مجری موظف است بطور تمام وقت در کارگاه ساختمانی حضور فعال داشته و تا زمانی که به عنوان مجری ساختمان اشتغال به کار دارد، نمی‌تواند به کار دیگری اشتغال داشته باشد به همین منظور سازمان استان موظف است از ارجاع کار نظارت به دفتر مهندسی اجرای ساختمان و مجری حقوقی خودداری کند. این مطلب بسیار درست است که افرادی که به کار تمام وقت دیگری اشتغال دارند نمی‌توانند به امر نظارت بپردازند. منتها چگونه است که این مهم در بند ۱۴-۳ همان مبحث (ظرفیت اشتغال نظارت اشخاص حقیقی) نادیده گرفته شده و برای شاغلان تمام وقت به شغل‌های دیگر، به عنوان مثال برای پایه ۳ نظارت ۸۰۰۰ متر مربع کار نظارت در سال، و برای شاغلان نیمه وقت تا ۱۲۰۰۰ متر مربع کار در نظر می‌گیرد چگونه است که پروانه مجری داشتن و اشتغال به اجرا در سازمان مهندسی، کار تمام وقت محسوب شده و اشتغال به نظارت را برای فرد ناممکن می‌کند، ولی اشتغال تمام وقت در ارگان‌های دولتی و خصوصی که بعضاً با مأموریت به شهرستان همراه است، مغایر امر نظارت محسوب نمی‌شود؟! بسیاری از مشکلاتی که در حوزه نظارت ساخت و سازهای شهری برشمرده می‌شود از آنجا نشأت می‌گیرد که نظارت در قانون بعنوان شغل افرادی که به آن می‌پردازند تعریف نشده و اهمیت یک

### ۱- مقدمه:

قوانین و مقررات متعددی در نظام ساخت و ساز شهری وجود دارد و سازمانهای مختلفی در این عرصه به ایفای نقش می‌پردازند که شهرداری و سازمان نظام مهندسی ساختمان از اهم آنها قلمداد می‌شوند. گرچه تامین کیفیت ساختمان‌های شهری از برنامه‌ریزی با مسوولیت وزارت راه و شهرسازی، تا کنترل کیفیت که توسط مجموعه‌ای از ناظران و بازرسان فنی سازمان نظام مهندسی ساختمان و ماموران شهرداری صورت می‌گیرد، دچار نارسایی‌های متعددی است، لیکن همواره بخش وسیعی از انتقادات در مواجهه با حوادث ساختمانی متوجه ناظران بوده و در این مواقع نخستین افرادی که مورد اتهام و اقدامات انتظامی و قضایی قرار می‌گیرند این گروه هستند. با توجه به اهمیت موضوع کیفیت ساخت و ساز و لزوم بررسی موانع جهت رفع مشکلات، در ادامه ضمن تعریف نقش و جایگاه ناظران در نظام ساخت و ساز شهری، چالش‌های پیش روی این حرفه جهت آگاهی بخشی عمومی و اعمال اصلاحات توسط مسوولین، شناسایی و بررسی می‌گردد.

### ۲- تعریف نظارت:

ماده ۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش‌های فنی ساختمان را مستلزم داشتن صلاحیت حرفه‌ای می‌داند و ماده ۳۰، شهرداری‌ها و سایر مراجع صدور پروانه ساختمان را موظف می‌کند برای انجام فعالیت‌های کنترل و نظارت از خدمات این اشخاص در حدود صلاحیت مربوطه استفاده نمایند. طبق ماده ۲۱ و ۲۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۳ قانون، ناظر شخص حقیقی یا حقوقی دارای پروانه اشتغال به کار در یکی از رشته‌های موضوع قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان است که بر اجرای صحیح عملیات ساختمانی در حیطه صلاحیت مندرج در پروانه اشتغال خود نظارت می‌نماید. ناظران مکلفند بر عملیات اجرایی ساختمانی که تحت نظارت آنها احداث می‌گردد از لحاظ انطباق با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی

از سازمان می‌باشند.

- تک رشته بودن نظارت ساختمان‌های کوچک متراژ: تامین کیفیت ساختمان‌ها یک فرآیند تریبی و زنجیروار از برنامه‌ریزی کیفیت توسط سازمانهای مسئول تا کنترل کیفیت، که به وسیله ناظران معرفی شده توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان انجام می‌پذیرد، می‌باشد. لیکن در ساخت و ساز کنونی شهر تهران، مسئله کنترل کیفیت بعلاوه عدم معرفی ناظران چهار رشته عمران، معماری، مکانیک و برقی برای کلیه ساختمان‌ها با مشکلاتی مواجه است. در حال حاضر سازمان نظام مهندسی ساختمان برای ساختمانهای با متراژ کم تر از ۱۵۰۰ متر، که بر اساس اظهارات مسوولین سازمان، حدود نیمی از ساخت و سازهای شهری بر اساس تعداد پروانه را شامل می‌شود، یک مهندس عمران یا معماری را به عنوان ناظر معرفی می‌نماید که وظیفه کنترل کلیه مراحل اجرایی از تخریب تا تاسیسات و نازک‌کاری را بر عهده دارد؛ این اقدام بر اساس ماده ۴ قانون خلاف نظامات اداری و فرآیندهای اجرایی می‌باشد. پر واضح است که یک ناظر عمران بر اساس صلاحیت کسب شده تنها می‌تواند از مرحله تخریب و پی‌سازی تا تکمیل سقف‌ها و اسکلت عهده‌دار فرآیند ساخت بوده و نسبت به انجام سایر مراحل از پیاده‌سازی نقشه و سفت‌کاری و نازک‌کاری و تاسیسات برقی و مکانیکی که می‌بایست توسط مهندسان همان رشته کنترل گردد، صلاحیتی ندارد.

- عدم وجود چک لیست‌های همسان: با توجه به شرح وظایف ناظران آنچه که می‌تواند در امر نظارت و نحوه ارائه گزارشات و حدت رویه ایجاد کند و موجب افزایش کیفیت کنترل‌ها گردد، استفاده از چک لیست‌های همسان توسط ناظران در مراحل مختلف بازدیدها می‌باشد، روشی که علاوه بر ایجاد سهولت در بازرسی‌ها، امکان مدیریت کلیه مراحل اجرا توسط ناظر عالییه و همچنین مرجع صدور پروانه و پانکار ساختمان را تسهیل می‌نماید؛ چک لیست‌هایی که می‌توانند نحوه تنظیم گزارشات مرحله‌ای را از اعمال سلیقه شخصی دور کرده و یک الگوریتم و گردش کار معین میان نظارت چهار رشته برقرار نماید.

- نحوه محاسبه حق الزحمه نظارت: تعرفه خدمات مهندسی طبق ماده ۱۷ میبند دوم مقررات ملی ساختمان، هر ساله به صورت درصدی از هزینه تمام شده ساخت، مصوب وزارت راه و شهرسازی، محاسبه و برای حق الزحمه طراحی و اجرا و نظارت در نظر گرفته می‌شود. با بررسی عوامل گوناگون در اجرای ساختمان‌ها مشاهده می‌شود که ساختمان‌های مختلف دارای ویژگی‌ها و مسائل متفاوتی از لحاظ اجرایی هستند که در ارائه خدمات مهندسی نظارت به آنها نقش موثر دارند؛ مواردی مانند موقعیت بافت، وضعیت همجوارها، میزان گودبرداری و نحوه تخریب و نوسازی توسط مالک و مجری. - فرم‌های تعهد آور که از طرف شهرداری تحمیل می‌شود: عدم وجود وحدت رویه و یکپارچگی در مدیریت کیفیت ساخت و سازهای شهری و اقدامات موازی دستگاه‌های مسوول، شهرداری و سازمان نظام مهندسی ساختمان، موجب می‌شود تا تهیه فرم‌ها و گزارشات تعهد آور ناظران در مناطق مختلف شهرداری با تنوع بسیاری صورت بگیرد، که در اکثر موارد نه مستند به مواد قانونی می‌باشند و نه در قالب دستورالعمل از طرف سازمان نظام مهندسی ابلاغ شده است. از انواع این قبیل فرم‌ها می‌توان به چک لیست استاندارد ۲۸۰۰، چک لیست مبحث ۱۹ و گواهی تایید کیفیت آسانسور اشاره کرد.

۲۰- کارشناس ارشد مهندسی عمران و عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان

اشتغال کامل را ندارد، از این رو ناظران بعنوان یک فعالیت حرفه‌ای به آن نمی‌نگرند.

- ابهام در مفهوم نظارت مستمر: در قانون شهرداری ذیل تبصره ۷ ماده ۱۰۰، ناظران موظف به نظارت «مستمر» بر اجرای عملیات ساختمان می‌شوند، در صورتی که ساختمان سازی یک عملیات پیوسته است که عدم رعایت کوچکترین ضابطه فنی و ایمنی، منجر به بروز اشکالات اساسی در استحکام بنا و یا بهره‌برداری می‌شود. حال آنکه در تعریف واژه مستمر، چه به لحاظ زمانی و چه به لحاظ ترتیب فعالیتها مناقشات بسیاری در بین کارشناسان وجود دارد.

- عدم وجود مجری ذیصلاح در کارگاه و محول شدن بخشی از وظایف مجری به ناظر: طبق فصل ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۳ کلیه عملیات اجرایی ساختمان باید توسط اشخاص حقوقی و دفاتر مهندسی اجرای ساختمان به عنوان مجری انجام شود و مالکان برای انجام امور ساختمانی خود مکلفند از اینگونه مجریان استفاده نمایند. بر اساس آنچه در فصل ۳ میبند دوم مقررات ملی ذکر می‌شود بسیاری از الزامات اجرایی و تضمین کیفیت ساختمان می‌بایست توسط مجریان ذیصلاح به انجام برسد، لیکن به علت عدم اجرای قانون، بسیاری از الزامات این فصل انجام نگرفته و بخشی از آن همچون تایید مشخصات و کیفیت نقشه‌های اجرایی و صحت انجام عملیات اجرایی بر عهده مهندسان ناظر گذاشته می‌شود.

- ورود به حرفه بدون کارآموزی‌های لازم: در حرفه نظارت علاوه بر آنکه تخصص در امورات فنی و اجرایی ساختمان لازمه داشتن صلاحیت است، موضوعات متعدد اداری، ایمنی و حقوقی نیز از مقتضیات این حرفه محسوب می‌شود. با استناد به حوادث ساختمانی و پرونده‌های متعدد حقوقی در مراجع انتظامی و قضائی عنوان می‌شود که نحوه تایید صلاحیت ناظران بدون پیشخوانه کارآموزی در این زمینه مناسب نبوده و با اینکه در ابتدا اسکان نظارت ساختمان بواسطه در بافت پروانه صلاحیت موجبات خرسندی مهندسان جوان را فراهم می‌آورد، لیکن در ادامه راه و آشنایی با مشکلات و برخورد با حوادث، تاوان سنگینی بابت ناآشنایی با موارد ایمنی و حقوقی از ایشان اخذ می‌شود.

- نحوه نامناسب ارجاع کار: طبق بند ۱۳-۱۱ از میبند دوم مقررات ملی ساختمان، سازمان استان وفق ماده ۲۴ آیین‌نامه ماده ۳۳ به منظور ارجاع مناسب کار نظارت به ناظران و حفظ شئون حرفه‌ای و عدالت ناشی از ارجاع کار به آنان، ضمن رعایت حدود صلاحیت به تعیین ناظران هر ساختمان اقدام خواهد نمود. این بند از مقررات ملی گرچه نظر به ارجاع مناسب کار با حفظ شئون حرفه‌ای و عدالت دارد، لیکن در هیچ یک از سازمانهای استان تعریف مناسبی از عادلانه بودن و حفظ شئون حرفه‌ای صورت نگرفته و به تمام دارندگان پروانه مهندسی نظارت، به نوبت کار توزیع می‌گردد. این در صورتی است که موارد متعددی بر عملکرد مناسب مهندسان در ارائه خدمات نظارت تاثیر می‌گذارد که می‌تواند مبنایی جهت تحقق این بند از مقررات قرار گیرد. ناظرانی که حرفه نظارت شغل نخست آنها محسوب می‌شود و ضمن بازرسی‌های متعدد، در ارائه گزارشات فنی به مرجع صدور پروانه و سازمان استان نهایت دقت را به کار می‌بندند، ناظرانی که با گذراندن دوره‌های آموزشی مرتبط، دانش خود را به روز نگه داشته و آرشو مناسبی از مدارک فنی و حقوقی پروژه‌ها مستندسازی می‌نمایند، از ناظرانی که حق الزحمه نظارت را به مثابه یارانه نقدی تلقی می‌کنند که در سال چند نوبت به ایشان تعلق می‌گیرد و به ازاء آن حداقل خدمات را ارائه نمی‌دهند، دارای شئون حرفه‌ای بالاتری جهت دریافت کار

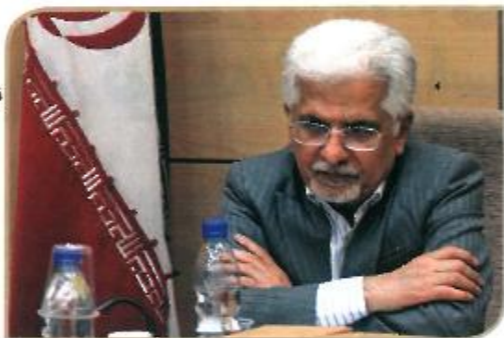
# یافت‌های فرسوده

[گفت و گوها و عکس: دنیا عباسی کسبی]

نواحی کهن شهری که در زمان شکل‌گیری، فضایی پاسخگو به سلسله مراتب نیازهای ساکنان خود بوده‌اند، در پی تحولات فن‌شناختی و تغییر در نیازهای زیستی، اجتماعی و اقتصادی اکنون فاقد عملکرد قوی‌اند. این نواحی زمانی محل و کانون ثروت و قدرت شهرها بودند، ولی در شرایط کنونی از حیث برخورداری از زیرساخت‌ها و خدمات شهری ضعیف و از حیث کالبدی نابسامان هستند. مطالعه و احیای مراکز تاریخی شهرها و به‌عبارتی بهسازی بافت‌های قدیمی که نیاز جدی و ملموس به آن، امروزه آن را به عنوان امری محتوم، مورد توجه علاقه‌مندان و مسئولان قرار داده است. معنول برداشت‌های متفاوت لاقلاً در سه قرن اخیر در خصوص پیش، فرهنگ، سنت، هنر و معماری و در یک کلام شیوه‌ی زندگی می‌باشد. مطالعات کوباکون در نواحی کهن و قدیمی شهرها در ایران نشان می‌دهد که نحوه برخورد با این نواحی عمدتاً مبتنی بر حفظ و مرمت تک بناهای با ارزش بوده و کمتر به برنامه‌ریزی مشخصی برای باززنده‌سازی و بازگرداندن زندگی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی این نواحی اندیشه شده است. حال با توجه به اهمیت نوسازی و بهسازی و بازآفرینی شهری می‌توان گفت که سازمان‌ها و نهادهای گوناگونی می‌توانند در اصلاح این بافت‌های ناکارآمد شهری نقش داشته باشند و برای به‌بهبود کیفیت آن کمک کنند از جمله‌ی این سازمان‌ها می‌توان به سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور اشاره داشت. لذا طی نشست و جلسه‌های مختلف با رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری و همکاران ایشان در شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری تصمیم بر آن شد تا یکی از ویژه‌نامه‌های نشریه تخصصی شمس در ارتباط با موضوع نوسازی و بهسازی و حاشیه‌نشینی شهری باشد که بخش پیش رو حاصل همین تلاشی و همکاری کارشناسان محترم در شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری و سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور است که تقدیم می‌شود:



## لزوم خیزش عمومی جهت نوسازی شهری



[مهندس مهدی حق بین]

دبیر اجرایی سازمان نظام مهندسی ساختمان

باقت فرسوده، به طور عمده بخش هایی از شهر است که از چرخه تکاملی حیات آن جدا گشته و به شکل کانون مشکلات و نارسایی ها درآمده است و ساکنان آن عمدتاً از اقتصار پایین جامعه بوده و از فرصت های شغلی اندکی برخوردارند و به ناچار تن به مشاغل دون پایه می سپارند؛ از سوی دیگر خدمات شهری ناچیزی به آنان ارائه می شود. در واقع از آنجا که نیروهای متحول ساز درون این بافت ها، قدرت و سرعت لازم برای همگام کردن خود با سایر بخش های شهر را دارا نبوده لذا حرکتی واپسگرار در پیش گرفته و هرروز از گردونه توسعه پویای شهر دور می گردند.

همچنین قسمت عمده ی این فضاها که گذشته تاریخی زندگی اجتماعی گروه هایی را با خود حمل می کنند، با گذشت زمان بالندگی خود را از دست داده و دستخوش فرسودگی شده، و این فرآیند شهرها را از درون می پوساند و انقطاع ارتباطی بین مهمترین و بزرگی های بافت قدیم و بافت های جدید و نوساز شهر، باعث زوال کالبد قدیمی شهر، از خود بیگانگی و از دست رفتن هویت شهر می شود.

به هر صورت در پی تحول در شیوه ی زندگی و سکونتگاه های کنونی، به خصوص در پی تغییر نیاز به خدمات گوناگون و نیازهای حاصل از تحولات در طی زمان از جمله نیاز به زیرساخت های حمل و نقل، دسترسی به تأسیسات و تجهیزات شهری و نظایر این ها برای زندگی - محله های کهن و قدیمی شهری به دلیل وفق نیافتن با شرایط جدید، دچار چنین روندی می شوند.

در چنین شرایطی لازم است با استفاده از سیاست های مناسب به احیاء این بافت ها پرداخته شود. احیاء، به مفهوم بازگرداندن زندگی در محلات قدیمی، بیش از هر چیز مستلزم رفع موانع قانونی فعلی از یکسو و نوآیندسازی مردم محله به معنای واگذاری اختیارات لازم برای تصمیم گیری و ایجاد شکل های اجرایی، فراهم آوردن خدمات مشاوره ای برنامه ریزی و طراحی و نیز اقدام شهرداری منطقه در رفع معضلات کالبدی - اجتماعی محله و ایجاد تسهیلات لازم از سوی دیگر می باشد.

از سوی دیگر بافت های فرسوده اگر چه به خودی خود به عنوان یک معضل شهری مطرح می شوند اما در حقیقت بناتسبیل بالقوه ای است که می توان با شناسایی برنامه ریزی بهسازی و نوسازی و اجرای دقیق به یک فرصت خوب تبدیل شود.

نهضت نوسازی بافت های فرسوده شهری، به مفهوم یک خیزش عمومی برای نوسازی واحدها و محلات فرسوده شهری است. این خیزش عمومی

در صورتی تحقق می یابد که بسترن آن فراهم و پیش نیازهای آن تأمین شده باشد، بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده ی شهری از جنبه های متفاوت، موضوعی بسیار پیچیده می باشد و طی سال های گذشته در جهت مقابله با پدیده فرسودگی، نهادها و سازمان های مسئول کنترل و هدایت توسعه شهر، در قالب تهیه طرح ها و پروژه های موضعی و موضوعی اقدام به انجام فعالیت هایی در بخش بافت های فرسوده نموده اند، لیکن بخش عمده ای از این گونه اقدامات، تاکنون موفق به حصول نتایج کامل و مطلوبی نگردیده است در واقع عملیات بهسازی و نوسازی تا سطح یک واحد مسکونی ادامه پیدا می کند و به عبارت دیگر سلول های عملیات نوسازی واحدهای فرسوده موجود و سلول عملیات بهسازی، محلات فرسوده خواهند بود.

اما امروزه ما باید پدیده فرسودگی زود هنگام ساختمان ها نیز مواجه هستیم، برای ریشه یابی این مسئله در کشور باید گفت، متأسفانه از دهه ۷۰ مسکن به عنوان یک کالای سرمایه ای شناخته شده و به طبع آن ساخت و ساز نیز از حالت تخصصی خارج گشته و به کالایی برای سودآوری افراد تبدیل شده است. بنا بر این در این شرایط روابط میان ساخت و ساز هم که از روابط بازار تاثیر می گیرد، توجهی به ضوابط مهندسی نمی کند و کیفیت ساختمان ها قربانی شرایط بازار و سودآوری می شود و ساختمان هایی با رنگ و لعاب ظاهری مناسب اما بی کیفیت و با قیمت های بالا به فروش می رسد و بهره برداران نیز پس از چند سال سکونت با مشکلات ناشی از بی توجهی به ساخت استاندارد مواجه می شوند. در نهایت باید گفت که هزینه هایی که در این زمینه و در بلند مدت از دست می رود سرمایه های ملی است و به طور قطع آسیب های جانی و مالی بسیاری را در پی خواهد داشت که در این میان متضرر نهایی مالک است.

هرچند به کارگیری مصالح ساختمانی استاندارد و قابل قبول یکی از شرایط حتمی و لازم برای ارتقاء کیفیت ساخت و ساز است، اما روی دیگر سکه نحوه استفاده از آن و نظارت و پیگیری برای استفاده از این مصالح در ساختمان است.

از این رو انتظار می رود که مصالح ساختمانی استاندارد در ساختمان سازی به کار گرفته شود و فعالان این عرصه، ساخت و ساز ایمنی ساختمان ها را فدای سود و منفعت شخصی خود نکنند، چرا که کیفیت مصالح ساختمانی و استفاده درست از آن جزو عواملی است که به همراه شرایط طراحی، اجرا، نگهداری و تعمیر در دوام و آسیب ناپذیری ساختمان ها و طول عمر آن ها نقش بسزایی دارد و سبب تأخیر در روند فرسودگی بنا و ساختمان احداث شده می شود.

دکتر سعید ایزدی:

## باز آفرینی شهری اقدامی جامع برای توسعه شهری است

توجه به بافت‌های فرسوده و رفع ناپایداری آنها، به موضوعی جدی تبدیل شده، به گونه‌ای که سازمان‌های ذیربط را به تکاپوی ساماندهی و باز آفرینی بافت‌های مذکور سوق داده و لزوم مداخله در این بافت‌ها را در دوره‌های مختلف زمانی مطرح نموده است. رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در مسیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به باز آفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تاکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده اند. با توجه به مطرح شدن و تاکید بر موضوع باز آفرینی شهری گفت و گویی انجام دادیم با دکتر سعید ایزدی، معاون محترم وزیر راه و شهرسازی و رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری و موضوع باز آفرینی و هدف از طرح آن را از ایشان جو با شدیم.



آقای دکتر با توجه به رابطه نوسازی و بهسازی با طرح‌های توسعه شهری، شما تهیه و اجراء این طرح‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

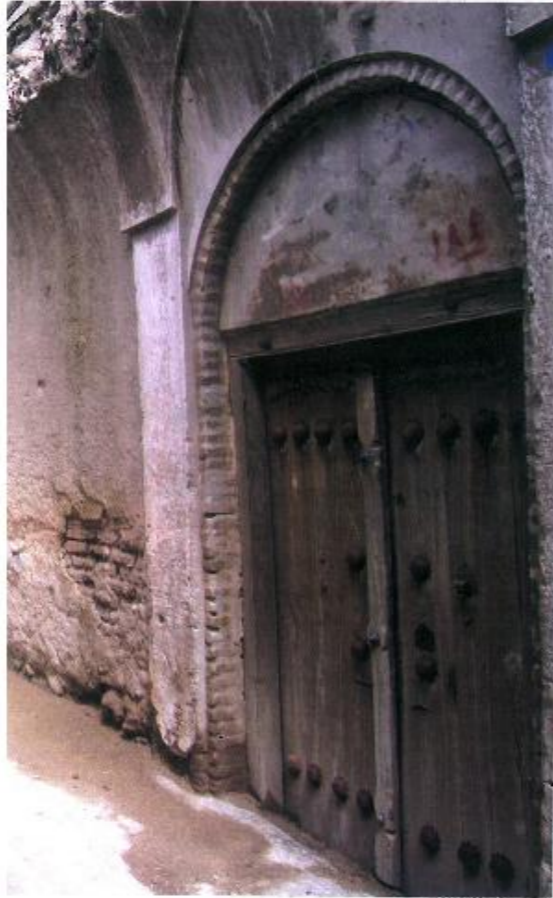
تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری در ایران که سابقه آن به قرن حاضر و تشکیل سازمان برنامه و به تبع آن وزارت آبادانی و مسکن باز می‌گردد، در روندی تحولی سه نسل متفاوت از انگارهای فکری را تجربه کرده است. با این حال با وجود گذشت چهار دهه از تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری، موفقیت چندانی در پاسخ‌گویی به مسائل و چالش‌های شهرنشینی حاصل نشده است. اتخاذ رویکردهای پوزیتویستی، متمرکز و بالا به پایین، فقدان نگاه آمیختگی و بی‌توجهی نسبت به ماهیت پیچیده شهرها، بی‌توجهی به نهاد‌های محلی و توانمندی‌ها، استعدادها و نیازهای منطقه‌ای، نگرش صرفاً کالبدی و کمی به مفهوم توسعه و غفلت نسبت به سایر ابعاد ذهنی در مفهوم کیفیت زندگی، عدم بهره‌مندی از مشارکت مردمی و همچنین عدم نشر یک مساعی میان نهاد‌های تاثیرگذار و متولی، فقدان هماهنگی در ارکان توسعه، تعدد و تداخل عملکردی نهادها و سازمان‌های دخیل در امور شهری و منطقه‌ای در فقدان مدیریت یکپارچه و واحد شهری از اصلی‌ترین ناکارآمدی‌ها در محتوا و فرایند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری به شمار می‌روند.

گسترش شهرنشینی در خلأ برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای که بتوانند به خوبی و با رویکردی کل‌نگر و یابدار رشد شهرها را هدایت و تنظیم کنند، شهرها و ساکنان آن‌ها را بویژه در محله‌ها و محدوده‌های ناکارآمد شهری (بافت میانی، محدوده‌های تاریخی و سکونتگاه‌های غیر

محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جوامع محلی ساکن در محدوده‌های ناکارآمد شهری ضرورت و فوریت تهیه یک برنامه عملیاتی روشن را برای این محدوده‌ها مطرح می‌سازد. از سوی دیگر باتوجه به ضرورت اتخاذ رویکرد کل‌نگر و یکپارچه به موجودیت شهر و مسائل و چالش‌های آن به عنوان یک سیستم و کل همپوشان، تهیه یک سند سیاست‌گذاری به عنوان نسل نوین طرح‌های توسعه شهری برای خروج از بحران موجود و به منظور اتصال و تلفیق راهبردهای توسعه شهر با برنامه‌های عملیاتی پایین دست در محدوده‌های ناکارآمد شهری و از سویی دیگر با اسناد فرادست، ضروری می‌نماید.

در حال حاضر در موضوع باز آفرینی شهری مطرح شده است، منظور و مفهوم باز آفرینی شهری چیست؟

رسمی) با چالش‌ها و مسائلی بفرنج از قبیل گسترش فقر شهری در تمامی ابعاد آن از قبیل فقر درآمدی، بهداشتی، آموزشی، خدمات اجتماعی و پایه از قبیل شبکه آب سالم، توزیع برق و سایر خدمات زیربنایی و روبنایی، خدمات درمانی و امنیت؛ گسترش نابرابری‌های فضایی - کارکردی، توسعه نامتعادل و ناهماهنگ و توزیع نابرابر خدمات، ناکارآمدی نظام جابجایی، تحرک و پویایی شهری، بحران هویت، تنزل ارزش‌ها و افت منزلت اجتماعی - مکانی و تهدید میراث معنوی، طبیعی و ملموس شهرها، تنزل و فرسایش سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری پائین شهرها در مواجهه با بلایا و مخاطرات و تنزل کیفی محیط زیست (لودگی‌ها، بحران آب، تخریب زیست‌بوم‌ها، کمبودها و توزیع نامناسب فضای سبز) مواجه کرده است. روند فرایند گسترش این نابسامانی‌ها و تاثیرات و تبعات عمیق‌تر



### هدفی راه اندازی شده است؟

تعدد سازمان‌ها، دستگاه‌های دخیل از یک سو و عدم همسویی طرح‌ها - برنامه‌ها و اقدامات این دستگاه‌ها از سوی دیگر موجب نابسامانی گسترده‌ای در نظام مدیریت و اجرای برنامه‌های توسعه شهری شده است.

علی‌رغم تأکید بر برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم دولت مبنی تفویض اختیارات دستگاه‌ها به شهرداری‌ها و ایجاد نظام و سازمان مدیریت یکپارچه، هنوز هیچ اقدامی در این راستا صورت نگرفته است. لذا با توجه به ضرورت ایجاد هم‌افزایی بین دستگاه‌های مختلف دخیل، پیشنهاد تشکیل شبکه‌های هم‌کاری در قالب کارگروه‌ها، شوراهای و یا ستادهای ملی - استانی و محلی به منظور دست‌یابی به یک نظام مدیریت هماهنگ شهری پیشنهاد می‌شود. راه‌اندازی ستاد ملی بازآفرینی شهری و همچنین ستادهای استانی و شهرداری‌ها با چنین هدفی برگزار شده است. هماهنگی، هم‌راستایی اولویت بخشی، همکاری دستگاه‌های مختلف موجب تحقق اهداف بازآفرینی شهری خواهد شد.

❖ **حال پیشنهاد شما برای بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری در برنامه ششم توسعه چیست؟**

دراولویت قرار دادن محلات شناسایی شده در طرح‌ها و برنامه‌های بازآفرینی شهری توسط کلیه دستگاه‌های دخیل اعم از شهرداری، دستگاه‌های نامین‌کننده زیرساخت‌های شهری، سایر نهادهای دولتی و غیردولتی از اصلی‌ترین اهداف در برنامه ششم است که با تشکیل ستادهای بازآفرینی شهری محقق خواهد شد. نامین‌ماین باید جهت تحقق برنامه‌های بازآفرینی شهری با عنوان صندوق توسعه‌ای بازآفرینی شهری - پایدار از پیشنهادات مهم دیگری است که در برنامه ششم بدان پرداخته شده است.

ندوام اعطای تسهیلات ارزان قیمت به ساکنان و مالکان این محدوده‌ها و تنوع بخشی به این تسهیلات نیز محور کلیدی دیگر در برنامه ششم است. بخش عمده‌ای از فعالیت‌های پیشنهادی نیز در راستای پیش‌نگری و پیش‌گیری از گسترش این نواحی در قالب برنامه‌های کلان‌تأخرد در برنامه مدنظر قرار گرفته است.

❖ **شما نقاط قوت سند بازآفرینی و در چه مواردی می‌دانید؟**

نقاط قوت سند ملی بازآفرینی شهری را می‌توان در شش محور ذیل خلاصه کرد:

۱- پیشنهاد تشکیل شبکه همکاری در قالب ستاد ملی و ستادهای متناظر استانی بازآفرینی شهری

مفهوم بازآفرینی شهری به عنوان یک رویکرد متأخر در تجارب جهانی و هم‌راستا با اهداف توسعه پایدار در پاسخ‌گویی به چالش‌های شهرنشینی در حال حاضر به عنوان سیاست متأخر در کشورهای اروپای غربی و آمریکا مورد توجه است. بازآفرینی شهری نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه در قالب ارائه چارچوبی استراتژیک، یکپارچه و منعطف برای توسعه و حل مشکلات شهری است به گونه‌ای که در نهایت به یک پیشرفت و بهبود پایدار اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی منجر گردد.

بازآفرینی شهری در برگیرنده تعیین یک چشم‌انداز راهبردی، یکپارچه و بلندمدت، راهبردهای جامع و کامل در مسیر اهداف توسعه پایدار و اهداف عملیاتی واضح، مشخص و تحقق‌پذیر با مشارکت حداکثری تمام ذی‌نفعان به منظور تضمین دستیابی همگان به منافع مشروع حاصل از مزایای بازآفرینی در جهت عدالت اجتماعی است. بر این اساس چارچوب طرح‌های بازآفرینی شهری به عنوان نسل نوین دستورکارهای شهری، دیگر مانند گذشته، نه اسکان جمعیت مهاجر، و نه مکانیابی توسعه‌های بزرگ، و نه توزیع سطوح خالی زمین بین جمعیت اضافی، بلکه بازآفرینی ساختار فضایی - عملکردی از ساختار شهرهای موجود و تبدیل آن‌ها به شهرهایی کارآمد، ایمن و مجهز در قالب هشت محور زیر است.

۱. تأکید بر برنامه‌ریزی محله‌مبتنا و یکپارچه اجتماعی و برنامه‌ریزی مشارکتی از پایین به بالا  
۲. توجه به تحلیل و تبیین رابطه توسعه شهر از درون و گستره پیرامونی  
۳. تحلیل و تنظیم نظام جابه‌جایی در یک ساختار یکپارچه حمل و نقل  
۴. اولویت بخشی به برنامه‌های کاهش فقر شهری با توجه به اهداف عدالت اجتماعی، فضایی و کارکردی

۵. شناسایی نروتهای فرهنگی - تاریخی شهر (ارزش‌های ملموس، معنوی و طبیعی) و ارائه راهکارهای حفاظت و باززنده‌سازی پایدار این عرصه‌های ماندگار

۶. شناسایی فرصت‌های موجود برای توسعه و ارائه برنامه راهبردی توسعه مجدد محدوده‌ها و نواحی در یک نظام برنامه‌ریزی یکپارچه (بادگان‌ها، کارخانه‌ها، تیارها، زندان‌ها و ...)

۷. تعیین نقش و مسئولیت کلیه کنشگران دخیل از طریق آسیب‌شناسی نظام مدیریت شهری و تحلیل نهادی

۸. شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی برای جذب سرمایه‌گذاران و سازندگان بخش خصوصی

❖ **ستاد ملی بازآفرینی شهری با چه**

۲- تأکید بر سیاست‌های پیش‌گرفته هم‌زمان با برنامه‌های درون

۳- توجه به تفاوت‌های موجود در عرصه‌ها و محلات هدف بویژه چهار گونه شناسایی شده تاریخی - میانی - سکونتگاه‌های غیررسمی و ناکارآمد باهسته روستایی

۴- تأکید بر نقش محوری مدیریت شهری (شهرداری و شوراهای اسلامی شهر)

۵- ایفای نقش همه‌جانبه و کلیدی مردم در قالب مدل‌های مختلف مشارکت

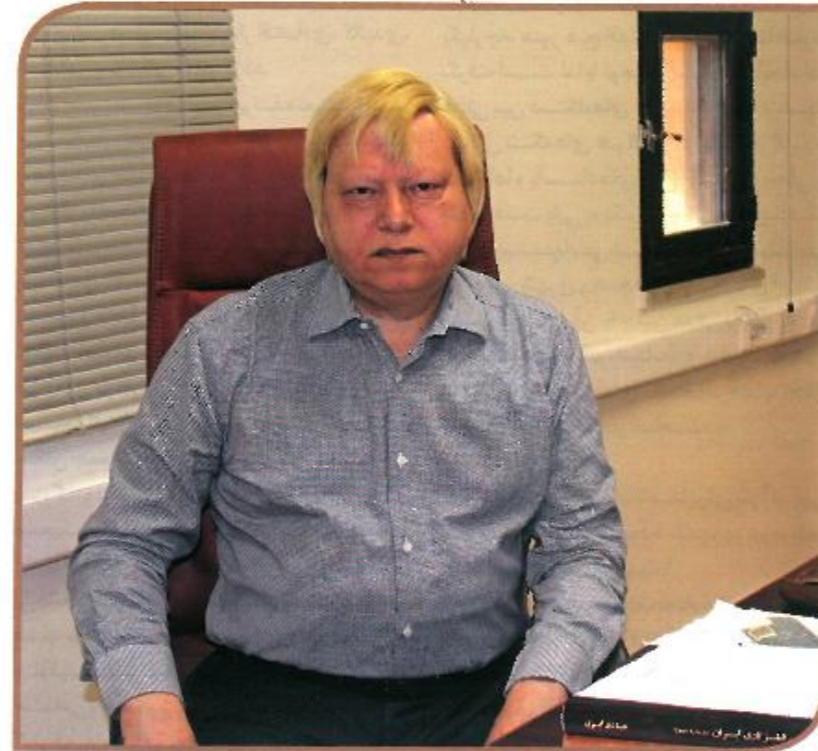
۶- توجه به تامین منابع مالی پایدار

❖ **در پایان شما آینده سند بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

همانگونه که در متن سند ملی نیز آورده شده است، این سند با توجه به یافته‌های حاصل از اجرای مفاد آن باید در دوره‌های معین بازنگری و اصلاح شود. با تهیه اسناد مکمل و دستورالعمل‌های پیوست می‌توان به عنوان یک ابزار قانونی در اختیار کلیه متولیان قرار گرفته و منشأ تحولاتی بزرگ در فرایند بازآفرینی شهرها گردد. مهم‌ترین اقدام در تحقق این هدف تهیه اسناد استانی و اسناد بازآفرینی شهرها است که باید در چارچوب سند ملی تدوین و ملاک عمل قرار بگیرد.

مهندس سید محمد بهشتی تأکید کرد:

## لزوم توجه مهندسان به اندازه و مختصات محیطی



**مقدمه:** در قسمتی از بافت‌های فرسوده و کهن شهری، بناها و بافت‌های تاریخی ارزشمند قرار گرفته است. آثار باستانی و بناهای تاریخی هر کشور بیشینه آن کشور است و دارای ارزش و اهمیت فراوانی می‌باشد که باید برای حفظ این تمدن چند هزار ساله تلاش بسیاری انجام داد. چگونگی حفظ هویت تاریخی در شهرهای مدرن یا شهرهای در حال پیشرفت، دغدغه‌ای است که نه تنها در ایران بلکه در کشورهای دیگر نیز وجود دارد. در تمام شهرهای معاصر که به سرعت پیشرفت می‌کنند بیشتر بین‌نگرانی‌ها در نگهداری از هسته‌های تاریخی شهرهاست که باید بتوانیم بیان این دو مسئله داشتن شهر مدرن و حفظ بناهای تاریخی تعادل ایجاد کنیم. با توجه به اهمیت این مسئله گفت‌وگویی انجام داده شد با آقای مهندس سید محمد بهشتی رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و نظر ایشان را در خصوص وظیفه جامعه مهندسی در این خصوص چو باشدیم.

به محیط خویش احداث شده و سبب اغتشاش در عرصه مهندسی نیز شده است.

❖ امروزه در نوسازی و بهسازی شهرها، موضوع باز آفرینی شهری مطرح شده و اکنون طرح‌های باز آفرینی نیز از سوی شرکت‌های مهندسی مشاور در حال تهیه است، حال شما تا چه اندازه اجراء این طرح‌ها را برای حل فرسودگی بافت‌های شهری مایل می‌دانید؟

در این رابطه دو نکته وجود دارد؛ اول آنکه در خصوص بهبود وضعیت بافت‌های فرسوده، اگر ما اصطلاحی مانند نوسازی و بهسازی را بکار ببریم یا باز آفرینی و یا هر اصطلاح دیگری، شاید فعل ما اثر گذار باشد اما ممکن است، مقصود حاصلی در پی نداشته و به نتیجه مطلوب نرسیم، البته تمام کارهایی که برای بهبود وضعیت بافت‌های فرسوده صورت می‌گیرد یا نیست قربت‌الی الله و خیر است اما متأسفانه ما جایگاه خویش را نسبت به موضوع درست درک نکرده‌ایم.

در نظام ساخت و ساز ایران برای ساخت و سازهای ایمن و مستحکم در کل کشور تنها یک نوع آیین‌نامه و الگو تدوین و به اجراء در می‌آید و چون در این آیین‌نامه‌ها توجهی به تنوع محیطی نشده و محیط نیز از اندازه‌های واقعی خویش منصرف نمی‌شود در نتیجه در برابر محیط طبیعی، ساختمان احداث شده از خود انعطاف نشان داده و با این انعطاف دیگر بنای احداث شده مستحکم نخواهد بود. بنابراین نظام مهندسی و ساخت و ساز کشور با مشکلی اینگونه مواجه است و صنعت ساختمان کشور را متحمل ضرر و زیان می‌کند. تا قبل از این شیوه‌های مهندسی جدید که در کشور حاکم شده اگر شما به شهرهای مختلف ایران سفر می‌کردید شاهد تنوع معماری در گوشه به گوشه ایران بودید که کاملاً با هم متفاوت و مشهود بود زیرا که در معماری و ساخت و سازهای گذشته به تفاوت‌های محیطی توجه کرده بودند اما امروز در هر کجای ایران که بروید از روی معماری آن شهر نمی‌توانید تشخیص دهید که وارد کدام شهر شده‌اید، زیرا تمام ساختمان‌ها جدید بدون توجه

❖ شما کیفیت ساخت و ساز و عملکرد سازمان نظام مهندسی ساختمان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ابتدا باید گفت مقصود از اصطلاح مهندسی که در دوره‌ی معاصر با نظام آکادمیک جدید شکل گرفته، تکنولوژی و فن‌آوری است که در گوشه به گوشه این جهان یک معیار دارد. اما در ایران وقتی ما مهندسی را در گفتار بکار می‌بریم این اصطلاح از ریشه‌ی هندسه و در واقع اندازه است. یعنی مهندسی با مکان و محیط پیرامون در ارتباط بوده و باید آن فن‌آوری را متناسب محیط تولید کند. همیشه در مهندسی این مختصات و اندازه‌ها را محیط تعیین می‌کند، حال با توجه به اینکه کشور ایران با یک تنوع بسیار زیاد محیطی مواجه است متأسفانه در مهندسی نظام آکادمیک و دانشگاهی ما آن چیزی که آموزش داده نمی‌شود، توجه به همین اندازه‌های محیطی است و مهندسی امروزی کشور دیگر کاری با اندازه‌ها و مختصات محیطی مانند محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و... ندارد.



نکته‌ی دیگر آن که من منظور از اصطلاح باز آفرینی در مسئله بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری رایج در سنی را متوجه نمی‌شوم و این به معنای آن نیست که چون من متوجه نشده‌ام پس اصلاً معنی ندارد. اصطلاح باز آفرینی حتماً دارای معنا و مفهوم است اما وقتی من متوجه مقصود این واژه نشده‌ام حتماً جمعاً معنی نیز وجود دارند که مانند من متوجه مفهوم آن در موضوع بافت‌های فرسوده نمی‌شوند اما وقتی برای تهیه طرح‌های باز آفرینی به آن‌ها سفارش داده می‌شود مسلماً باید در برابر سفارش دریافتی، یک محصولی را نیز تولید و تحویل دهند. حال به نظر من ضرورت دارد که قبل از هر چیز این اصطلاح به درستی توضیح داده شود که مقصود از آن چیست؟ در زبان فارسی باز آفرینی یعنی از عدم به وجود آوردن یا چیزی که قبلاً وجود داشته و حالا وجود ندارد و حال می‌خواهیم بار دیگر آن را بوجود آوریم.

به طور کلی باید تامل بیشتری در اینگونه اصطلاحات داشته باشیم اما یک نکته ای وجود دارد و آن اینکه رفتاری که در حال حاضر و در این دولت وزارت راه و شهرسازی در عرصه توسعه ساخت و ساز در پیش گرفته دارای تفاوت‌های ماهوی با سیاست‌های وزارت خانه در دولت‌های گذشته است و به جنبه‌هایی مانند اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی که در طول سالیان دراز بی‌توجهی شده بود خوشبختانه اکنون رفته رفته دارد توجه می‌شود و هر چه به این جنبه‌ها توجه بیشتری شود ما تعامل منوازن‌تر و متناسب‌تری با محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی خواهیم داشت. متأسفانه در حال حاضر معادله بافت فرسوده را بسیار ساده کرده‌اند در حالیکه معادله‌ی واقعی موجود در بافت‌های تاریخی معادله بسیار پیچیده‌ای است و در آن مجهولات مختلفی مانند: حقوقی، اجتماعی، مناسبات همسایگی، تعلق خاطر و خیلی موارد دیگر وجود دارد و ما باید این معادله پر مجهول را حل کنیم. مسلماً در خصوص باز آفرینی شهری نیز تا زمانی که این واژه به درستی توضیح داده نشود نمی‌توان با اطمینان گفت که ما معادله بافت تاریخی را در تمام ابعادش حل کرده‌ایم.

❖ با توجه به اهمیت بافت‌های تاریخی و ارزشمند، شما بر خورد مسئولین و مدیران شهری کشور را با اینگونه بناها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ابتدا باید توجه داشت که با مطالعه و مروری بر گذشته‌ی کشورهای اروپایی در می‌یابیم که در تمام دوره‌های تاریخی شاهد تخریب بافت‌های با ارزش تاریخی از سوی مسئولان امر بوده‌ایم مثلاً شما اگر پنجاه سال به عقب برگردید مشاهده

می‌کنید که آنها نیز بناهای تاریخی خود را تخریب می‌کردند و درست مانند همان رفتاری که بعضی از وقتها ما با بناهای تاریخی مان داریم. مثلاً بعد از جنگ دوم جهانی معمار معروفی به نام لو کوربوزیه برای بافت پاریس پیشنهاد طرح تخریب می‌دهد که در صورت اجراء آن کلیه بافت‌های تاریخی با ارزش پاریس تخریب می‌شد. البته خوشبختانه در این امر موفق نمی‌شود زیرا مانند بسیاری از شهرهای ما که مردم در برابر تخریب بافت تاریخی مقاومت و اعتراض می‌کنند در آنجا نیز با مقاومت مردم روبرو شده و در واقع این جریان فرهنگ ساز به مرور در اروپا و آمریکا شکل گرفت و حال خوشبختانه در کشور ما نیز با یک تأخیر چند دهه‌ای اکنون در حال اتفاق افتادن است. هر چند که کند است. اما متأسفانه مدیریت کشور هنوز به نسبت آثار تاریخی این احساس مسئولیت را پیدا نکرده و فقط نسبت خود را روی یک موضوع کار کردی می‌شناسد مثلاً در بناهای تاریخی تنها فرسودگی را مشاهده می‌کند و به مرور به این باور رسیده است که اگر آن بنای تاریخی را تخریب و به جای آن بنایی پنج طبقه بسازد آن بنا ارزش بیشتری دارد. خوب حال چرا اینگونه است؟ زیرا هنوز سیستم مدیریتی شناختی روی موضوع ندارد.

به یاد دارم که یک زمانی با یکی از مدیران کشور سر موضوعی گفت و گومی کردم و به او گفتم جام حسنلو جزء جام‌های با ارزش کشور است و حدود ۷۵۰ گرم طلا دارد و سریع برایم ضرب و تقسیم کرد و گفت حدود چهار و نیم میلیون تومان قیمتش می‌شود. گفتم حال کارشناسان ما برای آنکه جام را بیمه کنند باید قیمتی روی آن می‌گذاشتند تا متناسب با آن بیمه کنند و بین یک میلیارد تا سه میلیارد تومان اختلاف نظر دارند. حال اگر ما وسط آن یعنی یک و نیم میلیارد را بگیریم شما ببینید تاجه اندازه با چهار و نیم میلیون شما اختلاف دارد. گفت چرا؟ گفتم فاصله بین چهار و نیم میلیون تومان تا یک و نیم میلیارد تومان آن چیزی است که شما از آن اطلاعی ندارید و شما از جام با ارزش حسنلو تنها طلای آن را مشاهده

گر شما به قوانین کشور مان در خصوص حفاظت و مرمت بناها مراجعه کنید مشاهده خواهید کرد که از بسیاری کشور های پیشرفته، بسیار پیشرفته‌تر و مترقی‌تر است اما از سوی دیگر وقتی به رفتار و عملکرد مدیریتی کشور نگاه می‌کنیم شاهد عقب ماندگی هستیم

می‌کنید و ارزش‌های دیگر آن را نادیده گرفته‌اید و متأسفانه این رفتاری است که بسیاری از مدیران ما داشته‌اند و خوشبختانه اکنون رفته رفته در حال کاهش اینگونه برخورد ها هستیم. شاهد آن نیز اینکه خارج از میراث فرهنگی تعداد کسانی که نسبت به میراث فرهنگی تعلق خاطر پیدا کرده‌اند و حساس شده‌اند بسیار فراوان است. البته این نشان می‌دهد که هنوز لشکر انسانی‌هایی که از میراث فرهنگی کشور تصور صحیحی دارند هر روز بیشتر می‌شود.

اگر شما به قوانین کشور مان در خصوص حفاظت و مرمت بناها مراجعه کنید مشاهده خواهید کرد که از بسیاری کشور های پیشرفته، بسیار پیشرفته‌تر و مترقی‌تر است اما از سوی دیگر وقتی به رفتار و عملکرد مدیریتی کشور نگاه می‌کنیم شاهد عقب ماندگی هستیم اما باز تأکید می‌کنم که به مرور در حال اصلاح شدن است. البته یکی از مشکلات مادر میراث فرهنگی قبل از وزارت آقای دکتر آخوندی بر وزارت راه و شهرسازی همیشه وزارت مسکن و شهر سازی بوده است، یعنی بیشترین تخریب‌ها توسط وزارت راه و وزارت مسکن و شهر سازی برای طرح‌های توسعه شهری و ساخت و ساز ها در داخل شهر ها و روستاها اتفاق می‌افتاده اما امروزه از سوی وزارت خانه به بناهای تاریخی اهمیت داده می‌شود که این شرایط را ما در هیچ دوره‌ای در تاریخ معاصرمان شاهد نبودیم. بنا بر این مسیر رو به بهبود است هر چند که آهنگ آن کند می‌باشد.

البته این کندی به فرهنگ مان نیز ارتباط پیدا می‌کند مثلاً ما در محاوره به هر وسیله‌ای که دیگر برای کارهای روزانه کار بردی نداریم می‌گوییم که این وسیله دیگر به درد می‌خورد و موزه را جایی می‌نامند که اشیاء بدون کاربرد در آن نگهداری می‌شود. این تصور اشتباه است و توجه به این آثار می‌تواند بسیاری از مشکلات امروزی ما را حل کند برای مثال، به یاد دارم که اوایل کارم در میراث فرهنگی بود. روزی یکی از مدیران استانی با من تماس گرفت و گفت یک پل تاریخی بر روی رودخانه در یکی از شهرهایمان داریم و چون هواشناسی پیش بینی کرده است که آن شهر در معرض سیل است و این پل سبب می‌شود سیل شهر را تهدید کند. لذا مسئولین شهری تصمیم گرفتند که پل را تخریب کنند و لسی این پل هزار سال سابقه تاریخی دارد. من به بازدید پل رفتم و مشاهده کردم که در قسمت‌هایی از پایه پل دینامیت هم برای تخریب کار گذاشته‌اند. رفتم و از بالای پل نگاه کردم دیدم پایه‌های پل روی عرشه قرار ندارد. از مدیران سوال کردم این پل چرا عرشه ندارد. گفت عرشه پل سه متر و نیم از کف رودخانه پایین تر است. گفتم چرا! گفت برای اینکه در طول ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته تمام



که جز، ارکان اصلی بیم است، نمی توانستیم جایه جا کنیم. بنابراین بیم خودش مدیران را مجبور کرد که دوباره شهر را در همان مکان اولیه بسازند. مسئله‌ی بیم تمرین بسیار باارزشی برای جامعه‌ی مهندسی ما بود به شرط آنکه مهندسان ما آن را برای خود تبدیل به یک آموخته‌ی باارزش کنند. در واقع با توجه به گسل‌های مختلف کشور هر لحظه ممکن است زلزله در گوشه و کنار ایران اتفاق بیافتد و باید جواسمان باشد که پس از زلزله باید بدانیم که همان نقطه را دوباره بسازیم اما لازمه‌ی این ساخت و ساز آن است که ما شناخت کامل و جامع از آن منطقه داشته باشیم. من همیشه در جلسات مسکن و شهرسازی می‌گفتم که قبل از زلزله بیاییم اندازه‌ها و مختصات شهرها و مکان‌هایمان را در بیاوریم که اگر زلزله شهرمان را تخریب کرد بدانیم آن مکان دارای چه مختصات و اندازه‌های معماری و شهرسازی بوده است.

یعنی اگر قبل از زلزله الگوی زندگی را در آورده باشیم تا ساختمان‌های مقاوم و ایمن تر بسازیم و این‌ها درس‌هایی است که باید از بیم گرفت و بدانیم کشور ایران تنها یک صفحه‌ی سفید نیست که در هر لحظه هر چیزی دوست داشته باشیم در آن نقش ببندیم. باید از تجربیات گذشتگانمان در این رابطه استفاده کنیم؛ مثلاً در سه سال قبل از پایان حکومت کریم خان زلزله‌ی بزرگی در کاشان آمد. به گونه‌ای که به غیر از معدودی ساختمان، مابقی شهر کاشان را با خاک یکسان کرد. در فاصله‌ی وقوع این زلزله تا شش سال بعد از روی کار آمدن قاجاریه که مجموعاً می‌شود نه سال، حکومت مرکزی تقریباً وجود ندارد و اصلاً توانایی رسیدگی به مشکلی مانند زلزله را ندارد و هر حکومتی تنها به فکر حفظ موجودیت خویش است. ولی می‌بینیم کاشان دوباره مانند جواهری ساخته می‌شود. حال به نظر شما چگونه کاشان دوباره بهتر از گذشته‌ی خویش ساخته شده بدون آنکه از جایی کمک بگیرد، آن هم جامعه‌ای که بخش زیادی از مردمش بر اثر زلزله از دست رفته و بیشتر شهر تخریب شده است؛ به نظر من اگر روی اینگونه تجربیات تحقیق و تأمل کنیم می‌توانیم درس‌های بزرگی بگیریم.

#### ❖ در پایان توصیه شما به جامعه مهندسان چیست؟

توجه داشته باشند که در محیط اندازه‌هایی وجود دارد و این اندازه‌ها ابعاد مختلف دارند و شرط درک این ابعاد آن است که مهندسان از مقام تکلف مهندسی نزول اجتناب نمایند و متوجه باشند که همیشه بحر مضامین تکنولوژیک و سیویل جنبه‌های دیگری نیز در زندگی مردم وجود دارد.

یکی از اشاره‌ها به زلزله‌ی بیم و مخاطرات تلخ تخریب و ویرانی مسکن‌های غیر استاندارد مردم بیم پیش می‌آید، حال شما حادثه بیم و تجربه حاصل از آن برای نوسازی و بهسازی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من زلزله‌ی بیم را در برخورد جامعه مهندسان ما با پدیده زلزله نقطه‌ی عطفی می‌دانم. در مواجهه با زلزله می‌خواهند شهری بسازند که دیگر هیچگاه تخریب نشود. حال چقدر موفق می‌شوند جای تأمل و تحقیق دارد. اصولاً ثابت شده که شهری که تلاش شده مقاومتر ساخته شود، خیلی خطرناک‌تر بوده است. زیرا ما شاهد بوده‌ایم که وقتی یک سقف بتونی تخریب شده است تعداد بیشتری فوت کرده‌اند تا زمانی که آن سقف از خشت ساخته شده و در زمان تخریب تنها تعدادی در خاک مدفون گشته‌اند.

اما در بیم مسئله جدیدی مطرح شد. برای اولین بار برخلاف دفعات قبل که تلاش می‌شد شهری جدید بر جای شهر زلزله‌زده بسازیم، تصمیم گرفته شد شهری که می‌سازیم همچنان بیم باشد. حالا که زلزله همه چیز را تخریب کرد و ما می‌خواهیم دوباره بیم را بسازیم چه چیز بیم را می‌خواهیم بسازیم؟ این حرف در معماری و شهرسازی ما بسیار بزرگ و عجیب بود. جامعه‌ی مهندسی ما باید نبود به آن پاسخ دهد و نمی‌دانست که برای ساخت بیم از کجا شروع کند. من در جلسات شورای معماری بودم. مثلاً در جلسات مطرح می‌شد حال که زلزله شهر را تخریب کرده است ما بیاییم ده کیلومتر آن طرف‌تر این شهر را دوباره بسازیم. اما خوب بیم به لحاظ مختصات طبیعی‌اش نمی‌توانست ده کیلومتر آن طرف‌تر ساخته شود زیرا باغات بیم را

نخاله‌های ساختمانی شهر را کف رودخانه ریخته اند. بنابراین کف رودخانه سه متر و نیم بالا آمده است. بعد دوباره مشاهده کردم که این پل پنج دهته دارد و آثار دهته در دو طرف دیگر هم وجود دارد. سوال کردم که این پل پنج دهته دارد. گفتند نه این پل هفت دهته دارد اما از هر طرف یک دهته را گرفته و خیابان کشیده‌اند. خوب مسلم است که با این وضعیت بارندگی شود سیل می‌آید و شهر را آب خواهد برد. چرا؟ زیرا ما به اندازه‌های واقعی این رودخانه تجاوز کرده و آن را از اندازه‌های واقعی خودش خارج کرده‌ایم. این پل می‌تواند شهادت دهد که با رعایت اندازه‌های واقعی از هزار سال پیش تاکنون سیل شهر را تهدید نمی‌کرده است و این پل به ما می‌گوید که اگر می‌خواهید شهر را سیل نبرد باید رودخانه را به اندازه‌های واقعی‌اش بازگردانید یعنی عمق کف آنرا سه متر و نیم پایین ببرد و به اندازه دو دهته از اطرافش کنسار برود و باید گفت که اثر تاریخی دارای این خاصیت‌ها نیز می‌باشد. یعنی علاوه بر تعلق خاطر نسبت به بناهای تاریخی این آثار حرف‌های دیگری برای گفتن دارند و در بسیاری موارد راهنمایان خوبی هستند. اما به دلیل آنکه مهندسی ما کاری با اندازه‌های واقعی محیطی ندارد تصور می‌کنند که می‌تواند هر بلایی سر این بناها و آثار بیاورد و به طبع آن این گونه مشکلات نیز به وجود می‌آید. اگر مهندسان ما به وضعیت محیطی ایران آشنا باشند و سیل و طوفان و زلزله را در نظر بگیرند باید همواره به خاطر داشته باشند که همیشه میان دو تهدید زندگی کرده و همواره باید این اندازه‌ها را در مهندسی خویش رعایت کنند.

❖ وقتی صحبت از لزوم نوسازی و بهسازی و مقاوم سازی ساختمان‌ها در بافت‌های فرسوده شهری می‌شود

مهندس حجت‌اله عامری در تشریح راهکار افزایش عمر ساختمان تاکید کرد:

## لزوم ایجاد نظام پاسخگویی در کشور

و تغییر آن‌ها و ساخت بناها و ساختمان‌هایی با سطح اشغال و تراکم بیشتر، سبب می‌شود تا ارزش افزوده اقتصادی بیشتری را کسب کنند و دسته‌ی دوم بناها و ساختمان‌هایی است که کاملاً فرسوده و از استحکام فنی لازم برخوردار نیست و به هر حال عمر مفیدشان به پایان رسیده و این دو موضوع را باید از دو زاویه متفاوت دید. لذا به طور قاطع نمی‌توان بدون در نظر گرفتن اینگونه مسائل عمر ساختمان‌های ایران را با سایر کشورها مورد مقایسه و تحلیل قرار داد. زیرا بخشی از ساختمان‌ها را ما می‌توانیم با اصلاح ضوابط و مقررات شهرسازی به عنوان ثروت ملی تازمانهای طولانی‌تر حفظ نمائیم و بخش دیگری از ساختمان‌ها را بدلیل عدم تأمین ضوابط فنی ناگزیر به تخریب و بازسازی هستیم.



❖ آیا این اعداد و ارقامی که در خصوص عمر مفید ساختمان‌های ایران ارائه می‌شود صحیح و علمی است؟

در خصوص اعداد و ارقامی که از میزان عمر ساختمان‌های کشور ارائه می‌شود باید گفت که تاکنون کار کارشناسی و آماری دقیقی صورت نگرفته است و من بسیار به دنبال ریشه‌های این موضوع بودم که عدد ۳۰ ساله عمر ساختمان‌ها از کجا به دست آمده و متأسفانه هیچ سند علمی و مستندی پیدا نکردم و باید گفت تمامی اعداد ارائه شده، اعدادی فرضی هستند، در حال حاضر مادر کشور شاهد وجود ساختمان‌هایی با قدمتی بیش از ۲۰۰-۳۰۰ سال ساخت در شهرهای تاریخی مان مانند اصفهان، یزد، شیراز و مشهد هستیم. اما در حالت کلی آنچه که واضح و روشن است بر اساس مشاهدات ما می‌بینیم که خیلی از ساختمان‌های ما به دست خودمان جوان مرگ می‌شوند و این باعث نگرانی در دست و منطقی است. البته اینکه کیفیت اجرای ساختمان‌های ما هنوز با حد مطلوب و مورد قبول فاصله زیادی دارد حرف درستی است و باید تلاش شود تا

مقدمه: متأسفانه بی‌توجهی به اصول فنی ساخت و ساز و رعایت نکردن حداقل استانداردهای لازم در مصالح ساختمانی نتیجه‌ای جز فرسودگی زود هنگام ساختمان‌ها را در بر نخواهد داشت و همین امر سبب شده تا امروزه ما وارث مجموعه عظیمی از ساختمان‌ها و بناهایی که به سرعت در حال فرسودگی و نهایتاً تبدیل به بافت فرسوده بی‌ارزش باشیم. لذا با توجه به اهمیت طول عمر مفید ساختمان‌های کشور در بحث نوسازی و بهسازی شهرها گفت و گویی در این خصوص با آقای مهندس حجت‌اله عامری عضو شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان داشتیم و دلایل یا بین بودن کیفیت ساخت و ساز و در نهایت راه حل این موضوع را از ایشان جویا شدیم که در ادامه تقدیم می‌شود:

مقوله جداگانه ارزیابی و مورد بررسی قرار داده دسته‌ی اول ساختمان‌هایی است با عمر ساخت ۱۰-۱۵ سال که به دلیل ابلاغ ضوابط و طرح‌های جامع و تفصیلی جدید مالکین و سرمایه‌گذاران، به این نتیجه رسیده‌اند که با تخریب

❖ به نظر شما چرا میزان عمر مفید ساختمان‌های ما در مقایسه با سایر کشورهای جهان یا بین‌تر است؟ در ابتدا باید به این موضوع کمی دقیق‌تر نگاه کرد و میزان عمر ساختمان‌ها را باید در دو



ساختمان‌ها نداریم، بحث خیلی جدی است و اگر در ساختمان روند تخریب و اضمحلال مصالح کنترل نشود، در طی چند سال خسارت‌ها بسیار جدی می‌شود؛ به نحوی که تخریب و بازسازی ساختمان را توجیه می‌نماید همچنین در این حوزه به نظرم در بعضی جاها تخریب و ساخت ساختمان جدید همراه با مد پیش می‌رود، یعنی اینکه در صدی از تخریب ساختمان‌ها از چشم و هم‌چشمی‌ها و مسائل رقابتی و از این دست می‌باشد.

❖ از نظر شما مسئله تعمیر و نگهداری بناها تا چه اندازه مهم است و آیا این موضوع در مقررات ملی ساختمان دارای جایگاهی است یا خیر؟

بله مسئله‌ی مراقبت و نگهداری ساختمان‌ها از موضوعات بسیار مهم صنعت ساختمان است اما تا کنون به بحث تعمیر و نگهداری در ساختمان و بناها به خوبی پرداخته نشده است و با اینکه از سال ۱۳۹۲ این بخش جزء تحت عنوان می‌باشد ۲۲ مقررات ملی اصلاح نشده، در این خصوص برنامه‌ریزی و اقدام جامعی صورت نگرفته تا مالکین را با وظایفشان در مقابل نگهداری از ساختمان‌ها آشنا نماید.

❖ حال با توجه به تجربه چندین ساله شما در نظام مهندسی ساختمان، راه حل مشکلات صنعت ساختمان کشور را در چه مواردی می‌دانید؟

من راه حل مشکلات صنعت ساختمان کشور را در ایجاد نظام پاسخگویی می‌دانم در واقع موضوع مهمی که وزیر محترم راه و شهرسازی آقای دکتر آخوندی به شایستگی طرح کردند ایجاد نظام پاسخگویی در صنعت ساختمان کشور است، متأسفانه امروزه به دلیل نبود این نظام پاسخگو در صنعت ساختمان‌سازی کشور ما شاهد آن هستیم که هیچکدام از دست‌اندرکاران صنعت ساختمان در کشور پاسخگویی مسئولیت‌های خود نیستند و عموماً بهره‌برداران و خانواده‌های ساکن در این ساختمان‌ها هزینه‌های ناکارآمدی عوامل دخیل را می‌پردازند. این در حالی است که در هیچ جای جهان ساکنین ساکنین و خریداران محصول که ساختمان می‌باشند، این گونه رفتار نمی‌شود و باید برنامه‌ریزی و اقدام مناسبی در این زمینه صورت گیرد و با کسانی که به بهانه سوداگری در صنعت ساختمان دست به کارهای متقلبانه می‌زنند به شدت برخورد کرد.

روند رو به رشد توسعه صنعت ساختمان با سرعت بیشتری به پیشرفت خود ادامه دهد.

❖ با توجه به اینکه بحث نوسازی و بهسازی ساختمان‌ها ارتباط پیدا می‌کند با میزان کیفیت ساخت و ساز و طول عمر ساختمان، شما دلایل اصلی پایین بودن عمر مفید ساختمان‌ها را در کشور در چه مواردی می‌دانید؟

به صورت کلی باید عمر پایین ساختمان‌ها در کشور را در سه بخش شامل: مسائل فنی، اقتصادی و فرهنگی بررسی نمود. در بحث مسائل فنی که خیلی دامنه گسترده‌ای هم دارد، مواردی از قبیل: آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های فنی از جمله عمر کوتاه ساختمان‌ها می‌باشد و باید توجه داشته باشیم که مادر گذشته‌ای نه چندان دور آیین‌نامه‌های به روز و کارآمدی نداشتیم و از طرفی الزام به رعایت مقررات متعارف دنیا هم چندان الزام‌آور نبود. به همین دلیل ساختمان‌هایی که در بیش از دو دهه گذشته ساخته‌ایم مشکلات جدی آیین‌نامه‌ای دارند.

اما در حوزه نیروهای فنی و ماهر نیز اقدامات کافی انجام نشده است و تربیت نیروها متناسب با استفاده از فن‌آوری‌های روز دنیا ناکافی است. در استفاده از مصالح استاندارد و یا حداقل مشخصات اجباری کنترل‌ها کارآمد نبوده‌اند. طوری که دهه‌های گذشته استانداردهای لازم برای استفاده مصالح کافی نبوده و در سال‌های اخیر کنترل‌ها کم بوده به طوری که در کنار مصالح استاندارد موجود در بازار مصالح غیراستاندارد هم به فراوانی وجود دارد. در صورتی که ما نباید تحت هیچ شرایطی اجازه توزیع و احیاناً استفاده از مصالح استاندارد را

بدهیم. در بخش طراحی و نظارت هم در گذشته کوتاهی‌هایی به دلیل فقدان یک ساختار مانند سازمان نظام مهندسی صورت گرفته بطوریکه محصول خروجی که ساختمان بوده در موارد زیادی هم از طراحی مناسب و قابل قبولی برخوردار نبوده و هم نظارت درست و حسابی نشده است و عموماً موضوعات کنترل کیفی در مقوله ساختمان سازی جای نداشته است.

شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل عمر کوتاه ساختمان‌ها و یا جوان مرگ شدن آنها که خارج از مسائل فنی باشد، تغییر ضوابط و مقررات شهرسازی است؛ بطوریکه ابلاغ ضوابط جدید طرح‌های جامع و تفصیلی و تخریب یک ساختمان نوساز را به لحاظ اقتصادی توجیه می‌نماید تا بتوان یک ساختمان جدید با سطح اشغال و تراکم بیشتر ساخت و منافع مادی بیشتری را تصاحب نمود. هر چند این منافع شخصی با منافع ملی در تعارض باشد.

امادر بخش اقتصادی، اینکه ما تلاش داریم ساختمان‌هایی با قیمت مناسب و ارزان عرضه کنیم اقدامی بسیار درست و اصولی است اما باید در این زمینه برای ارزان‌سازی به صنعتی سازی و سری سازی‌های منطبق با استانداردهای جهانی رو بیاوریم.

اما متأسفانه در حال حاضر ارزان‌سازی بیشتر به سمت و سوی استفاده و به کار بردن مصالحی با استانداردهای پایین‌تر، نیروی ماهر ارزان‌تر و غیر ماهرتر و عدم توجه به جزئیات در طرح‌های مهندسی رفته است.

از سوی دیگر بخشی از مشکلات در صنعت ساختمان و عمر کوتاه ساختمان‌ها به مسائل فرهنگی نیز ارتباط پیدا می‌کند. اینکه ما در کشور موضوعی به نام مراقبت و نگهداری از

مهندس امیر عباس افتخاری:

## وسعت عظیم بافت‌های ناکارآمد، مهمترین چالش امروزی شهرها است

☛ به نظر شما اهمیت لزوم توجه به نوسازی بافت‌های فرسوده شهری چیست؟

همانگونه که می‌دانید، با افزایش رو به رشد جمعیت شهری در حال حاضر و در چند دهه آتی با مشکل اسکان و سرریز جمعیت شهری مواجه بوده و خواهیم بود و برای رفع این مشکل اتخاذ سیاست‌های توسعه شهری مناسب ضروری است.

و نیز تراکم نفر در هکتار در شهرهای ایران بسیار کم می‌باشد و این شاخص در محدوده بافت‌های فرسوده و مرکزی شهرها قابل توجه است. از طرفی سیاست توسعه شهری در دنیا، به مفهوم ارتقای بهره‌وری و بهینه‌سازی استفاده از زمین و امکان توسعه درون شهری به ویژه در شهرهای بزرگ و کلان شهرها و ارتقای سطح دسترسی ساکنان بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری به خدمات شهری و اجتماعی است.

سیاست توسعه شهری درونی به خاطر کاهش در هزینه‌های آماده‌سازی، نگهداری، امنیتی و انتظامی شهر و دسترسی ساده‌تر به خدمات شهری، نسبت به سایر سیاست‌های توسعه شهری از مزیت نسبی برخوردار است و به عبارت بهتر به لحاظ اقتصادی به صرفه خواهد بود. این در حالیست که بر حسب گزارش جهانی حوادث، ایران در راس آسیب دیده‌ترین و آسیب پذیرترین کشورهای جهان قرار دارد.

و جالب است بدانیم بعد از قاجعه زلزله بم، ایران در مجامع بین‌المللی به عنوان چهارمین کشور آسیب پذیر و حادثه خیز در دنیا تلقی شده است. بنابراین با توجه به همه انواع حوادث، بالاخص کانون یافتگی زلزله در ایران، اهمیت نوسازی بافت‌های فرسوده شهری از اولویت و ضرورت بسیار بالایی برخوردار خواهد بود.

حال بایستی توجه داشت که توان درآمدی عموم ساکنان و مالکان بافت‌های فرسوده شهری کشور پائین است، و به همین خاطر نتوانسته اند نسبت به نوسازی و یا مقاوم سازی واحدهای تحت مالکیت خود بپردازند.



**مقدمه:** هسته اولیه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران در سال

۱۳۶۴ با تاسیس دفتر بهسازی بافت شهری در حوزه معاونت شهرسازی و معماری

وزارت مسکن و شهرسازی سابق شکل گرفت. بعدها و به منظور پیش‌نگری، پیش‌گیری و

درمان مسائل مورد اشاره و با رسالت تجدید حیات شهری و نیل به شهر پایدار و مشارکتی،

سازمان عمران و بهسازی شهری ایران با استناد به مصوبه هیئت وزیران از خرداد ۱۳۷۶

فعالیت رسمی خود را در قالب یک شرکت وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی آغاز نمود.

در تیرماه سال ۱۳۸۳ با استناد مصوبه هیئت وزیران و تأیید شورای نگهبان، اساسنامه

شرکت به عنوان شرکت مادر تخصصی تغییر کرد.

به منظور پیش‌برداشت‌ها و راهبردهای شرکت مادر در استان‌ها، ادارات کل راه و شهرسازی

استان‌ها (ادارات بازآفرینی شهری) زیر نظر مستقیم مدیر کل مصوب گردیده و در شرح

وظایف مدیران کل و رؤسای ادارات راه و شهرسازی شهرستان‌ها، مأموریت‌های شرکت

عمران و بهسازی شهری ایران لحاظ شده است. حال با توجه به اهمیت نوسازی و بهسازی

بافت‌های فرسوده، گفت و گویی انجام دادیم با آقای مهندس امیر عباس افتخاری، معاون

فنی و نظارت شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، و رویکرد و مسئولیت و

اهداف شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران را از ایشان جویا شدیم.

## ❖ به طور کلی بافت‌های فرسوده با چه

مسائلی در شهرهای ما مواجه است؟

امروزه بافت‌های فرسوده شهری، با دو پدیده متضاد در شهرهای مختلف مواجه هستند.

پدیده اول: حاکی از نامطلوب بودن کیفیت محیط زندگی شهری و سرانه‌های شهری است.

پدیده دوم: که قریب به ۹۰ درصد سطح بافت‌های فرسوده شهری را شامل می‌شود حاکی از بهره

وری بسیار پائین زمین شهری و به بیان دیگر هدر رفت بسیار بالای آن است. زمین شهری،

کالائی گران، کمیاب و تجدید نشدنی است که امکان وارد کردن آن هم وجود ندارد. در یک کلام

می‌توان گفت از نگاه بهره‌وری ملی این موضوع، یک فاجعه پنهان و مانع توسعه یافتگی کشور

و باعث گسترش غیر منطقی و بی‌رویه شهرها است.

خلاصه آنکه بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری سرمایه‌گذاری بسیار بالائی را

طلب می‌کند. بدیهی است که این کار بزرگ و این سرمایه‌گذاری عظیم، از توان دولت و شهرداریها

به تنهایی خارج بوده و چاره‌ای جز مدد گرفتن از توان و مشارکت بخش غیر دولتی و همچنین

تدوین و تصویب قوانین ویژه برای حل مسئله باقی نمی‌ماند. امر بهسازی و نوسازی، محلات متعدد

ناکارآمد (فرسوده) نیازمند اهتمام جدی و برپایی «نیض نوسازی» است که در این میان، روحیه

خستگی‌ناپذیر و عزم‌واراده ملی را می‌طلبد. اعراف نیست اگر از نوسازی بافت‌های فرسوده

بعنوان پیچیده‌ترین مدیریت‌های شهری یاد کنیم.

## ❖ حال با توجه به مواردی که فرمودید

تعریف و مفهوم بافت‌های ناکارآمد (فرسوده) چیست؟

به‌طور کلی کاهش کارایی هر پدیده‌ای، فرسودگی آن را در پی دارد. هنگامی که در محدوده‌ای از شهر، حیات آن به هر علتی رو به

رکود می‌رود، بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار خواهد گرفت.

اینگونه بافت‌ها در مواقع بروز بلایای طبیعی و غیر طبیعی، امکان خدمات رسانی به آنها کمتر بوده و

مشخصه‌های این بافت‌ها، تأثیرات مخرب این نوع بلایا را چندین برابر می‌کنند. همچنین به دلیل

فقر ساکنین و مالکین آنها، امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و سرمایه‌گذاران نیز انگیزه‌ای

برای سرمایه‌گذاری در آن ندارند. از طرفی بانزول ارزش‌های سکونتی، میل به مهاجرت و به تبع آن

جایگزینی اقشار فرودست جامعه، فزونی یافته که این خود، تغییر بافت اجتماعی را در پی دارد.

وسعت عظیم بافت‌های ناکارآمد، با معضلات و پیچیدگی‌های فراوان و نیز مواجهه با روند رو

به افزایش آن، به مهم‌ترین چالش‌تسهرها

تبدیل شده است. بنابراین تأکید بر توقف روند فرسودگی قبل از هر اقدام دلبگر در شهر ضرورت دارد.

❖ شما اساسی‌ترین موضوعی پیش روی نوسازی بافت‌های ناکارآمد شهری را در چه مواردی می‌دانید؟

اساسی‌ترین موضوعی که پیش روی نوسازی بافت‌های ناکارآمد است، فقدان یک الگوی

برنامه راهدردی و نظام مدیریت اجرایی طرح‌های نوسازی است. که امید است با توجه

ویژه مدیران شهری به سند ملی و برپایی موثر جنسات ستاده‌های استانی و شهرستانی، این نظام

مدیریت و هم‌افزایی بیش از پیش شکل گیرد.

❖ شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران چه رویکرد و

ماموریت‌هایی در خصوص بافت‌های فرسوده شهری بر عهده دارد؟

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۱۱ بر اساس مصوبه مورخ

۱۳۸۴/۳/۱۶ خود سه شاخص ریزدانی، ناپایداری و نفوذناپذیری را جهت شناسایی بافت

فرسوده مورد تصویب فرار داد که به دنبال تصویب «شاخص‌های شناسایی بافت فرسوده» در

شورای عالی، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران را سا اقدام به شناسایی

۷۶۳۵۴ هکتار بافت فرسوده در ۴۹۵ شهر کشور نمود و محدوده آنها را برای اقدامات بعدی به

تصویب کمیسیون ماده ۵ استان‌های مربوط رساند. از طرف دیگر، طبق مطالعات مشاوران

طرح در حوزه سکونتگاه‌های غیر رسمی نیز به میزان ۴۸ هزار هکتار سکونتگاه غیر رسمی در

۹۱ شهر کشور شناسایی گردید که مناسقاته بر طبق آمار قریب به ۲۰ میلیون نفر جمعیت، یعنی

بسیار و پنج درصد مردم کشور در همین مناطق ساکنند و این آمار رو به افزایش، نگاه و نگرش

جدی به پیشگیری و احیاء را می‌طلبد.

به دنبال تعیین و تصویب شاخص‌های شناسایی بافت فرسوده و ناکارآمد، شرکت مادر تخصصی

عمران و بهسازی شهری ایران در نقش منولی سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و مدیریت اجرایی

طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و ناکارآمد شهری، اقدام به انجام مطالعات جهت

رویکرد بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و تهیه طرح‌های متعددی نمود.

هدف از تهیه این طرح‌ها یکپارچه سازی نظام بازآفرینی شهری در سطح منطقه‌ای و در نهایت،

ملی است.

انواع مداخله در بافت‌های ناکارآمد:

انواع مداخله بر اساس میزان وفاداری به گذشته در سه گروه بهسازی، نوسازی، بازسازی قرار می‌گیرند که این سه نوع مداخله هر یک

طیف گسترده‌ای از اقدامات را بر حسب نیاز شامل می‌شوند.

الف - بهسازی (Improvement)

در این نوع مداخله اصل بر وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش در آنهاست.

دخالت در این بافت مستلزم رعایت ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی می‌باشد.

ب - نوسازی (Renovation)

در این نوع مداخله حد وفاداری به گذشته از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار است و بر حسب

مسور د از مداخله اندک تا تغییر را می‌تواند شامل گردد. فعالیت نوسازی با هدف افزایش کارایی

و بهره‌وری، بازگرداندن حیات شهری به بافت می‌باشد

ج بازسازی (Reconstruction)

در این نوع مداخله نه تنها هیچ الزامی برای حفظ گذشته وجود ندارد بلکه با هدف ایجاد

شرایط جدید زیستی و کالبدی - فضایی و از طریق تخریب (Demolition)، پاکسازی (Clearance)، دوباره سازی (Rebuliding)، صورت می‌پذیرد.

مراجع داخلی مداخله:

سه مرجع اصلی مداخله در بافت‌ها در قدیم عبارتند از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، شرکت

عمران و بهسازی شهری و شهرداری‌ها که هر یک در چارچوب اختیارات قانونی خود و با استناد

به مستندات قانونی در بافت‌ها دخالت می‌کنند. شرکت عمران و بهسازی شهری به عنوان شرکت

مادر تخصصی بیشترین نقش و مسئولیت برای دخالت در بافت‌ها را به عهده دارد. اقدامات ویژه

حوزه معاونت فنی و اجرایی شرکت عمران و بهسازی شهری ایران در رویکرد جدید این شرکت،

با اسبب شناسی اقدامات ادوار قبلی بر اساس اسناد بالادستی و تغییر از رویکرد مداخله یکجابه و

مستقیم دولت به سوی احترام گذاشتن به حقوق شهروندی و افزایش مشارکت جدی ساکنین و

نگرش سازمان اجتماعی در حوزه مطالعه و تهیه طرح‌های بهسازی و نوسازی و نیز امور اجرایی و

نظارتی، در راستای تحقق مفاد سند ملی بازآفرینی وارد عمل گردید بر شمرد.

به امید خدا در شماره‌های آتی نشریه وزین شمس، به بررسی چگونگی عملیاتی شدن «نظام

مدیریت اجرایی طرح‌های نوسازی» بر اساس مفاد سند ملی و ابزارهای قانونی بسیار مناسب

ستادهای ملی - استانی و شهرستانی خواهیم پرداخت و همچنین ندایبر لارم جهت افزایش کیفیت ساخت و ساز و تاب آور نمودن محدوده‌ها

و محلات هدف بازآفرینی شهری، با استفاده از ظرفیت تمامی نقش آفرینان اصلی این مهم، نظیر سازمان نظام مهندسی را به یونه تقد خواهیم سپرد.

مهندس علیرضا ابلقی:

## باز آفرینی شهری فرصتی برای احقاق حقوق شهروندی است

**مقدمه:** امروزه در حوزه بحث‌های نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده واژه باز آفرینی مطرح شده است. واژه باز آفرینی شهری معانی متفاوتی را در ذهن افراد مختلف متبادر می‌سازد و در عمل می‌تواند در طیفی از فعالیت‌های بزرگ مقیاس و برای ارتقای رشد اقتصادی تا مداخلات در حد محله‌ها و واحدهای همسایگی به منظور ارتقای کیفیت زندگی بگنجد. باز آفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد. به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد. با توجه به مطرح شدن این واژه و نیز اهمیت سکونتگاه‌های کم بر خور دار شهری، به گفت و گویی با جناب آقای مهندس علیرضا ابلقی، معاون سابق دفتر ساماندهی و توسعه نوسازی و بافت‌های فرسوده شرکت عمران و بهسازی شهری ایران داشتیم که ادامه تقدیم می‌شود.

بافت‌های تاریخی، سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشین هم شامل محدوده‌های هدف شرکت عمران بهسازی شهری می‌شود و سکونتگاه‌هایی هستند که حاصل شکل‌گیری از مهاجرت روستاییان و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و متروپول بوده است چرا که افراد به دنبال اشتغال و برخورداری از معاش مناسب و تأمین سرپناه به شهرها مهاجرت می‌کردند. در این شکل از مهاجرت در ابتدا سرپرست خانواده و پس از آن اعضای خانواده مهاجرت می‌کردند و به دلیل اینکه توان مالی کافی برای تأمین مسکن در بافت رسمی نداشتند، به شکل غیررسمی و حتی تصرف‌های عدوانی (قولنامه‌ای) و بدون هیچ نظارتی، ساخت و ساز کرده‌اند. همچنین به دلیل وضعیت نابسامان معیشت، ساخت و سازها به این شکل بوده که در ابتدا به ساخت یک اتاق بسنده می‌کردند و به تدریج آن را گسترش می‌دادند. این روش هنوز هم در بسیاری از کلانشهرهای ما مانند تهران، مشهد، اصفهان، شیراز وجود دارد و متأسفانه در این شهرها ما با وسعت زیادی از سکونتگاه‌های غیررسمی روبرو هستیم.

❖ **گاه دولت‌ها در کشور ما به سکونتگاه‌های کم بر خور دار و یا غیر بر خور دار چگونه بوده است؟**  
متأسفانه دولت‌ها نیز به دلیل اینکه زمانی این سکونتگاه‌های کم بر خور دار و در بعضی مواقع غیر بر خور دار از خدمات، تأسیسات و زیرساخت‌های شهری خارج از محدوده شهر و یا در لبه و حاشیه شهر بودند توجه چندانی به آن‌ها نمی‌کردند و به نوعی آن‌ها را مانند فرزندان



لایه‌های میانی شهرها شکل گرفته‌اند و عمدتاً مربوط به زمانی است که هیچ نظارت مهندسی و ساختمانی وجود نداشته و همچنین در مقابل بافت فرسوده، بافت‌های تاریخی قرار دارند که ارزشمند بوده و در هسته اولیه شهرها شکل گرفته‌اند.

بر اساس آخرین آمارها، محدوده‌های هدف شرکت عمران و بهسازی در بخش بافت‌های فرسوده حدود ۷۶ هزار هکتار را شامل شده است. به غیر از بافت‌های لایه‌های میانی و

❖ **لطفاً بفرمایید با توجه به تجربه و فعالیت چندین ساله شما در شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، محدوده‌های هدف شرکت عمران و بهسازی شهری شامل چه بخش‌هایی است؟**

در ابتدا باید یادآوری کنم که شرکت عمران و بهسازی تمایلی برای به کار بردن واژه «بافت فرسوده» ندارد و این واژه را اینگونه معنا می‌کند: بافت‌های فرسوده، بافت‌هایی هستند که در

ناخواسته‌ای می‌دیدند که اگر بپذیرند به گسترش آن کمک خواهند کرد. خوشبختانه در سال ۸۲ دولت وقت توجه ویژه‌ای به این موضوع نشان داد و سندی تحت عنوان سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی به تصویب هیأت محترم دولت رسیده و به دنبال آن نهادی در مقیاس ملی تحت عنوان ستاد ملی توانمندسازی با حضور ۳ معاون رئیس‌جمهور و یازده وزیر شکل رفت که ایران در این زمینه اولین سنند را در خاورمیانه و ششمین کشوری در جهان بود که چنین سندی را تولید کرده است.

در واقع این اتفاق نشان‌دهنده توجه دولت به وضعیت سکونت و زندگی شهیدستان جامعه است که در حال حاضر برای ما جای بسی افتخار دارد و در ادامه راه نیز شرکت عمران بهسازی شهری به این موضوع توجه کرد که محدوده‌هایی که هدف بهسازی و نوسازی هستند مورد توجه ویژه دولت نیز قرار بگیرد. در ضمن باید این را نیز یادآوری کرد که تنها سکونتگاه‌های غیررسمی مورد توجه نیست، بلکه بافت‌های تاریخی که همان‌جزه هسته‌های اولیه شهرهای ما هستند نیز نیاز به این توجه دارند و با آنکه کم‌برخوردار از خدمات، تأسیسات و زیرساخت‌های شهری هستند اما ساکنین تهیدست را در خود جای داده‌اند. گذشته از آن بافت‌های شکل گرفته در لایه‌های میانی شهرها که بیش از این از آنها به عنوان بافت فرسوده یاد می‌کردیم نیز یکی از محدوده‌های هدف است و برای اینکه توجه ویژه‌ای به آنها شود همه این محدوده‌های هدف را موضوع بازآفرینی شهری دانستند.

#### ❖ در نگاه باز آفرینی شهری، محدوده‌های

هدف و ساکنین آن‌ها چه جایگاهی دارند؟

خوشبختانه با توجه ویژه‌ای که جناب آقای دکتر آخوندی وزیر محترم راه و شهرسازی در آغاز فعالیت خود و در جلسه معارفه آقای دکتر ایزدی در شرکت عمران بهسازی شهری از واژه «باز آفرینی شهری» یاد کردند و رویکرد باز آفرینی شهری را برای کل شهرهای ایران رویکرده مناسبی دانستند. باید گفت که در نگاه باز آفرینی شهری، از محدوده‌های هدف و ساکنین آنها به عنوان تهدید یاد نمی‌شود بلکه آن را به عنوان فرصتی مهم می‌داند و سند ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی تبدیل به سند ملی باز آفرینی شهری با رویکرد تأمین حقوق شهروندی و ارتقاء وضعیت ساکنین محدوده‌های هدف شده که به ساماندی این محدوده‌ها می‌پردازد و هر کدام را در کلیت خود مورد مطالعه قرار می‌دهد که در حال حاضر شرح خدمات در حال گذر از دوره‌ای است که به شرح خدمات ویژه‌ای تحت عنوان شرح خدمات باز آفرینی شهری است تبدیل می‌شود

و به شکل کلی باید گفت که باز آفرینی شهری فرصتی برای احقاق حقوق شهروندی است.

#### ❖ آیا بر ساخت و ساز سکونتگاه‌های

غیررسمی نظارتی صورت می‌گیرد؟

متأسفانه در حال حاضر شهرداری‌ها در بسیاری از شهرهای کشور نظارت نظام مهندسی و دابن جواز ساختمانی را منوط به داشتن سند مالکیت می‌دانند. بنابراین بخش‌های زیادی از محدوده قانونی شهرها که فاقد سند مالکیت هستند از زیر چتر نظارت خارج می‌شوند و نه شهرداری، نه نظام مهندسی و نه هیچ‌ارگان دیگری بر ساخت و ساز آنها نظارت ندارد. البته در بعضی از سکونتگاه‌های غیررسمی، ساکنین با اثبات مالکیت خود توانستند سند مالکیت را از آن خود کنند و یا

از نظر اندازه قطعه، فرم کاربری محدوده‌ها و بر خور داری از خدمات و زیر ساخت‌ها و یا اگر به مسائل اجتماعی توجه کنید از نظر آسیب‌های اجتماعی و امنیت، نیز محدوده‌هایی در خور توجه هستند.

البته خوشبختانه در سند ملی باز آفرینی شهری همه اینها به عنوان محدوده هدف مورد توجه قرار می‌گیرند. اکنون اگر روی بحث نظارت متمرکز شویم باید تمهیداتی بیندیشیم که اینها بتوانند در چارچوب نظارت قرار گیرند و نظام مهندسی و شهرداری‌ها فقط به داشتن سند مالکیت نگاه نکنند. باید سازمان نظام مهندسی و شهرداری‌ها حتی روی قولنامه کاغذی هم جواز دهند.

در حال حاضر خارج از محدوده قانونی، بسیاری از زمین‌ها تصرف عدوانی می‌شود، یعنی زمین‌هایی



که مربوط به اوقاف و یا در اختیار منابع طبیعی است، اراضی مجهول‌المالک هستند و کاربری‌های خدماتی شهری که در داخل یا حریم شهر واقع شده‌اند در واقع عرصه ساخت و ساز غیرقانونی قرار می‌گیرند و محصولش همین نابسامانی‌هایی است که چهره کالبدی بسیار نازیبا و کم‌برخوردار از خدمات و تأسیسات و دارای مشکلات و مسائل عدیده‌ای را بوجود می‌آورند که اگر مسأله روز مدیران شهری مانباشند معضل فردای آنها خواهند بود.

#### ❖ شما تا چه اندازه نقش آموزش

را در کنترل سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر گذار می‌دانید؟

در مورد سکونتگاه‌های غیررسمی نکته اول این است که اگر نظام مهندسی بخواهد کنترلی را اعمال کند،

گروهی که در محدوده روستاها قرار گرفته‌اند با کمک بنیاد مسکن دارای سند رسمی شدند. اما داشتن سند مالکیت تنها اثبات حقوق مالکیت آنها را در پی دارد و به ارتقاء وضعیت سکونت منجر نمی‌شود. در واقع وجود سند مالکیت منجر به نوسازی‌های بعدی که با مجوز و نظارت سازمان نظام مهندسی باشد شده و بخش‌هایی که خارج از محدوده قانونی بوده و آنهایی که داخل محدوده قانونی بودند و سند مالکیت نداشتند و حتی بخش‌هایی که خارج از محدوده قانونی بودند ولی متصل به شهر نبودند، وضعیتی به مراتب بدتری نسبت به بخش‌هایی دارند که در نوسازی‌ها نظارت نیم‌بندی بر آنها اعمال شده است. مناطقی که به شکل منفصل و خارج از محدوده قانونی شهرها هستند حقیقتاً دارای وضعیت بحرانی هستند و



در درجه اول مالکین باید بیازینند که این کنترل به نفع آنهاست که در این جاموضوع آموزش مطرح می شود. یکی از کارهایی که در حیطه مطالعات توانمندسازی و ساماندهی این سکونتگاهها باید انجام شود که قطعاً در شرح خدمات مطالعات مشاورین شهرسازی که این سکونتگاهها را برای ساماندهی مطالعه می کنند و بایستی گنجانده شود این است که ساکنین آموزش داده شود تا توانایی شناخت ساختمان مقاوم و ایمن را داشته باشند و به ارزش داشتن بنایی مقاوم در برابر حوادث پی ببرند.

همچنین نکته دوم این که ساکنین اینگونه از سکونتگاهها توانایی پرداخت هزینه یک بار اضافی دیگر را ندارند و در اینجا باید سوبسیت داده شود. البته این منابع از کجا می آید را من نمی دانم.

آموزشی و هم نظارت فنی را داشته باشند. در واقع اینها حداقلهایی است که در نظام مهندسی کشور می توان انجام داد. حال به دلیل آنکه اینها محدوده های هدف شرکت عمران و بهسازی شهری هستند لذا باید یک ارتباط تعریف شده و سازمان یافته میان سازمان نظام مهندسی ساختمان با شرکت عمران بهسازی شهری وجود داشته باشد.

البته حقوق شهروندی اگر تبدیل به خواست اجتماعی نشود نمی تواند از سوی روشنفکران و متخصصین به مردم تحمیل شود.

بنابر این آموزش در این زمینه بسیار مهم است تا توجه به ساختمان های ایمن تبدیل به تقاضای اجتماعی شود و خود مردم بگویند ما می خواهیم خانه استاندارد و ایمن داشته باشیم.



امامی شود از محل افزایش هزینه هایی به قسمت های رسمی شهر به خصوص قسمت هایی از شهر که مخصوص افراد توانمندتر است این هزینه ها را تامین کرد. که در این صورت هیچ هزینه اضافی به قیمت مسکن در سراسر کشور تحمیل نخواهد شد. همچنین سازمان نظام مهندسی باید از مهندسی جوان تر که هنوز پروانه اشتغالشان به کار گرفته نشده است استفاده کند، مانند گذراندن دوره طرح پزسکان، یا حتی می توان برخی از سربازی مهندسان را به این امر اختصاص داد. مثلاً فارغ التحصیلان رشته ی مهندسی عمران، سازه به جای گذراندن دوران سربازی به این مناطق فرستاده شوند و تحت نظارت سازمان نظام مهندسی ساختمان بر ساخت و سازها کنترل کنند تا هم جنبه های

• اکسون که طرح های بازار آفرینی از سوی شرکت های مهندسی مشاور در حال تهیه است، به نظر شما این شرکت ها تا چه اندازه صلاحیت تهیه اینگونه طرح ها را دارند؟

بخشی از موضوع برمی گردد به این که صلاحیت مهندسی مشاور چگونه تأیید می شود؟ چگونه گرد و مجوز فعالیت می گیرند؟ و اینکه تا چه میزان روی این موضوع نظارت وجود دارد و تحقیق و تفحص می شود مادر بررسی هایی که انجام دادیم برای آرجاع کار به مهندسی در شرکت عمران بهسازی شهری متوجه شرکت هایی شدیم که اصلاً وجود خارجی ندارند یعنی تحت عنوان یک نام تأیید صلاحیت گرفتند. لذا در اینجا

آخذ صلاحیت نهادهای صنفی در حوزه معماری شهرسازی هم نیاز به بازبینی و بازنگری دارد. این خود موضوع بحث مفصلی است که البته به سازمان نظام مهندسی هم ارتباط پیدا می کند. اما در درجه اول به وزارت راه و شهرسازی مربوط است. اما نکته ای که از نظرها پنهان مانده این است که واقعاً حق الزحمه شرکت های مهندسی مشاور نسبت به لشل جهانی بسیار پایین است و همین پایین بودن حق الزحمه مهندسی مشاور بر روی روی کیفیت طرح ها اثر گذار است و طبیعی خواهد که کیفیت این طرح ها نمی توان کارایی لازم را داشته باشد و بسیاری از این طرح ها کتابخانه ای و آرشیوی باقی خواهند ماند و کاربرد نمی شوند. اما در شرکت عمران بهسازی شهری یک رویکرد و نگاه دیگری حاکم است. در اینجا تلاش می شود که شرح خدماتی تدوین شود که از کارایی و قوت لازم برای پاسخگویی به نیازهای محدوده های هدف برخوردار باشد.

همچنین اولین بار در شرکت عمران بهسازی شهری، رویکردی اجتماعی به طرح های موضعی که بخشی از طرح های توسعه شهری هستند مطرح شد. در شرح خدمات طرح های ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی، جنبه های اجتماعی و اقتصادی، به ویژه اجتماعی بسیار قویتر از جنبه های کاربری است. آنجا با مطرح شدن رویکرد توانمندسازی گفت و گو با مردم، آموزش مردم، نهادسازی در جماعات ساکن و ظرفیت سازی در مدیریت شهری از موضوعاتی است که هدف قرار گرفته است.

حال خوشبختانه با وجود نو بودن شرح خدمات بهسازی نویسی و توانمندسازی محدوده های هدف، موضوع آموزش برای مشاورین مطرح شده است. لذا مهندسی مشاور می که انتخاب می شوند باید توانایی آنها برای شرکت به اثبات برسد. مثلاً در مورد شرکت مهندسی مشاور معرفی شده تحقیق لازم صورت می گیرد و بعد از تحقیقات لازم باید دوره آموزشی نیز طی کنند و در حد مقدمات سعی می شود تا حق الزحمه مناسب باشد. همچنین شرکت عمران بهسازی شهری به نیروهای موجود خود بستنده نکرد بلکه عامل چهارمی را استخدام کرده که آموزش مشاورین، تدوین شرح خدمات، کنترل مرحله و قطعی مطالعاتی که مشاوران ارائه می دهند و حتی بازدید میدانی از کارهای آنها و نهایتاً تحویل گرفتن محصول کار و تحویل دادن به کارفرما را برعهده دارند. خوشبختانه اینها نگاه جدید و گام های جدیدی است که برداشته شده است و بسیار جای امیدواری خواهد بود تا به طرح های توسعه شهری تسری پیدا کند.

مهندس سید مهدی میرفندرسکی:

## مسئله حاشیه نشینی بی هویتی است

**مقدمه:** حاشیه نشینی دارای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری دارد. حاشیه نشینی اکنون به یک مسأله اجتماعی بسیار مهم ایران تبدیل شده است. بنا به آمارهای رسمی اسکان بشر سازمان ملل اکنون حدود یک میلیارد از جمعیت شهری جهان در مناطق حاشیه نشینی می‌کنند. در گزارش چالش‌های آلودگی نشینی در سال ۲۰۰۳ آمده است حداقل ۲۵ درصد سکونتگاه‌های جهان به عنوان آلودگی طبقه بندی می‌شوند. حال با توجه به مسائل و مشکلات حاشیه نشینی گفت و گویی داشتیم با جناب آقای مهندس سید مهدی میرفندرسکی، عضو گروه تخصصی شهرسازی شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان و در خصوص این پدیده و راه حل‌های آن را جویا شدیم.

نمی‌بینیم و در واقع بعضی افراد به خاطر شأن و منزلت خود، ندگی خویش را در روال حاشیه نشینی شکل نمی‌دهند.

بنابراین اولین کاری که مادر مطالعات تحت عنوان راهبردی ساماندهی حاشیه شهر مشهد انجام دادیم این بود که این پارادوکس را معرفی کردیم و ریشه‌های آن را بدست آوردیم.

❖ در اینجا پارادوکس حاشیه نشینی به چه معنایی است؟

پارادوکس به این معنا که شما با یک مقوله توسعه‌ای بی‌رویه غیر مجاز و غیر قانونی روبرو هستید که اگر آنها را در محدوده خویش بیاورید به آنها خدمات بدهید به نوعی حاشیه نشینی را تشدید کرده‌اید. از سوی دیگر حاشیه نشینان انتظار تو توقعاتی دارند که ما باید پاسخگوی آنها باشیم.

بنابراین رویکرد و فرآیند برنامه‌ریزی توسعه با رویکرد برنامه‌ریزی ساماندهی حاشیه شهر تفاوت دارد.

❖ شمار و بگرد کنونی طرح‌های جامع و تفصیلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رویکردی که در طرح‌های جامع و تفصیلی وجود دارد بیشتر توسعه‌ای و آمایشی است. در واقع یک برنامه ریزی خطی است که اهداف را تعریف کرده و وضع موجود را ارزیابی می‌کنند و در نهایت برای اجرا به حوزه‌های مختلف برده می‌شود و بار مالی آن هم به گردن شهرداری‌ها است. متأسفانه به همین دلیل اگر یکی از این رویکردها انجام شود دیگری انجام نمی‌شود. حال اکثر طرح‌های ما به دلیل نبودن استراتژی درست یا نداشتن منابع مالی و یا عدم توجه به وضع موجود همیشه نیمه تمام است.

همچنین رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی که حدوداً از سال‌های ۷۵ یا ۸۰ بر اساس توصیه‌های سازمان جهانی متریولی توسعه پیدا کرد متأسفانه در دامن وزارت مسکن و شهرسازی رفته و تبدیل به برنامه‌ریزی راهبردی ساختاری که نه قابل اجراست و نه قابل توسعه تبدیل شده است. آن چیزی که در برنامه‌ریزی راهبردی در حال حاضر وجود دارد، برگرفته از مدیریت استراتژی است که در بخش صنعت بوده و فردی این را به برنامه‌ریزی راهبردی برای ساماندهی و توسعه از منظر آسیب شناسی و از منظر ارائه راهکار و اجرا تبدیل کرده است. مادر برنامه‌ریزی راهبردی، هم به برنامه‌های بلند مدت و هم برنامه‌های کوتاه مدت نیاز داریم. بنابراین به جای اینکه فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی خطی باشد دایره‌ای و حلزونی است. یعنی خود در آن واحد ضمن تعریف راهبردی باید به اجرا برسد. خیلی از طرح‌های ما عملاً از نظر آسیب شناسی به این نمی‌رسد چون شرایط جوری نیست که برای اوضاع بهتر بتوان صبر کرد. در فرآیند مطالعات راهبردی نگاه آسیب شناسانه این بود که اول ریشه‌یابی کنیم که حاشیه نشینی از کجا شکل گرفته است و مؤلفه‌های ایجاد حاشیه نشینی چیست؟ همه در



❖ با توجه به اینکه یکی از مشکلات امروزی شهرها، مسئله حاشیه نشینی است، شما ساماندهی آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ساماندهی حاشیه شهر و حاشیه نشینی یک مقوله آسیب شناسانه است و با سکونتگاه‌های غیر رسمی تفاوت دارد. ما باید تلاش کنیم به تدریج از واژه حاشیه نشین استفاده نکنیم چرا که ساکنین این مناطق از جنس ما هستند و مالیات داده و حق ریشه دارند. بنابراین نباید رویکرد ما نسبت به حاشیه نشینی همراه با رویکرد طرح‌های جامع و توسعه باشد، زیرا شأن حاشیه نشینی با مسئله توسعه یکی نیست. در واقع در حاشیه نشینی ما به دنبال پیدا کردن راه حلی برای معضلات اقتصادی و به ویژه مسائل مدیریتی هستیم. در مطالعات بررسی‌هایی که انجام گرفته باید دانست که پیش از آنکه مسئله‌ای کالبدی و توسعه‌ای باشد، مسئله حاشیه نشینی بی هویتی است. در واقع حاشیه نشینان مورد قبول دستگاه حاکم نیستند و کسی آن‌ها را به بازی نگرفته و مناسبانه مورد سیما و مخاطب دولت قرار ندارند. در حاشیه نشینی ما شاهد مسائل مختلفی مانند بد مسکنی و زاغه نشینی هستیم که جزء عارضه‌های فیزیکی قابل لمس در حاشیه نشینی است. حاشیه نشینی دارای یک لایه زیرین نیز است که ما آن

ابتدا فکر می کردند که حاشیه نشینی محصول مهاجرت است و این تفکر کاملاً صحیح بود. در واقع عدم تعادل، نابرابری، شرایط خدمات و توسعه و همچنین مسائل اقتصادی سبب شد تا طی چندین سال گذشته یعنی از سال ۵۵ که طرح های جامع و تفصیلی مابین وجود آمد و عوامل شهرنشینی را ایجاد کرد، میزان ضریب شهرنشینی مابین روستا نشینی بالا رفت که در پی آن شاهد هجوم مهاجرین روستا نشین به مرکز شهرها بودیم.

آیا می توان جلوی مهاجرت روستائیان به مراکز شهری را گرفت؟

نه خیر، باید گفت که هیچ کس و در هیچ کجای دنیای نمی تواند این 'دعا' داشته باشد که توانسته 'ایم جلوی مهاجرت روستائیان به مراکز شهری را بگیریم. اما روند این مهاجرت از سالهای ۵۵ به بعد یک روند یکنواختی و منظم بوده است یعنی روستاها به شهرهای کوچک، شهرهای کوچک به شهرهای متوسط و شهرهای متوسط به شهرهای بزرگ تبدیل شده اند و این مهاجرین وارد هر شهری که می شدند اصولاً هدفها و هزینه های خاص خود را داشتند. مادر بررسی های خود متوجه شناسایی گروه های هدف نیز شدیم. این گروه های هدف که دارای ریشه روستایی هستند زمانیکه وارد شهر و حاشیه شهر می شوند کنش های خود را از دست می دهند و تبدیل می شوند به نهادهایی که از لحاظ ارزشی اصلاً قابل مقایسه با جایگاه قبلی خویش نیستند. برای مثال در مطالعاتی که اطراف شهر مشهد داشتیم معلومی را مشاهده کردیم که از نخبندان به مشهد آمده بود و مواد مخدر می فروخت که حقیقتاً جز مشکلات این گروه است یا در این مناطق حاشیه ای خانه هایی ساخته شده که وقتی بولدوزر آنها را تخریب می کند در ابتدا آن خانه حدود پنج متر راه رفته و بعد تخریب می شود. این مسائل مشخص می کند که جایگاه مطالعات حاشیه نشینی در یک پهنه بسیار گسترده است که هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ استراتژی باید به آن توجه کنیم.

حالا با توجه به حساس بودن مسئله حاشیه نشینی، به نظر شما برای داشتن نگاهی آسیب شناسانه در این موضوع چه راهکاری وجود دارد؟

مهم ترین بحث این است که برای نگاه آسیب شناسانه در بحث حاشیه نشینی، ابتدا باید یک الگوی ساماندهی تعریف کنیم. ساماندهی هم به معنای ارتقای وضعیت درآمدی، اجتماعی و هم به معنای توسعه است. آن چیزی که حاشیه نشینی می خوانند این است که ما آنها را به رسمیت بشناسیم. بنابراین موضوع در اینجا مدیریتی است. از نظر فیزیکی به مکانی حاشیه گفته می شود که خارج از محدوده خدماتی شهر (محدوده قانونی) قرار بگیرند که در طرح های جامع به صورت مناطق توسعه آینده پیش بینی می شوند که با رشد تدریجی شهر و بر حسب دوره های مختلف وارد محدوده شهر می شوند. تکلیف این لایه مشخص است و بر اساس طرح مصوب حسنه های روستایی آنها بارشد نرخ منظمی به تدریج وارد محدوده می شوند و شهرداری موظف است خدمات لازم را به آنها بدهد. اما متأسفانه بسیاری از آنها دارای رشد جمعیت بسیار بالایی هستند و کنترل زمین و اراضی کشاورزی اطراف آنها بسیار مشکل است. امروزه طرح هایی تحت عنوان طرح یکپارچه کردن زمین ها و اراضی و ایجاد یک نوع مدیریت خود کفا که به عنوان محلات خودباری یا شوراهای محلی خود کفا که از توصیه های بانک جهانی است داده شده است. آینه نهادهای غیر دولتی و مشارکتی وجود دارد که به وسیله خود مردم هزینه ها و عوارض آن پرداخت می شود ولی شهرداری خدماتی در پایین ترین حد استانداردها می دهد که مسلمان این نوع خدمات خدماتی در سطح بالای شهر نخواهد بود.

مثال دیگر در لایه بعدی خواهد که این منطقه بعد از محدوده خدماتی تا محدوده حریم شهر توسعه پیدا می کند. هر چه به شهر نزدیک تر می شویم جایگاه حلقه دوم خطرناک تر است. اکثر این مراکز جمعیتی از نظر اجتماعی ناهنجار پهنای بسیار بالا و متمرکز دارند و عملاً از خدمات داخل شهرها

استفاده می کنند و دولت هیچگونه مدیریتی برای آنها ندارد و اینها هسته های جمعیتی هستند که در مرکز آمار حتی دارای کد هم نیستند. در واقع اینها مالکیتی بودند که زمین ها را قطعه قطعه کردند و یک نوع شهرک ها و مراکز جمعیتی بوجود آوردند که این شهرک ها دارای رشد بالایی مانند نرخ رشد جمعیت ۲۵ درصد تا ۳۰ درصد هستند.

برای ساماندهی این لایه دوم چه راهی وجود دارد؟ آیا پس از لایه دوم بخش سوم نیز وجود دارد؟

بر اساس نگاه آسیب شناسانه برای ساماندهی لایه دوم، یکی از راهکارها ایجاد کمربند است. در کلانشهرها ایجاد کمربند سبز نه تنها به منظور کنترل مسائل زیست محیطی و فیزیکی طرح جامع، بلکه مهم ترین نقش جلوگیری از توسعه و روند قشر دوم یا حاشیه است. مهم ترین نقش آن است که بخشی از خدماتی که در داخل طرح جامع، زمین بر خواهد بود و ما زمین کافی برای آنها نداریم. این خدمات را به حاشیه انتقال دهیم؛ مانند: انبارها، پارکها، پارکها، زمینها و...

همچنین در ادامه باید از لایه سوم نیز یاد کنیم. بخش سوم بعد از کمربند سبز تا حریم محدوده شهرها قرار گرفته که این لایه بخشی روستایی است که بسیار پر جمعیت است. در اینجا باید چند روستایی را که زمینه ایجاد شهرهای وابسته و کوچک را دارند انتخاب کنند. یعنی ایجاد شهرداری های خود کفا یک مقوله ای است که در نظام تعریف قانون ماده ۲ تقسیمات کشوری هم دیده شده است.

به طور کلی با توجه به اهمیت لایه و بخش سوم مناسفانه در طرح های جامع و منصفه ای به خصوص در مطالعات مجموعه شهرهای ماعلاً به این لایه تیر داخه اند. بنابراین نگاه مدیریتی به این لایه سوم که تعداد روستاهای بسیاری را شامل شده باید انتخاب خوبی در ایجاد شهرهای مستقل و خودگردان شود. همچنین چنانچه شهرهای جدید ایجاد شود خود این شهرها چند روستا و شهر کوچک را سرپرستی می کنند و عملاً بخشی از شرح خدمات به آنها منتقل می شود. در واقع نگاه عقلایی از منظر برنامه ریزی استراتژی یک نگاه سیستمی است؛ یعنی سیستمی داریم به نام شهر و محدودهای اطرافش که مثل حلقه های متحدالمرکز از مرکز لایه به لایه انطباق داده شده و هر چه دورتر می رویم نگاه منطقی و هر چه به مرکز بیاییم یک نگاه اجتماعی و مدیریتی صورت می گیرد. در این لایه ایجاد NJOها بسیار مهم است. می توان ستادهای عمران تشکیل داد تا بتوان این کارها را انجام داد. اما متأسفانه دولت دنبال این موضوع نیست. ما باید روستاها، شهرها، هسته های شهرهای خود کفا و شهرهای وابسته را شکل دهیم. در واقع به دلیل آنکه اینها را نداریم حاشیه نشینی شکل می گیرد.

بنابراین به طور کلی برای حل مشکل حاشیه نشینی چه راهکاری وجود دارد؟

تقصی بزرگ طرح های جامع این است که به مسئله حاشیه نشینی و نگاه آسیب شناسانه آن بی توجهی کرده اند. بنابراین باید نگاه الگوی توسعه ساماندهی ساختاری - عملکردی باشد. در بعضی از شهرها مهاجرت از درون به بیرون است. مثلاً در شهر تبریز حاشیه نشین ها اکثر از شهر تبریز بودند. بنابراین نمی توانیم الگوی مشهد را برای تبریز پیاده کرد یا مثلاً مشکل تهران هم بی هویتی است. مسئله چهار دانشگاه و منطقه ۲۲ عملاً بی هویتی است. بنابراین نگاه الگوی ساماندهی شهرها قبل از اینکه نگاه توسعه و عمران باشد نگاه مدیریتی است. اول باید روستاها و مراکز جمعیتی را دارای هویت کنیم بعد به شهر داری، بنیاد مسکن، فرمانداری و استانداری برای مدیریت بسیاریم. لذا نگاه عاقلانه این است که ما به حاشیه نشینی به عنوان یک تهدید نگاه نکنیم بلکه آن را تبدیل به فرصت کنیم. مشکل ما این است که قبل از اینکه طرح های راهبردی را به تصویب برسانیم و سند های تحلیلی را از جایی برداشت کنیم، فوراً طرح های تک بنا و ساختمانی در دستور کار خود قرار می دهیم. باید نگاه آماده سازی به بافت فرسوده داشت.

مهندس شیرزاد یزدانی مؤلفه‌های اساسی بهسازی و نوسازی را ۳۱ عامل زیر بیان کرد:

## مردم، قانون و نهادهای عمومی دولتی

**مقدمه:** نواحی کهن شهری که در زمان شکل‌گیری، فضایی پاسخگو به سلسله‌مراتب نیازهای ساکنان خود بوده‌اند که در پی تحولات فن‌ساختی و تغییر در نیازهای زیستی، اجتماعی و اقتصادی اکنون فاقد عملکرد مناسب گذشته خویش هستند لذا از جمله مباحث مهم در مطالعات شهری موضوع نوسازی و بهسازی بافت‌های کهن و فرسوده شهری است و با توجه به نقش سازمان نظام مهندسی ساختمان در نظارت و کنترل بر روند ساخت و سازهای کشور و تاثیر آن در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری، گفت و گویی انجام گرفت با آقای مهندس شیرزاد یزدانی، رئیس گروه تخصصی شهرسازی شورای عالی سازمان نظام مهندسی ساختمان که در ادامه تقدیم می‌شود.

و با کمیون خدمات شهری مطلوب مواجه می‌باشند و تهدیدهای کالبدی، خدمات‌رسانی نامطلوب و حرکت به سمت فضاهای نابسامان در این حوزه وجود دارد. فرصت تبدیل این فضا به فضای مطلوب شهری یا تزیین عملکردهای جدید شهری، نوسازی بناها بر اساس اصول مهندسی و ... توسعه مطلوب را به وجود خواهد آورد.

❖ شما تا چه اندازه کیفیت ساخت و سازها را در شکل‌گیری بافت‌های فرسوده تأثیر گذار می‌دانید؟

درست است فرسودگی بناها یک مفوله کالبدی است اما آنچه موجب شکل‌گیری بافت‌های فرسوده شهری می‌شود، شرایط بد اقتصادی، فقر عمومی جامعه، عدم آگاهی یا آگاهی اندک مردم و ... موجب شکل‌گیری فضاهای شهری فرسوده و ناکارآمد و عدم پاسخگویی به نیازهای شهروندان می‌شود. در دوره کنونی علیرغم تدوین قوانین متعدد، نقش نظام مهندسی در ساخت و سازها و وجود قوانین متعدد و ... به دلیل شهری شدن سرمایه و رانت‌های متعدد اقتصادی و ضعف نظام تولیدی کشور، نوع ساخت و سازهای موجود در شهرهای کشور بار و یک‌دندانه‌تر استفاده از زمین بدون در نظر گرفتن فضاهای خدماتی مورد نیاز و ... در آن وجود دارد که این امر موجب تضییع حقوق دیگران و خروج از نظام شهرسازی مطلوب و انسانی، بورس‌بازی زمین و نابسامانی کالبدی و توسعه بی‌رویه می‌شود. با این وصف علیرغم اینکه در احداث بنای مهندسی ساز (از نظر سازهای) پیشرفت‌های نسبتاً مطلوبی در کشور ایجاد شده است، اما به نظر می‌رسد شکل‌گیری فضاهای شهری نامطلوب در دوره اخیر شدت گرفته است.

❖ حال به نظر شما سازمان مهندسی ساختمان کشور با نظارت و کنترل بر روند



گردشگران مختلف داخلی و خارجی خواهد شد. از سوی دیگر سکونتگاه‌های غیررسمی که از نظر مساحت در حداقل سطح قرار دارند اما با توجه به شدت فقر عمومی خصوصاً در تامین خدمات مورد نیاز در این حوزه به عنوان یک تهدید کنی برای ساختار شهر و منطقه می‌باشند. این بافت‌ها از نظر کالبدی اندام فرسوده دانسته و از نظر اجتماعی نیز انواع آسیب‌های اجتماعی در این حوزه وجود دارد. فرصت سرمایه‌گذاری مجدد، نیروی کار ارزان، بازآفرینی اقتصادی این فضاها و ارتباط از گانیکی، کالبدی و اجتماعی این بافت با اندام کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شهر فرصت مطلوبی برای توسعه شهر و کاهش آسیب‌های اجتماعی شهری خواهد شد. بافت فرسوده شهری از نظر کالبدی آسیب‌پذیر بوده

❖ با توجه به نقش و گستردگی بافت‌های فرسوده و کهن شهری، از نظر شما این گونه بافت‌ها زمینه‌ساز چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در شهرهای امروز ماست؟ تقریباً ۳۰ درصد از شهرهای کشور ایران مشمول بافت‌های فرسوده و تاریخی و سکونتگاه‌های شهری می‌باشند. هر کدام از بافت‌های فوق شرایط خاص خود را دارا می‌باشند که می‌توانند هم به عنوان فرصت و هم تهدید مطرح باشند. بافت‌های تاریخی که ریشه در دوران مختلف دارند، نشان‌دهنده سبک و سیاق زندگی در دوران گذشته و تابه حال می‌باشند؛ اگرچه اندام فرسوده و فرسودگی دارند و به عنوان یک تهدید مطرح می‌باشند ولی فرصت سرمایه‌گذاری، بازآفرینی مجدد، حیات دوباره در آن هم موجب افزایش جمعیت و هم جذب

ساخت و سازها می‌تواند از گسترده‌تری بافت‌های فرسوده در شهرها جلوگیری نماید و شما عملکرد این سازمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بر اساس قانون، نظام مهندسی ساختمان، متشکل از ۷ رشته مرتبط با ساخت و ساز می‌باشد و هدف قانونگذار ایجاد دفاتر نظام مهندسی، کارگروهی، مطلوب نمودن شیوه ساخت و ساز و بوده است اما در عمل این سازمان از هدف اصلی خود فاصله گرفته و بیشتر دعوی صنفی و تعیین سهمیه و ... عملاً شدت نابسامانی کالبدی را در عرصه شهر به دنبال خود داشته و از کثیفیت محیط شهری فاصله دارد. لذا جا دارد این سازمان به رسالت اصلی خود باز گردد.

با توجه به اینکه یکی از مباحث مهم رشته برنامه ریزی شهری موضوع نوسازی و بهسازی و بازآفرینی شهری در جلسات کارگروه تخصصی شهرسازی سازمان نظام مهندسی ساختمان تا چه اندازه به این مهم توجه شده است؟ و چه برنامه‌هایی برای آینده در نظر گرفته‌ایم؟

بازآفرینی فضاهای شهری مقوله چند وجهی به منظور توجه به ارتقاء کیفیت محیط با در نظر گرفتن زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی و ... یک مکان و نگهداشت جمعیت در آن حوزه و دعوت‌کنندگی از دیگر نقاط شهر و منطقه به این حوزه و بازگشت هویت به این مکانها می‌باشد.

نقش برنامه ریزی شهری در چارچوب اصلی این ساختار که هدف اصلی آن افزایش رفاه و سلامتی جامعه در یک مکان نامطلوب و برنامه ریزی شده و در یک محیط کارا و اثربخش و مطلوب حائز اهمیت می‌باشد، بنابراین برنامه ریزی شهری به معنی اعم و شهرسازی به معنی اخص چارچوب کلان توسعه را در بهسازی و نوسازی، بازآفرینی فضاهای شهری مشخص و در یک تعامل مطلوب با دیگر رشته‌های هفتگانه نظام مهندسی و رشته‌های دیگر که عضو نظام مهندسی نیستند مانند جامعه شناسی، روانشناسی، اقتصاد و محیط زیست ... در هر حله مطالعات، مکان‌یابی، بازشناسی مجدد، هدایت مطلوب توسعه شهری و پیش‌بینی فضاهای مطلوب و جدید به منظور معاصر نمودن فضاهای شهری کمک‌موتور بنماید.

در این خصوص تهیه طرح‌های از جنس بازآفرینی که جنبه مشارکتی دارند، نا نهادسازی و تشکیل دفاتر و تسهیل‌گری و نوسازی تا تدوین چارچوب اجرا و ... می‌توانیم از دانش برنامه ریزی شهری و شهرسازی در راستای ارتقاء کیفیت محیط شهری استفاده مطلوب نماییم. در این راستا گروه تخصصی بایرگزارای جلسه مشترک با جناب آقای مهندس ترکان و دکتر ایزدی معاون محترم وزیر راه و

شهرسازی و رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مهندسان شهرساز در فرایند تهیه طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری و نیز کنترل و نظارت بر اجراء دقیق طرح‌های ویژه بهسازی و نوسازی و نیز ساخت و سازها در محدوده مذکور مورد تاکید قرار گرفت.

علاوه بر نقش سازمان مهندسی ساختمان در موضوع بهسازی و نوسازی شهری شما چه نهاد‌های دولتی دیگر را در این خصوص تأثیرگذار می‌دانید و جایگاهشان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در بهسازی و نوسازی شهری هر سه وجهی مردم، قانون و نهاد‌های عمومی دولتی نقش اساسی را دارند که در یک فرایند مطلوب چهار مرحله‌ای می‌توانیم به توسعه مطلوب برسیم که این چهار مرحله عبارتند از شناخت مسئله و تجزیه و تحلیل؛ تهیه طرح، نهادسازی، ترویج و آموزش و اجرا می‌باشد.

سازمان نظام مهندسی می‌تواند در سه مقوله شناخت مسئله و ترویج، آموزش و اجرا دخالت مستقیم داشته باشد. در خصوص نهادسازی ابتدا خواست و اراده دستگاه‌های اجرایی و نهاد‌های مسئول مانند وزارت راه و شهرسازی و شهرداری‌ها و توجه به مطالبات مردم به عنوان اصل می‌باشد. اگر اراده دولت و نهاد عمومی وجود نداشته باشد تشکیلات صنفی و نهاد‌های عمومی مردمی موفق نخواهند بود. بنابراین چرخه‌های مطلوب درگیر شدن همه نهاد‌های عمومی و دستگاه‌های دولتی به خصوص دستگاه‌های خدمات‌رسانی و اصلاح ساختاری قوانین موجود و کوتاه کردن مسیر مطلوب می‌باشد تا توسعه منطقی در این مکانها شکل گیرد.

در باتین دست سازمان نظام مهندسی، توسعه شرکت‌های ساخت و توسعه و توسعه گران در مراحل طراحی تا اجرا و ایجاد دفاتر تسهیل‌گری و نوسازی در بافت‌های مختلف شهری می‌تواند زمینه ساز توسعه مطلوب باشد.

آیا نهاد‌های مسئول دولتی مانند شهرداری‌ها در زمینه نوسازی بافت‌های فرسوده و نظیفه‌خوبیش را به خوبی انجام داده‌اند؟

اگر چه در سال‌های اخیر در بعضی از شهرداریها سعی شده تا نوسازی در بافت‌های فرسوده با ایجاد دفاتر نوسازی و تشکیل دفاتر تسهیل‌گری جهت جلب مشارکت مردم و سرمایه‌گذاران مخصوصاً در تجمیع پلاک‌ها و ایجاد فضاهای خدماتی در بافت‌های فرسوده شهری کارهای متعدد انجام شده و بعضاً موفق هم بوده‌اند اما به صورت کلی و به

عنوان فرهنگ ساخت و ساز بناها و بافت‌های کشور به صورت همه جانبه کار اصولی انجام نشده است.

طرح‌های نوسازی و بهسازی که در گذشته توسط شرکت‌های مهندسیین مشاور تهیه و اجرا می‌شد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا طرح‌های تهیه شده پاسخگویی حل مشکلات بافت فرسوده شهری ما بود؟

طرح‌های نوسازی و بهسازی در گذشته به صورت سه سطحی و نگاه کم‌رنگ به مشارکت مردم تهیه می‌گردید و بیشتر به سمت طرح تجمیع بافت شهری که باز مینه ساخت و ساز در آن بافت کمتر همخوانی داشته سوق داده شد و نتیجه آن ایجاد پروژه بزرگ مقیاس بدون در نظر گرفتن زمینه آن مانند پروژه سارا و مجد در مشهد، نواب در تهران و ... جا دارد این شیوه نگاه به سمت بازآفرینی و حیات مجدد به فضاهای شهر و توجه به نیازهای مردم و ارتقاء کیفیت فضاهای شهری از بافت‌های شهری انجام شود.

سیاست جدید شرکت عمران و بهسازی شهری با تدوین شرح خدمات دو سطحی شناخت محدوده مداخله با مشارکت دستگاه‌های اجرایی خدمات‌رسانی و مردم و سطح دوم با تعریف پروژه و تدوین فرایند تصویب تا اجرا با تعریف ستاد بازآفرینی فضاهای شهری در مقیاس ملی، استانی و شهرستانی سعی شده تا فرایند تهیه و اجرای طرح را کوتاه کند. اما این موضوع نیز با بستنی به صورت کوتاه تر و ساده تر و احترام به نهاد‌های محلی و با مشارکت دوسویه مردم در پروژه‌های مختلف شهری انجام ناتیجه مطلوب به دست آید.

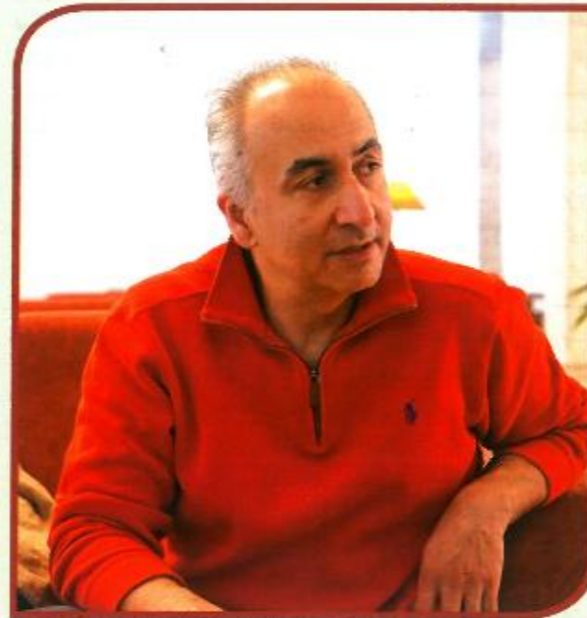
بنابراین نهادسازی، ترویج و آموزش و اجرا و بازنگری و آسیب شناسی مجدد در یک فرایند توسعه ضرورت هرگونه طراحی در بافت‌های فوق می‌باشد.

شما به عنوان رئیس گروه تخصصی شهرسازی سازمان مهندسی ساختمان نقش و جایگاه و مشارکت مردم را در بحث نوسازی و بازآفرینی شهری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نوسازی و بازآفرینی شهری یک مقوله مشارکتی در راستای ارتقاء کیفیت محیط می‌باشد. بنابراین اگر طراحی در ابتدا تا اجرا به مقوله مشارکت مردم و نهاد‌های غیردولتی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد و ... به ساخت و ساز محیط‌بیردازد ممکن است در مرحله اول تحسین بسیاری از دست‌اندرکاران را به دنبال خود داشته باشد اما در میان مدت و بلندمدت تبدیل به مقوله ضد توسعه و ضد شهری می‌شود. چنان‌که کلام اینکه مردم شهر ولی نعمتان توسعه مطلوب مکان و سکونت‌گاه خود می‌باشند.

مهندس محمد جواد عرفاتیان:

## عدم مهارت بافت فرسوده‌ها را گانیزم شهر را نابود می‌کند



**مقدمه:** بافت‌های فرسوده شهری، محلات فرسوده‌ای در فضای شهری است که مسائل و پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شیوه خود را دارد. این محلات و بافت‌ها از یک سو دارای ریشه‌های سکونت‌ی ارزشمند باغناهی فرهنگی، اجتماعی و معماری است و از طرف دیگر به جهت فرسودگی شدید، نبود دسترسی مناسب به خدمات شهری و بهداشتی، وجود مشکلات اجتماعی و امنیتی و آسیب‌پذیری در برابر زلزله، سیل و آتش‌سوزی و نیز عدم تطابق با زندگی امروز شهری و شهرسازی مدرن دارای مشکلات رونمایی و زیرساختی هستند. حال با توجه به اهمیت بافت‌های فرسوده در شهر گفت‌وگویی انجام شد با مهندس محمد جواد عرفاتیان (جم‌حمید)، مشاور فن آوری و تشکلهای حرفه‌ای معاون وزیر راه و شهرسازی و نظرایشان را در خصوص این مسئله جویا شدیم.

به نقص در تشخیص عوامل بوجود آورنده آن، انتخاب اشتباه روش برخورد و مداوای آن و در نهایت عدم اجرای کامل فرایند مداوای آن مربوط می‌شود.

❖ به طور کلی ما باید بافت‌های فرسوده را در درون شهرهای خود فرصت بدانیم یا تهدید؟

قطعا بافت فرسوده یک فرصت نیست بلکه یک آسیب و تهدید جدی است که سلامت کالبدی، امنیتی و اجتماعی یک شهر را به خطر می‌اندازد. بافت فرسوده مشابه یک بیماری عفونی و باسرطان است که در صورت عدم مهار آن به مرور گسترش یافته و قطعا باعث از بین رفتن کل ارگانیزم شهر خواهد شد. این بیماری اگر در زمان خود مهار نشود قطعا به علت گسترش امکان درمان را از ما می‌گیرد. از دست رفتن امکان درمان یا به علت گران بودن هزینه‌های آن خواهد بود که توان مالی ما پاسخگوی هزینه‌های آن نخواهد بود و یا به علت میزان گسترش آسیب دیگر حتی با صرف هزینه هم دیگر امکان درمان وجود ندارد و ناچار این بیمار (بافت فرسوده) از بین خواهد رفت.

❖ تفاوت برنامه ریزی بر روی بافت‌های فرسوده شهری در داخل ایران با سایر کشورهای جهان در چیست و آنها در حل این مشکل بر چه مواردی تاکید بیشتری دارند؟

تفاوت روش برخورد با بافت‌های فرسوده دقیقا مشابه تفاوت در برنامه ریزی‌های بهداشتی و درمانی کشورهای توسعه یافته با کشور ما دانست. این تفاوت عملی در تعریف و هدف گذاری هادر دوسطح زیر قابل بررسی و نقد است: (۱) در مرحله پیش‌گیری - برنامه ریزی و اقدام در جهت جلوگیری از بوجود آمدن بافت‌های فرسوده جدید و نیز جلوگیری از توسعه بافت‌های

❖ تعریف بافت فرسوده از نگاه شما چیست و مهمترین مشکلات این بافت‌ها را در چه می‌دانید؟

شهرها به مثابه اورگانیزم‌های زنده‌ای هستند که از ترکیب اجزا، قطعات، شریانیها و عناصر کارکردی تشکیل شده‌اند. ترکیب ساختاری و کالبدی این عناصر در کنار رشد متوازن آنها در طول زمان عامل بوجود آورنده شهرهای پایدار است. در یک مقایسه بدیدار شناسانه می‌توان شکل ساختاری شهر را با فرایند شکل‌گیری، تولد، رشد و تکامل فیزیولوژیکی انسان از دوران جنینی تا مرگ مقایسه کرد. انسان‌ها در طول زندگی دچار بیماری‌های مختلف جسمی و روحی می‌شوند که امری اجتناب‌ناپذیر است. فرایند کنترل صدمات ناشی از ابتلا به بیماری‌ها را می‌توان در دو سطح پیشگیری و درمان خلاصه کرد. عدم تحقق هر یک از این مراحل عامل اصلی خسارت‌های مادی و معنوی بعدی است.

در مرحله پیشگیری عواملی همچون شناسایی، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی اجرایی جهت جلوگیری از وقوع بیماری‌ها به عنوان مهمترین شاخصه‌های این مرحله و تشخیص درست بیماری، انتخاب صحیح روش درمان و نهایتا انجام کامل فرایند درمان نیز به عنوان مهمترین عناصر شکل‌دهی مرحله درمان شناخته می‌شوند. بدیهی است هرگونه نقضی در این فرایند از مرحله پیشگیری تا درمان باعث عدم بهبود، مزمن شدن بیماری، تشدید آن و بروز خسارت‌های غیر قابل جبران و حتی از بین رفتن فرد می‌شود. این فرایند بصورت مشابه در شهرها نیز محقق می‌شود.

از نظر من بافت فرسوده یک نوع بیماری شهری است که در شرایط زمانی و مکانی مختلف به دلایل متفاوت بوجود می‌آید. وقوع و گسترش این بیماری در مرحله اول به عدم برنامه‌ریزی برای پیشگیری و گسترش آن و در مرحله بعدی

## فرسوده قدیمی

۲) در مرحله درمان - اقدام اجرایی در جهت بهسازی، بازسازی، باز زنده سازی و توان بخشی بافت های فرسوده موجود

❖ آنچه موجب اهمیت دادن و لزوم مداخله در بافت های فرسوده می گردد ناتوانی این بافت ها در هنگام شدن یا تغییرات سریع در زندگی مدرن امروزی است حال به نظر شما تا چه اندازه بافت های فرسوده ای که امروزه نوسازی و بهسازی می شوند توانایی پاسخگویی به نیازهای امروزی جامعه خویش را دارد؟

این پرسش پاسخ قطعی و مطلقی ندارد و کاملاً نسبی است و بطور مستقیم بستگی به کیفیت و میزان بیماری آن بافت دارد. لذا تشخیص اینکه بر روی کدام بافت ها با چه کیفیت و کمیتی فرایند درمان را شروع کنیم و با اساساً در زمان صرف نظر کنیم، به پتانسیل ها و داشته های مادر آن بافت بر می گردد.

از نظر من در حال حاضر یکی از مهمترین مسؤلیت های قانون گذاران، مجریان و متولیان این حوزه جلوگیری از تولید بافت های فرسوده نوساز است که به شدت و در مقیاس گسترده ای در تمامی شهر های ایران و در متن طرح های مصوب جامع و تفصیلی شهری در حال تولید است.

❖ با توجه به اینکه از زمان تشکیل سازمان نظام مهندسی ساختمان حدود ۱۸ سال سپری می شود، در بحث نوسازی بافت های شهری شما نقش و جایگاه نظام مهندسی را چگونه ارزیابی می کنید؟

وقتی شما به نوسازی بافت های فرسوده اشاره می کنید این موضوع در ذهن متبادر می شود که بحث بافت فرسوده تنها مربوط به بافت های موجود درون شهری است، لیکن تولید بافت های نوساز فرسوده در سطح گسترده ای با مجوز های قانونی و در متن طرح های مصوب توسعه شهری در حال وقوع است که تمامی تحت کنترل و نظارت اعضای سازمان های نظام مهندسی شکل گرفته و یاد ر حال وقوع است.

وظیفه اعضای سازمان نظام مهندسی طراحی، نظارت و کنترل بر کلیه ساخت و ساز های شهری با رعایت ضوابط شهر سازی و مقررات ملی ساختمانی است که تحقق ساختمان هایی با کیفیت و عمر زیاد را به دنبال داشته باشد. وظیفه سازمان های نظام مهندسی نیز مدیریت راهبردی این حرفه متدان در تحقق اهداف فوق است. لذا از نظر بنده پایین بودن کیفیت عملکرد این حرفه متدان و نظارت عالی سازمان های فوق بر انجام تعهدات اعضای خود از اصلی ترین عوامل وقوع این پدیده در تولید بافت های فرسوده نوساز بوده و هست.

❖ در نوسازی و بهسازی در کشور ما بیشتر به تک بناها توجه شده است و کمتر بافت ها مدنظر بوده به نظر شما دلیل این موضوع چیست؟

از آنجاییکه مسئله مالکیت در این بافت ها از اصلی ترین چالش های نوسازی و بهسازی محسوب می شود، بصورت طبیعی امتیازات تشویقی به مالکین داده می شود که خود نسبت به بازسازی واحدهای ساختمانی مبادرت ورزند، با این هدف که از باز سازی تک تک واحدهای منجر به بازسازی کل بافت شود. این استراتژی درست شهر سازی در بهسازی بافت های فرسوده است؛ ولی با لحاظ شرط زیر:

۱) بافت های شهری مورد نظر ظرفیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این روش برخوردار داشته باشد

۲) وجود طرح بالادستی که با توجه به پتانسیل ها و ظرفیت های اشاره شده در بند قبل، ظرفیت های کالبدی متناسب را در مقیاس این بافت ها

## پیش بینی کند

۳) سازمان مدیریت شهری توان مدیریتی لازم را جهت بازسازی این بافت ها را از طریق مدیریت در بازسازی ریزدانه های شهری داشته باشد

در صورت نبود سه شرط فوق در انجام این استراتژی، نه تنها این بافت مشکلاتش حل نخواهد شد بلکه با وجود آمدن مشکلات دیگر عوامل سرعت بخشیدن به نابودی آن بیشتر از پیش فراهم می شود. از طرف دیگر روح حاکم بر قوانین مدیریت شهری در کشور ما بر اساس از جحیت حقوق شخصی به حقوق اجتماعی شکل گرفته و این امر پیامدهای زیبر باعث شده:

ضعف قوانین و مقررات شهر سازی که با نگاه از جحیت منافع شخصی بر منافع اجتماعی شکل گرفته است

- عدم توان تامین هزینه بهسازی بافت های فرسوده توسط متولیان شهری  
- تمرکز شهر داری ها برای کسب در آمد از طریق فروش تراکم (این امر بطور طبیعی فقط بر روی پلاک های ساختمانی قابل تحقق است تا بافت های شهری)

مجموع عوامل فوق بصورت طبیعی باعث گسترش تمایل به سرمایه گذاری بر روی تک بناها بجای ایجاد ارزش افزوده در بافت شهری را فراهم آورده است

❖ علیرغم تمهیداتی که تاکنون در رابطه با اعطای تسهیلات

به ساکنان بافت های فرسوده اندیشیده شده ولی تسهیلات اعطایی انگیزه لازم را برای بهسازی این بافتها بوجود نیاورده است. به نظر شما چه دلایلی برای این موضوع وجود داشته است؟

همانطور که پیش از این نیز در توضیح بحث درمان توضیح دادم، تشخیص نادرست بیماری، انتخاب نادرست روش درمانی و عدم انجام کامل فرایند اجرایی درمان سه عامل عدم بهبودی بیمار خواهد بود. در این خصوص به نظر می رسد که ما یا در تشخیص بیماری بافت های فرسوده، یا در روش درمان این بافت ها و یا در هر دو موضوع اشتباه کرده ایم؛ گواه این موضوع عدم پاسخگویی مردم به این نسخه درمانی است.

در پاسخ به این سوال همواره باید این پرسش را مطرح کرد که چه زمانی و تحت چه شرایطی قانون گذاران و متولیان امر در این حوزه خود حاضرند در این بافت ها زندگی کنند؟ قطعاً تحقق شرایطی که باعث ایجاد مطلوبیت برای متولیان در انتخاب این مخدوده ها برای زندگی باشد، خود تعیین کننده سیاست ها و تسهیلاتی است که تامین آنها قطعاً باعث رونق این بافت ها می شود

❖ نقش مشارکت های مردمی را در نوسازی و بهسازی بافت های

فرسوده چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا حل این معضل ملی به اندازه کافی به استفاده از مشارکت های مردمی توجه شده است؟

به نظر من این توقع زیادی است که بدون پلانها و برنامه انگیزش آور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای مردم بدنبال مشارکت های آنان برای حل موضوع بهسازی بافت های فرسوده داشته باشیم. سوال مشخص این است که چرا باید مردم در این بهسازی ها مشارکت کنند؟ با مشارکت ایشان چه ارزش افزوده ای برای آنان پیش بینی شده است؟ (در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

❖ تامین فضاهای خدماتی در بافت های فرسوده بالاتر

می باشد و لذا علیرغم نوسازی خانه ها این بافت با کمبود فضاهای خدماتی مواجه می باشد نظر شما در این رابطه چیست؟

قطعاً این بخش هم جزئی از همان پلان درمانی بافت است که مدیریت شهری و متولیان امر باید در تشخیص آن به این امر توجه جدی داشته باشند

مهندس محسن غیائی نیا تشریح کرد:

## ضرورت بر خور د منطقی با بناها و محلات قدیمی



**مقدمه:** بافت تاریخی یکی از ارکان ارزشمند و هویت بخش در شهر است که عدم توجه به این بافت‌ها با توجه به گذر زمان و عمر زیاد ابنیه ارزشمند آن می‌تواند به نابودی فرهنگ و هویت یک جامعه بینجامد. با توجه به لزوم توجه به این بافت‌های ارزشمند شهری گفت و گویی با آقای مهندس محسن غیائی نیا، کارشناس ارشد حوزه ی معاونت شهر سازی و معماری وزارت راه و شهر سازی و عضو هیئت رئیسه گروه تخصصی شهر سازی سازمان نظام مهندسی ساختمان انجام گرفت و نحوه مداخله در این بافت‌ها را از ایشان جویا شدیم.

❖ **به شکل کلی هدف از دخالت در بافت فرسوده چیست؟**

به نظر من اهداف گوناگونی مانند اهداف مذهبی، فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و کالبدی برای دخالت در بافت‌های فرسوده وجود دارد.

❖ **آیا بافت‌های تاریخی شهری نیز از نظر ریخت شناسی یا مورفولوژی قابل طبقه بندی هستند؟**

در پاسخ باید گفت بله، بافت تاریخی شهر از نظر ریخت شناسی یا مورفولوژی نیز قابل طبقه بندی است و هر یک از ریخت‌های بافت در این بخش از شهر مداخل و بی‌های را طلب می‌کند در واقع در مطالعات و تجارب حداقل به چهار وضعیت متفاوت بافت شهری می‌توان اشاره کرد:

۱- بافت‌های ویژه: مانند مرکز شهر مشهد و بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع)

۲- بافت‌های تاریخی: مانند مرکز شهر اصفهان

۳- بافت‌های فرسوده: مانند مرکز شهر زنجان

۴- بافت‌های مسأله دار: مانند مرکز شهر بندر عباس البته این گونه بندی بر اساس نقش غالب بافت مرکزی شهر صورت پذیرفته و در هر یک از آنها می‌توان اشکالی از گونه‌های دیگر را نیز مشاهده کرد.

❖ **باتوجه به اهمیت بافت قدیمی شهری،**

و خصوصی است و به عنوان نتیجه گیری می‌توان گفت که بافت مرکز با ارزش تاریخی و فرهنگی شهرهای ایران مملو از بناهای ارزشمندی است که متأسفانه به علت عدم توجه کافی به این نوع ابنیه کم کم رو به زوال و فرسودگی گذاشته و این زمانی اتفاق می‌افتد که شهرها از نظر کاربری‌های فعال شهری مانند مستحذات عمومی و مسکن مورد نیاز برای زندگی خانوارهای شهری، با کمبودهای اساسی مواجهند.

بنابراین باز زنده سازی این محلات قدیمی هم از نظر اقتصادی و تأمین رفاه عمومی ساکنان از ارزش والایی برخوردار است و هم منجر به برقراری پیوند با موارث گذشته و کسب مجدد تجارب گران بهای آنان می‌شود چرا که این آثار از یک دید بیانیگر هویت و نحوه مدیریت و شیوه زیستن و تفکر پیشینیان و از دیدگاهی دیگر سند و شناسنامه اجناده مادر گذشت روزگار است لذا با اتکاء به این مسائل ضرور است که با اینگونه بناها و محلات قدیمی به شکل منطقی برخورد کرده زیرا که کم توجهی به این آثار حاصلی جز عقب ماندگی فرهنگی و بی ثباتی تفکرات ذهنی برای مادر بر نخواهد داشت.

❖ **در پایان باتوجه به اینکه از زمان تهیه و اجراء طرح‌های نوسازی و بهسازی در**

آیا مداخله در این بافت‌ها به منظور حل مشکلاتی که با آن روبرو هستند دارای روش‌های خاصی است؟

بله مداخله در بافت قدیمی اشکال گوناگونی دارد که متناسب با نوع بافت می‌تواند اشکال زیر را پیدا نماید.

طرح‌های بهسازی (مرمت شهری):

منظور از بهسازی در مراکز تاریخی شهرها، اقدامات مداخله‌ای است که برای سالم سازی و نوگردانی وضع موجود آنها صورت می‌گیرد تا باز زندگی مورد نظر مامتعلق شود.

طرح‌های نوسازی:

مجموعه اقداماتی است که برای عمران و آبادی و ایجاد مستحذات جدید در بافت‌های قدیمی صورت می‌پذیرد.

طرح‌های بازسازی:

منظور از بازسازی اقداماتی است که در جهت احداث، تعمیر، مرمت شهری، با حفظ ویژگیهای معماری، فرهنگی و اقلیمی مربوطه انجام می‌شود.

هر یکی از بافت‌ها به سبب ویژگی‌های ریخت شناسی خود نیاز به مداخله‌ای از گروه بندی فوق دارند و در برخی از بافت‌ها حالت‌های ترکیبی نیز می‌تواند ایجاد شود و تیر و هسای مداخله کننده در بافت عمدتاً شامل بخش دولتی، عمومی، تعاونی



## مقدمه‌ای بر ظرفیت‌های تاب‌آوری شهری برای جهان در حال دگرگونی



سولتامز حسینون  
دکترای طراحی شهری

چارچوب فکری تاب‌آوری در سالماندگی تغییرات و نیازهای پیش‌بینی نشده در شهرها به کار می‌آید. این مفهوم راه‌زادی را از مهندسی تار و نشاسی و جامعه‌شناسی تا نظریه سیستم‌ها و نظام‌های بوم‌ساختی - اجتماعی پیموده و امروزه وارد عرصه‌های زیادی از مدیریت کلان تا مدیریت بحران در شهرها وارد شده است. هر چند هنوز در عرصه‌های شهرسازی و معماری و تخصص‌های مرتبط با محیط‌مصنوع و ارتباط آنها با محیط‌های طبیعی، دیدگاهی نو است که نیاز به تعریف دقیق شاخص‌ها، ظرفیت‌ها و کاربردهای خاص آن دارد.

این مفهوم در رقابت با توسعه پایدار، در راس برنامه‌های بین‌المللی، کشوری و شهری در تمام جهان قرار گرفته است. تاب‌آوری کاربردهای مختلفی در رشته‌ها و تخصص‌های مختلف دارد و بخشی از اهداف توسعه هزاره، کمپین‌های شهرهای تاب‌آوری از جمله برای اثرات فزاینده جهانی ناشی از بحران‌ها و تغییرات اقلیمی می‌باشد. به همین منظور، گروه‌های بین‌المللی زیادی با این محوریت تشکیل شده‌اند اما تنها به ارائه اهداف کلی برای شهرهای بستنده می‌کنند ولی ارتباط مفاهیم تاب‌آوری و شهرها نیاز به تدقیق و تعریف دارند که انجام نشده است. راه‌حل‌های کالبدی ارتباط تنگاتنگی با بحران‌های اجتماعی اقتصادی گرفته تا بحران‌های منطقه‌ای و شهری و زیست‌محیطی دارد. اسناد بی‌شماری در حال تدوین هستند که در زمینه‌های شهرسازی و مدیریت توسعه در کشورهای نواحی و شهرهای مختلف، برابعد و جنبه‌های مختلفی تاکید می‌کنند: از مدیریت بحران تا خودکفایی شهرها و مزارع شهری که لازم است در ایران نیز مورد طرح و بررسی قرار گیرند. در گفتمان امروز توسعه در ایران، نیز طرح‌چالش‌های محیط‌های مصنوع و طبیعی و چالش‌های زیست‌محیطی، آب، خاک، آلودگی

هوامسائل اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی نهادی و مدیریتی و نیز چالش‌های کالبدی و فعالیتی و دغدغه‌های مرتبط با بحران‌ها و سوانح می‌بایست مورد توجه قرار گیرند.

هدف این مقاله یک معرفی اولیه از ظرفیت‌های تاب‌آوری شهری است. هر چند این نظریه کاربردهای زیادی در ارتباط‌های مختلف از اقتصاد گرفته تا زیست‌شناسی و بوم‌ساختی دارد و جایگاه تثبیت شده خود را در معماری و شهرسازی نیز یافته است. ماهیت اصلی دیدگاه تاب‌آوری بر مبنای یافتن راهکارهایی برای تطبیق با تغییرات روزافزون جهانی است. ولی تاکنون این کاربردهای عملی آن در ایران بیشتر درباره مدیریت بحران‌های طبیعی دیده شده است.

یکی از عمده‌ترین تعاریف در شهرهای تاب‌آوری در برنامه کاری تمام این سازمان‌ها آمده، حفظ یا از نفاظ‌فیت‌هایی است که سیستم‌ها را قادر می‌کند به حالت قبلی بازگشته و پایداری‌هایی که به آنها توانایی جذب شوک و فشارهای ناگهانی و بازگشت به حالت قبل در هر چیزی از سیستم را به به حالت قبل می‌دهند و حتی به آنها کمک می‌کنند به سطح بالاتری از انعطاف پذیری برسند. هر چند باید به خاطر داشته باشیم که نعلی کاربردهای تاب‌آوری شهری برای تمامی شهرسازان یکسان نیست. بسیاری به دلیل نیازهای خاص شان تنها برابعد شاخص و مجزایی از آن تاکید می‌کنند. بنابراین ویژگی‌های

کشور ما سال‌ها سپری می‌شود، به نظر شما هدف از طرح‌های بهسازی و نوسازی به منظور مداخله در یافت‌های قدیمی مراکز شهری چه عوارذی بوده و آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اهداف طرح‌های بهسازی و نوسازی به منظور مداخله در یافت‌های قدیمی مراکز شهری را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

۱- اینگونه طرح‌ها ضمن برجسته نمودن ارزش تاریخی مراکز شهری، هویت شهری را که در محیط زیست کالبدی شهر تجسم یافته است را احیاء می‌نمایند.

۲- طرح بهسازی و نوسازی باید بکوشد تا پیوند زندگی بخش متقابل میان هسته تاریخی و کل شهر را هر چه بیشتر تقویت کند.

۳- طرح‌های بهسازی و نوسازی باید بتوانند به صورت موضعی حیات تازه‌ای به مرکز شهر ببخشند و ساختار اقتصادی اجتماعی مطلوبی برای آن ایجاد نمایند.

۴- طرح بهسازی و نوسازی سعی خواهد کرد که مداخله در یافت آنچنان مناسب و مطلوب باشد که نه تنها به ارزشهای گذشته آن بیافزاید بلکه مرکز شهر را برای پذیرش شیوه زندگی مدنی با فرهنگ امروزی آماده سازد.

۵- طرح بهسازی و نوسازی تلاش خواهد نمود کلیه اجزاء متشکله و عناصر شهری بالرش که به صورتی هویت شهر به طور عمده مدیون آنها بوده است را نگهداری، مرمت و در صورت لزوم نوسازی نماید و با درخشان ساختن ارزشهای مادی و معنوی آنها سطح توان اقتصادی برای مداخله در یافت قدیم را با استفاده هر چه بیشتر از ارزشهای افزوده اقتصادی، ارتقاء دهد.

۶- استقرار اقتضای اجتماعی جدید از جمله بازگرداندن جمعیت پراکنده شده به سوی پیرامون شهر با ایجاد زمینه‌های مناسب اجتماعی، زیست‌محیطی، مسکن، کار و... و جذب اقتضای جدیدی که بتواند موجب حیات و زندگی پویاتری در این بخش گردد.

۷- احیاء و ایجاد کلیه عملکردهای شهری - مسکونی، تجاری، خدماتی، فرهنگی، تفریحی و... در گستره شهر قدیم

و در صورتی که بافت قدیمی چنین ظرفیتی را برای جواب دادن به کلیه نیازهای ضروری به طور کامل نداشته باشد، ایجاد عملکردهای تکمیلی در گستره اطراف بلاواسطه هسته مرکزی شهر به منظور تأمین کمبودهای خدماتی و ایجاد پیوندی مناسب به صورت یکپارچه کردن مرکز قدیمی شهر و هسته جدید اهمیت می‌یابد.



یادگار به آینده بر اساس تجربیات منابع موجود و گذشته می‌نگرد در حالی که تاب آوری آینده‌ای پیش بینی نشده را در نظر می‌گیرد و خود را برای جهانی در حال تحول، مدام و حوادث احتمالی آماده می‌کند.

#### تاریخچه تاب آوری

یک مدل ژئوتیک و یکسان برای برخورد با مباحث تاب آوری و انعطاف پذیری وجود ندارد و تمامی نسخه‌ها برای شهرهای تاب آور یکسان نیستند، هیچ برخورد و نگرش یکسانی برای تمام موارد وجود ندارد بلکه برخورد‌های متعددی برای دست‌نهایی به هدف مشترک تاب آوری در شهرها بسته به برنامه‌ها در شهرها تعریف می‌شود. هر شهر نیاز به راه حل‌های خاص برای دستیابی به ویژگی‌های انعطاف پذیری خاص خود بسته به بسترهای اجتماعی - سیاسی ویژه خود دارد (کارمین، دودمن همکاران ۲۰۱۱، صفحات ۱۲۵-۱۲۸) کارینتر و همکارانش (۲۰۰۶) بر این نکته تأکید می‌کنند که در هر مورد باید سوال اساسی: تاب آوری چه چیزی و در برابر چه، مورد توجه قرار گیرد ریسر این امر مورد به مورد پاسخ‌های متفاوتی را می‌طلبد، هم از این رو است که شهرهای مختلف، روش‌های مختلفی را بسته به بحران ویژه منطقه خود برمی‌گزینند. هر کشور، منطقه، شهر و حتی هر نوع بافت شهری در درون آن (بافت ناکارآمد، بافت تاریخی، حومه نشینی یا مراکز شهری متمرکز) نیاز به راه حل‌های خاص خود برای دست‌نهایی به تاب آوری دارند. علاوه بر این،

تاب آوری در مقیاس مختلف قابلیت بررسی، تحقق و برنامه ریزی دارد: محلات و دولت‌های محلی، جوامع محلی، شهرداری‌ها، سیاست‌گذاری‌های کلان، برنامه‌های ملی و همکاری‌های بین‌المللی، محورهای اصلی مداخلات کالبدی در جهت تحقق تاب آوری

۱- بحث درباره تغییرات اقلیمی و بحران‌های ناشی از آن در شهرها، از جمله کاربردهای آن می‌توان به: چالش‌های اروپا در زمینه آب شدن یخچال‌ها و یخ‌های قطبی، افزایش سیل و طوفان‌های سهمگین از امریکای شمالی تا سیل در استرالیا و افزایش خشکسالی در افریقا اشاره کرد.

۲- بحث درباره بحران انرژی در شهرها و راهکارهای کاهش انرژی‌های فسیلی به ویژه در الگوی توسعه با تأکید بر پخشایش و حومه نشینی مانند باغ‌شهرها در امریکای شمالی و استرالیا، هر چند ایران هم جدیداً درگیر این پخشایش توسعه بدون توجه به محدودیت منابع شده است.

۳- مدیریت بحران و کاهش ریسک: تغییرات اقلیمی، سیل، زلزله، خشکسالی، بحران‌های مصنوعی مانند نشست تیر و گاهها اتمی، جنگ، مهاجرت‌های اجباری، مباحث تاب آوری از پیشگیری و کاهش آسیب پذیری تا بازسازی و بهبود پس از سانحه را در بر می‌گیرد.

۴- همگامی یا تغییرات روزافزون با سرعت فزاینده مانند بحران‌های اقتصادی تاب‌حران‌های منطقه‌ای توجه به این مساله که در برخورد با مفهوم تاب آوری می‌بایست با پدیده وسیع به موضوع نظر داشت از اهمیت حیاتی برخوردار است. نیومن، بیلی و همکارانشان (۲۰۰۹: ۳۵) چهار سناریو برای آینده شهر هادر جهان تعریف می‌کنند: شهرهای درهم شکسته، شهرهای زیربنای روستایی، شهرهای تجزیه شده برای طبقات مختلف اجتماعی (که در آنها میزان دسترسی به خدمات برای اقشار مختلف متفاوت است) و شهرهای تاب آور. سناریوی چهارم زمانی اتفاق می‌افتد که روش‌های متفاوت برای تأمین دسترسی در شهرها و سوخت‌های جایگزین وجود داشته باشد و ساختمان‌ها در بسترهای اکولوژیک ساخته شوند و دسترسی یکسان به مشاغل و خدمات برای همه و امکان تردده صورت پیاده در تمام سطح شهر وجود داشته و ساختمان‌ها دارای طراحی و زیرساخت‌های سبز باشند. تصویری که آنها از این شهرها ارائه می‌دهند، مراکز شهری با محوریت حمل و نقل عمومی، گردن‌های سبز، دهکده‌های شهری است که کمک می‌کنند شهرها با عنوان نظام‌های اکولوژیک (بوم‌شناختی) و به عنوان سیستم‌های زنده و با مدیریت محلی اداره شوند. نیومن و همکارانشان مفهوم شهرهای تاب آور را یک مرحله از «شهرهای پایدار» فراتر می‌برند. به نظر می‌رسد که ویژگی مکان محوری شهرها نزدیک

تاب آوری در پاسخ به این نیازها تعبیر یافته و متخصص آنها تعریف می‌شوند که از مدیریت بحران و پیشگیری (گودچاک ۲۰۰۳، پلینگ ۲۰۰۳) پائون و جانسون (۲۰۰۶)، بهبود و بازیابی (ویل و کامیانلا ۲۰۰۵) گرفته تا تغییرات اقلیمی و بحران نفت و انعطاف پذیری برای پاسخ به آن‌ها (نیومن و همکاران ۲۰۰۹، الفوب، اوتوزیمرمن ۲۰۰۱) مزارع شهری و کشاورزی شهری مقابله با تروریسم شهری را در بر می‌گیرد. علاوه بر این مسایل مشکل محور توجه جدیدی به خود شهرسازی به عنوان فرایندی که خود موجب تغییر و تحول می‌شود و حکمروایی شهری و عدالت و حق به شهر مطرح شده است. (هیلبر ۲۰۱۱، ویلکینسون ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲، فاینشتاین ۲۰۱۳، هرزوغ ۲۰۰۵، هرزوغ، دودمن و همکاران ۲۰۰۱) تمامی این توجه‌ها بخشی به دلیل سلطه عدم قطعیت و تغییر در محیط مصنوع است که مفاهیم اصلی را از مقاومت به انعطاف پذیری و دگرگونی معطوف کرده است.

#### ابطه تاب آوری با توسعه پایدار

توسعه پایدار در تضاد با تاب آوری نیست بلکه یک مشارکت منطقی میان آن‌ها وجود دارد. یکی از ویژگی‌های ماهوی پائارکی این است که سلسله مراتب را در قالب ساختارهای پویا میبیند. سطوح منفرد دارای ویژگی‌های غیرخطی یا چند سطح تنبیهت می‌توانند از طریق ارتباطات میان سطوح بحرانی به ثبات یا عدم ثبات برسند. به گفته برخی از متخصصین از جمله نیومن (۲۰۱۲)، توسعه

ترین ویژگی به اصول طراحی شهری است.

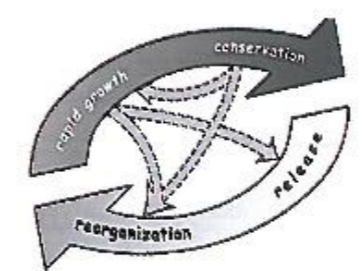
**نظام‌های پیچیده انعطاف پذیر (Complex adaptive systems (CAS)**

برای درک مفهوم انعطاف پذیری، تاب آوری تکاملی و پنازی نیاز به درک مدل سیستمی نظام‌های پیچیده انعطاف پذیر است. برای دریافت درک عمیق تری از فرایندهای تاب آوری سازمانی طراحی شده و دید عمیق تری درباره رفتارهای سازمانی، پژوهش درباره سازماندهی گروه‌هایی که تغییر و تنوع را تجربه می‌کنند می‌دهد. چهار ویژگی اصلی نظام‌های پیچیده انعطاف پذیر شامل خود سازماندهی، سلسه مراتب، ظهور و آموختن، این ویژگی‌ها در ادبیات شهر سازی جزو خصوصیات تاب آوری شهرها و محلات معرفی می‌شوند.

تعاریف تاب آوری از دید تخصص‌های مختلف: تعاریف متنوعی از تاب آوری بیان شده است که طیف وسیعی از ابعاد مختلف را در بر می‌گیرد. که هر یک از این تعاریف ابعاد و وجه مختلف تاب آوری را معرفی می‌کنند. آگاهی از تعاریف تاب آوری از دیدگاه دیسیپلین‌های مختلف اهمیت ویژه‌ای دارد.

۱- تابناکیدر مقاومت (Resistance) میزان فشار، تغییر، آسیب و تخریبی که یک سیستم قادر است جذب کند بدون آنکه از حالت تعادل خارج شود. در این مورد بیشتر کاهش آسیب پذیری بر اثر فشارها مدنظر است. کاربردها: مهندسی، مدیریت بحران.

۲- تابناکیدر "انعطاف پذیری" (Adaptability) «تاب آوری توانایی یک سیستم برای جذب آشفتگی‌ها و اختلالات و جذب یا حفظ کارکردها و ساختار اصلی بدون انتقال به یک هویت یا وضعیت جدید است.» در این تعریف سیستم پس از فشارها همچنان یکپارچگی و هویت خود را حفظ کرده و حتی مقاوم تر میشود. کاربردها: روان شناسی، مدیریت و تجارت، نظام‌های اکولوژیک و اجتماعی، حوزه‌های آبخیز، انواع محیط‌های زیستی طبیعی و... استفاده از تاب آوری در تلاش برای پاسخ و تحلیل مسایل جاری جهانی کاربرد گسترده‌ای است.



تصویر ۲: چرخه فرایند تاب آوری و انعطاف پذیری، منبع: Salt and Walker, ۲۰۰۷

(Transformation and Panarchy) این مفهوم که بر اساس مفهوم در حال تکامل و تحول "نظام‌های پیچیده انعطاف پذیر" است، و بر این اساس کاملتری از دو تعریف قبلی است و از دو تعریف فوق بک مرحله فراتر رفته و روابط میان اجزای سیستم‌ها را که مرتب در حال رشد، انباشت، بازساختاری و نوشتن هستند در نظر می‌گیرد. کاربرد دنظام‌های پیچیده چمد لایه که اجزای خود در حال تعامل و ارتباط هستند مانند محیط‌های طبیعی و مصنوعی (داوودی، ۲۰۱۲).



تصویر ۳: چرخه تاب آوری چند مقیاسی، منبع: Davoudi, et al. adapted from Holling and Gunderson (۲۰۰۲: ۲۴-۴۱)

تابناکیدر یک نکته درباره ترجمه این کلمه به فارسی ضروری است. هر چند در واژه نامه‌های انگلیسی به فارسی، ترجمه این کلمه شامل حالت کشسانی، بر جهندگی، قابلیت ارتجاع، حالت ارتجاعی و فتریت می‌شود، اما این ترجمه‌ها بیشتر به یکی از تخصص‌هایی که این اصطلاح از آن برآمده بر می‌گردد که علوم مهندسی را در بر می‌گیرد. کاربردهای این واژه طی سال‌های اخیر، رشد و گسترش یافته و ابعاد گسترده تر و فراتری از مفاهیم بالا را در بر گرفته که برگردانی درخور و وسعت کاربردهای چند انضباطی آن طلب می‌کند.

سخن آخر اینکه تاب آوری شهری تنها محدود به مدیریت بحران به ویژه بحران‌های آبی و سوانح طبیعی نیست و ضروری است که جامعه مهندسی کشور نیز همگام با جامعه حرفه‌ای و علمی جهانی، به تمامی کاربردهای آن در محیط‌های مصنوعی و طبیعی بپردازد تا کشور ایران نیز از این چهارچوب فکری برای مقابله با تغییرات پیش بینی شده جهان در حال تحول استفاده کند.

به نظر می‌رسد در زمان‌های تغییرات سریع و تحولاتی که چالش‌های جدید به سرعت در حال رخ نمودن است، بیش از پیش ما نیاز به دیدگاه‌های منعطفی در زمینه طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌های شهری هستیم. به همین دلیل است که تاب آوری و انعطاف پذیری به بخش مهمی از ابزارهای تفکر در زمینه‌های توسعه در تمامی ابعاد، از راهبردی و ملی گرفته تا سطح محلی و محلات تبدیل شده‌اند.

همانگونه که هیلبر (۲۰۱۱: ۴۰۴) اشاره می‌کند، برنامه ریزی فضایی راهبردی خود یک فعالیت منعطف است که برای مقابله با مسایل پیش بینی نشده، کاربرد دارد.

References:

1. Bentley, I. (1987). Responsive environments: a manual for designers/Ian Bentley ... <et al.>, London: Butterworth-Architecture, 1987.
2. Berkes, F. (2007). «Understanding uncertainty and reducing vulnerability: lessons from resilience thinking.» Natural Hazards 41(2): 283-295.
3. Berkes, F., J. Colding, et al. (2002). Navigating social-ecological systems: building resilience for complexity and change / edited by Fikret Berkes, Johan Colding, and Carl Folke, New York ; Cambridge, UK : Cambridge University Press, 2002.
4. Carpenter, S., B. Walker, et al. (2001). «From metaphor to measurement: resilience of what to what?» Ecosystems 4(8): 765-781.
5. Davoudi, S. (2012). «Climate Risk and Security: New Meanings of "the Environment" in
6. Folke, C. Resilience: The emergence of a perspective for social-ecological systems analyses.
7. Godschalk, D. R. (2003). «Urban hazard mitigation: Creating resilient cities.» Natural Hazards Review 4(3): 136-143.
8. Holling, C., L. H. Gunderson, et al. (2002). «Sustainability and panarchies.» Panarchy: Understanding transformations in human and natural systems: 63-102.
9. Holling, C. S. and L. H. Gunderson (2002). «Resilience and adaptive cycles.» Panarchy: Understanding transformations in human and natural systems: 256-2.
10. Newman, P., T. Beatley, et al. (2009). Resilient cities: responding to peak oil and climate change, Island Press.
11. Vale, L. J. and T. J. Campanella (2005). The resilient city: How modern cities recover from disaster, Oxford University Press, USA.
12. Walker, B., L. Gunderson, et al. (2006). «A handful of heuristics and some propositions for understanding resilience in social-ecological systems.» Ecology and society 11(1): 13.
13. Walker, B. H. and D. Salt (2012). Resilience practice : building capacity to absorb disturbance and maintain function / Brian Walker & David Salt, Washington, D.C.: Island Press, c2012.

## انسان متعالی (خلاق) و معیارهای تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها

آیا گمان می‌کنی همین جسم کم حجمی هستی؟ در حالی که جهان به این بزرگی در تو جای گرفته است. (امام علی (ع))



[رَسُول وظيفه شناس<sup>۱</sup>]

\* گروه مهندسی شهرسازی واحد بناب،  
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب، ایران  
r.vazife@gmail.com  
\* عضو گروه تخصصی شهرسازی شورای  
مرکزی و هیات مدیره سازمان نظام مهندسی و  
کنترل ساختمان استان آذربایجان شرقی

### چکیده

انسان اشرف مخلوقات است و خداوند متعال انسان را خلیفه الله نامیده است. به عبارت دیگر انسان علاوه بر این جسم مادی و خاکی دارای روح بوده و قدرت و توانایی پیشرفت بسیار بالایی را دارد. حتی در جسم انسانی نیز عقل وجود دارد و اگر این جسم را معیار قرار دهیم، باز هم باید انسان را از همگان بالاتر دانست. مجموع اینها سبب رشد، تعالی و برتری انسان می‌شود و خداوند در سوره اسراء آیه ۷۰ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» «ما آدمیان را با کرامت و احترام آفریدیم و در خشکی و دریا رزق دادیم؛ و آنها را در خشکی و دریا حمل کردیم؛ و از انواع روزبهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری

از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» در عصر دانایی ضروری است که مدیریت شهری آماده‌گی لازم را جهت مواجه با سواخت غیر مترقبه و پیش‌بینی نشده را داشته باشند. چراکه هر گونه نادیده گرفتن آن نه تنها صورت مساله را حل نخواهد کرد بلکه بر شدت آسیب پذیری فضاها افزوده خواهد نمود که نتیجه آن جزء هلاکت انسانها و نابودی شهرها نمره دیگری نخواهد داشت. خداوند متعال نیز درباره زلزله و وقوع آن در آیات اول تا سوم سوره حج چنین می‌فرماید: «ای مردم! رهنمودهای آفریدگار خود را بکار بگیرید که لرزش روز رستاخیز لرزشی بی‌سابقه است.

روزی که با آن مواجه شوید هر شیر دهنده در حال شیردهی شیرخوار خود را رها می‌کند و هر ماده بارداری وضع

حمل می‌کند و مردم را مست می‌بینی در حالی که مست نیستند، بلکه مجازات خدا طولانی است». با توجه به موارد فوق اهمیت موضوع بیش از پیش احساس می‌گردد و لحظه وقوع زلزله و عکس‌العملی که مردم انجام می‌دهند خداوند متعال به نحو احسن شرح می‌دهد لذا چاره‌ای نیست جز اینکه حوادث و سوانح طبیعی و غیر مترقبه همانند زلزله را از دو بعد مورد بررسی و تحلیل قرار بدهیم. یکی از جنبه تهدید و دیگری از بعد فرصت؛ زلزله هم تهدید است و هم فرصت (تهدید است، اگر تحولات و رخداد های طبیعی فهم نشوند و راهبردهای و راهکارهای اجرایی مناسبی برای مقابله با آنها در دراز مدت تهیه و تدوین نگردند؛ و فرصت است، اگر پس از شناخت این تحولات و رخدادها، راهبردها و راهکارهای مدیریت بحران در

امکانات محلی، توجه به زیست بوم و خرداقلیم در طرح‌های نوسازی در کنار برنامه‌های نرم افزاری و پشتیبان بتواند گامی اساسی در پیشگیری و کنترل تبعات ناشی از بلایای طبیعی در شهرها باشد (ابزدی، ۱۳۹۲: ۳-۲).

دلیل چنین خسارات رami بایست در کجای کار مدیریت جستجو کرد و چرا می بایست امروزه با وجود آگاهی کافی از عواقب عملکرد خود شاهد وقوع چنین صحنه‌هایی بود. یکی از عوامل اصلی که شاهد وقوع خسارات زیادی در زمان وقوع زلزله هستیم عدم تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهر است بطوریکه اگر ساختار شهر را به عنوان یک سیستم و آنرا به مثابه‌ی یک کل در نظر بگیریم، مشاهده خواهیم نمود که سیستم یاد شده به طور مداوم تحت تاثیر کنش‌های اجزای داخلی خود و همچنین نیروهای وارده از خارج قرار دارد. از آنجا که یکی خصیصه‌ی بنیادین سیستم برای ادامه‌ی حیات دانش‌بنیاد است، باید گفت تا زمانی که تغییرات حاصل از کنش‌های درونی و بیرونی سیستم از حد معینی تجاوز ننموده و در سیری منطقی اتفاق بیافتند، سیستم یاد شده با خاصیت خود-تنظیمی تعادل خویش را حفظ نموده و قادر به رفع نیازهای درونی و بیرونی خود است. اما اگر هم خوردن تعادل در کنش‌های اجزای درونی و یا وارد شدن نیروهای ناگهانی بیرونی به طور یکباره افزایش یابد، سیستم مذکور قادر به بازگشت به نقطه‌ی تعادل و ادامه روند همیشگی کار کرد خود نیست؛ در این میان نیاز به مداخله‌ی آگاهانه جهت یاری سیستم در بازگشت به نقطه تعادل و موازنه نیروها به وجود می‌آید. این امر در سابه برنامه ریزی هدفمند جهت تداوم حیات ساختار شهری امکان پذیر خواهد شد چرا که برنامه ریزی مجموعه‌ای از تصمیمات و فعالیت‌های منوالی است که جهت کنترل و هدایت تغییرات در مسیری که به وضعیت مطلوب می‌انجامد، صورت می‌پذیرد. برای بیان ضرورت‌های چنین اقدامی باید به ۱۲ نظام ساختار کالبدی و فضایی شهرها توجه نمود تا در سابه آن بتوانیم به تداوم حیات شهرها در هنگام حوات غیر مترقبه از جمله وقوع زلزله و سیل امیدوار باشیم.

#### بررسی نظام ساختار فضایی و کالبدی شهرها

بررسی میزان تاب آوری نظام ساختار فضایی و کالبدی شهرها، همانطور که پیامبر اعظم اسلام می‌فرماید: *حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا*، و زنها قبل ان تؤزنوا، و تجهزوا للعرض الاکبر (پیش از آن که مورد حسابرسی قرار گیرید، خود به حساب نفستان بر سید و پیش از آن که سنجیده شوید، خود نفستان را در ترازوی

نیست بلکه آزمایش میزان تاب آوری ساختار شهری است. (امام علی (ع))  
**واژه‌های کلیدی:** تاب آوری، انسان متعالی، خلقت و آفرینش طبیعت، پویایی، پایداری، ساختار فضایی و کالبدی شهر، ظرفیت محیطی، مدیریت شهری

#### مقدمه

انسان متعالی (خلاق) رکن اصلی تاب آوری به شمار می‌آید در تاب آوری معیارها و شاخص‌های مختلفی مطرح می‌گردد و بر اساس این معیارها و شاخص‌ها نسبت به تاب آوری شهرها نتیجه گیری می‌نمایند در حالیکه اصلی‌ترین رکن ارزیابی میزان تاب آوری شهرها، توجه به خودباوری و پویایی انسان متعالی (خلاق) می‌باشد. نهج البلاغه حقیقت انسانی انسان را به روح می‌داند، قدرت روح تا آنجاست که حقایق ماورای ماده را می‌بیند و نه تنها با قدرت عقلی به «علم الیقین» می‌رسد، بلکه با قدرت و چشم دل به «عین الیقین» و «حق الیقین» می‌رسد، لذا با اینکه در عالم دنیا به سر می‌برد، به درجه‌ای از کمال روحی می‌رسد که گویا بهشت و دوزخ را می‌بیند. لذا ضروری است انسان به عنوان خلیفه الهی مدنظر قرار گیرد و نگرش ما به تاب آوری شهرها از بعد نظام خلقت و آفرینش تغییر یابند.

فرسودگی و ناپایداری ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها، مصالح غیر استاندارد، عدم بهره مندی از کیفیات مطلوب در ساخت و سازها در فرایند بازآفرینی و نوسازی شهری در کنار آسیب دیدگی زیست بوم‌ها و برهم خوردن تعادل خرداقلیم‌ها و مخاطرات ناشی از بلایای طبیعی بر لزوم اتخاذ سیاست‌های مربوط به تاب آوری نمودن شهرها تاکید دارند. در این زمینه متأسفانه باید اذعان نمود که ۲۷۴ شهر کشور که شامل کلیه شهرهای بزرگ و کلان شهرها و اغلب مراکز استان‌ها می‌باشند و نیمی از جمعیت شهری کشور را در خود جای داده‌اند در خطر زلزله بالا و بسیار بالا قرار دارند. استقرار ۳۴ درصد از مساحت ۱۴ کلان شهر کشور و به طور کلی ۵۹ درصد مساحت شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر جمعیت کشور در پهنه‌ی خطر زلزله بالا و بسیار بالا، تهدیدی جدی برای کشور به شمار می‌رود که در صورت وقوع زلزله با قدرت ۵الی ۷ ریشتر آسیب‌های جبران ناپذیر انسانی و خسارت‌های مالی هنگفتی را به کشور تحمیل خواهد کرد. از این رو به نظر می‌رسد اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های ارتقای تاب آوری شهری در محدوده‌های هدف بازآفرینی شهری در شکل برنامه‌هایی چون ارتقای کیفیت ساخت و ساز، مقاوم سازی ابنیه و تأمین و ارتقای زیرساخت‌های اساسی، ارائه خدمات و

کلیه سطوح اجرایی و تصمیم گیری تهیه و تدوین شود، سیاست‌های متناسب با آن طراحی گردند، ابزارهای سیاستگذاری تعریف و اهرم‌های اجرایی نیز شناسایی شوند). از اینرو ضروری است نحوه نگرش به موضوع تاب آوری شهرها تغییر پیدا کرده و خود را برای مواجهه با حوادث مترقبه و غیر مترقبه آماده نماییم.

برای تحلیل میزان تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها ۱۲ نظام ساختار فضایی و کالبدی به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است که عبارت است از:

- ۱- نظام خلقت و آفرینش
- ۲- نظام خودباوری و پویایی انسان متعالی (خلاق)
- ۳- نظام نگرش راهبردی و اجرایی با محوریت تدوین ماموریت و چشم انداز
- ۴- نظام ساختار فرهنگی و اجتماعی
- ۵- نظام ساختار مدیریت شهری
- ۶- نظام زیرساخت‌های شهری
- ۷- نظام شبکه معابر و دسترس‌یها
- ۸- نظام تقسیمات کالبدی و مراکز آنها
- ۹- نظام عملکرد و فعالیت کار برپهای عمده شهری

- ۱۰- نظام فرم کالبدی شهر
- ۱۱- نظام استخوانبندی فضاهای همگانی
- ۱۲- نظام سیما و منظر شهری

در نهایت آنچه در تاب آوری اهمیت دارد صرفاً خرابی خانه‌ها و یا ساختمانها نیست بلکه تاب آوری (تداوم حیات) (Resiliency) نظام خودباوری و پویایی انسان متعالی (خلاق) و همچنین ساختار فضایی و کالبدی شهر است که بتواند تداوم حیات زیست شهری را مداومت بخشیده و مردم بتوانند در حداقل زمان به بازیابی فعالیت‌ها پرداخته و شهر پایداری و پویایی خود را باز یابد و از نفس نیافتد. لذا می‌توان به پیروی از فرمایشات حضرت علی (ع) در خصوص خودباوری و جایگاه انسان به عنوان رکن اصلی در تاب آوری شهرها چنین نتیجه گیری کرد:

آیا گمان می‌کنی همین جسم کم حجمی هستی؟ در حالی که جهان به این بزرگی در تو جای گرفته است. (امام علی (ع))

حکمت وقوع زلزله تکان دادن ساختمانها



سنجش بگذارید و برای آن حسابرسی بزرگ آماده شوید. (www.hadithlib.com). می‌تواند محسّنات ذیل را داشته باشد:

الف- شناخت انسان متعالی (خلاق) و آگاهی از نظام خلقت و آفرینش

ب- توسعه عدالت اجتماعی یا محوریت انسان متعالی و کرامت انسانی.

ج- آگاهی از میزان توان و داشته‌های خود از لحاظ نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدها

د- ضرورت تدوین و برنامه ریزی جهت آمادگی لازم برای بررسی میزان تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهر

ح- ستار یوسازی‌های مختلف جهت مواجهه با حوادث غیر مترقبه

خ- آگاه سازی مردم و کاهش صدمات و در نهایت تداوم حیات (تاب آوری) ساختار فضایی و کالبدی شهرها

در نهایت برای اینکه شهرها بتوانند در حوادث غیر مترقبه تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها را نگه دارند و به پویایی و پایداری رسیده، تدام حیات یابند، مدیریت شهری ناگزیر است میزان تاب آوری نظام ساختار فضایی و کالبدی شهر را سنجیده تا بتواند آمادگی لازم را در راستای توسعه پایدار، بست محیطی و شهری داشته باشد.

#### ۱- نظام خلقت و آفرینش

در این نظام ضروری است محورهای ذیل در میزان تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهر مدنظر قرار گیرند:

۱-۱- نحوه نگرش و بینش به آفرینش و خلقت انسان

۲-۱- نحوه نگرش و بینش به آفرینش و خلقت طبیعت

۳-۱- جایگاه انسان در خلقت

۴-۱- تفکر و عمل راهبردی و سیستمی

لذا به چندین آیه در این خصوص اشاره می‌گردد.

\*يَسْجُدُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلَائِكَةُ وَالَّذِينَ أُخْبِرُوا بِأَيُّهَا اللَّهُ يَسْجُدُونَ لَهُمْ وَأَمَّا الْبَشَرُ خَلَقَهُمْ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿١٧٠﴾

\*يَسْجُدُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْخَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٢١﴾

آیه ۱) ﴿إِنَّمَا تَرَأَى اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ حَتَّىٰ آيَةَ ١٨﴾

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء آیه ۷۰)

«ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای

پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم»

نتیجه اینکه در صورت نگرش به طبیعت و انسان به عنوان تسبیح کنندگان خداوند متعالی نحوه فکر و اندیشه ما در خصوص شهرها و ساختمانها، درختان، آب و هوا و زمین و... تغییر بنیادین خواهد نمود و نگرش ما را از نگاه صرف کاملاً کالبدی و فیزیکی به نگرش ارزشی و متعالی تغییر خواهد داد و ما می‌بایست تاب آوری شهرها را از این دیدگاه نگاه کنیم در آن صورت نحوه برنامه ریزی شهری و تصمیم سازی و تصمیم گیری‌های ما ابعاد متفاوتی خواهد داشت.

۲- نظام خردباوری و پویایی انسان متعالی (خلاق)

در این نظام محورهای ذیل در تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهر مدنظر قرار خواهند گرفت:

۱-۲- انسان متعالی (خلاق) محور برنامه ریزی

۲-۲- نگرش به انسان متعالی به عنوان خلیفه خدا روی زمین

۳-۲- ارزش انسان در کل خلقت

لذا به چندین آیه و احادیث در این خصوص اشاره می‌گردد.

مولی الموحدين علی (ع) در خصوص انسان می‌فرماید:

ایا همان می‌کنی همین جسم کم حجمی هستی؟ در حالی که جهان به این بزرگی در تو جای گرفته است.

بعبارتی می‌خواهد جایگاه و قدرت مادی و معنوی و فکری انسان را بیان کند و امروزه شاهد این تواناییهای انسان در ابعاد مخلف هستیم.

- تغییر جهت مطالعات از شناخت کامل شهر به شناخت نیازها، توانها و تنگناها  
- تلفی مراحل برنامه ریزی، تهیه طرح و اجرا به عنوان یک فرایند واحد  
- تاکید بر تحقق پذیری و امکانات اجرایی  
- تاکید بر جلب امکانات مشارکت عمومی، خصوصی و مردمی

#### ۴- نظام ساختار فرهنگی و اجتماعی

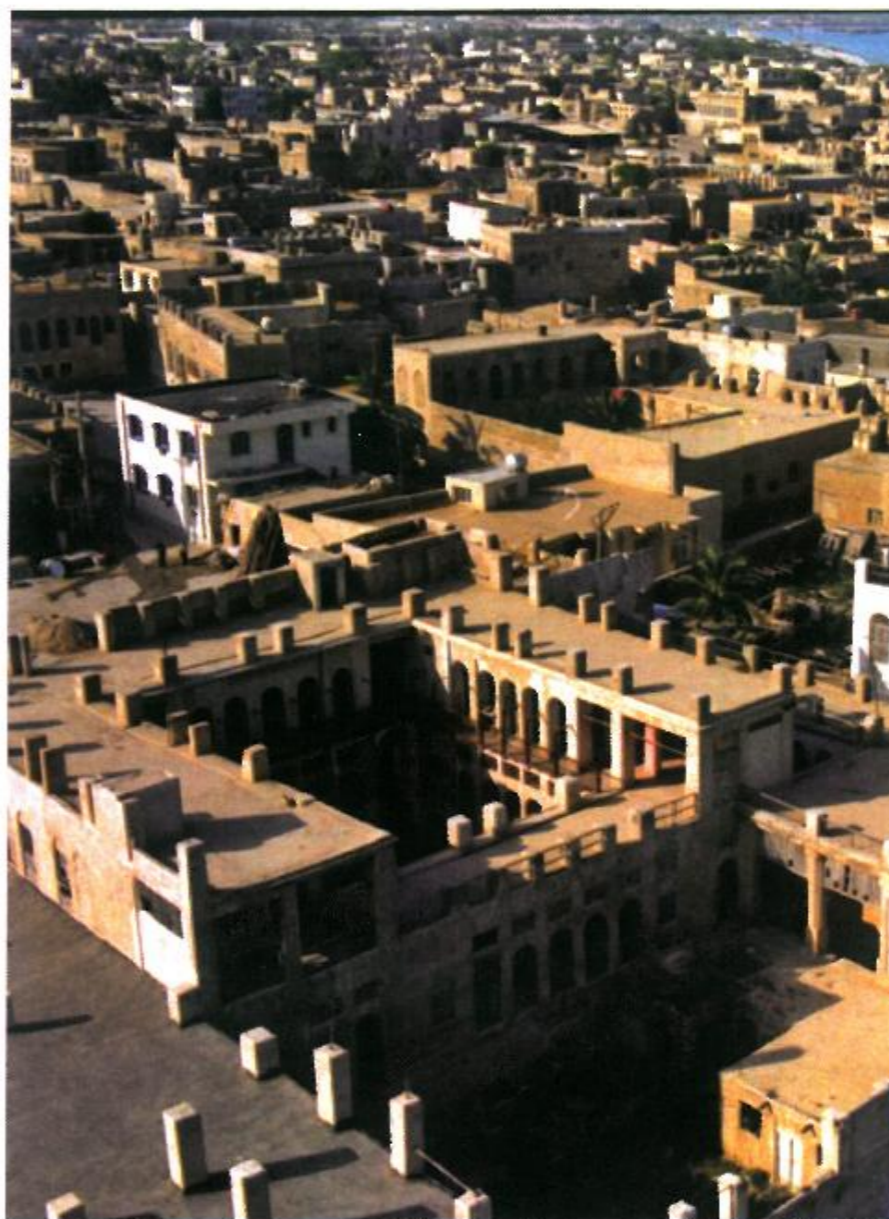
- تغییر در مفهوم انسان منعالی (شرف المکان بالمکین) (حضرت محمد (ص))  
- فقر شهری و جلوگیری از حرکت به سوی فقر پایدار در ابعاد مختلف (فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی، زیست محیطی، اقتصادی، کالبدی) در شهرهای کشور  
- توجه به هویت فضاهای سکونتی و تدوین راهکارهایی برای جلوگیری از بین رفتن هویت محلات شهری  
- تدوین برنامه‌های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت جهت آگاه سازی، توانمندسازی و مشارکت شهروندان جهت افزایش میزان تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها  
- مشارکت جامعه

با توجه به اینکه زمان حوادث غیر مترقبه بخصوص زلزله قابل پیش بینی نیست و مردم می بایست از آمادگی کامل چه قبل، حین و بعد از وقوع زلزله برخوردار باشند، مدیریت شهری و مسئولین می بایست نسبت به تشکیل گروههای مختلف از جمله سازمان‌های غیر دولتی (NGO ها) و نهادهای مبتنی بر گروههای مردمی (CBO ها) و ساماندهی و نظارت بر فعالیتها آنها برنامه‌های هدفمند داشته باشد تا در هنگام وقوع حوادث غیر مترقبه بتوانند مشارکت همه جانبه‌ای داشته باشند. به عبارتی استفاده بهینه از سرمایه‌های اجتماعی در حوادث غیر مترقبه بخصوص در زمان زلزله که یکی از عوامل مهم در پیشبرد اهداف به شمار می آیند.

۵- نظام ساختار مدیریت شهری

این نظام می بایست به ۳ موضوع حیاتی پاسخگو باشد بطوریکه عدم غفلت از آنها تبعات جبران ناپذیری برای شهر و نحوه برخورد با بحران را به همراه خواهد داشت.

۱-۵- مدیریت شهری به عنوان یک رویکرد سیستمی و یک فرایند با ساختار یکپارچه هری گریبن در دهه ۱۹۷۰ میلادی مدیریت شهری را به معنای یک رویکرد کل نگر، سیستماتیک و فرایندی می بیند که باید در اداره شهرها و شناخت و حل مسائل بسیار پیچیده آنها به کار رود. این تلفیقی، مدیریت شهری را هم عرض یک رویکرد سیستمی و یک فرایند می انگارد (برک پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). ولی



چقدر در تاب آوری شهرها جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.

#### ۳- نظام نگرش راهبردی و اجرایی با محوریت تدوین ماموریت و چشم انداز

در این نظام ضروری است محورهای ذیل در تدوین ماموریت و چشم انداز مربوط به میزان تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهر با نگرش راهبردی و اجرایی مدنظر قرار گیرند:

- دوری از اهداف صرفاً کالبدی و تاکید بر اهداف اجتماعی و فرهنگی  
- تاکید بر مفاهیم توسعه پایدار، کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی  
- تاکید بر نگرش راهبردی در درازمدت (کلان نگر و جامع نگر)  
- تاکید بر نگرش اجرایی در کوتاه مدت (برنامه ریزی تدریجی و گام به گام)

﴿ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ﴾ (بقره آیه ۳۰)

«و یاد کن از هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من روی زمین جانشینی قرار خواهم داد.»

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (ماپده، آیه ۳۲).

هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

لذا با لحاظ موارد مذکور خواهیم دید که چقدر انسان در شهرها معنی و هویت پیدا می کند و

مک گیل در سال ۱۹۹۸ با انتشار مقاله مدیریت شهری در جهان در حال توسعه بیان می‌دارد که باید سه نوع یکپارچه سازی برای تحقق مدیریت شهری صورت گیرد: یکپارچه سازی برنامه ریزی شهری و اجرا، یکپارچه سازی تامین زیرساخت‌ها و یکپارچه سازی نهادهای سازمانی (قبلی، ۱۰۲).

۲-۵- وجود اطلاعات و داده‌ها  
در این خصوص مدیریت شهری می‌بایست اطلاعات کاملی از وضعیت اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، ماشین آلات و امکانات رفاهی و خدماتی و غیره به همراه نقشه و داده آماری دقیق در اختیار داشته باشد و بتواند در تصمیم سازی به نحو مناسب از آنها استفاده نماید. این اطلاعات هم مربوط به سازمانها و نهادهای دولتی است و هم خصوصی؛ چراکه امکانات سازمانها، نهادها و افراد خصوصی در برنامه ریزی ما جایی نداشته و از این پتانسیل محروم هستیم. به عبارت دیگر باید بانک اطلاعاتی (Database) بروز شده‌ای از امکانات خود داشته باشیم و گاهی اتفاق می‌افتد که اطلاعات ما مربوط به چند سال گذشته است که در حال حاضر کارایی لازم را ندارند.

۳-۵- مدیریت جامع بحران  
یکی از اصلی ترین وظایف و کارهایی که می‌بایست از طرف مدیریت شهری و مسئولین ذیربط در زمان حوادث غیرمترقبه صورت گیرد بر آورد میزان بحران و تدوین راهکارهای عملی و یا تعبیر آنی (طرحی برنامه عمل ACTION PLAN) می‌باشد تا از این طریق بتوانند در حداقل زمان ممکن نسبت به ارائه خدمات لازم اقدام نمایند. متأسفانه با توجه به عدم مدیریت جامع بحران در سطوح مختلف گاه شاهد خسارات و آسیب‌های جدی در مراحل گوناگون بحرانها هستیم. چراکه «مدیریت جامع بحران» در پنج فاز، پیشگیری، کاهش مخاطرات، آمادگی، مقابله و بازسازی و باز توانی انجام می‌شود. به عبارتی مدیریت بحران بر نوعی تدبیر استراتژیک دلالت دارد که در فرایند آن محیط‌های داخلی و خارجی یک بحران مورد تحلیل واقع شده، شناخت لازم کسب، مسیر استراتژیک پایه گذاری و استراتژی‌هایی خلق می‌شوند که نخبگان را برای رسیدن به اهداف تعیین شده و تدبیر شایسته و بایسته بحران یاری رساند. از اینرو مسئولین می‌بایست بتوانند این فرایند را به طور ممتد و دائمی پیگیری کنند تا در زمانهای وقوع حادثه تاب آوری ساختار شهری افزایش یابد.

**۶- نظام زیر ساختهای شهری**

یکی از عوامل مهمی که باعث تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها می‌گردد پایدار شبکه زیرساختهای شهری در هنگام حوادث و بحرانها بخصوص در زمان زلزله می‌باشد. زیرساختهای

شهری از جمله تاسیسات و تجهیزات برق، آب و فاضلاب، گاز و مخابرات نقش تعیین کننده‌ای در تداوم حیات شهرها دارند و چه بسا عدم توجه به آنها ممکن است همانند حوادث غیرمترقبه و حتی بیشتر از آن موجب خسارات به ساختار شهری باشند. زیرساختهای شهری در زمانهای زلزله باید چندین ویژگی داشته باشند که به شرح ذیل می‌باشند:

۱- تاسیسات و تجهیزات برق، آب و فاضلاب، گاز و مخابرات می‌بایست مستقل و خودکفایی لازم در تقسیمات کالبدی را داشته باشند بطوریکه در بحرانها چنانچه به یک قسمتی از آنها آسیب وارد گردد باعث محرومیت سایر نواحی نگردد و مناطق دیگر بتوانند پایدار و یوبایی خود را حفظ نموده و به کمک مناطق و نواحی آسیب دیده بشتابند.

۲- استفاده از تجهیزات و تکنولوژیهای جدید در جهت کاهش صدمات زلزله به تاسیسات و شبکه‌های زیرساختهای شهری از جمله زیرساختهای شهری به علاوه هشدار دهنده مجز بوده تا در صورت هرگونه اتفاقی سریع اقدامات لازم جهت از کار افتادن آنها صورت پذیرد در غیر اینصورت شاهد خسارات بیشتری از طرف آنها برای شهر و ندان و ساختار شهری خواهیم بود.

۳- امکانات سیال از زیر ساختهای شهری را طراحی کنیم که در زمان بحران بتوانیم خدمات لازم را ارائه نماییم از جمله برای مخابرات و سایر زیرساختها.

۴- در طراحی و ایجاد زیرساختهای شهری به مباحث مربوط به پدافند غیر عامل دقت لازم را داشته باشیم.

۵- اطلاعات جامع و بروز شده‌ای از زیرساختهای شهری داشته و آنها را در مکانهای مورد امن و قابل دسترسی در زمان بحرانها نگهداریم.

**۷- نظام شبکه معابر و دسترسیها**

شبکه معابر شهری و دسترسیها نقش تعیین کننده

یکی از اصلی ترین وظایف و کارهایی که می‌بایست از طرف مدیریت شهری و مسئولین ذیربط در زمان حوادث غیرمترقبه صورت گیرد بر آورد میزان بحران و تدوین راهکارهای عملی و یا تعبیر آنی (طرحی برنامه عمل ACTION PLAN) می‌باشد تا از این طریق بتوانند در حداقل زمان ممکن نسبت به ارائه خدمات لازم اقدام نمایند

در میزان تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها می‌توانند ایفا کنند چرا که هر گونه خدمات رسانی در زمانهای بحران منوط به وجود شبکه معابر پویا، روان و فعال می‌باشند. در صورتی که دسترسیها ما چه به عنوان خیابان و یا کوچه‌ها در زمان زلزله مسدود میشوند خدمات رسانی به آسیب دیدگان به سختی و حتی غیرممکن خواهد بود. لذا می‌بایست شبکه معابر شهری در زمانهای بحران بتواند جوابگوی نیازهای مربوطه باشد و این امر در سایه طراحی مناسب و بهینه شبکه معابر در راستای محوریت انسان متعالی به عنوان رکن پایدار توسعه، کاربریها، تراکم و نفتش آبی شهر که در چشم انداز (VISION) تعیین شده است صورت گیرد.

**۸- نظام تقسیمات کالبدی و مراکز آنها**

نظام تقسیمات کالبدی شهر به همراه مراکز آنها می‌بایست با توجه به شرایط مکانی و زمانی، مساحت، جمعیت، فعالیت و ظرفیت محیطی طوری برنامه ریزی و طراحی گردد که در زمان حوادث غیر مترقبه مانند زلزله شاهد توزیع بهینه ای از جمعیت و خدمات در سطح شهر باشیم و ظرفیت محیطی فضاها را در تقسیمات کالبدی مدنظر قرار بدهیم. بطوریکه شهر در عین اینکه از یک وحدت کلی برخوردار می‌باشد دارای محلات متنوع و یوبایی و با هویت باشند بعبارت دیگر وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت در تقسیمات کالبدی و مراکز آنها الحافظ گردد.

تقسیمات کالبدی توانسته است که به نحو مناسبی نقش خود را ایفا نموده و از آسیب پذیری شهر بکاهد بطوریکه یوبایی مراکز تقسیمات کالبدی عملاً شهر را از تک هسته ای جدا نموده و فعالیت و تحرک را به شهر تریق نموده است.

**۹- نظام عملکرد و فعالیت کاربریهای عمده شهری**

یکی دیگر از کاربریها و فعالیتهایی که نقش تعیین کننده‌ای در تاب آوری ساختار شهرها می‌توانند داشته باشند مربوط به کاربریهای عمده شهری هستند کاربریهای عمده شهری شامل کاربریهای است که عملکرد شهری و فراشهری دارند. این کاربریها در واقع نقش هدایتی و تداوم بخشی به حیات سایر فعالیتها را بازی می‌کنند. کاربریهای از جمله ادارات، بیمارستانها، فرودگاهها، ترمینالها، مراکز پشتیبانی، مراکز اطلاع رسانی و فرهنگی، دانشگاهها و صنایع و غیره از اینرو این ضروری است در ساخت و مکان یابی این کاربریها نهایت دقت و توجه معطوف گردد تا در زمانهای زلزله بتوانند به ارائه خدمات به آسیب دیدگان بپردازند. در این راستا اکثر مراکز خدماتی توانسته بودند از آسیب هادر امان باشند و به نحو مقتضی به ارائه



و پویایی انسان متعالی (خلاق) توجه نماییم در آن صورت می‌توانیم تاب آوری شهرها را افزایش دهیم و شهرها خواهند توانست پویایی و پایداری خود را قالب یک سیستم حفظ نمایند تا از این طریق شاهد سرزندگی، حیات، نشاط در شهر و ندان و شهر باشیم. در این خصوص چنانچه مدیریت شهری بتواند شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، انسانی، زیست محیطی، کالبدی، مدیریتی و مشارکتی را در قالب نظام‌های ۱۲ گانه در طول زمان مورد بررسی و تحلیل قرار داده و زمینه پویایی و پایداری آنها را محقق ببخشد و با ساز کارهای مناسب و با بار بیانی و کنترل در طول سالهای متوالی اجازه دهد که حد آستانه شاخصها تنزل و افت داشته باشند شاهد تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها و آمادگی بیشتر در بین مردم و سکونتگاهها جهت برخورد با حوادث و سوانح غیر مترقبه خواهیم بود.

در نهایت آنچه در تاب آوری (تداوم حیات) (Resiliency) ساختار فضایی و کالبدی شهرها اهمیت ویژه‌ای دارد توجه به انسان متعالی (خلاق) و نظام آفرینش و خلقت طبیعت است که بتواند تداوم حیات زیست شهری را مداومت بخشد و مردم بتوانند در حداقل زمان به پویایی فعالیتها پرداخته و شهر پایداری و پویایی خود را باز یابد و از نفس نیافتند در غیر این صورت شاهد ویرانی فزاینده شهر خواهیم بود. لذا می‌توان به پیروی از فرمانات حضرت علی (ع) در خصوص خودباوری و جایگاه انسان به عنوان رکن اصلی در تاب آوری شهرها چنین نتیجه گیری کرد:

آیا گمان می‌کنی همین جسم کم حجمی هستی؟  
در حالی که جهان به این بزرگی در توجای گرفته  
است. (امام علی (ع))  
حکمت وقوع زلزله تکان دادن ساختمانها نیست  
بلکه آزمایش میزان تاب آوری ساختار شهری  
است. (امام علی (ع))

#### منابع و مآخذ:

- ۱- ایزدی، محمد سعید (۱۳۹۲)؛ فصلنامه هفت شهر، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، شماره ۴۲-۴۴ پاییز و زمستان.
- ۲- برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۹۰)؛ مدیریت و حکمرانی شهری، دانشگاه هنر، چاپ دوم
- ۳- قرآن مجید، سوره بقره، آیه ۳۰
- ۴- قرآن مجید، سوره اسراء، آیه ۷۰
- ۵- قرآن مجید، سوره تغابن، آیه ۱
- ۶- قرآن مجید، سوره حج، آیات ۲-۱ و آیه ۱۸
- ۷- قرآن مجید، سوره جمعه، آیه ۱
- ۸- قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۳۲
- ۹- <http://www.hadithlib.com>

شبکه معابر شهری و  
دستر سبها نقش تعیین  
کننده در میزان تاب آوری  
ساختار فضایی و کالبدی  
شهرها می‌توانند ایفا کنند  
چرا که هر گونه خدمات  
رسانی در زمانهای بحران  
منوط به وجود شبکه معابر  
پویا، روان و فعال می‌باشد

برنامه ریزهای شهری برای حفاظت از این بناها و ساختمانها تدابیر ویژه‌ای اندیشید، که هر بیننده ای را به طرف خود جلب می‌نمودند و در واقع نشان می‌دادند که شهر هنوز زنده است به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

#### نتیجه گیری

آنچه در بررسی و تحلیل وضعیت شهرها پس از وقوع حوادث غیر مترقبه حائز اهمیت است میزان تاب آوری (تداوم حیات) ساختار فضایی و کالبدی شهرها است. برای اینکه شهرها بتوانند به این امر حیاتی و مهم دست یابند (تاب آوری داشته باشند) ضروری است که ساختار شهری بتواند در ابعاد و نظام‌های ۱۲ گانه از جمله:

- ۱- نظام خلقت و آفرینش
- ۲- نظام خودباوری و پویایی انسان متعالی (خلاق)
- ۳- نظریه نگرش راهبردی و اجرایی با محوریت تدوین ماموریت و چشم انداز
- ۴- نظام ساختار فرهنگی و اجتماعی
- ۵- نظام ساختار مدیریت شهری
- ۶- نظام زیرساختهای شهری
- ۷- نظام شبکه معابر و دسترسها
- ۸- نظام تفسیمات کالبدی و مراکز آنها
- ۹- نظام عملکرد و فعالیت کاربر بهای عمده شهری
- ۱۰- نظام فرم کالبدی شهر
- ۱۱- نظام استخوانبندی فضاهای همگانی
- ۱۲- نظام سیما و منظر شهری

لذا می‌بایست نحوه نگرش به آفرینش و انسان در برنامه ریزها تغییر پیدا کنند و انسان به عنوان خلیفه روی زمین مدنظر قرار گیرد و طبیعت و شهرها و آب و خاک با دیدگاه قرآنی و انسانی مورد نگرش و کنکاش قرار گیرند به عبارتی می‌بایست با دید اینکه طبیعت و عناصر شهری دارای جسم و روح هستند مورد توجه قرار گیرد در این صورت است که ما می‌توانیم جایگاه واقعی انسان و شهرها را (تمامی عناصر انسان ساخت و طبیعی) در تاب آوری مورد بررسی و سنجش قرار دهیم. چنانچه انسان به عنوان رکن اصلی تاب آوری مدنظر قرار گیرد و به نظام خودباوری

خدمات به زلزله زدگان بپردازند بطوریکه در حداقل زمان ممکن شاهد تداوم حیات در این شهرها بودیم.

- ۱۰- نظام فرم کالبدی شهر
- یکی دیگر از عوامل اصلی در تاب آوری ساختار شهری مربوط به فرم کالبدی شهر می‌باشد فرم کالبدی از بعد قابل بررسی است:
- ۱-۱۰- بررسی وضعیت بافت شهرها
- ۲-۱۰- تراکم (تراکم ساختمانی و جمعیتی)
- ۳-۱۰- نظام دانه بندی قطعات
- ۴-۱۰- نظام چیدمان فضایی کاربریها و قطعات در سطح شهر

۵-۱۰- بررسی وضعیت توده و فضا (mass & space)

۶-۱۰- بررسی وضعیت پیر و خالی قطعات  
چنانچه هر یک از موارد فوق بتوانند در راستای الگوهای انسانی با محوریت انسان و طبیعت برنامه ریزی و طراحی گردند شاهد تاب آوری ساختار فضایی و کالبدی شهرها خواهیم بود در غیر این صورت آسیب پذیری ساختار شهرها به شدت افزایش خواهد یافت.

۱۱- نظام استخوانبندی فضاهای باز و همگانی  
وجود فضاهای باز و همگانی می‌توانند در خدمات رسانی و اسکان به مردم به عنوان فیلتر شهری عمل نموده و به کمک مدیریت جامع شهری در قسمت بازسازی و باز توانی بشتابند. این فضاهای عملکردهای متنوعی و چند بعدی را می‌توانند چه در زمان زلزله و چه قبل از آنها داشته باشند. از اینرو در برنامه ریزی و طراحی شهر توجه به این فضاها از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار هست.

#### ۱۲- نظام سیما و منظر شهری

به عواملی از شهر سیما یا منظر گویند که با دیدن آن در انسان تغییرات روحی ایجاد گردد و یا آنچه گویند معتمد است که آنچه به دیده آید، به ذهن سپرده شود و سبب شادی خاطر گردد سیما یا منظر شهری گفته می‌شود. با توجه به اینکه سیما و منظر شهری باعث نشاط و پویایی در مردم شهر می‌گردد نقش تعیین کننده ای در تداوم حیات ساختار شهری دارند. فضاهای شهری، نشانه‌ها، جداره‌ها، کریدورها و ساختمانهای بالارزش و تاریخی جزء سیما و منظر شهر به شمار آمده و چنانچه آنها بتوانند در حوادث غیر مترقبه مانند زلزله پایدار خود را حفظ نمایند می‌توانند سرزندگی و نشاط و حیات را به شهر برگردانند و تاب آوری ساختار شهری را به از مغان بیاورند.

از موارد دیگری که می‌تواند تداوم حیات را به ساختار شهری برگرداند پایداری فضاهای شهری، نشانه‌ها، جداره‌ها، کریدورها و ساختمانهای بالارزش و تاریخی شهرها می‌باشد لذا می‌بایست در

## معرفی برنامه اصلاح مجدد زمین (LR) به عنوان ابزار مدیریت توسعه در بافت‌های فرسوده شهری

[سینا صبری]

(دانشجوی دکتری شهرسازی، عضو کمیته تدوین خدمات مهندسیین شهرسازی، شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی کشور)

[احسان لنگزبان]

(کارشناس ارشد شهرسازی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد)

بدین معنا که این طرح‌ها ممکن است با خطوط مالکیت موجود دچار مغایرت شده و فرم‌های نامتعارفی در شکل پلاک‌ها ایجاد کند. در تعریض گذرها و تعریف کاربری‌های جدید، سهم‌های متفاوتی از پلاک‌های مختلف گرفته می‌شود که این به معنای عدم رعایت تساوی میان مالکان بوده و خود می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در جهت جلب مشارکت

یک بافت فرسوده شهری) تهیه می‌شود، به دلیل ارگانیک بودن اغلب این پهنه‌ها و ریزدانه بودن قطعات، تنوع مساحت و جهت‌گیری‌های مختلف قطعات نسبت به معابر - به دلیل تفکیک‌های متوالی و بدون قاعده در دوره‌های مختلف زمانی - در جریان تعریض گذرها و احداث کاربری‌های جدید، مشکلاتی ایجاد می‌گردد.

اصلاح مجدد زمین Land Readjustment شیوه‌ای در مدیریت زمین شهری، بخصوص در پهنه‌هایی است که گسترش شهر بدون برنامه‌ای مشخص و مدون، رخ داده است. موضوع اصلاح مجدد زمین، تبدیل توسعه پراکنده، بی‌قاعده و نامنظم زمین به فضایی توسعه یافته و در چارچوب نیازهای برنامه‌های توسعه شهری می‌باشد.

تعاریف متفاوتی از مفهوم اصلاح مجدد زمین، از سوی نویسندگان و موسسه‌های مختلف ارائه گردیده است. در سال ۱۹۹۰، مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تنظیم کرد که بر اساس آن:

«مناطق توسعه نیافته می‌تواند بر اساس برنامه اصلاح مجدد زمین، جهت بهسازی، شامل اصلاح و چیدمان مجدد قطعات، شبکه بندی زمین، احداث جاده‌ها و فراهم‌آوری تأسیسات، طراحی گردد. در این روش به جای پرداخت عوارض ترقی ملک، مالکان می‌بایست قسمتی از زمین خود را به عنوان عوارض ترقی و بهبود ملک، به مسئولان محلی و گذار نمایند. بنابراین مسئولان محلی می‌توانند این بخش‌ها را مجدداً به فروش برسانند و بدین طریق هزینه‌های بهسازی را تأمین نمایند.» (HABITAT, ۱۹۹۰)

در حالی که «اصلاح مجدد زمین» اصطلاحی معمول است، اما در برخی موارد با عناوینی چون یکپارچه سازی زمین، تغییر چیدمان قطعات، سازمان دهی مجدد زمین، قطعه بندی، تقسیم بندی مجدد، در ژاپن Kukaku Seiri یا KS و در آلمان Umlegung نیز نامیده می‌شود.

مفهوم طرح بسیار ساده است. هنگامی که یک طرح توسعه شهری با مقیاس تفصیلی برای یک پهنه توسعه نیافته شهری (به طور مثال



ساکنان بافت فرسوده در تهیه و اجرای طرح باشد. مجموع این مسائل سبب رنگ شدن هدف اصلی که «ارتقا کیفیت محیطی در بافت فرسوده» و کاهش سطح تحقق پذیری طرح می گردد.

علت این مسئله که خود یک مشکل بسیار اساسی در تدوین نهایی طرح‌های توسعه‌ای بافت‌های فرسوده است، عدم توجه به ضرورت مدیریت و توسعه یکپارچه زمین، همگام با جریان توسعه کالبدی بیش بینی شده برای این پهنه‌ها می باشد. منظور از مدیریت توسعه زمین، ایجاد هماهنگی میان ویژگی‌های زمین با نحوه استفاده از آن است.

برنامه اصلاح مجدد زمین به عنوان یک ابزار توسعه زمین، علاوه بر ایجاد فرصت جهت اقدام کالبدی اصولی در بافت فرسوده، زمینه جلب مشارکت ساکنین را نیز فراهم می نماید و بدین ترتیب ضریب تحقق پذیری طرح را افزایش می دهد.

برنامه اصلاح مجدد زمین، با توجه به نقش و مشارکت مالکان محلی، در طراحی و اجرای برنامه و همچنین انتقال مالکیت‌های پیشین

به مالکین اصلی، عملاً سبب حفظ جامعه محلی و روابط اجتماعی موجود بین آنها می گردد.

### مراحل فرآیند اصلاح مجدد ارضی

جهت اجرای برنامه اصلاح مجدد زمین، چندین مرحله وجود دارد که در کشورهای مختلف با توجه به قوانین و سیاست‌های مرتبط با زمین، متفاوت است. با توجه به این موضوع، اعمال تغییرات جزئی در این فرآیند ضروری است. در اینجا صرفاً به بیان مراحل اصلی در فرآیند اصلاح مجدد ارضی پرداخته می شود.

الف- تصمیم گیری از جانب مسئولان جهت اجرای یک طرح توسعه زمین در یک محدوده معین، می بایست نیاز واقعی به زمین جهت توسعه مسکونی، خدمات و یا شبکه معابر - وجود داشته باشد. بدین منظور، طرح اصلاح مجدد زمین، از سوی بخش «برنامه ریزی زمین» و در چارچوب طرح بالادست - تفصیلی یا ویژه نوسازی و بهسازی - تهیه و به مدیران محلی پیشنهاد می گردد. سپس مدیران محلی در مورد گزینه‌های ارائه شده بحث و تصمیم گیری می کنند.

اگر طرح از سوی مسئولان به تصویب رسید، به تمامی مالکان در محدوده طرح، شامل مالکان حقیقی و حقوقی، اطلاع رسانی شده و از آنها خواسته می شود که به شکلی متناسب، بخشی از ملک خود را جهت احداث خدمات و تسهیلات عمومی، واگذار نمایند.

ب- ممیزی املاک واقع در محدوده طرح پیش از آغاز طرح، می بایست برداشت اولیه از وضعیت زمین و املاک واقع در آن صورت پذیرد. تمامی اسناد قانونی و نقشه‌ها، همچون طرح‌های منطبقه بندی، نقشه‌های مالکیت و نقشه شیب بندی زمین می بایست به روز گردند.

پس از به روز رسانی اسناد مورد نیاز، می بایست از صحت نقشه‌های مالکیت اطمینان حاصل نمود. کلیه خطوط و مرزهای موجود همچون حدود قطعات ثبتی، محدوده پروژه‌ها و جزئیات مربوط به منطقه بندی، می بایست با دقت در نقشه پایه منعکس گردد.

ب- محاسبات به طور کلی، فرآیند محاسبات در اصلاح مجدد زمین، بر ۳ گام اصلی استوار است:

۱. تمامی قطعات زمین با هم تجمیع شده و یک «کل یکپارچه» را تشکیل می دهند. این عمل صرفاً به شیوه‌ای ریاضی انجام شده و به لحاظ ثبت زمین، روی نمی دهد.

۲. سطوح مورد نیاز کاربریهای عمومی همچون جاده‌ها، فضای سبز، مدارس و بیمارستانها، از این «کل یکپارچه» کسر می گردد.

۳. باقی مانده محدوده طرح، به قطعات ساختمانی تقسیم شده و مجدداً میان مالکان اصلی، توزیع می گردد.

بدنبال این مراحل، محدوده طرح بر روی نقشه پایه، از طریق ترسیم حدود دقیق طرح، تعیین می گردد. بر این اساس، تمامی قطعات واقع در محدوده طرح، مطابق با ابعاد قانونی ثبت شده مشخص می گردد. همزمان اطلاعات پایه مربوط به املاک همچون شماره شناسایی، موقعیت، نام مالک، آدرس و سایر اطلاعات مورد نیاز جهت استفاده‌های دیگر، استخراج می گردد.

بدنبال انجام محاسبات، میزان مشارکت هر یک از قطعات در تأمین سطوح خدماتی تعیین می گردد. این عمل به روش‌های متفاوتی می تواند صورت پذیرد. ضریب سهم گذاری و درصد مشارکت هر یک از مالکان از طریق قطعه زمین مورد تملک، تعیین می گردد.

ج- توزیع مجدد قطعات زمین:

توزیع مجدد قطعات زمین، مهمترین و پیچیده ترین مرحله، در فرآیند اصلاح مجدد زمین می باشد. منظور از توزیع مجدد، ایجاد قطعات ساختمانی جدید بر اساس منطقه بندی استاندارد و سپس انتقال مالکیت قطعات ثبتی به قطعات جدید است. بر اساس این چارچوب، تعویض قطعات میان افراد با بخش عمومی و همچنین میان خود افراد صورت می گیرد و مالکان قطعاتی جدید در ابعاد و موقعیت‌های مختلف نسبت به زمین اصلی خود در بافت می نمایند.

حداقل مساحت قطعات جدید بر اساس طرح منطقه بندی تعیین می گردد. اصل پایه در فرآیند توزیع مجدد، حفظ موقعیت زمین، حتی المقدور در موقعیت اصلی آن می باشد.

د- ثبت نهایی:

پس از توزیع مجدد اراضی، طرحی مقدماتی از تقسیمات صورت گرفته، به اطلاع مالکان می رسد و مالکان می توانند اعتراض خود را در مدت زمانی معین به صورت کتبی، به مسئولان اعلام نمایند. سپس نقاضای مالکان بوسیله کمیته برنامه ریزی بررسی شده و تصمیمات نهایی اتخاذ می گردد. پس از آن نقشه ثبتی جدید ترسیم و قطعات جدید توسط اداره ثبت، به ثبت می رسد. اسناد مالکیت جدید آماده و میان مالکان جدید توزیع می گردد.



# نگاهی به روند نو سازی بافت تاریخی شیراز در دوره های مختلف

[نسترن نژادانی]

دانشجوی دکتری شهر سازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

[علی سلطانی]

دانشیار شهر سازی دانشگاه شیراز، عضو هیات مدیره نظام مهندسی فارس

## ۱. مقدمه

شهر به مثابه عرصه نمایش مظاهر تمدن انسان، در تاریخ حیات خود، مکانی را ندای می کند که کالبد متکثر دارد و عملکرد مختلف، معنا می آفریند و گاه از معنا تهی می گردد. شهر بیش از آنکه خالق باشد، مخلوق انسان است. اما به این اعتبار که حاصل برآیند انواع نیروهای سامان بخش به آن است، منشأ اثر می باشد. نیروهای موثر در فرآیند شکل دهی به شهر در وهله اول مدیریت کلان شهری است و حکمرانان کشوری و در کنار آن مالکان بخش خصوصی هستند که در بهترین حالت با کلیت یکپارچه بخشی از شهر مواجه می شوند و در اغلب حالات قطعه به قطعه از قطعات ملکی شهر را به مرور زمان تغییر می دهند. محدوده های بافت تاریخی شهرها به اعتبار ریشه ای که در خاک دوانده اند، نشانگر این مهم هستند که به اعتبار ماندگاری شان در زمان، واجد شاخصه های پایداری می باشند. یا شناخت مولفه های پایدار کننده این بخش از هویت کالبدی و فرهنگی شهرها، می توان به برنامه ریزی و ساخت و ساز در پهنه های نوین شهر دست یافت. همزمان با ورود مولفه های مدرن چه در قالب عملکردهای نوین یا کالبد معماری مدرن و یا تکنولوژی های نوین خلق فضا در شهر، بایستی بستر موجود تماما شناخته شود، نقاط قوت قابل روز آمد شدن یا نقاط ضعف نیازمند اصلاح نیز به تبع آن بایستی مشخص شود تا بتوان از هویت وجودی آن در برابر هجوم وقوع امر مدرن محافظت کرد. کالبد و عملکرد مدرن اگر به شکلی که تا امروز فرصت بروز یافته، به شکل پروژه ای ناتمام، بافت تاریخی را ناکارآمد دانسته و در پی بلعیدن (مداخله یا هدف تخریب) آن باشد، نتیجه آن خواهد بود که امروز در شهر شیراز بوقوع می پیوندد. علیرغم سالها مقاومت و پابرجایی محدوده بافت تاریخی و فرهنگی، مداخلات گسترده ای را شاهد هستیم که عمدتاً با حمایت مجموعه های

دولتی اتفاق می افتد و منجر به تخریب و بازسازی محدوده هایی ارزشمند از آن می شود. از جمله مهم ترین دغدغه های موجود در بافت، مسئله دسترسی هاست که با توجه به گستردگی پهنه آن و دربرگیری طیف متفاوتی از مخاطبان که شامل: زائران، گردشگران، خریداران و ساکنان، می شود و از آنجایی که مسأله تردد وسایل نقلیه به مثابه نماد ورود مدرنیته به ایران است، بایستی پیش از تخریب بافت به نفع تامین دسترسی نظیر آنچه بیشتر در شهرهای مشهد، اصفهان، تهران و بزداتفاق افتاده است، چاره ای اندیشیده شود تا ضمن حفظ هویت بافت، به نیازهای مخاطبان پیاده یا سواره این فضا، پاسخ درخور ارائه گردد. همچنین معضل دوم، بافت اجتماعی ساکنان در آن است که امروزه به دلیل عدم ورود مظاهر مدرنیته در پهنه سکونت، آن، از سکنه خالی شده و عمدتاً فشر مهاجرین افغان و یا افراد آسیب دیده اجتماعی در آن ساکن هستند که خود بخود امنیت بافت را کاهش داده است. لذا با شناخت آنچه تا امروز بافت تاریخی فرهنگی شهر شیراز را در طول تاریخ زنده نگاه داشته است، می توان به روز آمد کردن عملکردها و تقویت کالبد آن، دست یافت و در نهایت فضا را متناسب کرد با نیازهای مخاطبان آن.

## ۲. شناخت مولفه های پایداری بافت تاریخی شیراز طی قرون متمازی

با بررسی کالبدی و عملکردی بافت تاریخی شهر شیراز و با مقایسه آن با اصول حاکم بر مفهوم پایداری چنین برداشت می گردد تا پیش از بروز مسأله دسترسی بوسیله ماشین، پهنه مذکور واجد مولفه های کیفیت زندگی بوده است و شاهد این مدعا دوام و پایداری کالبد و عملکرد آن طی قرون متمازی است. بدین ترتیب میتوان دلایل پایداری آن را چنین برشمرد: نزدیکی محل کار و سکونت افراد، عدالت فضایی در توزیع تاسیسات شهری، وجود سلسله مراتبی از خدمات در

مقیاس کوی، محله و شهر، وجود حسن تعلق به مکان در میان ساکنان، درهم تنیدگی عملکردهای مذهبی و مسکونی، همسازی با اقلیم در معماری و شهرسازی، همبستگی اجتماعی، اهمیت مجاورت با حرم شاهچراغ و سید علاءالدین حسین، مشارکت مردم در توسعه محله به لحاظ بر خور داری از خدمات و به تبع آن مسئولیت پذیری در برابر محیط مسکونی، امنیت موجود در بافت به دلیل وجود نظارت اجتماعی، خواتایی بافت و شکل گیری تدریجی آن در گذر زمان و همزمان پاسخگویی به نیازهای روز ساکنان، اما با ورود ماشین به عرصه زندگی شهری و فاصله محل کار از سکونت، به صورت تدریجی بافت تاریخی مذکور، ناکارآمد تلقی شد و از سکنه خالی. امروز این بافت مورد مداخله و حمله اقداماتی است که تحت تاثیر تفکر مدرنیته قرن بیستم، به تخریب و بازسازی های گسترده می پردازد. این در حالی است که امروزه متاثر از اندیشه گدس، اساساً شهرها باید تحت نگهداری قرار گیرند و در آنها زندگی شود نه اینکه تخریب شوند تا در آنها راندگی شود و مورد سوداگری قرار گیرند. (رادول، ۱۳۹۳: ۳۸)

## ۳. مقایسه طرح های مداخله در بافت تاریخی شهر شیراز

با مرور بیانیه ها و منشورهای بین المللی «مرمت و حفاظت شهری» همراه با دمیدن «روح زمانه» به مفاهیم مرتبط با موضوع، نحوه نگرش به خلق اثر جدید، از مستندات منشور ایکوموس در شهر بورا در باب مرمت و حفاظت مکان های واجد ارزش تاریخی در سال ۱۹۹۹ که بندد ۲۲ آن، افزودن اثر جدید به «مکان» را در صورتی که ارزش آن را تحت الشعاع قرار ندهد جایز دانست و همچنین این اصل را ارائه کرد که «اثر جدید باید قابل تشخیص باشد» [اینکه جدید است و به بافت موجود اضافه شده] «لطیفی، ۱۳۹۰: ۲۰۴» به دیدگاه ارائه شده در بند ۱۱ اظهارنامه



است که بر این اساس تنها دو پروژه بین الحرمین به لحاظ وسعت و پروژه احیای محور سنگ سیاه به لحاظ اختلاط کاربری‌ها و توجه به سکونت در محله، واجد توازن می‌باشند. در خصوص حفظ میراث در فرآیند اقدامات نیز تنها توسعه بین الحرمین بدون توجه به این مقوله برنامه ریزی و اجرا گردیده است. معیار بعدی در تحلیل اقدامات مذکور ارتقا کیفیت محیط شهری است که به صورت عام با تغییراتی که پروژه‌ها در یافت کهن و پر مساله شهر شیراز صورت داده اند منجر به ارتقای کیفیت محیط گشته اند اما در جزئیات موضوع عدم توجه به برخی مسائل نظیر حل معضل دسترسی، سازگاری یا همجواری‌ها، تاثیر بر یافت پیرامون و... تقریباً ناموفق عمل کرده اند. در نهایت به لحاظ میزان آسیب به بافت اجتماعی ساکن در محدوده پروژه، تنها طرح احیای گذر تاریخی سنگ سیاه به لحاظ رویکرد محله محوری طرح، با در نظر گرفتن نیازهای مردم طراحی و اجرا شده است. با توجه به آنچه در پژوهش حاضر تبیین و بررسی گردیده است، در

به سمت پروژه‌های کوچک مقیاس، بعضاً اجرای پروژه‌های محرک توسعه و مشارکتی با بخش خصوصی تغییر یافته است. همچنین با بررسی نوع مداخله در یافت می‌توان از مداخله صرفاً کالبدی در پروژه بین الحرمین به مداخلات کالبدی توانان با محتوایی در سه پروژه دیگر رسید که حد اعلائی آن در طراحی مجموعه زندگی مشاهده می‌گردد.

#### ۴. تحلیل اقدامات صورت گرفته در یافت تاریخی شهر شیراز

نقطه مشترک کلیه پروژه‌های مداخله در یافت تاریخی شهر شیراز، بی توجهی محض به اصول توسعه پایدار بوده است که در هیچ کجای طرح‌ها و برنامه‌های تهیه شده کمترین اشاره‌ای به آن صورت نگرفته است.

همچنین در خصوص توسعه متوازن شاخص بر خورداری از خدمات هم بر ای ساکنان همجواری پروژه‌ها و هم مخاطبان فضاهای ایجاد شده اعم از گردشگران و بازدیدکننده‌ها، در نظر گرفته شده

بیت المقدس رهنمون می‌شود که در کارگاه بین اتملی شیوه‌های نوین «مرمت و حفاظت شهری» چنین اظهار داشته است که «مفهوم اصالت و یکی بودن می‌باید در هر گونه از ساخت و سازهای جدید رعایت شود» (همان: ۲۲۵). همچنین با مرور سیر تحول نظریات مداخله در یافت تاریخی چنین استنباط می‌گردد که دو دیدگاه اساسی «مشارکت دادن مردم محلی» در فرآیند طراحی و اجرای پروژه‌های مداخله در یافت‌های تاریخی و «توسعه گردشگری» از جمله مسائلی است که با گذشت زمان جزء لاینفک اهداف و ابزار مداخله گردیده اند.

با بررسی پروژه‌های مداخله در یافت تاریخی شهر شیراز به ترتیب توالی زمانی وقوع هر یک، توجه به این دور وویگرد - حتی به قدر ناچیز - مشاهده می‌گردد. هر چند این چرخش در تصمیم‌گیری حاصل کمبود اعتبارات دولتی در رویکرد فدیمی نملک، تخریب و بازسازی بوده است و نه حاصل دیدگاهی برآمده از تجربه و تحلیل دانش به روز جهانی در زمینه مداخله در یافت‌های با ارزش شهری. اما به هر روی نتیجه به سمت کسب درآمد پایدار برای مدیریت شهری از طریق توسعه گردشگری و مداخله مردم و جلب حداکثری این مشارکت با هدف کاهش هزینه‌های دولتی در فرآیند حفاظت از میراث تاریخی شهرها رهنمون گردیده است.

با مطالعه پروژه‌های اجرا شده در یافت تاریخی شیراز مشاهده می‌گردد که دیدگاه‌های مدرنیستی در «تقابل» با یافت تاریخی شهر در دهه ۷۰ تبدیل به رویکردی بینابینی در دیالکتیک سنت و مدرنیته در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ گردیده است. در این فرایند، امر مدرن از کلیت یکپارچه از نو ساخته شده (کالبد و عملکرد به همراه معنای جدید) به نوگرایی در تعریف عملکردهای جدید در «انطباق» با معنای «مسکن» تغییر کرده است. در این تطور تاریخی مقیاس پروژه‌ها از بسیار بزرگ و دولتی

پروژه‌های مرمت و حفاظت شهری در شیراز	پروژه توسعه بین الحرمین	پروژه مدرسه خال	طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه	پروژه زندگی (احیای میدان توپخانه)
پایداری	بی توجه به اصول پایداری	بی توجه به اصول پایداری	بی توجه به اصول پایداری	بی توجه به اصول پایداری
توسعه متوازن	فاقد توسعه متوازن	فاقد توسعه متوازن	دارای توسعه متوازن	فاقد توسعه متوازن
حفاظت از میراث	تخریب یافت کهن و ساخت یافتی نوین	حفظ و مرمت میراث	حفاظت از میراث	بازسازی میراث تخریب شده
ارتقا کیفیت محیط شهری	ایجاد کیفیت محیطی در گستره طرح در تضاد با شرایط همجواری‌ها	ایجاد کیفیت محیطی درون فضاهای طرح بدون در تضاد با وضعیت ناسامان پیرامون و عدم دسترسی مناسب	ارتقا کیفیت محیط شهری	ارتقا کیفیت محیط شهری
جلوگیری از صدمات اجتماعی	دارای حداکثر آسیب به یافت اجتماعی	دارای حداکثر آسیب به یافت اجتماعی	بدون آسیب به یافت اجتماعی	دارای حداکثر آسیب به یافت اجتماعی

جدول شماره ۱، ماخذ: نگارندگان

ادامه، نحوه ارتباط سنت و مدرنیته در مجموعه اقدامات و مداخلات صورت گرفته طی دهه‌های اخیر در بافت تاریخی شیراز مشخص گردیده است و توانایی خلق مکان با معنای ادر هر یک سنجیده شده است.

جدول شماره ۱: تحلیل اقدامات صورت گرفته در بافت تاریخی شهر شیراز به لحاظ میزان مطالبات باراهبردهای بازآفرینی شهری

با توجه به تحلیل اقدامات صورت گرفته در بافت قدیم شهر شیراز که در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است، به لحاظ نحوه رویارویی سنت با مدرنیته در شهری با کالبد دارای هویت و عملکرد ناکارآمد، چنین دریافت می‌شود که پروژه‌های بزرگ مقیاس بین الحرمین، زندیه و مدرسه خان به دنبال خلق کارکردهای مدرن و از صرف نظر از پروژه زندیه، در این رهگذر کالبد هم مدرن طراحی شده است. از این روی نوان ادعا کرد هیچ گونه حفاظت یا مرمت از کلیت یکپارچه بافتی که روزگاری همچو آراگ کریمخان یا مدرس ملاصدرا و یا حتی بیرامون شاهچراغ شکل گرفته است، دغدغه هیچ کدام از طرح‌های مذکور نبوده است. نهایتاً به لحاظ خلق مکان با معنا، در پروژه‌های بین الحرمین و مدرسه خان، حاصل مکانی است که در هر نقطه از جهان قابل احراز است لذا فاقد معنا می‌باشد. همانگونه که در تحلیل‌های ارائه شده در جدول مشاهده می‌گردد، توجه به بستر مداخله تنها در طراحی شهری محور سنگ سیاه مورد توجه طرح قرار گرفته است.

جدول شماره ۲: تحلیل اقدامات صورت گرفته در بافت تاریخی شیراز به لحاظ نحوه رویارویی سنت با مدرنیته

#### ۵. نتیجه گیری

بازآفرینی شهری و نوزایی شهری به ابزاری برای جامعه عمل پوشاندن به راهبردهای «پایداری»، «توسعه متوازن»، «حفاظت از میراث»، «ارتقاء کیفیت محیط شهری» و «جلوگیری از صدمات اجتماعی» تبدیل شده است که می‌توان از آن بعنوان پرهیز از خلق جزایر نوسازی در دریای زوال یاد کرد. در این فرآیند بازتعریف شهر تاثیر پذیری از فرهنگ را می‌توان به تعبیری غلبه نوگرایی بر سنت دانست که هم ارزش مفهوم برون زایی است و تاثیر گذاری بر آن را می‌توان غلبه سنت بر نوگرایی استنباط کرد که همانا مصداق درون زایی را به ذهن متبادر می‌کند. وقوع امر دومین است که خلق مکان را در شهر موجب خواهد شد. مکانی که معادار دارد این همانی پدید خواهد آورد. از این رو میتوان خلق اثر مدرن را در فرآیند مرمت و حفاظت شهری یا به تعبیر ادبیات نوین بازآفرینی، نوزایی شهری، محدود به

عملکردهای نوین در تطبیق با کالبد سنتی دانست. نوگرایی به معنای نفي مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و سنت و آداب جامعه نخواهد بود، بلکه نوگرایی عبارت است از یافتن یا بسنج مناسب زمان و مکان به ارزش‌های فرهنگی و بهره‌گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آنها. «نوگرایی» به معنای توجه به پویایی و تصفیه و تکامل مداوم فرهنگ جامعه می‌باشد.

نوگرایی به دستاوردهای علمی و فنی دیگران به عنوان وسیله و ابزاری برای تحصیل آلمان‌ها و اهداف انسانی منبعث از باور‌ها و فرهنگ ملی می‌نگرد، نه به عنوان عامل تشخیص و برتری آرزوی تحصیل آن به عنوان هویتی که بدون آن جامعه به حقارت مبتلا باشد، هویتی که رهپویی در راه وصول به آن نتیجه‌ای جز تمایل به تشبیه به صاحب فن اصلی و ظهور جلوه‌ای کاذب و بدلی که جامعه نیز به خوبی از آن آگاه بوده و آن را از خود نداند، نخواهد شد. علاوه بر آن توجه به سنت به معنای تکرار و تقلید هر آنچه که از گذشته است نبوده و بر اصول و مبانی نظری و فلسفی که خود نیز در حال تکاملند، متمرکز خواهد بود. به عبارت دیگر اصولاً سنت به معنای ارجاع به گذشته و مخالفت با تفکرات و آراء نو نمی‌باشد. بلکه سنت دقیقاً به معنای روش زیست، نگرش به جهان هستی و مبنای فعالیت‌های جامعه معنقد به آن می‌باشد. بدین ترتیب راهکارهایی چند در فرآیند مداخله در بافت‌های تاریخی بارویکرد فوق ارائه می‌گردد:

• نقض میراث ضد شهری و بازتعریف شهر به گونه‌ای مر تبط با شهر و ندان بعنوان مکانی که در آن زندگی، خرید و بازی کنند؛

• پذیرفتن شیوه مدیریت منابع که بر اساس آن ارزش‌های مربوط به منابع فرهنگی و مصالح همانند بازوهای حمایتی دو جانبه عمل کنند؛

• ثبت تدریجی شهرهای تاریخی موجود برای یک آینده پایدار، شناسایی و حفاظت از تمامی ارزش‌های فرهنگی ملموس و ناملموس؛

• بازتعریف و پرداختن به چالش حفاظت شهری و لحاظ کردن حفاظت بعنوان عاملی تعیین کننده در توسعه پایدار.

#### فهرست منابع

- ۱] رادول، دنیس (۱۳۹۳)، حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی، ترجمه پیروز حناچی و یلدا شاه تیموری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۲] لطفی، بسپند (۱۳۹۰)، تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی، انتشارات آذرخش، تهران.

میزان موفقیت در خلق مکان با معنا	نوع به بستر مداخلات و اقدامات	راهبرد کلی مداخله	ارتباط بین سنت و مدرنیته	پروژه‌های مرمت و حفاظت شهری در شیراز
حاصل مکانی است که بی توجه به شرایط قرارگیری در هر نقطه از جهان قابل اجراست. لذا فاقد معناست.	بدون توجه به بستر طرح	غلبه نوگرایی بر هر آنچه سنت نامیده می‌شود	دارای کارکرد مدرن دارای کالبد مدرن	پروژه توسعه بین الحرمین
حاصل مکانی است که بی توجه به شرایط قرارگیری در هر نقطه از جهان قابل اجراست. لذا فاقد معناست.	در عین احترام به مدرسه تاریخی خان و ۴ منزل میرانی موجود در طرح، کوچکترین اثری از بناها و کارکردهای تاریخی موجود در طرح جدید دیده نمی‌شود.	تخریب و بازسازی و مرمت تک بنا	دارای کارکرد مدرن دارای کالبد مدرن همچو از ابنیه حفاظت شده سنتی	پروژه مدرسه خان
موفق در خلق مکان با معنا به زعم مخاطبان مکان	توجه کامل به بستر مداخله	بهبودی عملکردی	همنشینی کارکردهای مدرن و سنتی دارای کالبد سنتی	طراحی شهری محور تاریخی سنگ سیاه
اساساً پروژه با هدف خلق مکان با معنا طراحی گردیده و در حال اجراست.	توجه نسبی به بستر مداخله بعنوان قلب فرهنگی و تاریخی شهر شیراز	تخریب و بازسازی و مرمت تک بنا	همنشینی کارکردهای مدرن و سنتی احیای کالبد سنتی	پروژه زندیه (احیای میدان توپخانه)

جدول شماره ۲